

نواب صدیق حسن خاں بھوپالی

کی

محرکۃ الآراء تصنیف

۱۱

الذم والثناء

:- باہتمام :-

۱۱

مطبع: محمد سعید "مکتبۃ التوحید"

غفار منزل ایکسٹنشن جامعہ نگر اوکھلا نئی دہلی ۱۱۰۰۲۵

نقشہ کار: ورلڈ اسلامک پبلیکیشنز جامع مسجد دہلی

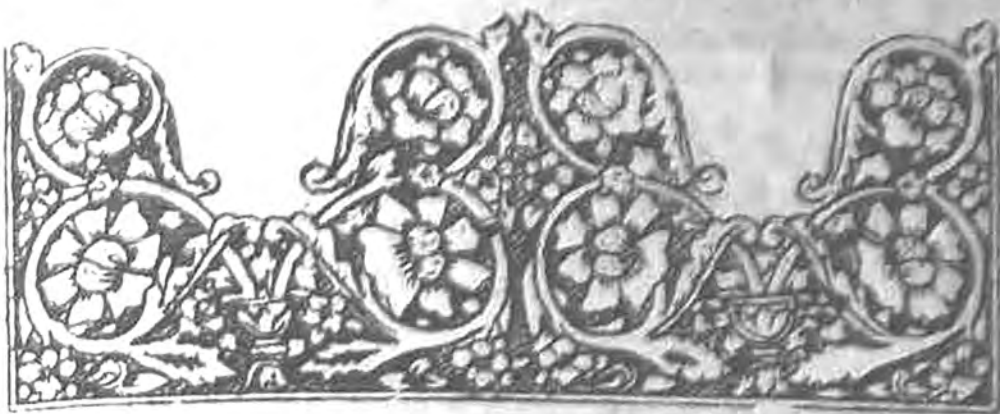
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الحمد والمنة که درین زمان سعادت و برکت احرار رساله نافعه
عالمه فاضل عامل کامل جناب محب لوی سید محمد صدیق حسن صاحب مقبره



زیر اہتمام

مفتی محمد سعید، مکتبۃ التوحید غفار منزل اکیس شیش معبر گزنی دہلی ۱۵
مسجد اہلحدیث غفرۃ عقب جمالی روڈ دہلی
تقسیم کارہ اور لد اسلامک پبلیکیشنز جامع مسجد دہلی ۱۵



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي ما أنزل داء إلا أنزل له شفاء والصلاة والسلام على رسول القائل
لكل داء دواء وعلى آله وصحبه الذين هم لارض الايمان سماء اما بعد اس مختصر تحریر میں
بعض ادعیہ ماثورہ واعمال صحیحہ کا ذکر کیا جاتا ہے جنکا تعلق عوارض و آفات و حیات میں
تمامات ہی مجملہ اپنے مشائخ حدیث و علماء دین کی انکی اجازت حاصل ہی یہ وہ احوال میں جو
صغار و کبار بنی آدم کو اکثر عارض ہوتے رہتے ہیں اور وہ استقامت میں جسے عافیت کہتے حاصل
ہوتی ہی اللہ تعالیٰ فی جسطح ہر مرض کی ایک دار و نازل کی ہی بطرح ہر بیماری کے لیے ایک دعا
بھی ارشاد فرمائی ہے دفع امراض و آلام و ادواء و استقامت کی لیے ذہری صورتیں ہوتی ہیں و دعا
یاد عا سو کتب حدیث شریف میں طب نبوی مذکور ہی لیکن لوگ اپنی بے شعوری و ضعف ایمان
کی وجہ سے عمل نہیں کرتے ہیں اطباء کی طرف رجوع لاتی ہیں طب ایامی کو چھوڑ کر طب یونانی میں
گرتے ہیں اسی لیے انکو تجربہ اسکے نفع کا نہیں ہے لیکن دعا کی طرف اکثر خلق کا اعتماد ہوتا ہے

صفحه	مقصد	صفحه	مقصد	صفحه	مقصد
۶۷	دفع کربت	۷۸	دفع ابتلابه بلاء	۸۴	برای بلاء کبد
۶۸	تخصیص بن جمیع الالقاء	۷۹	دفع خیال بد	۸۵	برای مصرع
۶۹	دفع انواع بلاء بدعا	۸۰	برای حفظ جان و مال	۸۶	ایضا برای مصرع یعنی صریح
۷۰	رد ضلالت و آفت	۸۱	دعای عطش	۸۷	ایضا برای مصرع
۷۱	عزیمت اخضر ساق	۸۲	برای هر نازله	۸۸	برای طبع و عرق النساء و غیره
۷۲	برای تب	۸۳	برای راسم کردن اجابت	۸۹	برای شنای مریض
۷۳	ایضا برای تب	۸۴	برای عدم تفرع از دشمن	۹۰	برای حافظه اطفال
۷۴	برای جمنی ریلج	۸۵	وقت ادا و سفر	۹۱	برای قضای حوائج
۷۵	برای درد سر	۸۶	برای حفظ از راهزنان و غیره	۹۲	برای سس ضرر و آذی
۷۶	ایضا برای درد سر	۸۷	برای حفظ از اهل بیعت	۹۳	برای حفظ ریح و مال و ارجن
۷۷	ایضا برای درد سر	۸۸	طعام داء	۹۴	دانش و حشرات
۷۸	برای شقیقه خاصه	۸۹	برای حمل	۹۵	برای معقود عن النساء
۷۹	برای درد دل	۹۰	برای عدم استقامت نسا و ثناء	۹۶	ایضا برای معقود از نسا
۸۰	برای درد دندان	۹۱	برای تولد ذکر	۹۷	برای سحر
۸۱	برای رمی رمه	۹۲	برای قاصر از زن	۹۸	برای عطف و وجاهت
۸۲	برای رعاف	۹۳	برای عدم انزال وقت جماع	۹۹	ایضا برای اصطلاح با هم
۸۳	نماز استخاره	۹۴	برای فتور و استرخا و غیره	۱۰۰	برای بلب
۸۴	ایضا طریق استخاره	۹۵	برای ربانی از قید	۱۰۱	برای نسل یعنی تسهیل ولادت
۸۵	استخاره مجرب و صحیح	۹۶	برای خوف از قتل و عذاب	۱۰۲	ایضا برای حصر ولادت
۸۶	برای بقای نعمت	۹۷	باب چهارم بیان بعضی	۱۰۳	برای حش یعنی مارگزیده
۸۷	و عدم زوال دولت	۹۸	منافع آیات کتاب الله	۱۰۴	برای نقصان زمین

صفحه	مقصد	صفحه	مقصد	صفحه	مقصد
۹۴	اینها برای نقصان زمین	۱۱۰	برای عمارت خانه دوک	۱۱۶	برای بطلان المظالم
۹۵	برای محوین و عمارت بستان	۱۱۱	وزین و بستان	۱۱۷	برای هلاک ظلم
۹۶	برای کشت غنم	۱۱۲	برای امور مذکوره	۱۱۸	برای بطلان بیع و شرا
۹۷	ایضا	۱۱۳	برای خطبه زن و طلب لای	۱۱۹	برای رجم خانه
۹۸	حدیث قلنوه	۱۱۴	از سلطان یا امیر یا حلیب	۱۲۰	باب پنجم بیان میرا مال
۹۹	کلمات العزّة	۱۱۵	برای رکوب دریا	۱۲۱	قون جمیل و غیره
۱۰۰	برای دوسه نماز و وضو	۱۱۶	برای سکون موج دریا	۱۲۲	برای غنای قلبی و قنای
۱۰۱	خواب پریشان و مکروه	۱۱۷	برای دفع خیالات فاسده	۱۲۳	برای درد دندان و درد
۱۰۲	برای وعید قتل	۱۱۸	برای خفقان و جعیت قلب	۱۲۴	در یاج
۱۰۳	برای سلمان شدن	۱۱۹	برای استخراج مدفون و می	۱۲۵	برای رفع حاجت و روفاج
۱۰۴	برای عسر بول	۱۲۰	برای استخراج سحر مدفون	۱۲۶	و شفا کے مریض
۱۰۵	برای سلس البول	۱۲۱	برای حفظ دینه	۱۲۷	برای گزیدن سگ دیوانه
۱۰۶	ختم قرآن کریم برای فضا	۱۲۲	برای اخبار عمل	۱۲۸	برای دفع فاقه
۱۰۷	حوالک و طریق تلاوت	۱۲۳	برای خرید شے جدید	۱۲۹	برای مسان
۱۰۸	برای جزد و حجاب	۱۲۴	برای تکثیر آب چاه و نهر	۱۳۰	برای بیدار شدن از شب
۱۰۹	اسماء السعد الحسنی	۱۲۵	زوال بیم و غم و عشق	۱۳۱	برای حفظ اطفال
۱۱۰	برای کفایت احوال نیا و آخرت	۱۲۶	برای هوام	۱۳۲	برای امان از هر آفت
۱۱۱	برای هر حاجت و مطلب	۱۲۷	برای تفرقه اهل معاشی	۱۳۳	برای حفظ چچک
۱۱۲	برای درد گردن	۱۲۸	برای دروغ	۱۳۴	برای حاجت روائی
۱۱۳	برای صموت اعداء	۱۲۹	برای حفظ حامله و طفل بسیار	۱۳۵	برای حاجات مشکله
۱۱۴	برای تشریستان	۱۳۰	برای ازاله عقم	۱۳۶	برای آسیب زده
۱۱۵	برای سرسبزی باغ و کشت	۱۳۱	برای حفظ و فصاحت طفل	۱۳۷	ایضا
		۱۳۲	برای هتر اعدا	۱۳۸	ایضا

صفحه	مقصد	صفحه	مقصد	صفحه	مقصد
۱۲۲	ایضا	۱۳۲	برای بخار یعنی گندم بالا	۱۳۹	دعای پیرس علی السلام
۱۲۳	برای دفع جن از خانه	"	برای سرخ باده	"	حصول هر مطلب
"	سنگ باری	"	برای ضعف بصر	۱۴۱	دعای حزب الجسر
"	برای عقیقه	"	برای صرع یعنی مرگی	۱۴۳	ختم صبیح بخاری برای دفع
"	برای اسقاط جنین	۱۳۷	طریق ختم خلجکان ضعیف	"	جمله نوازل
۱۲۵	برای درد زده	۱۳۶	ختم حضرت مجدد شیخ احمد	۱۴۵	برای اسهال
"	برای فرزند زنی	"	سهرندی رضی الله عنه	"	برای رتودگ شده
"	برای زنی که فرزندش زید	"	ختم فتادریه	"	برای بدین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواب
"	ایضا برای فرزند زنی	"	دیگر ختم قادریه	"	صلوة تجینا
۱۲۶	برای زن سحره یعنی دامن	"	ختم لایلاف	"	صلوة تنزیحیه قرطیه
"	ایضا برای چشم زخم	۱۳۷	ختم برای میت	۱۴۷	برای کشف وقایع آینده
"	ایضا برای چشم زخم	"	تعوذ برای هر مرض درد	۱۴۷	برای کشف ارجوح
۱۲۷	ایضا برای چشم زخم	"	تعوذ برای رفع تپلرده	۱۴۸	برای حصول امر مشکل
۱۲۸	برای سحر و مریض بوس العلاج	"	برای سرخ باده	"	برای انشراح خاطر و دفع غم
"	برای گم شده	۱۳۸	برای در چشم	۱۴۹	برای شفای مرض و غیره
۱۲۹	برای شناختن دزد	"	برای چپک	"	ربط قلب به شیخ
"	برای برده گریخته	"	برای شفای مریض	"	برای کشف قبور و شفای غایب
۱۳۰	برای برآمد کار	"	ایضا برای شفای مریض	۱۵۰	صلوة معکوس
"	دیگر طریق استخاره	۱۳۹	برای حفظ زراعت	۱۵۱	صلوة کن فیکون
۱۳۱	استخوانه حرکات و سکات	"	برای دفع خواب و یربان	"	برای سلب مرض
"	از کتاب فتوحات	"	برای دفع اماس کله	"	برای لشراف بر خواهر
۱۳۲	برای شب	"	برای دفع بواسیر	۱۵۲	

صفحه	مقصد	صفحه	مقصد	صفحه	مقصد
۱۵۳	فصل بیان من اعمال	۱۴۵	ابواب و نفی از منیات	۱۴۵	برای جای خوشنماک
	حیوة الحیوان کے	۱۴۱	برای غنوجہائیم حسن عاقبت	۱۴۵	برای ہلاک عدو
۱۵۴	برای انجاء حاجت	۱۴۱	برای اہل شدن سکران موت	۱۴۶	برای محمود یعنی تپ زود
۵۵	برای حصول قوت برکت	۱۴۱	برای حفظ آب و حرمت	۱۴۶	برای من مکان
	ورودیت نبوی صلی اللہ علیہ و	۱۴۱	برای حفظ از جمیع آفات و	۱۴۶	برای دفع دشمن
	آلہ وسلم	۱۴۱	بلیات و کمروہات دنیا	۱۴۶	ختم سورہ النعام
۱۵۵	برای نجات روز قیامت	۱۴۱	برای دفع شر اعدای نبوی	۱۴۶	برای دیرانی باغ و خانہ دشمن
	وحیات قلب	۱۴۱	دعای کرب	۱۴۶	برای کفایت ہم
۱۵۶	برای حفظ ایمان تا قیامت	۱۴۲	درود برای وظیفہ دوم	۱۴۶	برای اذہاب خوف و فرغ
۱۵۷	اسم اعظم	۱۴۲	برای حفظ از آفات دارین	۱۴۶	و ہم و غم و حزن
۱۵۸	برای قضای حوائج	۱۴۲	نوع دیگر	۱۴۸	برای حرز از خوف و فرغ
۱۵۹	برای صدق در دوق و	۱۴۳	فصل اعمال کتابت فتح الملک	۱۴۸	از راہ نرمان
	سلامت و غیرہ	۱۴۳	للشیخ احمد دیربی رحمہ اللہ	۱۴۸	برای رفع مصیبت و ازالہ
۱۵۹	برای دخول بر سلطان	۱۴۳	برای جلب ہر خیر و دفع ہر	۱۴۸	کرب و ہم
۱۶۰	برای عدم جمع و عطش	۱۴۳	شر و ترویج بضاعت	۱۴۹	دوا و ہم و غم
۱۶۰	برای تجارت	۱۴۳	برای محبت و مودت	۱۴۹	برای عز و کرامت ظالم
۱۶۰	برای خوف تلف	۱۴۳	برای خصم و حصول برکت	۱۴۹	برای ہلاک عدو
۱۶۰	برای در و سر	۱۴۳	برای زندگی اولاد	۱۵۰	ختم قرآن شریف
۱۶۰	ایضا برای صداع	۱۴۳	برای ہلاک دشمن	۱۵۰	سجہ نجات
۱۶۰	ایضا برای صداع	۱۴۳	برای سوختن جن	۱۵۱	برای نجات از مار
۱۶۰	فصل برای غیبت در	۱۴۳	برای حسن حال	۱۵۱	برای امن از سوء خاتمہ

صفحه	مقصد	صفحه	مقصد	صفحه	مقصد
۱۴۲	برای التماس امر		علیه و آل و سلم در خواب	۱۸۲	برای زوال حجب
"	برای سکون دریا	۱۴۴	برای حفظ از سلطان ظالم	"	برای انجام حاجت
۱۴۳	حزب البحر		و دزد و درنده و گزنده	"	برای حفظ و دعوت و شفاعت
"	برای عین و نظره	"	برای اقبال خلعت	"	برای صلح بین الزوجین
"	تقویت	"	برای دفع تشیل	۱۸۳	برای تسهیل ولادت
"	ایضا برای خمی	"	برای حل مسقود	"	ایضا برای تسهیل ولادت
۱۴۴	حجاب القرناء و التوابع	۱۴۸	برای ولادت مولود ذکر	"	برای تسبیح
"	برای رعا فی غیث بنی	"	برای عرق النساء	"	برای دفع جن
"	برای قوت جماع	"	برای توسیع رزق حلال	۱۸۴	برای دفع دوسوسه شیطان
۱۴۵	برای شئی ضائع شده	"	برای قضای حاجت	"	فصل بیان من از کار و ادعیه
"	برای شناخت دزد	۱۴۹	برای تفریح هر کس	"	ماثوره از کتاب عده الحصین
"	برای طرد بلی و برخواست	"	برای حفظ از احتلام	"	سه بروایات مرفوعه صحیح
"	و نخل و موس	"	آیات شفاء	"	اللهم حققنا بذلک
"	فصل احوال مجربات امام	۱۸۰	برای تحصیل خیرات دارین	"	دعای صبح و شام
"	شیخ محمد بن یوسف سنوی	"	برای رویت حبیب مذکور	۱۸۵	ادعیه بلا قید صبح و شام
"	حسنی رحمه الله تعالی	۱۸۱	برای زیادت عمر و قیامت	"	ختم حصن حصین
"	برای ددازی عمر و حفظ از مرگ	"	از سوره خاتمه و نصر بر دشمن	"	دلائل الخیرات
۱۴۶	برای جمع میان اجبه	"	و سعادت رزق	۱۸۸	برای دفع سحر و حرز از شیطان
"	برای قوت بر طاعت	"	حفظه	"	و دزدان و درندبا
۱۴۷	برای رویت نبی صلی الله	"	برای تسلی از زن غیر مسیتر	۱۹۰	خاتمه

انظر خاکسار فقیر محمد انصاری

گزارش

وقفہ انسداد لائن الاعمال والاوقات

بزرگان اہل علم و عمل و علمای صاحب بصیرت و ادراک کی خدمت میں گزارش ہے کہ اعلیٰ حضرت
جناب مولوی سید محمد صدیق حسن خان صاحب جنت آستان فیہ رسالہ الدار والدوار
نہایت عمدہ و جامع تالیف فرمایا اسکی دعائیں اور تعالیق و تعاوید بلا شک و شبہ سیرت
ہیں۔ اہمیت کہ اکثر علمای ذوی العقول کی کتب معتبرہ سے ان دعاؤں کو اخذ فرمایا ہے۔ کسی
مسلمان کو ان اعمال پر عمل کرنے میں نہ وقت و دشواری ہے نہ محبت اسی کی کہ تمام تر بسبب
کلام مجید و سنت نبوی سے اخذ کی گئیں اور اکثر مسلمان قرآن مجید تو پڑھے ہی ہوتے ہیں
لہذا کچھ دشواری ہی نہیں۔ جناب مرحوم نے جیسا کہ خود آخر کتاب میں تحریر فرمایا ہے جناب
مولوی محمد یعقوب صاحب مغفور مہاجر کہ مغلطہ سے اور دیگر مشائخ و علمای اجازت ان اعمال کی
حاصل فرمائی تھی اور یہ بھی تحریر فرمایا ہے کہ اکثر انہیں خود انکے تجزیہ کیے ہوئے ہیں۔ اگرچہ
وقت تالیف کے حضرت مولف رحمۃ اللہ علیہ نے اس کتاب کے اعمال کی اجازت اپنی اولاد
کو اخذ و کو دی تھی اور یہی آخر کتاب میں تحریر بھی فرمایا تھا۔ مگر طبع کتاب کے بعد ایک موقع
پراس خاکسار کو بھی بحال شفقت اجازت خاص عنایت فرمائی تھی چونکہ اس کتاب کو چھپ
ہوے ۲۴ برس گزر گئے اور اب اسکی نسخے بہت کیاب ہیں اسلی خاکسار نے نظریہ اجازت خاص
و نفع عام اس رسالہ نافعہ کو بصرف زر و کثیر و اتہام و اقصای مبلغ بار و گر چہ پوایا ہے اور تمام مسنین
و مؤنسات کو اجازت عامہ دیتا ہوں اللہ تعالیٰ ثانی مطلق و مؤثر برحق اسکی تائید سے کتب محفوظ

فہرست مقاصد کتاب الدار والدار

صفحہ	مقصد	صفحہ	مقصد	صفحہ	مقصد
۴	مقدمہ میں بیان میں کہ دعا	۱۸	سورہ طہ	۲۷	دعای کرب ایضا
	ملف ہمتی ہی اور دعا کرنے کا	۱۹	سورہ اذالزلت	۲۸	دعای کرب ایضا
	حکم شفا ثابت ہی	۲۰	سورہ الہاکم التکاثر	۲۹	دعای ہم و غم یعنی فکر و رنج
۸	باب اول بیان میں فوائد تلاوت	۲۱	سورہ کافرون	۳۰	دعای زوال النون علیہ السلام
	قرآن کریم اور بعض سو روایات	۲۲	سورہ او اچار نصر اللہ	۳۱	دعای ہم و حزن
	فرقان عظیم کے	۲۳	سورہ اخلاص	۳۲	دعای ہم و ہر دہر و خصوصاً ہم
۹	فصل ثانی	۲۴	سورہ فلق و ناس	۳۳	دعای غم و غم و غم و غم
۱۱	فصل سورہ فاتحہ	۲۵	سورہ الم تنزیل	۳۴	دعای کرب و شدت
	رقیہ در چشم و غیرہ سورہ فاتحہ	۲۶	سورہ حشر	۳۵	توقع بلا و امر بولناک
۱۲	رقیہ طاغون بفاقہ	۲۷	سورہ واقفہ	۳۶	دعائی غلبہ امر
۱۳	سورہ بقرہ	۲۸	سورہ انا انزلناہ فی اللیلۃ	۳۷	دعائی مصیبت
	آیہ الکرسی	۲۹	سورہ الم نشرح	۳۸	دعائی استعصاف امر
۱۵	آیتین آخر سورہ بقرہ	۳۰	سورہ طہ	۳۹	دعای در ماندگی و زیادت
	سورہ انعام	۳۱	باب دوم بیان میں عوارض	۴۰	دعای خوف از سلطان با حیا
۱۶	سورہ کہف	۳۲	و آفات کہ جو انسان کو حیا	۴۱	دعای خوف از سلطان
۱۷	سورہ طہ و غیرہ	۳۳	مات من فکر مند کرتی ہیں	۴۲	دعای خوف از شیطان و غیرہ
	سورہ یس	۳۴	دعای کرب	۴۳	دعای فرج یعنی گہر منت کی
۱۸	سورہ فتح	۳۵	دعای کرب ایضا	۴۴	دعای ہر شب شیطان

صفحه	مقصد	صفحه	مقصد	صفحه	مقصد
۳۶	دعای وسوسه	۵۰	رقیة مرض	۵۸	دفع خواب پریشان
۳۸	دعای رکان بولنیکی	۵۱	دعای مریض	۵۸	دفع قلت نوم
۳۹	دعای غضب و خشم	۵۲	مرض موت	۵۹	حفظ از سوء شیطان
۴۰	دعای حذر لسان یعنی تیز زبانی	۵۲	مرض موت ایضاً	۵۹	برای فرغ دارق
۴۱	دعای قرض	۵۳	مرض موت ایضاً	۶۰	حضرت کو خواب مین بکشی
۴۲	دعای قرض ایضاً	۵۳	مرض موت ایضاً	۶۱	دفع جن
۴۳	دعای نظر بد	۵۴	مرض موت ایضاً	۶۱	دفع همت
۴۴	دعای دیوانگی	۵۴	مرض موت ایضاً	۶۲	برای صرع
۴۵	دعای جنون ایضاً	۵۵	مرض موت ایضاً	۶۳	برای راه یابی
۴۶	دعای کژدم گزیده	۵۵	مرض موت ایضاً	۶۴	حفظ و بسط رزق
۴۷	رقیة محروق	۵۶	مرض موت ایضاً	۶۵	نصره الحرب
۴۸	احتباس بول و حصاة	۵۶	مرض موت ایضاً	۶۶	هتیار اثر نه کر
۴۹	پھوڑا پھنسی	۵۷	مرض موت ایضاً	۶۷	چشم زخم
۵۰	درد دندان و گوش	۵۷	مرض موت ایضاً	۶۸	ایضا برای چشم زخم
۵۱	آنکھ کا دکھنا	۵۸	مرض موت ایضاً	۶۹	برای زبان بندی
۵۲	تب	۵۸	مرض موت ایضاً	۷۰	ایضا برای عقد لسان
۵۳	درد جسم و غیره	۵۹	مرض موت ایضاً	۷۱	برای خوف از سلطان و غیره
۵۴	وجوہ الم در بدن	۶۰	مرض موت ایضاً	۷۲	برای وقایت از هر سوء
۵۵	بیماری	۶۱	مرض موت ایضاً	۷۳	برادوت من النار
۵۶	حصول گزند و مخنی جیت	۶۲	مرض موت ایضاً	۷۴	جلب رزق
۵۷	سرق و حرق	۶۳	مرض موت ایضاً	۷۵	عقران و دنب و کفایت هم

وقت حقوق عوارض کے اطفال وغیرہم کو گندے تعویذ وغیرہ تلماش کرتے پھرتے ہیں اور کوئی
 جاہل فقیر یا عابد بی علم انکو ایسی دعا بتا دیتا ہے جو مافوق نہیں ہی یا اس میں شرک ہوتا ہی مستحکم
 اعلیٰ درجہ کا احسان یہ ہے کہ انسان رقیہ نہ کرے اور نہ کرائے کی نہ کچھ اسپر وعدہ دخول جنت
 کا بلا حساب حدیث صحیح میں آیا ہے لیکن اکثر خلق متوکل علی اللہ نہیں ہوتی ہی اسلیٰ شارع نے
 رقیہ کو جائز رکھا ہے مگر اس شرط سے کہ آیت یا حدیث سے ہو اور عربی زبان میں مفہوم المعنی
 ہو وگرنہ امثال منج و اہل علم نے اس طرح کے رُتے ذکر کیے ہیں اور خلق میں انکا نفع دیکھا گیا
 ہے میں بھی بچوں کی بیماری میں اکثر ان اعمال کو جو کتاب قول جمیل مالیف شاہ ولی اللہ
 محدث دہلوی میں مذکور ہیں استعمال میں لاتا ہوں مجھکو انکی اجازت بھی مولوی محمد یعقوب
 مرحوم مہاجر مکہ معظمہ نواسہ شاہ عبدالغفر دہلوی سے حاصل ہی وقت علی ہذا حضرت نے
 فرمایا ہے احب عباد اللہ تعالیٰ الیہ انفعھم لعبادہ اور ارشاد کیا ہی اذ امانات ابن آدم قطع
 عملک الا من ثلاث صدقہ جاریہ او علم ینتفع بہ او ولد صالح ینفع عوالدہ اور علماء کا اس
 اجماع ہی کہ نوافل علم افضل ہیں نوافل عبادت سی اسلیٰ کہ نفع علم کا متعدی الی الناس ہوتا ہے
 اور نفع عبادت کا قاصر علی العابد رہتا ہے بناؤ علی ہذا سینے اس رسالہ مختصر میں بعض اوجہ
 و ترتیبات کو جو مجھے پہونچے ہیں اور بعض اعمال کو جو صحیح طور پر علمای ربخین ثوابت ہوئے ہیں لکھا
 تاکہ گھر میں یہ رسالہ موجود رہے اور وقت عوارض و آفات کی بحول اللہ و قوتہ اس سی نفع لیا جا
 میں ان اعمال و ادعیہ کی اجازت اپنی اہل بیت و اولاد و احفاد کو دیتا ہوں لیکن انکو یہ چاہی کہ
 براہ سہل انکاری اس تعامل کو لہو و لعب نہ ٹھہریں بلکہ ساتھ حسن عقیدت و کمال دہ حضور دل کے
 ہر رقیہ و دعا کو اسکے موقع پر موافق ترتیب و قاعدہ مقررہ کے بلا کم و کاست استعمال میں لائیں
 ۵ حسن دعای تو گر مستجاب نیست مرغ بہ نثار زبان دگر و دل دگر دعا چہ کند

پھر اللہ تعالیٰ کو شافی و کاشف سوء و ضرر و نافع سمجھیں اور جو گندی و تعویذ یا دشمنانی نکالی ہیں اور
انکو حروف ابجد یا ہند سے میں لکھا ہے یا انہیں اسماء غیر ابدی استعانت لی جاتی ہے یا وہ واسطی

کسی ضرر یا امر ناجائز کے استعمال ہوتے ہیں اس سے محترز رہیں شرعی فی فرمایا یہی جمعیت فی

ذٰلک ما نقل عن النبی صلی اللہ علیہ والہ وسلم وعن الصحابة وعن جماعة من العلماء والاویا

ما جرب وصحیح محمد اللہ تعالیٰ والمسئول من اللہ سبحانہ و تعالیٰ ان ینفع بذلک من استعملہ

فی طاعة اللہ ونفع المسلمین وان یحجب نفعہ عن استعملہ فی ضرر احد من الناس لجمعین نعم

اس رسالے میں اول اعمال کو ذکر کیا ہے جو اللہ و رسول کے کلام میں آئے ہیں پھر علماء و

مشائخ کے اعمال کا بیان کیا ہے یہ رسالہ ایک مقدمہ پانچ باب و ایک خاتمہ پر مضمون ہے اور اسکا

نام **الداء والدواء** رکھا ہے مرض و طرح کے ہوتے ہیں ایک قلبی دوسرے قلابی

دل کی بیماری اوصاف ہلکات سے ہوتی ہے وہ دس مرض ہیں جیسے حسد و غضب و کبر

و حرص و عجب و ریا و غیرہ انکابیاں اور انکے علاج رسالہ لسان العرفان میں مذکور ہیں اب

کی بیماری غالباً اکل و شرب سے ہوتی ہے اسکو شہوت طعام کہتے ہیں اسی کا نتیجہ شہوت

فرج بھی ہے اسکا بیان مع علاج کتاب احیاء العلوم میں مرقوم ہے لکن وہ علاج شرعی ہے

اور عرفی علاج ایسے امراض کا وہ ہے جو حشائش و عقاقیر سے اہل طب کیا کرتے ہیں اس جگہ

جنس علاج کا ذکر ہو گا وہ ادویہ و اعمال سے ہو گا نہ مجاہدہ و ریاضت و طب ہی کہ اس کا

محل دوسرا ہے واللہ المستعان

مقدمہ اس بیان میں کہ عانا نفع ہوتی ہے اور دعا کرنی کا حکم شرعاً ثابت ہے

حدیث نعمان بن بشیر آیا ہے کہ حضرت نے فرمایا ہے الدعاء هو العبادة ثم تلاو قال
ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جہنم ذالین

اخراجہ ابن ابی شیبہ وصحیح الترمذی وابن حبان وحاکم انس کا لفظ نزدیک ترمذی
 کے رفعاً یہ ہے الدعاء مع العبادة آیت وحدیث دونوں دلیل ہیں اس بات پر کہ دعا
 عین عبادت ہو اور ترک دعا استکبار ہے ابن عمر رفعاً کہتے ہیں من فتح له في الدعاء منكم
 ففتح له أبواب الاجابة رواه ابن ابی شیبہ والترمذی وابن حبان وحاکم وقال
 صحیحہ الاسناد یعنی جسکو توفیق دعا کی ملتی ہو اسکے لیے دروازہ اجابت کا کھل جاتا ہے
 سلمان کا لفظ مرفوع یہ ہے لا یرد القضاء الا الدعاء ولا یزید فی العمر الا البر والدعاء للتردد
 وصحیحہ ابن حبان دوسرا لفظ یہ ہے لا یرد القدر الا الدعاء الخ یہ دلیل ہے اس پر کہ دعا رافعہ
 ہوتی ہے اگرچہ اس بلا کے اترنے کا حکم ہو چکا ہو اس باب میں اور حادثہ بھی آئی ہیں
 کریمہ بحوالہ ما یشاء وثبت وعنده امر الكتاب ہی اسی پر دلیل روشن ہے ولله الحمد عائشہ
 لفظ مرفوع یہ ہے لا یضی حذر من قدر والدعاء ینفع ما نزل وما لم یزل وان البلاء
 لینزل فیتلقاه الدعاء فیصلح ان الی یوم القیامۃ اخراجہ حاکم والبخاری والطبرانی والخلیب
 معلوم ہوا کہ دعا بھی ایک قدر و قضا کی آہی ہے اللہ کبھی کسی بندے کے لیے ایک حکم مفید جاری
 کرتا ہے کہ وہ دعا نہ کر گیا لکن جب بندہ دعا کرتا ہے تو اللہ اس بلا کو اس دعا کی وجہ سے
 دفع کر دیتا ہے دوسرا لفظ عائشہ کا یہ ہے لیس شیء اکر مر علی اللہ من الدعاء اخراجہ الترمذی
 ابن حبان واحمد والبخاری فی التاریخ وابن ماجہ وصحیح الحاکم وواقعہ الذہبی وجہ مکرر ہے
 دعا کی یہ ہے کہ دعا دلیل ہے اللہ کی قدرت اور بندے کے عجز پر یا اس لیے کہ دعا مغز عبادت
 اور عین عبادت ہے اسی لیے اللہ تعالیٰ اس کا اکرام کرتا ہے حدیث ابو ہریرہ میں مرفوعاً آیا
 من لم یسأل اللہ ینضب علیہ رواہ الترمذی وفی روایۃ من لم یدع اللہ غضب علیہ
 رواہ ابن ابی شیبہ یہ دلیل ہے اس بات پر کہ پکارنا بندے کا اپنے رب کو اہم واجبات و

اعظم مفروضات سے ہے کیونکہ واجب ہونے میں تجب کی غضب خدا کی کسی کا خلاف نہیں
 ہے آیات کتاب اللہ ہی اسی پر دلیل ہیں اذ عوفی استجب لکم امن بحیب المضطر اذ دعا
 ویکشف السوء واذ اسألت عبادی عنی فانی رقیب اجیب دعوی الداع اذ دعایت
 شکوائی نے فرمایا ہے فان هذا التعلیل بالقرین الی الوعد بعدہ بالاجابة یقطع کل معذرة
 ویدفع کل تعلل انھو حدیث انس میں فرمایا ہی لا تعجزوا فی الدعاء فانه لن یتھلک مع الدعاء
 اخر جہان حبان وصحیہ والحاکم والضیاء فی المختارۃ اس میں بھی ہے ترک دعای اور بشارت
 ہے اس بات کی کہ ہرگز دعا کے کوئی ہلاک نہیں ہوتا ہے پھر حدیث ابو ہریرہ میں فرمایا ہے
 جکویہ بات خوش آئے کہ اللہ اسکی دعا وقت سختی و کرب کو قبول کرے تو وہ حالت رضا میں
 بہت دعا کیا کرے رواہ الترمذی اکثر لوگ مصیبت کے وقت تو دعا کیا کرتے ہیں اور دعا
 امن و صحت و رفاہیت میں اللہ کو بھول جاتے ہیں اسلئے انکی دعا جلد قبول نہیں ہوتی حدیث
 ابو ہریرہ میں دعا کو سلاح مومن دستون دین و نور آسمان و زمین فرمایا ہے رواہ الحاکم دعا
 کو اس جگہ تشبیہ دی ہے ہتھیار سے کہ جس طرح ہتھیار سے مقابلہ دشمن کا کرتے ہیں اسی طرح دعا
 سے مقابلہ مصیبت کا کیا جاتا ہے پھر تیسری حدیث ابو ہریرہ میں فرمایا ہے کہ کوئی مسلمان اپنا
 موخہ سامنے اللہ کے واسطے دعا کے استاد نہیں کرتا مکن اللہ اسکا سوال پورا کرتا ہی یا تو
 بغیل کرتا ہے یا اسکے لئے ذخیرہ کر رکھتا ہے رواہ احمد بہر حال اگر دعا کا ضائع نہیں جاتا خوا
 بیان قبول ہو یا آخرت میں ذخیرہ ہو وللہ الحمد یہ بیان دعا کا تمار بار فیہ سو جا کرتی
 ہیں کہ حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے فرمایا ہے من استطاع وکن ان یتفع اخاء فلیہ فعة
 رواہ مسلم یہ حدیث اگرچہ خاص حق میں رقیہ کزدم کے آئی ہے لیکن اعتبار عموم لفظ کا ہے
 یہ خصوص سبب کا اور حدیث عوف بن مالک اشجعی میں فرمایا ہی لا یأس بالرقی ما لکن فیہ شرا

دعاہ مسلمہ اور نظر کا عمل خود حدیث ابن عباس میں نزدیک مسلم کے آیا ہے مگر ابن سعد
 کہتا ہے کہ حضرت نے فرمایا ان الرقی والتماثر والتوالہ بشرک رواہ ابوداؤد مراد اس سے
 وہ رقیہ و تمیہ ہی جس میں شرک ہو تمیہ کہتے ہیں تعلیق خرزات کر بچے کے گلے میں واسطی ذریعہ نظر
 وغیرہ کے پہرہ بتونید کو تمیہ کہنے لگے مجازاً تو کہ ایک نوع ہے سحر کی جس سے درمیان بی بی و
 میاں کے محبت پیدا ہو اسی طرح حدیث جابر میں نشرہ کو عمل شیطان فرمایا ہے رواہ ابوداؤد
 حاصل یہ ہے کہ جو رقی جاہلیت و اہل کفر و شرک کے ہیں وہ ممنوع و منہی عنہ ہیں اور ان کا ذکر
 کتاب دعایہ الایمان میں کیا گیا ہے اور جو رتنے اسلام کے ہیں اور قرآن و حدیث
 صحیح سے ثابت ہیں یا علماء اہل توحید سے ماثور ہیں اور انہیں استعانت بغیر اللہ میں
 ہے وہ بلا شک جائز ہیں خود حضرت نے اس طرح کا رقیہ حسنین علیہما السلام کے لیے کیا
 تھا اور سب سے بہتر رقیہ قرأت سورہ فاتحہ و اخلاص و معوذتین ہے تفصیل اس مسئلے
 کی مہنے کتاب دلیل الطالب میں لکھی ہے شرحی نے فائدہ ہشتاد و شتم میں کچھ اوراق
 اسماء الہی کے بھی حروف مقطعه و ہندسہ میں ذکر کیے ہیں اس نظر سے کہ وہ اسماء الہی
 ہیں انکا نفع یقینی ہے لیکن اس وجہ سے کہ یہ طریقہ کتب سنت میں نہیں آیا ہے اور بعض اوراق کا
 تعلق طراہات کو اکب سبعہ سے بیان کیا ہی اس لیے ترک انکا فعل سے افضل ہی تاکہ علم نجوم کے
 لوٹ سے طہارت حاصل رہے یہی حکم خطوط رمل کا ہے اور انتاب جعفر کا طرف اہل بیت
 رسالت کے صحت کو نہیں پہنچا الیصل جو علم ایسا ہے کہ اخذ اسکا مشکوٰۃ نبوت سے نہیں
 ہے اس سے گو دنیا میں نفع متصور ہو لیکن درحقیقت وہ ضرر محض ہی اعمال آیات و احادیث
 میں اللہ پر توکل اور اللہ سے استعانت ہوتی ہے اور رمل و جفر و نجوم میں غیر اللہ پر توکل ہونا
 ہے اور مدارک غیوب سے مدد لیجاتی ہے خالی ہونا ان اشیاء کا انواع شرک جلی یا خفی ہے

شکل و ایمان سی چیز کو اشتباہ میں ڈالنا کوئی عقل نہیں ہی بلکہ المؤمنون و قافون عند الشک
 باب اول بیان میں فوائد تلاوت قرآن کریم اور بعض سورہ و آیات فرقان عظیمہ
 شیخ احمد شری حنفی مبنی نے کتاب الفوائد فی الصلوٰۃ و العوائد میں لکھا ہے اس میں شک نہیں ہے
 کہ تلاوت قرآن شریف کی بہت سی عبادات سی فضیل ہی ترمذی نے ابن مسعودی رقماریت
 کیا ہی من قرأ حرفاً من کتاب اللہ فلہ حسنة و الحسنة بئسراً مثلاً لھا الا قولہ الم حرف و لکن الف
 حرف و لا م حرف و میم حرف مراد حرف سی اس جگہ حرف بسیط مفرد ہی نہ کلمہ و هذا اجر کبیر
 و ثواب عظیم و یسأل محمد ابن عباس نی کہا ہے تم قرآن پڑھا کر جس ل نی قرآن یاد کر لیا اسکو
 عذاب نہ ہوگا۔ اور صحابہ قرآن کا مصحف میں پڑھنا دوست رکھتے تھے اسلی کہ اس میں نظر کی
 عبادت زیادہ ہی عثمان رضی اللہ عنہ ہر دن قرآن میں نظر کرتے اور کہتے یہ کتاب ہے
 میرے رب کی بندے کو ضرور ہے کہ جب اسکے پاس کتاب اسکے سید کی آئے تو ہر دن
 اس میں نظر کرے اور جس بات کا حکم ہو سکے یا لائے اور جس بات کو منع کیا ہو اس کی
 بچی امام ابن ابی الضیف نی کتاب بلغة المسافر میں کہا ہی عبادات میں سی اتنا ہی کافی ہے
 کہ قرآن کی تلاوت کری اور سات بار بحسب اللہ لا الہ الا هو علیہ توکل و هو رب العرش
 العظیم صبح و شام کہ لیا کری اسلی کہ جو عبادت اسکے سوا ہے اس میں حضور قلب شرط ہی اور
 تلاوت قرآن کے بارے میں یوں آیا ہے کہ یہ اعظم قرب ہے فہم کے ساتھ ہو یا بے فہم
 اور جو کوئی صبر اللہ کہتا ہے اللہ اسکی فکر کو دور کر دیتا ہے صادق ہو یا کاذب بعض علماء
 نے حضرت کو خواب میں دیکھا پوچھا قرآن خواں کو کتنا ثواب ملتا ہے۔ بہت سی چیزیں دنیا
 و آخرت کی گن کرتا میں کہا ساتھ حضور قلب کر یا بے حضور فرمایا بھلا و غیر فہم حدیث
 ابو سعید میں آیا ہے جسکو مشغول کیا قرآن نی میرے ذکر و سوال سی میں دو گنا اسکو بہتر قرار ہے

جو سائیلین کو دوزخ کا اور بزرگی اللہ کے کلام کی ساری کلام پر ایسی ہی جیسی بزرگی اللہ کی
ساری خلق پر دواہ الترمذی انھیں کلام اللہ سبحانہ باطنی رفعا کہتے ہیں تم قرآن پڑھا کرو
کہ وہ دن قیامت کے اپنے لوگوں کا شفیع ہو کر آئیگا اسخوجہ سلم یہ حدیث دلیل ہی اس بات پر
کہ قرآن کریم شافع اصحاب قرآن ہوگا مراد اصحاب سی وہ لوگ ہیں جو قرآن شریف پڑھا کرتے ہیں
صحاح ستہ میں عثمان رضی اللہ عنہ سے مروی روایت ہے کہ میں نے علم القرآن و کلمہ سیاقیہ انشاء اللہ

فصل بسم

حدیث ابو ہریرہ میں رفعا آیا ہے کہ کل مرید یبالی لا یدعیہ بسم اللہ فقواخذہ دواہ ابو داؤد
والنسائی وابن ماجہ علما نے کہا ہے اے مقلوع البرکۃ اور یہ بھی آیا ہے کہ جس دعا کی اول میں
بسم اللہ ہوتی ہے وہ دعا پھیری نہیں جاتی علی مرتضیٰ نے ایک شخص کو بسم اللہ لکھتے ہوئے
دیکھا تھا کہ ماجود ہا فان رجلا جودھا ففصلہ یعنی اسکو خوب بنا کر لکھ ایک شخص نے اسکو خوب
بنا کر لکھا تھا وہ بخشہ یا گیا ابن عباس نے کہا ہے لوگ ایک آیت کتاب اللہ غافل ہیں حالانکہ
وہ سوا حضرت کے کسی اور پر نہیں اتری مگر سلیمان علیہ السلام پر ابن مسعود نے کہا ہے جو شخص
چاہے کہ وہ زبانیہ دوزخ سے نجات پائے وہ بسم اللہ پڑھے ہر حرف کی عوض ایک زبانیہ نجات پائیگا
حکایت قیصر روم نے عمر بن خطاب کو لکھا تھا مجھکو درد سر رہا کرتا ہے تمہا نہیں کوئی دوا
بھیجد و عمر رضی اللہ عنہ نے ایک کلاہ اسکو بھیجی وہ جب سر پر رکھا تو درد تمم جاتا تھا تا
تو پھر ہونے لگتا اسکو تعجب ہوا دیکھا تو کلاہ میں بسم اللہ الرحمن الرحیم لکھا تھا نہ اور کچھ اسنے
کہا ما اکرہ هذا الدین واعزہ شفا فی اللہ بایۃ واحد منہ پھر وہ سچا پکا مسلمان ہو گیا
حکایت خالد بن ولید نے ایک قلعہ کفار کا محاصرہ کیا تھا اہل حصن نے کہا تمکو یہ عقاب
ہے کہ دین اسلام حق ہے بھلا تمکو کوئی نشانی دکھاؤ کہ ہم مسلمان ہو جائیں کہا اچانک صیر

پاس سم قائل لاؤ وہ ایک پیالے میں زہر لائے انہوں نے بسم اللہ الرحمن الرحیم کہا اور
 اسکو پی گئے کچھ اثر نہ ہوا صبح سالم کھڑے ہو گئے ان لوگوں نے کہا بیشک یہ دین حق ہے
 جس کے سب اسلام لے آئے حکایت بشر حافی نے ایک پرچہ کاغذ پر بسم اللہ لکھی جو لی
 زمین پر پڑی پائی اسکو اٹھالیا انکے پاس سواد و درہم کے کچھ نہ تھا خوشبو خرید کر کے
 اس پرچہ کاغذ کو مطیب کیا خواب میں حق سبحانہ و تعالیٰ کو دیکھا فرمایا یا بشر طیب
 اسمی لا طیبین اسمک فی الدنیا والاخرۃ شیخ احمد بونی نے لطائف الاشارات میں لکھا ہے
 اِنَّ شَجَرَةَ الْوُجُوْدِ تَفَرَّعَتْ عَنْ بَسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَاِنَّ الْعَوَالِمَ كُلَّهَا قَائِمَةٌ بِهَا
 جُلَّةٌ وَتَفْصِيْلًا فَلِذَلِكَ مَنْ اَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِهَا رَزَقَهُ اللّٰهُ الْهِبَةَ عِنْدَ الْعَالَمِ الْعُلُوِّ
 وَالسُّفْلٰی وَمَنْ عَلَّمَ مَا اَوْدَعَ فِيْهَا مِنَ الْاَسْرَارِ وَاکْتَتَبَهَا لَمْ يَحْدِقْ بِالنَّارِ اَنْتُمْ حَكَایِ
 ایک مرد صالح نے کہا ہے کہ جو کوئی ساری بسم اللہ چھ سو چھپس بار لکھ کر اپنے ساتھ رکھ لے گا
 اللہ اسکو بہت عظیم دیگا کوئی شخص اسکو ستانہ سیکھا گا باذن اللہ تعالیٰ شرحی کہی ہیں
 و جربت ذلك وصح والله الحمد میں کہتا ہوں دارقطنی نے ابن عمر رضی اللہ عنہما روایت
 کیا ہے کہ ان جبریل اذا جاء فی الوحی اول ما یلقی بسم اللہ الرحمن الرحیم یہ دلیل ہے
 اس بات پر کہ بسم اللہ ایک آیت ہے قرآن پاک کی بلکہ ہر سورت قرآن کی عثمان رضی اللہ
 عنہ نے حضرت سے حال سہلہ کا پوچھا تھا فرمایا ہوا اسم من اسماء اللہ وما بینہ و بین
 اسم اللہ الا کبرا الا کما بین سواد العین و بیاضها من القرب رواہ ابن ابی حاتم و الحاکم
 و البیہقی و ابو ذر الہمدی و الخطیب البغدادی عن ابن عباس رضی اللہ عنہما نے بسمہ کو اسم اعظم
 الہی کہہ ہے بخاری کا لفظ جابر سے یہ ہے اسم اللہ الاعظم هو اللہ الا تری انه فی جمیع
 القرآن بیدارہ قبل کل اسم علی مرتضیٰ رفاکتے میں اذا وقعت فورطۃ فقل بسم اللہ الخ

ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم فان الله تعالى بصرف جأما انشاء من افواه بلدا
رواه ابن السني والسيوطي في الدر المنثور عن ابن عباس نحوه مطسقا

فضل سورۃ فاتحہ

اس سورت میں جو فوائد و منافع ہیں انکا حصر کرنا ممکن نہیں ہے صحیحین میں آیا ہے
وما یدرکک انھا رقیۃ اکب جماعت اہل علم نے اسکے فضل میں کتب کثیرہ تالیف کیے
ہیں جو شخص اسکی قرأت پر مداومت رکھتا ہے وہ عجائب دیکھتا ہے ہر امید پاتا ہے ابو سعید
بن المعلیٰ زفعا کہتے ہیں الفاتحۃ اعظم سورۃ من القرآن السبع الثانی والقرآن العظیم
رواہ البخاری یہ تصریح ہے جناب نبوت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم سے اس بات کی کہ اس
بڑی سورت قرآن میں ہی فاتحہ ہی اب کسی اور سورت کو مثل فاتحہ کو عظم میں کہنا زیبا نہیں
ہے اس دلیل سے کہ فلاں سورت کے پڑھنے کا ثواب عظیم ہے کیونکہ ثواب اور شے ہے اور
عظم منصوص ہے جو اس سورت کے لیے ہے وہ اور شے ہے اسکا ثواب بقیہ سورس عظم تر ہے
حدیث معقل بن سيار میں فرمایا ہے مجھکو فاتحہ زیر عرش سے دیکھنی ہے رواہ المحاکم وقال
صحیح الاسناد یعنی سورہ بقرہ ذکر اول سورہ وطوا سین و حوا یم الواح موسیٰ علیہ السلام
دیکھے گئے ہیں اور یہ خاص عرش کے نیچے سے آئی ہے یہ دلیل روشن ہے شرفی پر اس سورت
کے یہ مرتبہ دوسری سورت کو نہیں ہے حدیث انس میں اسکو افضل قرآن فرمایا ہے رواہ ابن جبران
وفال المحاکم صحیح علی شرط مسلم اہل علم نے اس سورت کے قیام ذکر کی ہیں یہ دلیل کمال شرف

رقیۃ در چشم وغیرہ بسورۃ فاتحہ

در میان سنت صبح و فرض صبح کے اکتالیس بار فاتحہ کا در چشم پر پڑھنا فی الغریب از خدا
صحت بخشتا ہے بلکہ کہ در چشم پر منحصر نہیں ہے اور ادوا جاع کو بھی نافع ہے انشاء اللہ تعالیٰ شرفی

کہتی ہیں وقد جربت ذلك مرارا وصحة الحمد لله والثاني كله فحسن الظن بهما جميع
والعازم اسی طرح اکتالیس بار پڑھنا اسکا حق میں مسافر کے واسطے سلامت پھرنے کے
موجب ہے اسی طرح اگر کوئی شخص مقید اسکو ایک سو گیارہ بار پڑھ کر ہر دس بار کے بعد قید
پھونکیگا تو وہ قید اس سے جدا ہو جائیگی باذن اللہ تعالیٰ وقد جربته من كان مقيدا عليه
ترسیم فانتك القيد وخرج ونحو من غير تعب بلطف الله وبركة هذه السورة فقیہ صالح
بن محمد نے کہا ہے جسکو ڈر پیاس کا ہو اور وہ وقت صبح کی فاتحہ پڑھ کر اور دونوں ہاتھوں
پر دم کر کے مونہ اور پیٹ پر ہاتھ پھیر لے تو اسدن اسکو پیاس نہ لگیگی اور بعض علمائے
کہا ہے جو شخص ہر صبح فاتحہ اکتالیس بار ہمیشہ پڑھا کر گیا اللہ اس پر بغیر تعب و مشقت کے
فتح باب کر گیا باذن اللہ اسکے سوا اور فوائد بھی بہت ہیں جنکا ذکر بعض دیگر فوائد انشاء اللہ
آجکا انتہی میں کہتا ہوں حدیث میں آیا ہے الفاتحة شفاء من كل داء یہ لفظ بعموم خود
شامل ہے شفاء ہر داء قلب قالب کو و اللہ الحمد لکن اعتقاد صحیح و حسن ظن در کاری و باللہ التوفیق

رقیہ طاعون بفاتحہ

مستان میں ایک بارو با آئی شیخ یتیمی نے اپنے اصحاب کو حکم دیا کہ مریض طاعون پر فاتحہ
ہمراہ وصل بسلم اللہ پڑھو اور سپرد دم کرو چنانچہ اکتالیس بار پڑھ کر دم کیا اللہ نے شفا دیدی
اسکو قنوی صوفیہ میں مجربات سے لکھا ہے واللہ الحمد ابن القیم نے لکھا ہے كل داء له دواء و
انا احسن الدواء بالفاتحة فوجدت لها تاثيرا عجيبا في الشفاء وذلك اني مكنت بمكة
مدة يعتري ادواء الاحد طبيا ولا مداوي انقلت بانفس دعي اعالج نفسي بالفاتحة
ففعلت فادري لها تاثيرا عجيبا وكنيت اصف ذلك لمن يشك في الما شديد افكان كثير
منهم يدرون سرها ببركة الفاتحة یہ دلیل ہے اس بات پر کہ جو اثر و فضل حاصل کرتا ہے

کتاب سنت وثابت ہوا سکی لیے اجازت شیخ کی حاجت نہیں ہو وہ بے اجازت بھی
تائید کرتی ہے اجازت خاص ان اعمال کے لیے درکار ہے جو مشائخ نے ترتیب دی ہیں پھر
ابن القیم نے کہا ہے وقد يختلف الشفاء لضعف همة الفاعل او لعدم قبول المحل ان يتداوى
بكتابة الفاتحة وان يتداوى بقراءة الفاتحة فكذلك يختلف الشفاء لضعف همة الفاعل
او لتغير القادر في المخرج والصفات او لعدم قبول المحل والا فالايات والادعية وقضيا
نافعة شافية انتهى میری تجربے میں یہ بات ہے کہ کوئی عمل فاتحہ کا کسی مرض المقلبی وقلابی میں مختلف
نہیں کرتا ہے واللہ اعلم

سورة البقرة

حدیث ابو ہریرہ میں فرمایا ہے شیطان اس گھر سے بھاگ جاتا ہے جس میں یہ سورت پڑھی
جاتی ہے اگرچہ مسلم لکن دوسری حدیث سل بن سعد میں یوں آیا ہے کہ تین دن تک پھر
اس گھر میں نہیں آتا ہے خواہ رات کو پڑھے یا دن کو رواہ ابن حبان ابوامامہ باہلی کا لفظ
رفقانیہ ہے کہ ان اخذھا بركة وترکھا حسرة ولا یستطیعھا البطلہ رواہ مسلم مراد بطلہ کی
جادو گریں الحاصل قرار اس سورت کی شیطان واسب وجادو کو گھری دور کرتی ہے جس
گھر میں ان چیزوں کا خلل ہو وہاں گھروالوں میں سے کوئی شخص ایک بار اسکو روزانہ پڑھ لیا کرے
پھر اس گھر میں کوئی بلا نہ رہے گی یہ سورت حضرت کو تبا نبیاء متقدمین میں سے دیکھنی ہی حدیث
مقل بن سيار میں فرمایا ہے اعطيت البقرة من الذکر الاول رواہ الحاکم فی المستدرک

آیة الکرسی

اسکو حدیث ابی بن کعب میں اعظم آیت کتاب اللہ فرمایا ہے اگرچہ مسلم دوسری روایت
میں اتنا اور زیادہ کیا ہے کہ قسم ہے اسکی جسکے ہاتھ میں میری جان ہے کہ اس آیت کی

ایک زبان اور دلب میں یہ تقدیس کرتی ہے اللہ کی نزدیک ساق عرش کے اس نبوت
 کو احمد داؤد داؤد و ابن ابی شیبہ نے باسناد مسلم روایت کیا ہے حدیث صحیح میں آیا ہے کہ
 شیطان اسکی پٹھنے والے کے پاس نہیں پھٹکتا حدیث ابو ہریرہ میں اس کو سید آیات
 قرآن کہا ہے رواہ ابن جان و صحیحہ و الترمذی و قال غریب حاکم کا لفظ النبی رفعا یوں
 ہے۔ سورۃ بقرہ میں ایک آیت ہی جو سردار ہے آیات قرآن کی وہ جس گھر میں پڑھی جاتی
 ہے شیطان وہاں سے نکل جاتا ہے وہ آیۃ الکرسی ہے شوکانی فرماتے ہیں فی اثبات السیادۃ
 لہذہ الایۃ علی جمیع آیات القرآن شرف عظیم فان سید القوم لا یكون الا اشر فھم
 خصا لا واکملھم حالا واکثرھم جلالا انتھ یہ سورت کسی مال یا ولد پر رکھی نہیں جاتی لکن ہر
 کبھی شیطان اسکی پاس نہیں آتا رواہ ابن جان عن ابی یوب لا نصاری رفعا اسکو ترمذی
 نے حسن و سالی نے صحیح کہا ہے حدیث صحیح میں وارد ہے کہ شیطان اس سے بھاگتا ہے پڑھنے
 والے کے پاس نہیں آتا حدیث ابو ہریرہ میں آیا ہے کہ شیطان نے انسی کہا تھا کہ تو اسکو پڑھ
 فَإِنَّهُ لَا يَزَالُ عَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ وَلَنْ يَفْرُقَ بَيْنَكَ شَيْطَانٌ حَتَّى تُصْبِحَ حَضْرَت نے شکر فرمایا
 قد صدقت و ہو کذا و باخر جہ البخاری میں کہتا ہوں بھی اکثر خواب خوفناک نظر آتے
 تھے شیطان نیند میں آکر ڈرا جاتا تھا جب سی مینے رات کو اسکا پر ہٹنا لازم کیا تب سے بالکل
 میں خواب میں نہیں ڈرتا ہوں اور نہ خواب پریشان اس کثرت سے دیکھتا ہوں و اللہ الحمد
 حضرت نے فرمایا ہے مَنْ قَرَأَ آيَاتَكَ مَرَّةً حَتَّى يَنْصَلِيَ لَمْ يَمْنَعْ مِنْهُ خُلُوعُ الْحِجَةِ إِلَّا الْمَوْتُ
 رواہ النسائی الحمد شد تعالیٰ کہ میں بعد ہر نماز فرض کے یہ آیت مع تسبیح فاطمہ علیہا السلام
 پڑھا کرتا ہوں امام بیہقی نے فضائل میں اس آیت شریفہ کے ایک مصنف مفید لکھا ہے
 اس میں ذکر کیا ہے کہ جو کوئی اس آیت کو ہر بار بعد نماز عصر کے دن جمع کے جامی خالی میں

من جابر وقال صحیحہ علی شرط البخاری حدیث دلیل ہی اس بات پر کہ یہ ساری سورت

ایک بار میں اتری ہے

سورۃ کہف

حدیث ابو سعید میں فرمایا ہے جو شخص اس کو شب جمعہ میں پڑھ لے گا یا میں ہر دو جمعہ اس کی لمبی نور چمکے گا آخر جبہ الحاکم وقال صحیحہ الاسناد دوسری روایت میں بجائے شب جمعہ یوم الجمعہ آیا ہے یہی ٹھیک ہی مطلب یہ ہے کہ اثر و ثواب اسکا تمام ہفتہ نمایاں رہیگا و بعد الحمد تیسری روایت میں یوں فرمایا ہے کہ جو کوئی دس آیتیں آخر سورۃ کہف کی پڑھ لے گا اگر دجال نکلیگا تو اس پر مسلط نہوگا آخر جبہ الحاکم والنسائی وقال الحاکم صحیحہ علی شرط مسلم حدیث ابو الدرداء کا لفظ رفعاً یہ ہے کہ جو کوئی دس آیتیں اول سورۃ کہف کی یاد کر لے گا وہ فتنہ دجال سے محفوظ رہیگا آخر جبہ مسلم و ابوداؤد والترمذی اور حدیث ترمذی میں تین ہی آیت اول کو فرمایا ہے ترمذی نے کہا ہذا حدیث حسن صحیحہ مسلم و ابوداؤد میں کہا ہے من آخر الکھف انہیں کچھ منافات نہیں ہی اس لیے کہ عمل زیادت پر واجب ہی اور اول و آخر میں یوں جمع ممکن ہی کہ دس اول سورت کی اور دس آخر سورت کی پڑھے اور جبکہ تحصیل کمال منظور ہو وہ دن جمعہ کے یا شب جمعہ میں پوری سورت پڑھے میں کہتا ہوں یہ سورت جبکہ فتنہ دجال سے محفوظ رکھتی ہی اور یہ آنا بڑا فتنہ ہی کہ آدم ابو البشر کے عہد سے لیکر تا قیام ساعت نہوگا تو پھر جو فتنہ کسی اور دجال کا ہے اس سے بالاولیٰ محفوظ رکھ لے گی حدیث ابو ہریرہ میں آیا ہے یَکُونُ فِيْ اٰخِرِ الزَّمَانِ دَجَالُوْنَ کَذَابُوْنَ یَاتُوْنَکُمْ مِنَ الْاَحَادِیْثِ بِمَا لَمْ تَسْمَعُوْا اَنْتُمْ وَلَا اَبَاؤُکُمْ فَاِیَاکُمْ وَاِیَا هُمْ لَا یَضِلُّوْنَکُمْ وَلَا یَفْتِنُوْکُمْ رواہ مسلم ایک روایت میں آیا ہے کہ یہ دجال قریب قریب تمہیں نذر کے ہونگے چنانچہ اس عہد

میں سے اس تیرہ سو سال کے اندر بہت سے گزر گئے اس زمانے میں بھی بعض دجاہل
 دیکھ گئے اللہم احفظنا غرضکہ واسطے حفظ فقہ دین بلکہ فقہ دنیا کے تلاوت و
 قرات اس سورت کی مجیدہ تعالیٰ مجرب و صحیح ہے ولہ الحمد والمنة

سورۃ طہ و عنبیہ

حدیث معقل بن یسار میں فرمایا ہے مجہکوطہ و طواسین و حوامیم الواح موسیٰ سے دیکھی
 ہیں رواہ الحاکم و قال صحیح الاسناد

سورۃ یس

اس سورت لی برلت ظاہر اور اسکی فضیلت مشہور ہے معقل بن یسار زعماء کتب میں
 قرآن کا دل یس ہے کوئی شخص اسکو بارادہ دار آخرت نہیں پڑتا لیکن بخشد یا جائے
 تم اسکو اپنے مردوں پر پڑھو اخرجه النسائی و ابوداؤد و ابن ماجہ و ابن حبان و صحیح
 و احمد و الحاکم و صحیح ہر چیز کا دل وہ ہوتا ہے جو اسکا لب و خالص ہو سو یہ سورت
 لب لباب و خالص کتاب ہی مردوں پر پڑھنے کو اسلئے فرمایا ہے کہ اس میں ذکر احیاء موتی
 و نفع صور کا ہے یا ایک خاصیت تخفیف کی ہے مردوں پر حدیث السنن میں ایک بار پڑھنا
 اسکا برابر دس بار قرآن پڑھنے کے آیا ہے اخرجه الترمذی و قال حدیث غریب حدیث
 جندب میں فرمایا ہے کہ جو کوئی اسکورات میں ابتغاء لوجه اللہ پڑھتا ہے وہ بخشد یا جائے
 رواہ ابن حبان و ابن السنی شرحی فرماتے ہیں بعض احادیث میں آیا ہے یس لما قرئت
 یعنی اسکو جس مطلب کے لیے پڑھو وہی مطلب حاصل ہو ایک فائدہ اسکا یہ ہے کہ جس کام کی لیے
 اکتالیس بار پڑھی جائے وہ ضرور پورا ہو کوئی سا بھی کام کیوں نہ ہو سہلی نے شرح سیرت
 میں ذکر کیا ہے کہ حارث بن ابی اسامہ نے اپنی سند میں رفعا روایت کی ہے کہ جو کوئی یس

پڑھیں گا اگر خائف ہو تو اس میں ہو جائیگا اور اگر بیمار ہے تو شفا پائیگا اگر بھوکا ہے تو
شکر سیر ہو جائیگا اس طرح کے بہت سے خصال ذکر کیے ہیں داری فی البند صحیح ما عطا روتا
کی ہے کہ مجھی حضرت سے یہ بات پہنچی ہے من قرأ نزل فی صدر النہار قضیت حاجتہ بعض
نے کہا ہے جو کوئی اس سورت کو اول روز میں پڑھیں گا وہ شام تک فرحان و شادان
رہیگا اور جو اول شب میں پڑھیں گا وہ صبح تک فرح و مسرور رہیگا بعض علمائے کہا ہے
اس سورت میں ذکر رحمن کا چار جگہ اور ذکر جلالہ کا تین جگہ آیا ہے اسی طرح سورہ تبارک اللہ
میں سو جو شخص اس سورت کو پڑھے اور ذکر رحمن پر پہنچی تو ایک انگلی داہنے ہاتھ کی بند کرے
اور جب ذکر جلالہ پر پہنچے تو بائیں ہاتھ کی انگلی عقد کرے اور جب سورہ تبارک پڑھے تو
ذکر رحمن پر انگلی داہنے ہاتھ کی اور ذکر جلالہ پر انگلی بائیں ہاتھ کی کھولے جو کوئی اس طرح کریگا
اسکی حاجت قضا اور اسکی دعا مستجاب ہوگی لیکن اللہ ہی ڈری اور سوا خیر کے کچھ دعا نہ کرے
ورنہ اسکی برکت ہی محروم رہے گی یہ عقد و فتح خضر کا لگاتا رہا ہوتا ہی کلام الشرحی رحمہ اللہ

سورہ فتح

حدیث ابن عمر میں فرمایا ہے آج ہی رات مجھے ایک سورت آتری ہے وہ مجھ کو دوست تر ہے
اس خیر سے جیسے سورج نکلا ہے پھر انا فتحنا ہر می الخرجہ البخاری والترمذی والنسائی مراد یہ ہے کہ دیا
و ما فیہا سی محبوب تر ہے شوکانی نے فرمایا وفی خلائق فضیلۃ عظیمة لہذا السورۃ انہو اکلامہ

سورہ طہ

حدیث ابو ہریرہ میں آیا ہے کہ حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے فرمایا ایک سورت ہے قرآن
کی تیس آیت اسکی ایک شخص کی شفاعت کی یہاں تک کہ وہ بخشا گیا آخر جہل السن
و ابن حبان و هذا لفظ الترمذی وقال حدیث حسن و صحابہ بن حبان وقال المحکم صحیح الاثنی

ایک روایت ابن جہان اس لفظ سے ہے کہ یہ سورت اتفقاً کرتی ہے اپنے صاحب کے لیے
 یہاں تک کہ وہ بخشا جاتا ہے ابن عباس کا لفظ یہ ہے کہ یہ سورت مانعہ نجویہ عذاب قبر ہے
 دیتی ہے میں چاہتا ہوں کہ یہ دل میں ہر مومن کی ہر رواہ الحاکم وقال هذا سناد حسن
 صحیح ترمذی کا لفظ فقط اتنا ہے وَدَعَتْهَا فِي قَلْبِ كُلِّ مَوْتٍ وَقَالَ حَدِيثٌ حَسَنٌ
 ابن مسعود نے کہا یہ سورت توراۃ میں ہی من قرأها فی لیلة فقد کثر دطاب حاکم نے کہا
 یہ صحیح الاسناد ہے نسائی کا لفظ یہ ہے جو شخص اسکو ہر رات پڑھتا ہے اللہ اسکو عذاب قبر سے بچاتا
حکایت امام یافعی کہتے ہیں بعض اولیاء زبید نے کہا میں ہر رات ایک جنازے کے قریب
 مغرب نکلا جب لوگ دفن کر کے پھرے رات ہو گئی تھی میں نے ایک شخص کو کتے کی صورت دکھا
 کہ قبر میں گھسا پھر پانپتا ہوا قب کے ساتھ نکلا دہنی آنکھ اسکی کانی تھی میں نے کہا تیرا کیا قصہ
 ہے اسنی کہا میں نے اس میت کو سنا ناچا ہاتھ مجھکو سورہ یس نے روکا اور میری آنکھ نکال لی
 اور مجھ سے کہا گیا کہ اگر یہ مردہ سورہ تبارک پڑھتا تو تیری دوسری آنکھ بھی نکال لی جاتی نہتی میں
 کہتا ہوں کہ بعض ائمہ اہل بیت اس سورت کو دو رکعت نفل میں بعد نماز عشاء پڑھا کرتے تھے
 بعض علمائی کہا ہی جو کوئی وقت رویت ہلال کی اس سورت کو پڑھ گیا وہ اس ماہ میں ہر خیر پا گیا اور ہر
 شر سے محفوظ رہے گا۔

سورة اواززلزلت

اسکو حدیث انس میں ربع قرآن فرمایا ہے اخرجه الترمذی وقال حسن لکن سلمی کتاب التفسیر
 میں اس حدیث پر تنکرم کیا ہے اسکی سند میں سلمہ بن وردان ضعیف ہے یحییٰ بن معین نے کہا
 ایس حدیث بذالک یہی حال دوسری حدیث ابن عباس کا ہی کہ اس میں اس سورت کو
 برابر نصف قرآن کی کہا ہی رفعا رواہ الترمذی والحاکم مگر ترمذی نے غریب اور حاکم نے

صحیح الاسناد بتایا ہے مگر اسکی سند میں بیان بن مغیرہ حمزنی تحت ضعیف ہی حاکم سے
تصحیح کرنا اسکا تعجب ہے یہ فضیلت اس لیے ہے کہ یہ سورت مثل ہی احوال آخرت پر
آخرت بہ نسبت احوال دنیا کے نصف ہے اور اس سورت میں یہ آیت ہے فَمَنْ يَعْمَلْ
مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ظاہر یہ ہے کہ اس رلوکا
علم اللہ ہی کو ہے ہم مکلف ساتھ اس علم کے نہیں ہیں

سورة الہاکم التکاثر

حدیث ابن عمر میں رفعاً آیا ہے کہ کیا تم میں کوئی ہر دن ہزار آیت نہیں پڑھ سکتا کہا آتا
کون پڑھ سکتا ہے فرمایا کیا الہاکم التکاثر نہیں پڑھ سکتا اخوجہ الحاکم منذری نے کہا
رجال اس کی اسناد کے ثقات ہیں مگر عقبہ کہ میں اس کو نہیں پہچانتا ہوں۔

سورة کافرون

اسکو حدیث ابن مسعود میں ربع قرآن کہا ہے رواہ الترمذی حاکم کا لفظ ابن عباس سے یہ ہے کہ
برابر ربع قرآن کے ہے مگر دونوں کی سند ضعیف ہی عائشہ کہتی ہیں حضرت فرماتے تھے
کیا اچھی دو سورتیں ہیں جو دو رکعت میں قبل فجر کے پڑھی جاتی ہیں اخلاص و کافرون انچھ
ابن حبان وصحیح مگر کافرون پہلی رکعت میں اور اخلاص دوسری رکعت میں پڑھے بعض
نسخ میں یہی ترتیب آئی ہے اور یہی صواب ہے ان دونوں سورتوں کا ان دو رکعتوں میں
پڑھنا اور احادیث میں بھی آیا ہے مشرعی کہتے ہیں جو کوئی اس سورت کو وقت طلوع
آفتاب کے پڑھے ساری دنیا کی شری اسدن محفوظ رہے و جدتہ اللہ علیہ بعض العلماء قال لا یجوز

سورة اذا جاء نصر اللہ

اسکو حدیث ابن عباس میں ربع قرآن فرمایا ہے رواہ الترمذی مگر اسکی سند ضعیف ہے

واللہ اعلم ابن شہاب زہری نے کہا یہ سورت اور کافرون پڑھا کر دینے فقر کو دور کرتی ہیں

سورۃ اخلاص

حدیث ابو سعید وغیرہ ایک جماعت صحابہ کی احادیث میں اسکو ثلث قرآن فرمایا ہے
رواہ الشیخان اور برائیل ثلث قرآن کی فرمایا ہے رواہ البخاری و ابوداؤد والنسائی
ابوداؤد کا لفظ رفعاً یہ ہے کیا تم عاجز ہو اس کی کرات کو ثلث قرآن پڑھو کہا عبد اللہ ہم
رات کو ثلث قرآن کس طرح پڑھ سکتی ہیں فرمایا قل ھو اللہ احد ثلث قرآن ہی رواہ
الشیخان وغیرہما شوکانی فرماتے ہیں وقد علل کو ثلث القرآن بعلل ضعیفۃ
والاحسن ان يقال ان هذا ستر لم نطلع علیہ ولیس لنا الکشف عن وجہ وھکذا سائراً
نقد مرا تھی حدیث ابو ہریرہ میں فرمایا ہے کہ حضرت ابی ایک شخص کو سنا کہ اس نے سورت
آخر تک پڑھی فرمایا وجبت وجبت یعنی واجب ہو گئی پوچھا کیا چیز فرمایا جنت اخراج القوم
وقال حدیث حسن صحیحہ غریب وخرجه مالک فی الموطا والنسائی واما کرمہ قال صحیحہ الا انہ
اس سورت کے حق میں احادیث کثیرہ آئی ہیں وہ دلیل میں غم فضل پر اس سورت
میں صفت رحمن ہی جو کوئی اسکو پڑھتا ہے اللہ اسکو دوست رکھتا ہے حدیث انس میں
آیا ہے ایک شخص اسکو ہر رکعت میں پڑھا کرتا تھا پوچھا تو کہا میں اسکو دوست رکھتا ہوں
حضرت نے فرمایا جنت ایاھا اذ خلک الجنة یعنی اسکی محبت تجھکو جنت میں لگے گی اخراج
بخاری حکایت ابو امامہ باہلی کہتی ہیں حضرت تبوک میں تھی جبریل علیہ السلام آئے
انکی ہمراہ ستر ہزار فرشتے تھے کہا جنازہ معاویہ بن معاویہ پر حاضر ہو حضرت باہر نکلی جبریل
علیہ السلام نے اپنا بازو پہاڑوں پر رکھ دیا وہ جھک گئی حضرت نے مدینے کو دیکھا اور دعا
برس ملا مکہ نماز پڑھی پھر کہا اسے جبریل معاویہ اسے تیرے کو کس طرح پہنچے گا قرأت قل ھو اللہ احد

کھڑے بیٹھے سواریا وہ رواء ابن السنی والبیہقی نے کتاب لآئیل النبوة حضرت مسعود بن کو
 پڑھ کر ہاتھوں پر چھونکتے پھر ہاتھ بدن پر وقت خواب کے پھیرتے اور اگر درد مند ہوتی تو دوسرے
 کو حکم کرتے بعض علمائے کہا ہے مَنْ وَاطَبَ عَلَى قِرَاءَتِهَا نَالَ كُلَّ خَيْرٍ وَكُفِيَ كُلَّ شَرٍّ فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ اِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالٰی یہ وہ سورت ہے جو بھوکا اسکو پڑھے سیر شکم ہو جائی پایا پڑھے
 سیراب ہو جائی۔ اہم صمد لائق ارباب ریاضات ہے جو اسکا ذکر ہوتا ہی اسدا سکواکل و شرب
 سے بے نیاز کر دیتا ہے یا صمد یا صمد کہے تو تھکے نہیں بعض نے تعداد اسکی ایک سو پچیس
 بار بتائی ہے وحکی کہ انہ جوبہ وصحہ خلوت میں اس اسم کی تکرار جہا تک بن سکی کرنے سے
 تعب گرنگی و تشنگی محسوس نہیں ہوتا۔ اگر کوئی اس سورت کو رقیق ارنی یعنی خرگوش کی
 جھلی پر لکھ کر اپنی پاس رکھی تو ہوام و جن و انس کے ضرر سے امن میں رہی باذن اسد تعالیٰ
 اور اگر گھر میں جاتے وقت پڑھ لیا کرے تو فقر و ور ہو کر بسط رزق ہو جائے قطبی نے کتاب التبرکات
 میں لکھا ہے کہ جو کوئی سورہ اخلاص مرض موت میں پڑھ گیا تو فتنہ قبر میں نہ پڑ گیا اور ضبطہ قبر سے
 امن میں رہ گیا ملائکہ اسکو نبی بازووں پر اٹھا کر پل صراط کی پار کر دینگے و جنت میں جا پہنچیں گے
 انتہی امینی اپنی ماں سی مرض موت میں کہدیا تھا کہ اس رت کو پڑھا کرو وہ بہت پڑستی تھیں غفرلہ لہو

سورہ فلق و ناس

عقبہ بن عامر سے فرمایا تھا الا اعلمک خیر سورتین قرئتوا و اہ ابو داود والنسائی دوسری
 روایت میں یوں ہے یا عقبہ تَعُوذُ بِهَا فَمَا تَعُوذُ بِمَثَلِهَا وَاخْرَجَ ابْنُ حِبَّانَ
 وَالحاکم نے ہذا وقال صحیح الاسناد اصل اس حدیث کی عقبہ سی مسلم میں یوں ہے اَلَا تَعُوذُ بِهَا
 اَلَا بِطَلْسَمٍ لَمْ يَمْثَلْهُ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ حاکم کا لفظ
 ہے یا عقبہ اقراء قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ فَانْزِلْ تَقْرَأُ سُورَةَ احَبِّ اِلَى اللَّهِ وَاَبْلَغُ مِنْهَا مَا نَ

اِسْتَطَعْتُ اَنْ لَا تَقُوْلَ لَكَ فَاَفْعَلُ يَ اَحَادِيثٌ دَلِيلٌ هِيَ اَنْكِي مُرِيدُ فَضْلٍ بِرِجْعَةٍ كَهْتِي هِيَ مَحْسَبٌ
 قَرِيبٌ يَ اِهْتَا تَوَاوُلُ دُونُوں كُو سَوْتِے اور او تھتے وقت بڑا كُ كُ كُ مَآلُ نِي سَوَالِ اور كُ مَسْتَعِيدُ
 نِي اَنْكِي بَرَابَرِ اسْتَعَاذَةِ نَهِيں كِيَا رَوَاةُ ابْنِ اَبِي شَيْبَةَ وَاحِدُ النَّسَائِي وَالتَّحَاكُمُ وَصَحْحُ السُّيُوطِي
 حَدِيثُ ابُو سَعِيدِ خَدْرِي مِیں آيَا هِيَ كِهْ حَضْرَتُ پَنَاهِ مانگتے تھے جَانِ وَعَيْنِ اِنْسَانِ هِيَ شَكُ
 كِهْ مَعُوذَتَيْنِ اَتَرِيں تَبِ سِي اَنْكُو لِيَا اور اَنْكِي مَاسُو اَكُو چُو رِيَا اخْرَجَهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ حَسَنُ
 غَرِيبٌ وَابْنُ مَاجَةَ مَعْلُومٌ هُوَا كِهْ جَنُ اور حَشِيمُ رِخْمِ كِي لِي اَنْكِي بَرَابَرِ كُوْنِي اسْتَعَاذَةِ نَهِيں هِيَ حَدِيثُ
 اَبِي بَنِ كَسْبِ مِیں قَرِيبٌ يَ اِهْتَا هِيَ مَن قَرَأَ الْمَعُوذَاتِ فَكَانَ مَقْرَأُ جَمِيعِ مَا اَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ ابْنُ مَنِيعٍ فِي مَسْنَدِهِ ابْنُ مَسُودٍ اَنْكُو مَصْحَفِ مِیں ثَابِتٌ نِي كِهْتِي تَحِي مَلِكِي حَكِ
 كُرِيتِي اور كِهْتِي تھے كِهْ اَهْمَالِيَتَا مَن كِتَابُ اللهِ تَعَالَى لَكِنِ بَزَارِي كِهَا هِيَ لَوْ يَتَابِعُهُ اَحَدٌ مِّنَ
 الصَّحَابَةِ وَقَدْ صَحَّ عَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ قَرَأَهَا فِي الصَّلَاةِ وَاشْتَدَّ فِي الْمَصْحَفِ اَنْتَهَى
 شَوْكَانِي نِي قَرِيبٌ يَ اِهْتَا هِيَ اَجْمَعُ عَلَيَّ اَهْلُ الصَّحَابَةِ وَجَمِيعُ اَهْلِ الْاِسْلَامِ طَبَقَةٌ بَعْدَ طَبَقَةٍ
 وَالْحَيْثُمَا بِلِسَرٍ قَوْلُهُ حُجَّةٌ فَرِشَلٌ هَذَا عَلَيَّ فَرِضِ عَدَمِ مَخَالَفَتِهِ لِمَا ثَبَتَ عَنِ الشَّارِعِ
 فَكَيْفَ وَقَدْ خَالَفَ هُمَا السُّنَّةَ الثَّابِتَةَ وَالْاِجْمَاعَ الْمَعْلُومَ اَنْتَهَى

سورة الم تنزيل

جَا بَرِهْتِي هِيَ حَضْرَتِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَاتِ كُوْنِي جَبَكِ كِهْ اَلَمْ تَنْزِلْ اِيْدُر تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ
 رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ ابْنُ عَمْرِو كِي كِهَا هِيَ كِهْ اَنِ دُونُوں سُوْرَتُوں كُوْنِي غَيْرِ سُوْرَتِي فَضِيلَتِ هِيَ اَنْسُ نِي كِهَا جَوَانِ دُونُوں كُو
 رَاتِ مِیں اَنْدُر دُو رَكَعَتِ كِي پَرِهْتِي هِيَ اَنْسِي كُو يَالِيْلَةُ الْقَدْرِ اِيْ طَاوُسِ اَنْكُو كُوبِي سَفَرُ حَضْرَتِ مَن تَرْكِ نِي كُرْتِي

سورة حشر

جُو كُوْنِي اِس سُوْرَتِ كُو هَمِيْشَه پَرِهِيْگا وَه اَعْدَاؤِ اِس مَن مِیں رِهِيْگا اور كِيْدِ كَا مَدِينِ وَكِرْمَا كَرِيَا

و جو رظا لمین سے محفوظ رہیگا علی مرتضیٰ اسکو ہر رات پڑھتے کسی نے پوچھا تو کہا
 ہمکو یہ صورت آخرت یاد دلاتی ہے اور دنیا و آخرت میں امن دہی حکایت
 ایک شخص کے کان میں قرآن گیس گئی تھی اس کو سخت تعب تھا بعض علمائے آب
 زمزم پر دس آیتیں اول آل عمران کی اور آخر سورہ حشر پھر وہ پانی اسکو پلا دیا جب
 پیٹ میں گیا کان سے بلطفہ تعالیٰ ماہر کل آئی اس سورت کو اسم اعظم ہی کہا ہے

سورۃ وقعت

اس سورت کی لیے ایک سر عظیم و خاصیت عجیب ہی جلب غنا و نفی فقر میں عثمان رضی اللہ
 عنہ فی ابن مسعود کو کچھ مال دینا چاہا نہ لیا کہا تم اپنی لڑکیوں پر خرچ کرنا کہا کیا تم ان پر خوف
 فقر کا کرتے ہو میں نے انکو کہہ دیا ہے کہ وہ سورہ واقعہ پڑھا کریں میں نے حضرت کو سنا فرماتے
 تھے جو کوئی سورہ واقعہ ہر رات پڑھا کر گیا اسکو کبھی فاقہ نہ ہوگا۔ امام بن عبد البر نے
 کتاب التہجد میں زعمار وایت کیا ہے من قرأ الواقعة کل یوم لم یصبہ فاقۃ ابدا بعض علما
 نے کہا ہے جو شخص اس سورت کو ایک مجلس میں اکتالیس بار پڑھ گیا اسکی حاجت پوری ہوگی
 خصوصاً وہ حاجت جو متعلق طلب رزق ہو اور جو شخص اسکو بعد عصر کے ہمیشہ پڑھتا رہیگا اسکو
 اسباب مسرت نظر آتی رہیگی اسی طرح سورہ انا انزلنا جلب غنا میں مشور ہے۔

سورۃ انا انزلناہ فی لیلۃ القدر

بعض علمائے کہا ہے جسکو کوئی حاجت طرف اللہ کے ہو وہ اکتالیس بار اس سورت کو
 پڑھ کر اکتالیس بار یہ دعا کری اور اپنی حاجت مانگی انشاء اللہ تعالیٰ وہ حاجت پوری ہوگی یہ کہا
 کہ یہ مجرب ہے اللہم یا من یکفی من خلقہ جمیعاً ولا ینقص منہ احدٌ خلقہ یا احدٌ یا من لا اخر
 لا یقطع الرجاء الا منک و خابت الامال الا فیک فاندت الطرق الا الیک یا غیاث المستغیثین اغثنی

سورۃ الم نشرح

بعض علمائے کہا ہی جو کوئی اس سورت کو تین بار اور فاتحہ کو ایک بار اور انا انزلنا کو گیارہ بار پڑھیں گے اللہ اس پرستش بغیر تعجب کے ان شامل اللہ تعالیٰ کرے گا۔

سورۃ طہ

جو اس سورت کو ہر دن وقت طلوع فجر کے پڑھیں گے اس کی برکت اس کی یہ دیکھیں گے کہ ہر دن رزق جدید اس کو ملیگا جسکی تاک میں وہ نہ تھا اور اس دن ساری حاجت اسکی پوری ہوگی دل سکے لیو نرم پڑ جائیگے اعداد پر نصرت ملیگی اسکے فضائل لا تخصی ہیں۔

باب دوم بیان میں ان عوارض و آفات کو جو انسان کو حیات و ممات میں فکرمند کرتی ہیں

دعا کرب

حدیث ابن عباس میں آیت ہے کہ حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم وقت کرب کی یہ دعا پڑھتی تھی
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَكِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ
 السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ رواه البخاری ومسلم وابو عوانہ والنسائی
 والترمذی وابن ماجہ وغیرہم ابن عوانہ نے اتنا زیادہ کیا ہے کہ پھر اسکی بعد دعا کرتے
 ایک روایت بخاری میں حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ آیا ہے ابراہیم علیہ السلام جب آگ میں
 ڈالے گئے تھے تو آخر قول اسکا یہی کلمہ تھا۔ رواه البخاری اور جب حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ
 وسلم سی کہا گیا کہ لوگ تمہارے لیے جمع ہوئے ہیں تم ڈرو تو صحابہ نے یہی کلمہ کہا مسلم کا لفظ ہے
 حضرت پر جب کوئی امر مہم آتا تو اسکو کہتی انتی میں کہتا ہوں اللہ فی قرآن میں کہا ہی الَّذِینَ
 قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ
 وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَى دَارِهِمْ لِيُذَكِّرَ الَّذِينَ لَمْ يُمَيَّنُوا مِنْهُمْ سُوْرَةُ رُلِیلِ ی اس بات پر

کہ اس کلمے کے قائل کو کوئی بُرائی نہ لگیگی یعنی اسکا تجربہ کیا ہمیشہ مجرب پایا قرآن پاک سے
 یہی دو عمل ثابت ہیں ایک تو یہ کلمہ دوسرے دعاے یونس علیہ السلام اسپر بھی وعدہ
 نجات کا کیا ہی اور یہ دونوں عمل حدیث سی بھی ثابت ہیں مثل انکے کوئی دوسرا عمل چہر
 اجماع کتاب و سنت و اتفاق قرآن و حدیث ہو سوا ان دونوں کلمات کی اور معلوم نہیں
 ہونے اگرچہ ادعیہ دیگر زبان انبیاء علیہم السلام قرآن پاک میں منقول ہیں منجانبہ کما
 اعظم شانہ ایک روایت بخاری میں یوں آیا ہے لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ رَبُّ
 السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ
 بِكَ مِنْ شَرِّ عِبَادِكَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اس میں یہ بات ہے کہ پہلے اس ذکر کو کہے
 استغاثہ کرے پھر کلمہ حبنا اللہ پر ختم کرے

ادعا کرب ایضاً

اسما بنت عمیس کہتی ہیں حضرت نے مجھے فرمایا کیا میں تجھ کو ایسی کلمات نہ سکھا دوں جو
 تو وقت کرب کے کہا کرے اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا رَوَاهُ ابُو دَاوُدَ وَالتَّيَّمِيُّ
 وَابْنُ جَابَرٍ طبرانی نے تین بار کہنا انکا زیادہ کیا ہے وَاخْرَجَهُ ابْنُ مَاجَةَ اَيْضًا عائشہ کا
 لفظ یہی کہ حضرت نے اپنے اہل بیت کو جمع کر کے فرمایا تم میں جب کسی کو غم یا کرب ہو
 تو وہ یوں کہو اللَّهُ اللَّهُ اَللّٰهُمَّ رَوَاهُ ابْنُ جَابَرٍ وَصَحَّحَ طَبْرَانِي كَالْفَرْعَانِي كَالْفَرْعَانِي
 نے کہہ نفر سے بنی ہاشم کے کہا تمہاری ہمراہ کوئی غیر تمہارا ہے کہا نہیں مگر ابن اخت یا مولی
 ہمارا فرمایا اِذَا الصَّابِ احَدُكُمْ وَلَا وَاَاءُ فَلَيقُلْ ابْنُ عَبَّاسٍ کہتی ہیں حضرت نے دونوں کو
 دروازے کے پرتے اور ہم گھر میں تھے فرمایا اے بنی مطلب اِذَا اَنْزَلَ بِكُمْ كَرْبًا اَوْ حَمَلًا
 لَا وَاَاءُ فَقُولُوا اَللّٰهُمَّ اسکی اسناد میں ابوبکر صلی اللہ علیہ وسلم نے روایہ الطبرانی نے الکبیر والاوسط

میںی اس کلمہ مبارک کا تجربہ کیا تریاق مجرب پایا و اللہ اعلم

دعا کر رب ایضاً

ابو ہریرہ کہتے ہیں حضرت نے فرمایا مجھ کو کسی امر میں کرب نہوا مگر جبریل کی تمثیل ہو کر
مجھ سے کہا کہ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الْحَمْدُ لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْلِقْ لَكَ لَكُمُوكَ لَمْ يَكُنْ لَكَ
شَرِيكَ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ وَلِيٌّ مِنَ الدَّلِ وَكَتَبَ لَكَ كِتَابًا خَرَجَ لَكَ كَرَمًا وَقَالَ صَحِيحٌ لَا سَنَادَ

دعا کر رب ایضاً

ابو بکرہ رفعاً کہتے ہیں دعا مکروب یہی اللَّهُمَّ رَحْمَتُكَ أَرْجُو ذَلَّ إِلَيَّ الرَّحْمَنُ طَرَفَةً
عَيْنٍ وَأَصْلِي لِي شَاوِيَةً لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رواہ ابن حبان اطلاق لفظ شان کا امر حال
وخطب اور جملہ شئون پر ہوتا ہے اس جگہ مراد اصلاح حال و امر محتاج الیہی حیات و مائتہ
میں اس حدیث کو طبرانی نے بھی کبیر میں روایت کیا ہے اس لفظ سے کلمات المکروب
اللہم الخ بمع الزوائد میں کہا ہے و اسناد حسن

دعا رہم و غم یعنی فکر و رج

ابن مسعود کہتی ہیں حضرت کو جب کوئی غم و غم ہوتا تو کہتے یا حیی یا قیوم برحمتک
اَسْتَعِیْثُ رواہ الحاکم و قال صحیح الاسناد و الترمذی من حدیث انس و النسائی
من حدیث ربیعہ بن عامر علی بن ابی طالب کہتی ہیں دن بدر کی کچھ دیر تک میں نے کہا
پھر آیا کہ دیکھوں حضرت کیا کرتے ہیں دیکھا تو آپ سجدی میں پڑے ہوئے یا حیی یا قیوم کہتی
تھے میں پھر کر چلا گیا پھر دوبارہ آیا پھر سجدی میں پایا یہی یا حیی یا قیوم کہہ ہی تھی اللہ نے ان کو فتح دی
رواہ النسائی و قال الحاکم صحیح الاسناد میں نے اسکو ہی تجربہ کیا صحیح پایا یہ کلمہ
اسم اعظم الہی ہے و اللہ الحمد

دعای ذوالنون علیہ السلام

سعد بن ابی وقاص کہتی ہیں حضرت نے فرمایا دعوت ذوالنون بطن حوت میں وقت دعا کے یہ تھی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ کوئی مسلمان کسی شے میں کہی یہ دعائیں کرتا ہے مگر اللہ اسکی دعا کو قبول فرماتا ہے ہذا لفظ الترمذی قال الحاکم صحیح الاستاد دوسرے طریق میں آنا اور زیادہ کیا ہے کہ ایک شخص نے کہا اے رسول خدا کیا یہ دعا خاص ساتھ یونس علیہ السلام کے ہے یا واسطے عامہ مومنین کو فرمایا تو نے اسکی بات نہیں سنی فَجَنَّاهُ مِنَ الْغَمْرِ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ورواہ احمد و ابو یعلیٰ الموصلی ایضا ورواہ النسائی وابن جریر ایضا بلفظ اسم اللہ الاعظم الذی اذا دُعِيَ به اجاب واذا سئل به اعطى دعوة یونس بن متى سیوطی فی جامع کبیر و صغیر میں اسکی تخریج پر حدیث سعد سے اسی لفظ پر اقتصار کیا ہے مگر بناوی فی شرح میں کہتا ہے باسناد ضعیف شہ کانی کہتے ہیں ولعلہ تبع فی ذلک من السیوطی ومثل ذلک لا یوثق به اسم اعظم کی تعیین میں جزری نے تین حدیثیں لکھی ہیں انہیں سی ایک یہ حدیث ہی ذکر اسکا آجکا بہر حال پڑھنا اس آیت شریف کا ہم وغم ومصائب میں تریاق مجرب ہے شایخ نے ترکیب اسکی بیان کی ہے ذکر ترکیب مذکور کا آئیگا انشاء اللہ تعالیٰ مجاہدین عالم ہری میں هجوم غاوت کا تھا میں اس دعا کو پڑھا کرتا اللہ نے کشف غم فرمایا اسکے مجرب ہونے میں کچھ شک و شبہ نہیں ہے اور پہلی بات گذر چکی ہے کہ یہ وہ دعا ہے جو قرآن و حدیث دونوں میں ثابت ہے ایسی دعا سوا اسکے اور حسبنا اللہ و نعم الوکیل کی دوسری نہیں

دعا غم و حزن

ابن مسعود کہتے ہیں حضرت نے فرمایا ہر مومن کو کسی بندے نے وقت پہنچنی مہم و حزن کے

اللہم ان عبدک وابن امتک ناصیتی بیدک ما ضر فی حکمک عدل فی
 قضاءک اسألت بکل اسم هو لک سمیئت به نفسک او أنزلتہ فی کتابک او
 علمتہ أحد من خلقک او استأثرت به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن
 ربيع قلبی ونور صدري وجلاء حزنی وذهاب غمی وھنہی لکن اللہ تعالیٰ اسکی فکر
 دور کر دیتا ہے اور بجای حزن کے فرح بخشتا ہی رواہ ابن حبان واحد والبیہاق
 اسکو آخر میں یہ بھی آیا ہے کہ حضرت سے کہا کیا کہوں ان کلمات کا یکٹنا چاہیے فرمایا
 جو کوئی آکھوئے وہ سیکھ لے وصحہ ابن حبان والحاکم وصحہ مجمع الزوائد میں کہا ہے
 رواہ احمد وابویعلی والبیہاق والطبرانی ورجال احمد وابی یعلی رجال الصحیح غیر ان سلمہ
 الجھنی وقد وثقہ ابن حبان انھی اسکو طبرانی وابن السنی نے بھی حدیث ابو موسیٰ سیہمین
 لفظ روایت کیا ہی اور آخر میں کہا ہی کہ ایک قائل نے کہا یا رسول اللہ المغبون من غبن
 هؤلاء الكلمات فرمایا اجل فقولوهن وعلوھن فانه من قائلھن وعلم للناس ما فیھن اذھب اللہ
 عنہ کریمہ واطال فرجہ مجمع الزوائد میں کہا ہے وفیہ من لم اعرفہ انھی

دوا ہر داء خصوصاً ہم

ابو ہریرہ رفعاً کہتے ہیں جسے کہا لا حول ولا قوۃ الا باللہ یا اس کے لیے دوا ہے
 نانوے داء سے سب میں کم ایک ہم ہے اخرجہ الحاکم والطبرانی شوکانی
 فرماتے ہیں ظاہر یہ ہے کہ یہ ذکر شفاء ہے عدد مذکور سے یا خارج مخرج مبالغہ ہو تو مراد
 شفا وجمع امراض وعلل سے ہوگی جنہیں کترہم ہے انتہی میں کتنا ہوں لفظ داء اس
 جگہ عام ہے داء قلب وقلب اس کی تکرار ہر داء جان و تن کو دور کرتی ہے سینے
 بھی اسکا تجربہ کیا صحیح پایا واللہ اعلم

وعار مخرج ضيق وفرج مسم وبسط رزق

ابن عباس نے رفقاً کہا ہے جسے استغفار کو لازم کیڑا اللہ اسکو ہرنگی سی باہر نکالتا اور ہر فکر سے کشادگی بخشتا ہے اور اسی جگہ سے رزق دیتا ہے کہ وہاں سی گمان بھی نہ ہو
 اسخرجه ابو حازم والنسائی وابن حبان وصحیحه وابن ماجہ نسائی کا لفظ یہ ہے
 مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ شُكَّ أَنْ يَرْحَمَ اللَّهُ لَكَ مَا هُوَ وَفِي الْحَدِيثِ فَضِيلَةُ عَظِيمَةٌ وَهِيَ
 أَنْ لَا يَسْتَكْنَأَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ فِيهِ الْمَخْرَجُ مِنْ كُلِّ ضَيْقٍ وَالْفَرَجُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَ
 حُصُولُ الْأَرْزَاقِ لَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَلَا يَكْتَسِبُ وَمَنْ اجْتَمَعَ لَهُ ذَلِكَ فَاشْ
 فَوْعِلَهُ سَالِمًا مِنْ كُلِّ نَقْعٍ انھی نے اسکا تجربہ بھی کیا صحیح پایا بلکہ اس زمانے میں
 وہی چیز کو دفع ہم و حزن میں قوی تاثیر سریع الاثر دیکھا ایک کثرت استغفار دوسرے
 صدقہ و خیرات الفاظ استغفار کے کئی طرح پر آئے ہیں سب کافی شافی ہیں مگر یہ استغفار
 کی بہت صفت و ثناء آئی ہے اسکا ذکر انشاء اللہ تعالیٰ آئیگا اور یوں تو ہر کلمہ استغفار
 جو بطریق صحیح ماثور ہے اپنا کام کر جاتا ہے

وعار کرب و شدت

ابو امامہ فماتے ہیں مؤذن جب اذان دیتا ہے تو دروازے آسمان کو کھلتے ہیں
 اور دعا قبول ہوتی ہے سو جس کسی شخص پر کرب یا شدت نازل ہو تو وہ مؤذن کا جواب
 دے اور عی علی الفلاح کے بعد یوں کہے اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ الصَّادِقَةُ الصَّارِفَةُ
 الْمَسْتَجَابُ لَهَا دَعْوَةُ الْحَقِّ وَكَلِمَةُ الْقَوِي أَحْيِنَا عَلَيْهَا وَامْتِنْنَا عَلَيْهَا وَابْعَثْنَا عَلَيْهَا رَجُلًا
 مِنْ خِيَارِ أَعْلَمَاءِ الْعِلْمِ وَأَمْعَانَا پھر کے بعد سوال اپنی حاجت کا کری اخرجه الحاكم
 شوكانی نے فرماتے ہیں ای نیال حاجتہ كائنة ما كانت لكن اسکی سند میں عمیر بن معدان

مذہبی نے اسکو وہی کہا ہے یعنی ضعیف مگر حدیث سہل بن سعد رضی اللہ عنہما اسکی روایت فرمایا ہے ثَنَانٌ لَا تَزِدُكَ الدُّعَاءُ عِنْدَ النَّدَامِ وَعِنْدَ الْبَاسِ حِينَ يُلْحَمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا رَوَاهُ مَالِكٌ فِي الْمَوْطِئِ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ حِبَّانَ وَالْحَاكِمُ وَصَحَّاحُ أَسَى طَرَحَ أَوْقَاتَ اجَابَتِ فِي مَابَيْنَ أَذَانٍ وَأَقَامَتِ فِي أَوْقَاتِ قَامَتِ يَحْتَبِثُ بَيْنَ الْخِطَتَيْنِ فِي يَتَقَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ

توقع بلا و امر مہولناک

ابوسعید کہتے ہیں حضرت نے کہا مجھکو چین کیونکر آئے صاحب قرن مونہ میں قرن ہی ہو کے کان رکھے ہے کہ کس دم حکم ہو کہ میں اسکو بھونکوں۔ اصحاب حضرت پر بیات گراں گذری فرمایا تم یوں کہو حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ عَلَيَّ اللَّهُ تَوَكَّلْنَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ فِي قُلُوبِ الْحَدِيثِ حَسَنٌ سَوَّجِبْهُ صَوْرَتِ امْرُؤٍ لَنَا كَوَيْلُهُ كَمَا كَفَايَتِ كَرَامَتُهُ تَوَجَّهْ كَيْسِي وَرَبِّكَ حَقِيرٌ كَيْ كَيْسَتِي هِيَ شَامِلٌ هِيَ هَرَامُ مَهْوَلٍ كَوَاوَرُ كَوْنِي نَابٍ اِمْرَاقٌ هُوَ تَوَيُّوْنَ كَبَّ يَقْدَرِ اللَّهُ وَمَا شَاءَ فَعَلَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَفَعَانِ سَائِي كَانَفْطِي هِيَ فَاَن غَلَبَ عَلَيْهِ اَمْرُ فَقُلْ قَدْ رَاكَ اللَّهُ وَمَا شَاءَ صَنَعَ

دعا غلبہ امر

عوف بن مالک مرفوعاً کہتے ہیں حضرت نے در بیان دو شخصوں کے فیصلہ کیا مقضی علی نے کہا حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فرمایا اس شخص کو بلاؤ وہ آیا فرمایا تو نے کیا کہا اسنی عرض کیا کہ میں نے یہ کہا فرمایا اللہ ملاست کرتا ہی عجز پر لکن تجھ پر کیس یعنی ہوشیاری واجب ہے اور جب تجھ پر کوئی امر غلبہ کرے تب تو یوں کہہ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ شَوْكَانِي فرماتی ہیں الحدیث دلیل علی انہ لَا يُقَالُ هَذَا الدُّعَاءُ إِلَّا إِذَا غَلَبَ الْأَمْرُ وَحُجِرَتْ دَفْعُهُ اِنْتَقَى یعنی معاملہ مقدمہ میں ہر حیت ایک معمولی بات ہے اس پر اس کلمے کا کہنا اسکو تو

وقت مظلومیت امرم کے کہے تلاعب نہ کری اسکی دست در سبج

دعا مصیبت

حدیث ابی سلمہ میں فرمایا ہے تم میں جب کسیکو مصیبت پہنچے تو وہ یوں کہو انا لله
و انا الیه راجعون اللہم عندک احتسب مصیبتی فاجزنی فیہا وابدل منہا خیراً
رواہ القمذی وقال غریب من هذا الوجه والحاکم وابن ماجہ مسلم کا لفظ امر سلمہ سے
یوں ہے ما من عبد یصیبہ مصیبة فیقول انا لله الخ اللہم اجزنی فی مصیبتی
واخلف لی خیراً منها الخ یہ دعا ہر مصیبت میں کہنا چاہیے موت ہو یا اور کچھ اور اللہ تعالیٰ
اسکے کہنے سے خلف خیر عطا فرماتا ہے اہل علم کو اسکا تجربہ ہوا ہے بلکہ خود ام سلمہ نے اسکا
تجربہ پایا کہ بعد موت ابی سلمہ کے یہ دعا کی تھی اللہم اجزنی الخ وہ کہتی ہیں قلت کما امرت رسول اللہ
صلی اللہ علیہ والہ وسلم فاخلف لی خیراً منہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ والہ وسلم

دعا استصعاب امر

جب کوئی امر دشوار پیش آئے تو یوں کہے اللہم لا تسفل الاما جعلتہ سہلاً ولا ت
تجعل الخزن سہلاً رواہ ابن جان عن انس رفعا وصحیہ شوکانی فرماتے ہیں وفي الحديث
الدعاء بان الله سبحانه يجعل كل ما صعّب من الامور سهلاً فيمكن الوصول اليه بلا صعوبة نعم

دعا در ماندگی و زیادت قوت

اگر تغل سے تھک جائے اور زیادہ طاقت چاہے تو وقت خواب کے ہر شب ۳۳ بار
سبحان اللہ ۳۳ بار الحمد للہ ۳۳ بار اللہ اکبر کہے رواہ الشیخان واحمد والطبرانی من
حدیث علی فاطمہ علیہا السلام نے حضرت سے خادمہ مانگا تھا فرمایا سوتی وقت یوں کہا
اگر دیکھو کہ تماری کان لفظ یہی کہانکے ہاتھ میں چکی سپینے سے گٹا پڑ گیا تھا اسکی شکایت پر یہ

ہدایت فرمائی سچان اللہ بنت سید المرسلین اس مشقت و تعب میں نہیں کہ اپنے ہاتھ
چکی پتیں کھانا پکاتیں ہماری کیا ہستی ہے کہ ہماری مستورات ایسے کاموں سے عار کریں
لکن بات یہ ہے کہ ہم سے اس کی نعمت بظریق کا شکر ادا نہیں ہو سکتا ہی جسے ہم اور
ہماری مستورات کو محتاج اس مشقت و شغل کا نہیں رکھا تُو لَسَّالَنْ یَقْمِذَ عَنِ الْعِجَمِ
سو ہاں روح ہے اللہ مغفراً

دعا بخوف از سلطان یا ظالم

ابن عباس رضی اللہ عنہ کہتے ہیں توجب پاس کسی بادشاہ ہیت ناک کے جائے
جبکی سطوت سے تو ڈرتا ہے تو کہہ اللہ اکبر اللہ اکبر من خلقہ جمیعاً اللہ اعز ما خلق
واحدراً عوذ باللہ الذی لا الہ الا هو المملک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه
من شر عبدک فلاں و جنودہ و اتباعہ و اشیاءہ من الجن و الانس اللهم
کن لی جاراً من شرمہم جل ثناؤک و عز جارك و لا اله غیرک تین بار اسی طرح کہے
رواہ الطبرانی مجمع الزوائد میں کہا ہے و رجالہ رجال الصیحة یعنی یہ موقوف ہیں ابن عباس پر
نزدیک ابن ابی شیبہ کے اور تین بار کہنا بھی انہیں کی روایت ہے نہ طبرانی کی و رواہ
ابن خزمیہ موقوفاً ایضاً اسکو طبرانی نے ابن مسعود سے مرفوعاً بھی روایت کیا ہے اس لفظ
سے کہ اذا تخوف احدکم السلطان فلیقل اللهم رب السموات السبع و رب العرش
العظیم کن لی جاراً من شرفلان و شر الجن و الانس و اتباعہم ان یفرض علی
احد منهم عز جارك و جل ثناؤک و لا اله غیرک مجمع الزوائد میں کہا ہے
فیہ جنادۃ بن مسلم وثقتہ ابن حبان و ضعفہ خیرہ و بقیۃ رجالہ رجال الصیحة
لفظہ فلاں کی جگہ اس شخص کا نام لی جس سے ڈرتا ہے

دعا خوف از سلطان

علیہ بن یزید کہتے ہیں جو شخص خاصہ شعبی سی ہو یا شعبی اسکو یہ دعا سکھائے اللہ تعالیٰ
 اِلَہِ جِبْرِیْلَ وَ مِکائِیْلَ وَ اسْرَافِیْلَ وَ اِلَہِ اِبْرَہِیْمَ وَ اِسْمٰعِیْلَ وَ اِسْحٰقَ عَافِیْ وَ کَلَامَ سُلْطٰنِ
 اَحَدًا مِنْ خَلْقِکَ عَلٰی بَیْتِیْ لَا طَاقَةَ لِیْ بِہِ اِخْرَجَہُ اِنْ اَبِیْ شَیْبَةَ مَوْفِقًا اِسْکَی اَنْزَلَہُ
 یہ کہتا ہے ایک شخص پاس ایک امیر کے گیا تھا اسنے یہ دعا کی امیر نے اسکو چوڑو یا شعبی
 ایک امام جلیل تابعی کبیر ہیں انکا نام عامر بن شراحیل تھا حاج کی انکو ظلمتا قتل کر ڈالا
 میں کہتا ہوں سلف و خلف میں بابت قوت و ضعف ایمان اتنا ہی فرق ہے کہ وہ ہر
 مصیبت میں توسل و استعانت نری اللہ پاک سے کرتے تھے نہ اولیاء خدا سے اس جگہ
 نام ملائکہ و انبیاء کا لیا تو بھی کس عنوان پاکیزہ سے یہ نہ کہ اللہم کن جبریل الخ اسلی کہ اے
 پر کسی مخلوق کا کوئی حق واجب نہیں ہے بلکہ یوں کہ اللہم اللہ فلان وفلان اے میں اللہ سے
 استعانت بھی ہوئی اور انکی عبودیت بھی اللہ کے لیے ثابت ہوئی پھر ان لوگوں کو نام
 یعنی جنکا اہل اللہ ہونا قطعی الثبوت ہے بخلاف اسماء اولیاء اللہ کہ ہر چند انکے حق میں بھی
 حسن ظن قبول ہے لیکن ہم کسی کو قطعی جنتی نہیں کہہ سکتے ہیں سو جب یہ بات ہے تو پھر توسل
 کرنا انسی دعا میں کچھ ضرور نہیں ہے گو نزدیک بعض اہل علم کے جائز ہو یا اسی ترکیب کے
 ساتھ کہ اللہم اللہ الشیخ فلان وفلان اسلئے کا اس محل استعانت و استغااثہ میں ہو
 اگر کسی کا نام لینا ضروری ہو تو ہم ملائکہ کرام عالی مقام اور انبیاء علیہم السلام کا نام لیں
 اور اسکے خاص الخاص بندوں کا ذکر سامنے رب کے کریں جبکہ مقبول و مقرب ہونے
 میں کچھ شک و شبہ نہیں ہے انکا نام کیوں لیں جبکہ حق میں ہم قطعاً کوئی حکم خیر نہیں لگا سکتے
 مبادا انہیں کوئی ایسا ہو جسکو ہم اللہ کا ولی سمجھ لیا ہے اور وہ ولی نہ ہو تو پھر یہ کہنا ہمارا کہ

اللہ جل جلالہ فلان الشیخ نافع نہوگا بلکہ مضر ہوگا اگرچہ ساری مخلوق مومن و کافر اللہ ہی کے بند
اور غلام ہیں جس طرح کہ ہم یا خالق القادورات نہیں کہہ سکتے ہیں اگرچہ ان اللہ خالق کل شیء
کہتے ہیں۔ اللہ تعالیٰ کی جناب عالی ساری مخلوق سے بڑا بڑا عمل رب ہو لیکن مَا قَدَّرُوا لِلَّهِ
حَقَّ قَدَرِهِ سے از خدا خواہیم توفیق اوب بے اوب محروم گشت از فضل رب
فائدہ مسائل شرک و بدعت میں جس جگہ علماء و اولیاء کا اختلاف ہو کوئی جائز کوئی
نا جائز اس جگہ میزان یہ ہے کہ شرک اولیٰ ہے فعل ہی اور وقوف افضل ہی قول مجاز سے
اس لیے کہ شرک کے شر ابواب ہیں اور شرک چوٹی کی چال کی اندھیری رات میں سیاہ پتھر
پر بھی زیادہ تر پوشیدہ ہی اور معلوم ہے کہ اللہ شرک کو ہرگز نہ بخشے گا مگر توبہ سے اور بدعت کے
بہتر فروازے ہیں اور ہر بدعت ضلالت ہی اور ہر ضلالت نارین ہی اسی وقوف میں نجات
ہے اور جرات کرنے میں ہلاک لہذا حدیث میں آیا ہے الْمُؤْمِنُونَ وَقَاُونَ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ
شُرک و توحید کھلی چیز ہے انکے درمیان میں امور شبہہ ہیں جنکو اکثر لوگ نہیں جانتے ہی
وجہ سے اللہ نے فرمایا ہے وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِاللَّهِ الْإِلَٰهَهُمْ شُرُكُوتٌ يَهْتَبُونَ مِنْ دُونِهِ
بسط کی نہیں ہے اسکا محل کتب اعتصام بالکتاب السنہ میں اللہ اعلم

دعای خوف از امیر ظالم

ابو مجلز جبکا نام لاحق بن حمید ہی کہتے ہیں جو شخص کسی امیر ظالم سے ڈرے تو وہ یہ کہے
رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِعُودِ نَبِيِّيَّ وَبِالْقُرْآنِ حَكْمًا وَآمَنَّا بِاللّٰهِ اس کو بارگاہ
امیر ظالم کے نجات دیکھا رواہ ابن ابی شیبہ سے قیقا ممکن ہے کہ یہ اثر اور اثر اقبل
صحابہ سے مروی ہوں یا مستند ان کا تجریب ہو ان دونوں اماموں نے تجربہ میں
اس کو صحیح پایا ہے

دعای خوف از شیطان وغیرہ

جب کسی شیطان وغیرہ سے ڈرے تو یوں کہو اعوذ بوجه الله الکریم وبکلمات الله الثامات التي لا یجاوزهن یزد ولا فاجر من شر ما خلق وذراً وبراء ومن شر الثامات التي لا یزال من السماء ومن شر ما یخرج فیها ومن شر فتن اللیل والنهار ومن شر کل طارق الا طارقاً یطرق بخیر یا رحمن رواه النسائی واحمد والطبرانی من حدیث ابن مسعود مالک کی روایت میں یوں ہے کہ شب معراج میں حضرت کے سامنے ایک عفریت یعنی دیوسرکش ایک شعلہ آگ کا لیکر آیا حضرت جب اسکی طرف التفات کرتے تو اسکو موجود دیا تے جبریل علیہ السلام نے کہا تم یوں کہو اعوذ بوجه الله لے انحر

دعای فرغ یعنی گھبراہٹ کی

ابن عمر کہتے ہیں حضرت صحابہ کو واسطے دفع فرغ کے یہ کلمات سکھاتے اَعُوذ بِكَلِمَاتِ الله الثامَةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَرَجَاتِ الشَّيَاطِينِ وَانْ مَحْضُرُونَ اخرجہ ابوداؤد والترمذی وقال حسن غریب والحاکم

دعای ہر شب شیطان

اس کام کے لیے پڑھنا آیہ الکرسی کا اور اذان کہنا آیا ہے رواہ مسلم والترمذی وابن ابی شیبہ من حدیث جابر والی حدیث وسعد بن ابی وقاص حدیث سعد بن نداباذان واسطے دفع خول کے بھی بالخصوص آئی ہے رواہ البزار

دعای عام وسوسہ

حدیث ابو ہریرہ میں فرمایا ہے شیطان تمہارے پاس آکر کہتا ہے اسکو کس نے پیدا کیا اور اسکو کس نے بنایا یہاں تک کہ یوں کہتا ہے کہ تیرے رب کو کس نے پیدا کیا جب اسکی نوبت

پہنچ تو اللہ کے ساتھ استعاذہ کرے اور باز رہے اخراج الشیطان و ابوداؤد والنسائی
 ایک لفظ مسلم کا یوں ہے کہ اس طرح کہ اَمِنْتُ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ و دوسری روایت ابوداؤد
 و نسائی یہ ہے فَقَوْلَا اللّٰهُ اَحَدًا اللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدًا
 بہترین بار باریں طرف تھہکار دے اور شیطان ہی پناہ مانگی نسائی کا لفظ یہ ہے فَلْيَسْتَعِذْ
 بِاللّٰهِ مِنْهُ وَمِنْ فِتْنَتِهِ شَوْكَانِيؕ فرماتے ہیں وَفِي الْحَدِيثِ دَلِيلٌ عَلَى اَنَّ اللَّهَ يُجِيبُ عَلَى مَنْ
 بَلَغَتْ بِهِ الْوَسْوَسَةُ الشَّيْطَانِيَّةُ اِلَى هَذَا الْحَدِّ اَنْ يَنْتَقِي عَنْ ذَلِكَ وَيَتَرَكُ وَيَسْتَغْلِ
 بِغَيْرِ مَا يُلْهِمُهُ وَيَصْرِفُ ذَهْنَهُ عَنْهُ وَيَقُولُ اَمِنْتُ بِاللّٰهِ وَيَتَلَوَّلُ هُوَ اللّٰهُ اَحَدًا
 يَتَقَلُّ ثَلَاثًا عَنْ يَسَارِهِ دَفْعًا لِلشَّيْطَانِ الَّذِي اَتَى بِهَذِهِ الْوَسْوَسَةِ وَيَسْتَعِذُّ بِاللّٰهِ مِنْهُ
 وَمِنْ فِتْنَتِهِ اَنْتَهَى باریں طرف کا ذکر ایسے ہے کہ دل باریں طرف ہو اور وسوسہ شیطان کا
 دل ہی کے اندر ہوتا ہے ایسے اسی جانب تفل کمری اور اگر وسوسہ اعمال میں ہوتا اس
 شیطان کا نام خرب ہے بکسر خا و فتح خا ہر دو دونوں ساکن و زای مفتوح اس وقت بھی
 استعاذہ باللہ اور تفل بجانب یسار کرے رواہ مسلم عن عثمان بن ابی العاص ابوزید نے
 ابن عباس سے کہا تھا کیا چیز ہے یہ جو میں اپنے سینے میں پاتا ہوں پوچھا کیا کہا واللہ میں
 نہیں کہہ سکتا کہا کیا کچھ شک ہے اور نہیں اور کہا اس سے کسی نے نجات نہیں پائی کیا
 کہ اللہ نے یہ آیت بھیجی فَاِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ فَاَنْتَ فِي شَكٍّ
 پائے تو یہ کہ ہوا الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شئ عليم اخراج ابوداؤد
 باسناد جید شیطان رحیم انسان کا دشمن ہے ہر دم کام اس کا وسوسہ ڈالنا ہی ہے کہ
 ایسا وسوسہ خبیث القا کرتا ہے جو مومن سے نکالائیں جاتا صریح کفر و ردت والحاد و زندقہ
 ہوتا ہے جیسے شک اللہ تعالیٰ میں یا سب و شتم حق میں اللہ و رسول کی ولات و لا قوۃ الا باللہ

سوائے وسوسوں کا یہی علاج ہے جو مذکور ہوا اور اللہ ضرور پناہ گیر کو انشاء اللہ تعالیٰ
پناہ دیگا اور سب اعمال ہی زیادہ وسوسے اس بعین کا حالت نماز میں ہوتا ہے اسی کی بنا پر
افضل عبادت ہی اور سب سے پہلے دن حساب کے اسی کی پیش ہوگی لہذا جن امور کا
خیال خارج نماز میں نہیں ہوتا ہے ان کا وسوسہ اسی حالت میں اندر سینے کے خلش کرنا ہے
اور دور دور جا بجا فکر و خیال دوڑنا ہے تاکہ افضل عبادت خراب ہو کر نمازی برکات و
نجات آخرت سے محروم ہو جائے یہ خرب خریز سے بھی بدتر اور خبیث تر ہے جو کہ اس
حالت طہارت میں آکر ہکاتا ہے اور ہر وادی میں لپی پھرتا ہے اس کا علاج بھی یہی ہے جو
اس حکم مذکور ہوا اللھم انی استعید بک من وسوسة الصدر وشتات الاہم

دعا رکھنے کی

ابو رافع مولای رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کہتے ہیں حضرت نے فرمایا جب تم
میں کسی کا کان بولے تو وہ مجھ کو یاد کر کے مجھ پر درود بھیجے اور یہ کلمہ کہ ذکر اللہ بخیر من
ذکر فی الخرجہ الطبرانی مجمع الزوائد میں اس حدیث کو حسن کہا ہے یہ معاجم ثلثہ میں مروی
ہے ورواہ البزار فی مسند ابیضا شوکانی کہتے ہیں فیہ اشارۃ الی ان سبب ذلک ذکر بعض من
یذکرہ وقد ذکر اہل علم الطب ان ذلک یكون من تصعد الاجترۃ ولكن هذه الاشارة
من الصادق المصدوق وان لم تکن صریحۃ فی السببۃ فہو اقدم من کل طب وانج
هذا الحديث ایضاً ابن السنی فی عمل الیوم والليلة انتھی

گوش تو شنید دام کہ دردے دارد درد دل من مگر گوشش تو رسید

پانوں کا سن ہو جانا

اس بارے میں ابن السنی نے ایک اثر ابن عباس سے روایت کیا ہے اور نیز ابن عمر سے

کہ جب پاؤں سن پر مجھے ترا حشخص کو یاد کرے جو سب ہی زیادہ اسکو لوگوں میں
 محبوب ہے شوکانی فرماتے ہیں لیس فی ذلک ما یفید ان لهذا حکم الرفع فقد کون
 مرجع مثل هذا التجرب والمحبوب الاعظم کل مسلم هو رسول الله صلی الله علیه
 وآله وسلم فینبغی ذکره عند ذلک كما ورد ما یفید ذلک فی کتاب الله سبحانه مثل
 قوله ان کنتم تحبون الله فاتبعونی يحبکم الله وکما فی حدیث لا یومر احدکم
 حقو اکون احب الی من اهلہ وماله ومن الناس اجمعین اتفقوا بتدلال شوکانی پر کہ
 حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کے محبوب اعظم ہونے پر نہایت صریح و واضح ہوا اللہ تعالیٰ
 ہم کو محبت اپنے محبوب اعظم کی بظہیل محبوب موصوف کما ینبغی اور کما حقہ عطا کری اللہ من
 ابن استی وغیرہ کی روایت میں کیفیت اس ذکر کی یوں آئی ہے کہ اس طرح کہ محمد صلی اللہ
 علیہ وآلہ وسلم انشاء اللہ تعالیٰ فی الفور خدر جاتا رہیگا سلف کو اسکا تجربہ ہوا ہی ہوگا
 شریعتی کہتی ہیں ایک بار پاؤں ابن عباس کا سن ہو گیا تھا کہا یا محمد فی الفور کھل گیا تھا
 لکن اس ندا سے کیفیت صدر بہتر ہے کیونکہ مجاہد نے اسکو بلا نذر روایت کیا ہی ایک
 ترکیب رفع خدر کی یہ بھی ہے کہ جو ہاتھ یا پاؤں سن ہو گیا ہوا اسکے ناخنوں پر تھوک
 لگا دے خدر زائل ہو جائیگا اسکو شریعتی نے مجرب کہا ہی واللہ اعلم

دعای غضب و خشم

اسکے دور کرنے کے لیے اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ کے رواہ الشیخان میں حدیث
 سلیمان بن صرد بطولہ وفیہ قصۃ سنن کی روایت میں یوں کہنا آیا ہے اَعُوْذُ
 اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ یہ دلیل ہے اس بات پر کہ غضب متبب ہوتا ہے
 علم شیطان سیسی لسی اس سے استعاذہ کرنے کو فرمایا ہے جس کسی شخص کو امر ناخوش میں

یا مغلط صدق میں غصہ آئے وہ جان کی کہ شیطان ا کے ساتھ تلاعب کرتا ہے اور
 کسی طائف شیطان نے اسکو چھو ہے شوکانی فرماتے ہیں و فی هذا ما یزجر علی غضب
 کل من یؤذ ان لا یکن فی ید الشیطان یصرفہ کیف یشاء انتھی ایک علاج غضب بھی
 ہے کہ کھڑا ہو تو بیٹھ جاے بیٹھا ہو تو لیٹ جاے اس پر بھی غصہ نہ جاے تو خاک پر سجدہ کر کے
 وضو کر کے وباللہ التوفیق منجلد دس مہلکات کے ایک ملک یہ غضب بھی ہے

دعا رد لسان یعنی تیز زبانی کی

جو شخص بد زبان فحش گو ہو وہ اللہ سے استغفار کرے حدیث رضی اللہ عنہ کہتی ہیں
 حضرت سے شکوہ ذرب لسان کا کیا فرمایا تو استغفار سے کہ مہر گیا میں تو ہر دن میں سو بار
 اللہ سے استغفار کرتا ہوں اخرجہ النساء والحاکم وقال صحیح علی شرط مسلم ذرب لسان
 کہتے ہیں فحش کہنے کو حدیث دلیل ہے اس بات پر کہ سب ذرب زبان کا یہی گناہ انسان
 کے ہوتے ہیں سو جب اللہ ان ذنوب کو بخش دے گا سب استغفار کے تو وہ مسبب بھی دور
 ہو جائیگا رہے حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم سو وہ اس سے معصوم تھے یہ بات انھوں نے
 واسطے تعلیم مسک کے ارشاد فرمائی ہے کہ جب کوئی شخص اس بلا میں مبتلا ہو تو یہ کام کرے

دعا قرص

ایک مکاتب نے پاس علی بن ابی طالب کے آکر کہا میں باواؤ در کتابت سی عاجز ہو گیا ہوں
 میری کچھ مدد کرو فرمایا کیا میں تجھ کو وہ کلمات نہ سکھا دوں جو حضرت نے مجھ کو سکھائے تھے اگر
 بابر جیل صبر کے بھیر قرص ہو گا تو اللہ تعالیٰ اسکو بخشے ادا کر ادیگا کہ اللہم اکن فی جلالک
 عن حرامک واغننی بفضلک عن سواک اخرجہ الترمذی والحاکم ترمذی نے کہا حسن ہے
 حاکم نے کہا صحیح ہے صبر بفتح صاد و کسر موحده ایک مشہور پہاڑ ہے مین کا میں کہتا ہوں مجھ کو

بعد ہر نماز فرض کے اس دعا کے پڑھنے کی عادت سے سینے تمام کمر بھی ایک مہر کسی سے
 قرض نہیں لیا یا جو واجبہ حاجت بلا قرض کے پوری کی اور جو کم
 آنا دیا کہ میں نے ایک جماعت کو ہزار بار وہ یہ بطور فرض حسن دیا پھر کسی نے پورا اور کسی نے
 آدھا یا کم ادا کیا اور کسی نے معاف کر لیا اور کسی نے کچھ نہ دیا میں نے سب سے قطع نظر کی ہیں
 امید ہے کہ اللہ تعالیٰ میری فتنہ ہی دن مساب کے تجاوز فرمائے اللہم آمین شرحی کنہین
 بعض علما نے کہا ہے یسبحنی ان یواظب علی ذلک بعد کل فریضۃ الی الجمعۃ الاخری فساتات
 الجمعۃ الاخری الا وقد اغناہ اللہ تعالیٰ وکل ذلک مشروط بالصدقت وصلاح النیۃ
 وحسن العقیدۃ انتھی حدیث عائشہ میں فرمایا کہ عیسیٰ بن مریم اپنے صحاب کو یہ دعا سکھاتے
 تھے اور فرماتے اگر تیر برابر ہمارے قرض سونے کا ہو گا اور تم یہ دعا کرو گے تو اللہ تعالیٰ ادا
 کر دے گا اللہم فارح الھم کاشف الغم سحبت دعویٰ المضطرب رحمۃ الدنیا والاخرۃ ورحمۃ
 انت ترحمنی فارحمنی برحمۃ تغنی بھا عن رحمتی سواک - آخر جلد کا کہ ابو بکر صدیق
 کہتے ہیں مجھ پر بقیہ قرض تھا جب یہ حدیث عائشہ سے سنا کہ یہ دعا پڑھنا شروع کیا تو اللہ نے
 میرا قرض ادا کر دیا عائشہ کہتی ہیں مجھ پر ایک دینار تین درہم اسما بنت حمیس کی قرض تھو وہ
 جب میرے پاس آئیں تو میں انکی طرف مومنہ کرتے شرماتی کیونکہ میری پاس قرض ادا کر لیا
 تھا میں یہی دعا کیا کرتی تھوڑی مدت میں اللہ نے مجھ کو رزق دیا جو نہ صدقہ تانا میراث
 مجھ سے اللہ نے وہ قرض ادا کر دیا اور باقی مال میں نے اپنے گھر والوں میں خوب چھی طرح پر بانٹا لہذا
 عبدالرحمن کی دختر کو تین اوقیہ چاندی کا زیور بنا دیا اور بہت سال نچ رہا حاکم نے کہا
 روایت صحیح الاسناد ہے اسکو بزار نے بھی عائشہ سے روایت کیا ہے لیکن سند اسکی ضعیف ہے
 بہر حال اس دعا کا تجربہ موافق ارشاد صادق مصدق صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کے ابو بکر و عائشہ

ہو گیا و اللہ الحمد اسی طرح ہر مسلمان سون کو بھی ہو سکتا ہے اگر ضعیف الایمان اور شکی مزاج ہو

دعا قرص ایضا

معاذ رضی اللہ عنہ پر ایک یہودی کا ایک اوقیہ زر قرص تھا اسنی انکو جس کر رکھا تھا حضرت نے فرمایا کیا میں تجھ کو ایسی دعا سکھا دوں کہ اگر تجھ پر مثل کوہ صبر کے قرص ہو تو اللہ تعالیٰ ادا کرادے اسے معاذ اللہ سے یہ دعا کہ اللہم مالک الملک توفی الملک من تشاء وتزغ الملک من تشاء وتغیر من تشاء وتذل من تشاء بيدک الخير انک علی کل شیء مقدر تو لیہ اللیل فی النہار وتولیہ النہار فی اللیل وتخرج المحی من المیت وتخرج المیت من المحی وتزق من تشاء کفیر حجاب رحمن الدنیا والاخرۃ ورحیمہما تعطی

من تشاء منها وتمنع من تشاء ارحمنی رحمۃ تغنی عنی ہما عن رحمۃ من سواک اخرجہ الطبرانی یہ حدیث انس سی بھی رفعا آئی ہے مجمع الزوائد میں کہا ہے کہ رجال سکی ثقات میں ابو سعید رفعا کہتے ہیں ابوامامہ نے کہا مجھ پر مہوم و دیون ہو گئے ہیں فرمایا افلا اعلمک کلاما اذا قلته اذهب اللہ عنک وقضی دینک قلت بلی یا رسول اللہ فرمایا صبح و شام یہ دعا کیا کر اللہم انی اعوذ بک من العجز والحزن واعوذ بک من العجز والکسل واعوذ بک من العجز والبخل واعوذ بک من غلبۃ الدین وقہر الرجال ابوامامہ کہتے ہیں ففعلت فاذهب اللہ تعالیٰ عنی وقضی دینی شوکانی کہتے ہیں ولا مطع فی اسناد ہذا الحدیث

یہ حدیث مختصر بخاری میں بھی آئی ہے اور مجرب ہے میں اسکو اندر نماز کے بعد تشہد کے پڑھا کرتا ہوں اگرچہ میرا بچہ بالیقین حضور قلب کے ساتھ نہیں ہے لیکن برکت اخبار صادق مصدوق سے ہمیشہ اثر اسکا دفع ہم و حزن و قہر رجال میں مشاہدہ کیا کرتا ہوں واللہ الحمد

وعار نظریہ

سہل بن ضیف کو عامر بن ربیعہ کی نظر غسل کی حالت میں لگ گئی حضرت نے سہل کے سینے پر ہاتھ مار کر کہا بسم اللہ اذهب حرها وبردھا ووصبها بہرکاتم یا ذن اللہ وداغ کثر ہوئے پھر فرمایا اذاری احدثک من نفعہ ومالہ اواخیر شئنا یجہد فلیدع بالبرکۃ فان العین حق اخرجہ النساء و هذا الفطہ والحاکم وابن ماجہ و ابن مسعود کہتے ہیں اگر وہ یہ دیکھو نظر لگی ہے تو اس کے نحر امین میں چار بار اور نحر ایسر میں تین بار یوں کہہ بھونک دے لا باس اذهب الباس رب الناس اشفنا انت الشافی لا یشف الضرا لا انت اخرجنا ابن ابی شیبہ شوکانی فرماتے ہیں محل ہی کہ اسکو حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم سے سنا ہو یا تجرب پر اعتماد کیا ہو ولا یخف الا ان الرقیۃ الثابتہ عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فی العین لیست بخاصۃ فی ہی احد بل ثابتہ لكل من اصابتہ العین من آدمی او غیرہ لکن حدیث عائشہ میں آیا ہی کہ حضرت عیاد کرتے بعض اہل اپنے کی اور دست راست سے مسح کر کے فرماتے اللھم اذهب الباس رب الناس اللھم اشفہ فانت الشافی لا شفاء الا شفاءک شفاء لا یفاد رستما رواہ الشیخان یہ حدیث مرفوع معنی ہے اثر موقوف ابن مسعود سے اور ظاہر یہ ہے کہ ابن مسعود اسی حدیث کے اعتماد پر رقیہ دیا کیا ہوا ہے کہ یہ کچھ مختص ساتھ ہی آدم کے نہیں ہے

وعار دیوانگی

ابی بن کعب کہتے ہیں ایک اعرابی کو اثر لگتا یعنی جنون حضرت نے اسکو اپنے ساتھ بٹھا کر فاتحہ تا مفلون پڑھی پھر قرآن حکم الہی و اٰحد لا الہ الا هو الرحمن الرحیم تا یغفلون پیرایہ الکرسی اور اللہ مرانی السموات وما فی الارض تا آخر بقدر و تحمد اللہ انہ

لا اله الا هو تا آخر آیات وان ذکر الله الایة تا محنین یہ آیت سورہ اعراف میں ہے
 قتال الله تا آخر مؤمنین پھر دس آیات اول صافات کی تلازم اور تین آیات
 آخر سورہ حشر کی وانہ تعالیٰ جد ربنا الایة سورہ جن سی وقل هو الله احد وسمو ذین
 اخرجہ احمد والحاکم وقال صحیحہ کے آخر میں یہ بھی کہا ہے کہ فقام الرجل کانه لم یثقل شیئاً
 قط اسکو ابن ماجہ واحمد نے بھی روایت کیا ہے لیکن اسکی سند میں ابو جناب ضعیف ہے
 باقی رجال رجال صحیح میں حدیث دلیل ہی مشروعیت رقیہ جنون پر مطابق اس حدیث
 کے۔ اس میں اس پر بھی دلیل ہے کہ بعض انواع جنون طرف سے شیطان کی ہوتی ہیں بقولہ باللہ منہ
 وہ یندفع قول من قال انه لا سبیل للشیطان المثل ذلك قاله الشوکانی معلوم ہوا
 کہ یہ آیات آسیب زدہ کو بھی نافع ہوتی ہیں باذن اللہ تعالیٰ

دعا جنون ایضاً

علاقہ بن صحرار کا گذر ایک قوم پر ہوا وہاں ایک دیوانہ تھا جسکو زنجیر میں باندھ رکھا تھا
 انہوں نے اسکو فاتحہ کتاب سورۃ رقیہ کیا وہ اچھا ہو گیا قوم نے سو بکریاں دیں یہ حضرت
 کے پاس آئے فرمایا اهل الاھذا فلعمری من اکل برقیۃ باطل لقد کلت برقیۃ حق هذا لفظ
 ابو داؤد واسنادہ صحیح ایک روایت میں آیا ہے کہ تین دن تک صبح وشام فاتحہ پڑھ لی تھو کہ
 جمع کر کے تم کو اخرجہ النسائی وابن السنی ایضاً

دعا کرشمہ گزیدہ

حدیث ابو سعید میں آیا ہے ایک رہط کا سید کرشمہ گزیدہ تھا ایک صحابی نے اس پر فاتحہ پڑھ کر
 تم کو کنا شروع کیا وہ اچھا ہو گیا قوم نے اسکو بکریاں دیں جب حضرت سی ذکر آیا فرمایا
 وما یدریک اھل رقیۃ اصبروا فتموا واضربوا بالمعکم لبھم رواہ اھل الصحاح السنۃ کلہم

ترمذی کی روایت میں آیا ہے کہ فاتحہ سات بار پڑھی یعنی سنائی و ابن ماجہ کی معلوم ہو کہ
 راقی خود ابو سعید خدری و اوہی اس حدیث کے تھے شوکانی کہتے ہیں حدیث دلیل ہی ہے
 کہ فاتحہ الکتاب رقیہ نافعہ ہے اور تداوی کرتا ساتھ او کے صفت مذکور پر جائز ہی رہتی
 میں کہتا ہوں اس حدیث کی اس بات پر بھی استدلال باشارہ انصاف ہو سکتا ہے کہ اگر اللہ تعالیٰ
 کسی شخص نیک بخت کو اس امر کا الہام کرے کہ فلاں سورت قرآن یا آیت قرآن فلاں امر
 کے ایذا فاع ہے تو ہو سکتا ہے جو اعمال آیات سی مشائخ نے لکھے ہیں اور بطریق مرفوع ثابت
 نہیں ہیں ان کے جواز پر ہی حدیث دلیل ہی و شاید دلیل غلطیہ ہاں کیفیت عمل میں کوئی
 ایسا لہذا کر شامل نہ ہو جو طریق شرعی سے بھگانا سمجھا جائے یہی ملاوت و قفل و نقد و کمار و
 نحو با ہو فقط و دوسرے طریق رقیہ لدغہ عقرب کا یہ ہے کہ بانی میں نمک ملا کر اس پر سورہ کافرون
 و معوذتین پڑھا جائے لدغہ پر مل دی یہ کیفیت حدیث علی بن ابی طالب میں آئی ہے و
 الطبرانی من فوائد و قال فی جمع الزوائد اسناد حسن حضرت کو بھونے نماز میں زبان مارتا فرمایا
 لعن الله العقرب لا تدع مصليا ولا غيرة پر یہ عمل کیا اس حدیث کو ابن ابی شیبہ نے بھی روایت
 کیا ہے مگر بطلان لا تدع نبیا ولا غيرة شوکانی فرماتے ہیں وقد اجتمع فی هذا الحديث العلاج
 بامور ثلاث الا انی والطبیعی انتہی تیسرے عمل میں کا یہ ہے بسم اللہ شجرہ قونیہ ملحہ بحر قطفہ اس رقیہ
 کو عبد اللہ بن زید نے حضرت پر عرض کیا تھا آپ نے اذن دیا اور فرمایا انا هو موافق
 رواہ الطبرانی مجمع الزوائد میں کہا ہے اسکی اسناد حسن ہی حدیث دلیل ہی ہے اس پر کہ حسن رقیہ کے
 معنی معلوم ہوں اسکا کرنا درست نہیں ہے مگر اسی صورت میں کہ شارع نے اسکو مقرر کیا ہو
 جس طرح اس حدیث میں ہے اس کے سوا اور جائز نہیں کیونکہ حضرت نے رقیہ کو دو قسم میں فرمایا ہے ایک رقیہ
 حق دوسرے رقیہ باطل رقیہ حق وہ ہے جو قرآن یا حدیث سی ہو قولاً یا فعلاً یا تقریراً یا قریۃً یا

وہی جو اس طرح پر ہوسو جو احادیث میں رُتے سے آئی ہیں وہ اسی رقیۃ باطل پر
محمل ہیں اور جو احادیث اذن رُتے میں آئی ہیں وہ رقیۃ حق پر محمول ہیں واللہ اعلم

رقیۃ محروق

محمد بن حاطب کہتے ہیں میں نے دیکھا تھا عائشہ میرا ہاتھ جل گیا میری ماں مجھ کو ایک مرد کے
پاس لگائیں اور کہا اے رسول خدا اسکا ہاتھ جل گیا ہے فرمایا قریب لاؤ کچھ بڑا کھردم کر دیا
میں نے نہ جانا کیا بڑا ہا پر میں نے ماں سے پوچھا کہ وہ کیا پڑھتے تھے کہا اذھب الباس بالباس
انت الشافی لا شافی الا انت اخرجہ النساء و واحد و رجالہما رجال الصبیحہ انکی ماں کا نام
فاطمہ یا جویریہ ام جہل تھا یہ حدیث اگرچہ رقیۃ محروق میں آئی ہے لیکن کچھ اسیر و سلیح میں
ہے کہ سوا محروق کے اور کسی پر نہ کیا جائے بلکہ ہر تکلیف پر کچھ بھی ہو یہ رقیۃ کر سکتے ہیں خود
حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے اس سے غیر محروق پر رقیۃ کیا ہے حسب طرح کہ حدیث رافع
بن خدیج میں نزدیک طبرانی کے آیا ہے و رجالہ رجال الصبیحہ

احتیاس بول و حصاة

ایک شخص نے ابوالدرداء کے پاس آکر کہا کہ میرے باپ کا پیشاب بند ہو گیا ہے اور اس کو
شکرزیہ ہو گیا ہے انہوں نے کہا کہ وہ رقیۃ سکھا دیا جو حضرت سے سنا تھا ربنا انت الذی
فی السماء تقدس اسمک امر فی السماء والارض کما رحمتک فی السماء فاحبل رحمتک
فی الارض واغفر لنا وخطایانا انت رب الطیبین فانزل شفاء من
شفاءک ورحمتک من رحمتک علی هذا لیرجع وہ شخص ہوا گیا اس کو ابوداؤد
دنالی نے روایت کیا ہے لفظ و جمع اس جگہ صیغہ صفت مشبہ ہے طیبین جمع
ہے طیب کی بہ

پھوڑا پھنسی

عائشہ کہتی ہیں کہ جب کوئی آدمی بیمار ہوتا یا اسکو کوئی قرض یا جرح ہوتا حضرت عائشہؓ اپنی اہلی
سباہ زمین پر اس طرح رکھتے پھر اٹھا کر کہتے بسم اللہ تریبارضا بریقہ بعضنا یشفی بعضنا یستقیمنا
یاذن ربنا اخرجہ مسلم وایضا البخاری واهل السنن الا الترمذی لکن اس لفظ سے
کان یقول للمریض اٹھ لی میں کچھ دسی خاک لگ جاتی اسکو موضع طبع یا جرح پر رکھتی

ورودندان و گوش

جو شخص ہر چھینک کی وقت یوں کہے گا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ عَلٰی کُلِّ حَالٍ مَا کَانَ اسکو
کبھی ورودندان یا گوش نہ ہو گا رواہ ابن ابی شیبہ عن علی بن ابی طالب موقوف فاشوکانی
فرماتے ہیں ممکن ان یكون ذلك شیئاً قد حفظہ عن النبی صلی اللہ علیہ والہ وسلم و
بمکن ان یكون مستنداً لذلك التحریب انقی

آنکھ کا دکھنا

انس کہتی ہیں حضرت کو جب رمد ہو چکا یا کسی اور کو گھر والوں میں سی یا اصحاب سی تو دعا
کرتے اللہم متعنی ببصری واجعله الوارث منی وارثی العبد ونامی وانصر علی من ظلمنی
رواہ الحاکم اس میں دلیل ہی اس بات پر کہ دعا کرنا دشمن پر ریت تار کی اور ظالم پر نصرت
پانے کی جائز ہے وقد وردت بذلك احادیث وحدثت علیہا آیات قرآنیہ

تپ

جسکو تپ آوی وہ یوں کہے لیسلم اللہ الکبیر اسکو حاکم و ابن ابی شیبہ نے ابن عباس سے
روایت کیا ہے کہ حضرت انکو اوجاع جمی میں اس کلمے کا کہنا تعلیم فرماتے تھی تعوذ باللہ
الغظیم من شر کل عورت تعار و من شر النار هذا لفظ الحاکم و صحیح بخاری میں

ابن عباس سے آیا ہے کہ حضرت نے ایک عرابی کی عیادت کی کہا لا باس طمورا
انشاء اللہ تعالیٰ احادیث میں آیا ہے کہ تپ بھاپ ہی آگ کی یہ پانی سے سرد پڑ جاتی ہی علاج
طب نبوی ہے ولیہ الحمد

درد چشم وغیرہ

عثمان بن ابی العاص نے حضرت سے کہا جب سی میں اسلام لایا ہوں میرے بدن میں
درد رہتا ہے فرمایا درد کی جگہ انگلی رکھ اور میں بار بسم اللہ کہہ پھر سات بار یوں کہہ
اعوذ باللہ وقد رتہ من شد ما اجد واحاذر هذا لفظ مسلم ورواہ مالک فی الموطا
وابن ابی شیبہ واهل السنن سالی فی زیادہ کیا فاذهب اللہ ما کان لی فلم ازل امر بہ اہلی
وغیرہ حدیث دلیل ہی اس بات پر کہ بدن میں جس جگہ درد ہو وہاں بسم اللہ کہتا ہوا ہاتھ
رکھے اور یہ دعا پڑھے یہ جب ہے کہ درد ایک جگہ میں ہو اور اگر کئی جگہ میں ہو تو ہر ایک جگہ
پر ہر جگہ میں ہی طرح پر ہے شوکانی فرماتے ہیں وفی الاعداد لہی تردد فی مثل هذا الحدیث
سیر من اسرار النبوق ولیر لنا ان نطلب العلل فیہ والسبب الذی یقتضیہ کما فی عدد
الركعات والاضیاء والحدود نتمی

وجوالم در بدن

کعب بن مالک نے کہا ہے حضرت نے فرمایا تم میں جب کوئی الم پائے تو نیچے الم کی ہاتھ
رکھ سات بار یوں کہی اعوذ بعرۃ اللہ وقد رتہ علی کل شیء من شرمہما اجد ورواہ احمد
والطبرانی مجمع الزوائد میں کہا ہے اس حدیث کی سند میں ابو معشر ضعیف ہے اور توثیق اسکی
لیکن ہی باقی رجال سند ثقات میں شوکانی کہتے ہیں وهذا الحدیث وان کان فی اسنادہ
ابو معشر الحدیث الثابت فی الصحیح شہد لمانتم شہادۃ ویشد عضداً او توثق

اس میں تحت الم آیا ہی اور حدیث اول میں موضع الم معلوم ہوا کہ ہاتھ اس طرح پر رکھ کر بعض
 فوق الم ہو اور بعض تحت الم واللہ اعلم حدیث انس میں آیا ہے رکھنا ہاتھ اپنا اس جگہ کہ
 ہو پھر کہ بسم اللہ اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللہِ وَقَدَارَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا جَدَّ مِنْ وَجْهِ هَذَا السُّوْطِ اَوْ
 پھر ہاتھ اٹھا اور پھر پڑھ رواہ الترمذی و تری و اربعین یا پنج یا سات بار یا زیادہ اس سے
 پڑھنا مراد ہے جمع درمیان اسکی اور حدیث اول کے یوں ممکن ہی کہ ایک بار ہاتھ رکھ سات بار
 پڑھے پھر ہاتھ اٹھا کر دوسری بار سات بار پڑھے آمین ان سب احادیث پر عمل ہو جائیگا
 اور زیادت الفاظ کو جمع کر لے مثلاً یوں کہی بسم اللہ اَعُوذُ بِاللہِ وَبِعِزَّتِهِ وَقَدَارَتِهِ عَلٰی
 شَیْءٍ مِنْ شَرِّ مَا جَدَّ مِنْ وَجْهِ هَذَا

بیماری

عائشہ کہتی ہیں حضرت جب بیمار ہوتے معذات پڑھ کر اپنے اوپر دم کرتے جب سختی و وجہ کی
 ہوتی تو میں پڑھ کر اوپر ہاتھ پھیرتی بامید بکت رواہ الشیخان و ابوداؤد و النسائی و ابن ماجہ
 موضع الم اگر خاص ہو تو اس جگہ دم کرے اور اگر الم سارے بدن میں ہو تو سب جگہ ہونگی
 یا جس جگہ چاہے اگر سب جگہ دم نہ کر سکے ایک روایت میں اس حدیث کی یہ آیا ہے کہ حضرت
 دونوں ہاتھ سے جہاں تک ہو سکتا مس کرتے سر پر اور منہ پر اور سامنے کے بدن پر تین بار
 اسی طرح کرتے ہکذا فی الصمیم و ہذہ الروایۃ تبیین کیفیتہ لیس

حصول گزند و نکلنی حیات

انس رفا کہتے ہیں تمنا نہ کرے کوئی تم میں موت کی سبب کسی ضرر کے جما سکو نہ چاہے
 اور اگر بے کیے نہ بنے تو یوں کہی اللہما جینی ما کانت الحیاۃ خیرا لک و توفنی اخا کانت الوفاۃ
 خیرا لک رواہ الشیخان نووی نے کہا ہے ہمارے علماء کہتے ہیں کہ یہ کرامت جب ہی کہ سبب

کسی ضرر وغیرہ کے مزا چاہے اور اگر ڈر سے دین کے بسبب فسادِ زمان کی ہو تو پھر یہ
 متناکر وہ نہیں ہے اتنے شوکانی فرماتے ہیں یہ تخصیص ساتھ مجرد آستان کی ہی اسلیے کہ
 بنی عالم ہے کسی حال میں بھی یہ آرزو نہ کرے ہاں اگر ضرر نازل ہو یا زندگی ناگوار ہو تو یہ
 دعا کرے کہ یہ دعا شارع نے بتائی ہے اور ذرا دین پر بسبب فسادِ زمان کی منجملہ مصداقاً
 ضرر کے ہے بلکہ جو ضرر طرہ دین کے ہوتا ہے وہ نزدیک مومن کے ضرر دنیا سے سخت تر
 ہے حاصل یہی کہ کسی کو موت کی آرزو کرنا بسبب کسی شے کے اشیاء کی کوئی سی بھی خیر کیوں
 نہ ہونہ چاہیے بلکہ اس تنا سے عدول کر کے طرف اس دعا کے آئے۔

رقیۃ مریض

ابوسعید کہتے ہیں جبریل علیہ السلام آئے کہا اے محمد کیا تم بیمار ہو کہا ہاں کہا بسم اللہ
 ارقیک من کل شیء یغیبک عن شریک فی کل فتر و عین حامداً للہ یشفیک بسم اللہ
 ارقیک اخرجه مسلم والترمذی والنسائی وابن ماجہ ابوہریرہ کا لفظ یہ ہے کہ حضرت
 میرے پاس آئے فرمایا اے ارقیک رقیۃ رقانی ہما جبریل علیہ السلام نے کہا ملی بائی
 اُمی فرمایا بسم اللہ ارقیک واللہ یشفیک من کل داء فیک ومن شر النقائت ولقد
 من شر حامداً احد من بارئہ رقیۃ کیا اخرجه الحاکم وابن ابی شیبۃ وابن ماجہ
 وصحیحہ السیوطی حدیث علی میں رفعا کہنا اس کلمے کا مریض کو آیا ہے اللھم اشف اللھم اشف
 اخرجه الترمذی والنسائی والحاکم وقال صحیحہ علی شرطہ الشیخین سلمان کو حضرت فی لمایا
 وہ بیمار تھے کہا یا سلمان شف اللہ شفک وغفرک ذنبک وعلاک فی دینک وجسمک
 الی مدۃ اجلک رواہ الحاکم ووسر شخص بجای سلمان نام اس مریض کا یہ حدیث دلیل
 ہے اس پر کہ مریض کی لیے دعا کرنا ان الفاظ سے مستحب ہے

دعا مرصن

ابن عباس کہتے ہیں حضرت نے فرمایا جو شخص بیمار کی عیادت کرے جسکی اجل حاضر ہوئی ہے تو سات بار نزدیک اسکی یوں کہو **اَسْأَلُ اللّٰهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اَنْ يَشْفِيَكَ اللّٰهُ** سکو اس مرض سے عافیت دے گا **اُخْرِجْهُ ابُو دَاوُدَ وَالزَّمَدِيُّ وَحَسَنُ بْنُ جَبَلٍ وَصَحِيحُ وَالنَّسَائِیْ وَالْحَاكِمُ وَقَالَ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ** حضرت نزدیک سر مرض کی ہیکر کہتا کہ **تُرَوِّاهُ النَّسَائِیْ وَابْنُ حِبَّانٍ** یہ حدیث اسرا زبوت سے ہے ہیکر اسکی سبب سے بحث کرنا نہ چاہیے۔

مرصن موت

سعد بن مالک کہتے ہیں حضرت نے دربارہ قولہ تعالیٰ **لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَعْتَدَتْ لِمَنْ الظَّالِمِينَ** فرمایا ہے جس مومن نے اسکو اپنی بیماری میں چالیس بار پڑھا اور مر گیا اسکو اجر شہید کا ملتا ہے اور اگر اچھا ہو گیا تو ہو گیا اور سارے گناہ اسکے بخش دیے گئے **اُخْرِجْهُ** حدیث میں قائمہ جلیلہ و مکرمہ نبیلہ ہے کہ یہ دعا مرض کو نازل منازل شہادہ کرتی ہے اور اگر چرچ جاتا ہے تو اسکی سارے گناہ بخش دیے جاتے ہیں شوکانی فرماتے ہیں یہ کجہ مستبعد نہیں ہے اس لیے کہ اس آیت کا اسم عظیم ہونا معلوم ہوتا ہے

مرصن موت ایضاً

ابوسعید و ابوہریرہ نے شہادہ کہا ہے کہ حضرت نے فرمایا ہے جس نے کہا **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** **وَاللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُلْكُهُ** **وَكُلُّهُ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** اپنی بیماری میں بھر گیا تو اگر اسکو نہ کھائیگی **اُخْرِجْهُ** الزمذی و حسن ابن حبان و صحیح و رواہ النسائی و المفطر لہ اسکے بعد نسائی نے بعد لاول و لا قوۃ الا باللہ کے زیارہ کیا ہے کہ اپنی ہاتھ کیوں پر پانچ بار

گن کر فرمایا میں قالہ فی یومہ اور فی لیلۃ وفی شہرہ مات ذلک الیوم اور فی تلک اللیلۃ
 اور فی ذلک الشہر غفر اللہ لہ ذنبہ شوکانی کہتے ہیں طعنہ ناز نہ ہونا اسکے قائل کا اسلی
 ہے کہ یہ کلمات مثل میں توحید پر پانچ بار اور احادیث صحیحہ میں آیا ہے کہ من مات لا
 یشرک باللہ شیئاً دخل الجنة اور فرمایا ہی من کان اخر کلامہ لا الہ الا اللہ دخل الجنة
 وورد بهذا المعنی احادیث کثیرہ عن جماعة من الصحابة فی الصحیحین وغیرہما

مرض موت ایضاً

عائشہ کہتی ہیں میں نے حضرت کو موت سے پہلے سنا کہ وہ اپنی پشت مجھ لگائے ہوئے
 کہتے تھے اللہم اغفر لی وارحمی والرحمنی بالرفیق الاعلیٰ اخرجہ النجاری ومسلم والترمذی
 مراد رفیق اعلیٰ سی انبیاء وصدیقین وشہداء وصالحین میں جبکا ذکر حسن اولیک رفیقاً میں
 آیا ہے یا ملا کہ مقربین جبکو ملا اعلیٰ فرمایا ہے جو ہری نے کہا رفیق اعلیٰ جنت ہی۔ یا یہ دعا
 اللہ سے ملنے کی کہا یقال اللہ رفیق عباده

ایضاً مرض موت

عائشہ کہتی ہیں حضرت کے سامنے ایک برتن پانی کا رکھا تھا اس میں ہاتھ ڈالکر موٹھ پر
 پھیرنے اور کہتے لا الہ الا اللہ ان الموت سکرات پہرتی فی الرفیق الاعلیٰ یہاں تک کہ
 مقبوض ہوی اور ہاتھ جھک پڑا اخرجہ النجاری والترمذی والنسائی وابن ماجہ ترمذی کا لفظ
 یہ ہے اللہم اعنی علی غمرات الموت وسکرات الموت غمرات سی مراد غمیان موت کی ہیں

ایضاً مرض موت

حدیث ابو سعید میں فرمایا ہے قتلوا موتاً کہ لا الہ الا اللہ اخرجہ مسلم وابوداؤد والترمذی
 والنسائی ابن ماجہ اس باب میں ایک جماعت صحابہ کی احادیث آئی ہیں ابو داؤد کا لفظ یہ

لَقَدْ آمَنَّا بِكَ قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَرَّةً مَعْنِي سِيَرِي فِي كَهْ حَضَارَتِ كَوَلِّهِ طَبِيبُهُ يَدُوْلَامِي كَبِيْرُ
 حَدِيْثِ سَاعِدِيْنَ جَلِيْلِيْنَ فِيْ سِيَرِيْ كِهْ حَضَرَتِيْ نِيْ فَرِيَا جِيْكََا اَخِرِ كَلَامِيْ كِهْ كِهْ هُوْكَ وَهْ جَنَّتِيْ
 جَانِيْكَار وَاهْ اَبُو دَاوُدْ اَكْمِيْ سَنَدِيْ صَالِحِيْنَ اَبِيْ عَرِيْبِيْ كُوْنِيْ جَانِيْ ثِقَاتِيْ فِيْ ذِكْرِيْ كِهْ
 وَاَخْرَجَا اِيْضَا اَحْمَدُ وَالحَاكِمُ وَقَالَ صِيْحَمُ الْاَسْنَادُ وَقَدْ وَرَدَتْ اَحَادِيْثُ بِعَنْهٖ
 ذِكْرُ الشُّوْكَانِيْ فِيْ شَرْحِ الْمُنَقِّحِ

موت شہادت بلا شہادت

حَدِيْثِ سَهْلِ بْنِ خُصِيْفٍ فِيْ سِيَرِيْ كِهْ حَضَرَتِيْ سَوَالِ شَهَادَتِيْ كَا اَللّٰهُ سِيْ بَصْدَقِيْ دَلِيْلِيْ كِهْ
 اَللّٰهُ سَكُوْمُنَا زَلِ شَهَادَتِيْ فِيْ سِيَرِيْ كِهْ اَبُو دَاوُدْ اَكْمِيْ سَنَدِيْ صَالِحِيْنَ اَبِيْ عَرِيْبِيْ كُوْنِيْ جَانِيْ ثِقَاتِيْ فِيْ ذِكْرِيْ كِهْ
 وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ شُوْكَانِيْ فَرِيَا اَبِيْ وَالحَدِيْثُ يَدُلُّ عَلٰى مَشْرُوعِيَّةِ
 الْعَبْدِ لِرَبِّهٖ اَنْ يَكْتُبَ لَهٗ الشَّهَادَةَ اِنْ كَتَبَهَا لَهٗ فِيْهَا وَنَعَمْتُ اِنْ لَمْ يَكْتُبَهَا لَهٗ اِنْ اَمَّا زَلِ
 الشَّهَادَةِ وَبَلَّغَهُ اللّٰهُ اِلَيْهَا وَاعْطَاهُ مِثْلَ مَا عَاطَاهُ نَحْنُ فِيْ سِيَرِيْ كِهْ حَضَرَتِيْ سَوَالِ شَهَادَتِيْ
 سِيْ سَوَالِ كَرَامَتِيْ اَللّٰهُمَّ اَرْزُقْنِيْ شَهَادَةً فِيْ سَبِيْلِكَ وَاجْعَلْ مَوْتِيْ فِيْ بَلَدِيْ رَمْلِكَ
 اَللّٰهُمَّ اٰمِيْن

دعا میت

اَبُو سَلَمَةَ مَرَّكَ تُوْ حَضَرَتِيْ فِيْ اَمِّ سَلَمَةَ سِيْ كِهْ اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِيْ وَلِيْ وَاعْقِبْنِيْ مِنْهُ عَقِيْبِيْ حَسَنَةً
 اَخْرَجَهُ مُسْلِمٌ بِطَوْلِهِ وَابُو دَاوُدْ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَوَسْرِيْ رَوَايَتِيْ
 يُوْنِيْ كِهْ سِيْ دَعَا كِيْ اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِيْ سَلَمَةً وَارْفَعْ دَرَجَتِيْ فِيْ الْمَهْدِيْنَ وَخَلِّفْنِيْ
 عَقِيْبِيْ فِيْ الْغَايِبِيْنَ وَاعْفِرْ لَنَا وَلِيْ سَارِيْ الْعَالَمِيْنَ وَافْتَحْ لَهٗ فِيْ قَبْرِهٖ وَنُوْلِهٖ فِيْهِ اَخْرَجَهُ
 مُسْلِمٌ وَغَيْرُهُ بِهَرِ سِيَرِيْ سِيَرِيْ اَبُو دَاوُدْ اَكْمِيْ سَنَدِيْ صَالِحِيْنَ اَبِيْ عَرِيْبِيْ كُوْنِيْ جَانِيْ ثِقَاتِيْ فِيْ ذِكْرِيْ كِهْ
 حَضَرَتِيْ سَوَالِ شَهَادَتِيْ كَا اَللّٰهُ سِيْ بَصْدَقِيْ دَلِيْلِيْ كِهْ

کوئی شخص اسکو نہیں پڑتا بارادہ خدا و دار آخرت لکن اللہ اسکو بخش دیتا ہی قر اسکو
اپنے مرقوں پر پڑا کر و اخرجہ ابو داود والترمذی والنسائی وابن ماجہ واحد
ابن حبان والحاکم وصحیحہ لکن ابن قحطان فی اسکو معلل باضطراب و وقف و ہمت
حال ابو عثمان راوی کہا ہے اور راقطنی فی ضعیف الاسناد و مجهول المتن تیسرا کہ لکھا ہے
ولا یصح فی الباب حدیث انتھی ابن حبان فی کہا المراد بقوله اقرء وھا علی معنا کمرت
حضرت الموت و ردہ المحب الطبری وقال هو علی ظاہرہ قال الشوکانی و هذا هو الصواب
ولا رجا لاجرا جہ من غناہ الحقیقۃ انتھی

دعائے مصیبت زدہ

اُم سلمہ کہتی ہیں حضرت نے فرمایا نہیں ہے کوئی بندہ جسکو کوئی مصیبت پہنچی اور وہ یوں
کہے انا لله وانا الیہ راجعون اللہم اجرنی فی مصیبتی و خلف لی خیرا منها الا اجرہ
اللہ فی مصیبتہ و خلف لی خیرا منها انفر دہ مسلم قال اللہ تعالیٰ الذین اذا اصابہم
مصیبتہ قالوا انا لله وانا الیہ راجعون اولئک علیہم صلوات من ربہم ورحمۃ و
اولئک ہم المؤمنون یکلمہ ہر مصیبت میں کہا جاتا ہے صاحب میت بھی اسکو کہی نقل
مصیبت رفع ہو کر بدل خیر حاصل ہو گا عاجلاً یا آجلاً انشاء اللہ تعالیٰ

دعائے تعزیت

اسامہ بن زید کہتے ہیں حضرت کا نواسہ مر گیا فرمایا ان اللہ ما اخذ و لمعا اعطی و کل شیء
عندہ باجل مسمیٰ اور فرمایا اسکی مان ہی کہو کہ صبر و احتساب کری لعلہ الشیخان معاذ کا بیٹا
مر گیا تھا حضرت نے اے اللہ کہہ دیا بسم اللہ الرحمن الرحیم من محمد رسول اللہ الی معاذ بن
جبل سلام علیک فانی احمل لیک اللہ الذی لا الہ الا هو اما بعد فاعظم اللہ لا اقل لاجر

والله الصبر ورزقنا وآياك الشكر فان انفسنا واسوالنا واهلينا واولادنا من
مواهب الله عز وجل الهنية وعوارية المستودعة تمتع بها الى اجل معدود وقضيا
لوقت معلوم ثم افترض علينا الشكر اذا اعطى والصبر اذا ابتلى وكان انبات من مواهب الله
الهنية وعوارية المستودعة متعلق به في غبطة وسرور وقبضه منك باجر كبير و
الصلوة والرحمة والهدى ان احتسبت فاصبر ولا يحبط جزعك اجره فستدرك علم
ان الجحيم لا يرد شيئا ولا يدفع حزنا وما هو نازل فكان قد والسلاخ لخرجه الحاكم
وابن مردويه من حديث معاذ قال الحاكم غيري حسن وزاد ابن مردويه في كتاب
الادعية فليذهب سفك ما هو نازل بك فكان قد والسلام

وعارفع وحمل ریحنازه

ابن عمر نے کہا ہی بسم اللہ کہے رواہ ابن ابی شیبہ موقوفاً بابر بن عبد اللہ مزی نے کہتے ہیں
بسم اللہ بسم اللہ کے تسبیح ہی کرے رواہ ابن ابی شیبہ ایضاً پہ نماز جنازہ پڑھتے تیسرے کہ پہ نماز
پڑھتے پہر و روز پڑھتے پہر اللهم انہ عبدک وابن امتک الخ رواہ الحاكم وہ دعائے
جو حدیث عوث بن مالک میں آئی ہے اس کو مسلم نے روایت کیا ہے وہ نہایت صحیح ہے اگرچہ
سائر ادعیہ ماثورہ کفایت کرتی ہیں وہ دعائی اللھم اغفرلہ وارحمہ وعافہ واعف عنہ
واکر منزلہ واوسع مدخلہ واغسلہ بالماء والتیم والبرد ونقه من الخطایا کما نقیت
الثوب الابيض من الدنس وابدلہ دارا خیرا من دارہ واہار خیرا من اہلہ وزوجا خیرا
من زوجہ وادخلہ الجنة واعذہ من عذاب القبر وعذاب النار شوکانی رحمہ اللہ تعالیٰ
کہتے ہیں لیس فی هذا الحدیث تعیین الموضع الذی یقال فیہ هذا الدعاء فیقولہ المصلی
علی الجنازة بعدای تکبیرہ اراد وقد وردت ادعیتہ غیر ما ذکرہمنا فینبغی للمصلی

علی المجازة ان یاتی منہا بما امکنہ فاذا استکثر من ذلک فهو الصواب فان هذا
 الوطن لا ینبغ فیہ الا المبالغة فی الدعاء والتضرع لانه قد اتی بذلک المیت الی
 اخوان المسلمین لیدعوا من صلی منہ علیہ وقد ہما الشارع الی ذلک وشرعہ
 لهذا حتی یخرج مردے کو قبر میں رکھ کر تو کہی منہا خلقناک و فیہا نعیدک و منہا نخرجک
 تارۃ اخری رواہ الحاکم عن ابی امامۃ وقد ضعف ابن حجر اسناد هذا الحديث اور
 کتابہ فی اللہ و علی سنتہ رسول اللہ کا حدیث عمر بن خطاب میں زعمایا رواہ اہل السنن
 الا ابن ماجہ و رواہ ابن حبان وصحیح ترمذی فی کہا حسن غریب نسائی کا لفظ
 یہ کہ جب تم اپنے مردوں کو قبر میں رکھو تو یہ کہو۔ پھر بعد فراغ کی دفن سے استغفار کری اللہ سے
 اسکی لیے سوال تثبیت کا کری کیونکہ وہ اس وقت مسؤل ہوتا ہی آخر جلود اوڈ والے کہ
 من حدیث عثمان بن عفان وقال صحیحہ الاسناد والبیہقی اسناد حسن صحیح مسلم میں
 آیا ہے کہ عمرو بن عاص نے کہا تاجب تم مجھ کو دفن کر چکو تو پاس میری گور کی اتنی دیر تک
 ٹھہرنا کہ اونٹ کو نخر کر کے اسکا گوشت تقسیم کرتے ہیں تاکہ میں تم سے استیناس کروں اور
 دیکھوں کہ میں اپنی رب کے قاصدوں کو کیا جواب دیتا ہوں انتی پھر بعد دفن کی قبر پر اول
 آخر سورہ بقرہ پڑھے رواہ البیہقی فی السنن عن ابن عمرو فی کہ اسکی اسناد حسن ہی گو ابن عمر
 ہی کا قول ہو کیونکہ ایسی بات رای سے نہیں کہی جاتی ہی یا عموم فضل تلاوت بقرہ سے استغفار
 کیا ہو یا سیدنا تفاع میت تلاوت بقرہ واللہ اعلم

دعای زیارت قبور

حضرت نے عائشہ کو یہ دعا وقت زیارت قبور کے پڑھنا بتایا تھا التلاۃ علیکم اھل الدیار
 من المؤمنین والمسلمین وانا ان شاء اللہ بکم لاحقون نسأل اللہ لنا ولكم العافیۃ اخرجہ مسلم

والنساء وابن ماجہ وذا حاتم لنافرط وحن لکرتبع اللہ لا حرمنا اجرہم ولا
 تننا بعدہم یعلم دعا حق کہ لوگ اس طرح پڑھا کریں اس سے استدلال جواز دیارت پر
 ستورات کے کما فیہی نہیں ہے واللہ تعالیٰ اعلم

باب مہیا نین بعض آیات و احادیث متفرقہ کے واسطی احوال و عوارض متفرقہ کے

دفع تعب

اسکا ذکر ہو چکا ہے کہ حضرت نے عوصن حادوم کے فاطمہ علیہا السلام کو وقت جانے کے
 بستر پر حکم پڑھنے تسبیح و تحید و تکبیر کا دیا تھا ہر کلمہ ۲۲ بار کہا جائے علی مرتضیٰ کہتے ہیں
 مات کہتا ولا لیلہ صفین شرمی فرماتے ہیں جو شخص اس عمل پر مواطبت کرے گا وہ تعب و
 در ماندگی جسم میں نہ پائیگا اعمال شاقہ جسیہ اسبرسان ہو جائیگے وذلک مجرب حضرت
 صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کا سوتے وقت سورہ اخلاص و معوذتین پڑھ کر ہاتھوں پر دم کر کے
 بدن پر پھیرنا تین بار اوپر نہ کو رہ چکا ہے وذلک نافع من جمیع الاوجاع باذن اللہ تعالیٰ

جس شیطان

ابن عمر کہتے ہیں جو شخص بستر پر یہ آیت پڑھ کر سوئیگا انما المرسلون المرسلون رسول اللہ و
 کلمہ القاھا الی مرید وروح منہ فامینوا باللہ ورسلہ ولا تقولوا ثلثہ انتھوا خیرا لکم انما
 اللہ الواحد سبحانہ ان یکون لہ ولد لہ ما فی السموات وما فی الارض وکفی باللہ کبیرا
 اللہ تعالیٰ اس سے انذار کو دور اور شیطان کو روک دے گا

کثرت احلام

بعض صالحین نے فرمایا ہے جب ترسوئے کو بستر پر آئے تو سورہ والسماء والطارق تا لفظ
 ناصیر پڑھ کر سورہ کثرت احلام کی جاتی رہی ایک شخص نے ایسا ہی کیا احلام منقطع ہو گیا واللہ محمد

جاگنا وقت خاص پر شب کو

بعض صلحا نے کہا ہے جو شخص وقت خواب کے یہ آیت اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ
تَاٰخِرُ سُوْرَةِ كُفٰ اور قولہ تَعَالٰی قُلْ مَنْ يَّكْلُوْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمٰنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ
رَبِّهِمْ مُّعْرِضُوْنَ پڑھ کر اللہ سے یہ سوال کر لگیا کہ میں فلاں وقت فلاں ساعت بیدار
ہو جاؤں تو وہ اس وقت پر جاگ اُٹھیں گا و قد جرب ذلك جماعة و صح

سرق و حرق

پڑھنا آخر سورہ بنی اسرائیل کا سوتے وقت اسن دیتا ہے اس رات کو چوری اور آگ
میں جلنے سے اور وہ شخص مع اپنے ولد اور مال کو اللہ کے حفظ میں رہتا ہی واللہ

دفع خواب پریشان

سوتے وقت یہ کہنا تو مِنْ بِاللّٰهِ شَفَاعَةُ اللّٰهِ زِدْ اَسْوَ رَنَا اِلَى اللّٰهِ وَحُبْنَا اللّٰهَ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ و
لا حول ولا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ موجب سکا ہوتا ہے کہ خواب میں سوائے خیر کے
اور کچھ نہ دیکھے بلطف اللہ تعالیٰ

دفع قلت نوم

عبد اللہ بن شیرازی نے کتاب الصلوٰۃ والنشر میں لکھا ہے ایک شخص نے بعض علما سے کہا
کہ مجھ پر نیند بہت کم آتی ہے کہا سوتے وقت یہ آیت پڑھ لیا کر ان اللہ وَمَلَاٰ مَكَّةَ مُبْصِلًا
عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيْمًا

حفظ از سور شیطان

حافظ ابو موسیٰ نے اپنی سند سے تا عمرہ مولیٰ ابن عباس رضی اللہ عنہم روایت کیا ہے
کہ ایک مسافر کا گزر ایک مرد خوابیدہ پر ہوا دیکھا کہ اسکے پاس دو شیطان موجود ہیں

ایک نے دوسرے سے کہا کہ اس نام کے پاس جا کر اسکے دل کو گھار دی وہ گیا اور
 پھر آکر کہا کہ وہ ایک آیت پڑھ کر سویا ہے بھوکا سپر اسٹ نہیں ملتا پھر وہ دونوں چل دیں
 مسافر نے اس نام کو جگا کر یہ حال کہا اور پوچھا تم کون سی آیت پڑھ کر سوتے ہو کہ یہ آیت
 اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ الْاُولٰٓئِیَّ وَرَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ الْاُولٰٓئِیَّ
 النَّبَلِ النَّارِ یَطْلُبُ حَیْثَا وَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنَّجْمِ مَسْحَرَاتِ بِأَمْرِ الْاَلٰهَةِ الْخَلْقِ وَالْاَمْرِ
 تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ **و** بعض اہل علم نے کہا ہے کہ جو شخص سورہ اخلاص کو پڑھیں
 والہم الہ واحد الایہ اور اس رسول تا آخر سورہ اور آخر سورہ کہن پڑھا کر یہ کہیگا اللہ
 امنی نومۃ العافیۃ برضاک وایقظنی بالعافیۃ وارزنی فی منامی ما یرزق ویرزنی ولا
 ترزنی ما یسوء فی و یجذلنی انک علی کل شیء قدیر پھر سورہ یس کا تو اللہ کے اذن سے جیسی خبر
 دیکھے گا جو اس کو خوش کرگی

برای فرع وارق

کتاب ترمذی میں آیا ہے کہ خالد بن ولید نے حضرت سے شکایت کی کہ نیند نہیں آتی
 ہے فرمایا اپنے بستر پر یہ دعا کر اللھم رب السّمٰوٰت السّبع وما اظلت ورب الارضین
 السّبع وما اظلت ورب الشّیاطین وما اظلت کن لی جار من شر خلقک کلہم جی
 ان یفرط علیّ احد منہم اوان ینفی علیّ عرجارک وجل ثناؤک ولا الغیرک لا الہ الا
 انت سنن ابو داود و ترمذی میں آیا ہے کہ حضرت واسطی فرع کے بعض نیند میں درجائیگی
 یہ دعا انکو سکھاتے تھے اَعُوْذُ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ التّٰمَّاتِ مِنْ غَضَبِہٖ وَعِقَابِہٖ وَشَرِّ عِبَادِہٖ
 مِنْ ہَمَزَاتِ الشّیَاطِیْنِ و ان یحضر و ان عمر رضی اللہ عنہ اپنی اولاد و عاقل کو یہ دعا
 سکھاتے اور غیر عاقل کے لیے لکھ کر لٹکا دیتے **و** طبرانی کہتے ہیں ایک شخص نے

حضرت سی شکایت وحشت کی فرمایا کہ سبحان الملک القدوس رب الملائکۃ والروح
جلت السموات والأرض بالعرۃ والجبروت اس شخص نے یوں ہی کیا اللہ نے اسکی وحشت
دور کر دی صحیح مسلم میں آیا ہے کہ جب کوئی تم میں خواب مکروہ دیکھی تو بائیں طرف تین بار
تہنکاری اور شیطان اور اس رؤیاسی تو ذکر سے اور کسی سے نہ کہے اور کروٹ بدلے
وہ خواب اس کو ضرر نہ پہنچائیگی

حضرت کو خواب میں دست کچھ

ہزار بار سورہ کوثر طہارت پر پڑھ کر خواب میں جانے سے رؤیت آنحضرت صلی اللہ علیہ
وآلہ وسلم کی میسر آتی ہے شرعی نے کہا ذلک مجرب۔
سحر کرشمہ و طیش بہ خواب می دیدم زہے مراتب خوابے کہ بہ زبیدانست

دفع جن

زید بن اسلم رضی اللہ عنہ بعض معادن پر والی تھے لوگوں نے کہا یہاں جن بہت ہیں
کہا کثرت سے اذان ہر وقت کہا کرو چنانچہ ایسا ہی کیا پھر کسی جن کو وہاں نہ دیکھا

دفع ہستم

علی مرضی کہتے ہیں حضرت نے جبکہ مہوم دیکھ کر فرمایا بعض اہل اپنی کو حکم دے کہ وہ تیری
کان میں اذان کہیں کہ یہ دوا ہستم ہے میں نے ایسا ہی کیا مجھ سے ہستم دور ہو گیا

برائے صرع

بعض علمائے ایک مرگی والے کے رہنے کان میں اذان اور بائیں نین اقامت کی تھی وہ چاہا ہوا
برائے راہ یابی

بعض علماء صالحین نے کہا ہے آدمی جب راہ بول جاوی تو اذان کہی ابتدا سکوراہ بتا دیگا

حفظ و بسط لائق

من بصری کہتی ہیں ایک جماعت اہل اقتدار کی عادت تھی کہ وہ لفظ جاء کہ رسول
 مِن اَنْفُسِكُمْ عَنْ رَبِّ عَلَيْهِ مَا عَسَمَ خَرَضَ عَلَيَكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رُفُوفٌ رَّحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا
 فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ بعد ہر نماز فرض کے
 پڑھانے اور کہتے تھے ہاں حفظ و ہاں نزول پھر کہا مجھ کو گمان ہے کہ یہ بات تو رعلیہ تولا
 سے حاصل ہوتی ہے کیونکہ اسد تعالیٰ نے فرمایا ہے وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

نصر فی الحرب

ولی کبیر احمد بن موسی بن عجل نے کہا ہے چار آیتیں ہیں سانسے دشمن کے بڑھنے کی
 دشمن مغلوب مہور ہو جاتا ہے آدمی جس شخص سے خائف ہوا سکی و برو پڑے اسد
 اسکو شر سے اسکے بچا لیکر ہر آیت میں دس قاف ہیں ایک آیت بقرہ میں ہی العز
 الی اللہ من بنی اسرائیل الی قولہ واللہ علیم بالظالمین دوسری آل عمران میں لقد سمع
 قول الذین قالوا الی اخر الایہ تیسری سورہ میں الذین قیل لھم کفوا یدیکم
 الی اخر الایہ چوتھی سورہ مائدہ میں وائل علیہم نبأ بنی ادم بالمحبت تا آخر آیت بعض اہل علم نے
 کہا ہے کہ اگر ان آیات کو لکھ کر نیزہ وغیرہ میں بمقابلہ عدو لٹکا دیا جائے وقت حرب کے
 تو وہ مخدول ہو کر بھاگ جائیں شرعی کہتے ہیں وقد جرب ذلك وصح محمد اللہ تعالیٰ

ہتھیار اثر نہ کرے

سورہ ہود کو لکھا اپنے پاس رکھے کوئی حرف نہیں اس پر ہتھیار کا اثر نہ ہوگا بلکہ اسکو
 نصر و ظفر حاصل ہوگی اور اسکی ہیبت پڑیگی اسی طرح اگر ایک ٹھنی کی لیکر اور اس پر
 سینچھا لجمع و یولون اللہ بہ پڑھکر آج ہر کھڑی دشمن پر پھینک مارنی شکست صد

ہو جاتی ہی وہ خلیفہ میں انجمنات اسی طرح حرب میں روبروی دشمن ختم لایضرفنا کہی حضرت نے بعض غزوات میں اسی طرح کیا تھا اور صحابہ کو اس کے کہنے کا حکم دیا تھا حبیب بن مسلمہ لا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم کا کہنا وقت ملاقات عدو کے مستحب رکھتے تھے ابن ابی الدنہ نے کہا ایک قوم نے ایک حصن کا حصار بلاد روم میں کیا تھا اور یہی کلمہ کہا اور تکبیر کی قلعہ بھٹ پڑا دشمن بھاگ گئی و تشد الحمد والذی

چشم زخم

یہ عزیمت واسطے نظر بد کے مجرب ہے یا آیت پڑھے لخلق السموات والارض اکبر من خلق الناس ولكن اكثر الناس لا یعلمون فارجع البصر هل ترى من فطور ثم ارجع البصر اوتین ینقلب الیک البصر خائفا وهو حذر اسی طرح جو کوئی عائن یا ساحر کو یا فلاحان لکرا اور اسکا نام نیکر وقت نظر لگنے کے یا اثر سحر کے پکارے گا تو عمل اسکا باطل ہو جائیگا شرحی نے کہا وقد جربته لك وصحیہل بن ضیف رضی اللہ عنہ کو نظر لگ گئی تھی حضرت نے عائن سے کہا اپنی مونہ ہاتھوں پاؤں کو دھواور دخل انرا کا غسل کر پھر وہ پانی معیون پڑا فوراً اچھا ہو گیا

ایضا براے چشم زخم

کوئی پاک بڑا یا امام کا من گزلیکراور ناپ کر باسل سکے رکھدی جو اس معیون کو رکھتا ہے پھر اس عزیمت کو بار بار پڑھے پھر اس کی پڑے یا گے کو ناپے اگر گھٹیا بڑھے تو اثر نظر ہے اور جو کم و بیش ہو تو پھر نظر نہیں ہی عزیمت یہی ہے لیسوا للرحمن الرحیم ولا بلاغ الا بالیہ اللہ میں بار اسی طرح کہی ہر تین بار سورہ فاتحہ پڑھے پھر کہے عزمت علیک ایما العین التي فی فلان بن فلانۃ او فلانۃ بنت فلانۃ من عن اللہ وبنور عظمی وجہ اللہ بما جری القلم

ابصارهم عشاوة كهيصن لا يتكلمون جمعوا لا يعقلون

ایضاً براے عقد سان

جس کے شر سے ڈر ہوا کے پاس وقت دخول کی یہ کہی الیوم نختم علی اقوامہم ولا یجوزون

لھم فیعندون رومن صم بکرمی فھم لا یعقلون

برای خوف از سلطان وغیرہ

کھینچ کر گفت جمعوا جمعیت دانے ہاتھ کی انگلی کو بند کر کے لفظ اول کی ہر حرف

کے لفظ کے ساتھ اور بائیں ہاتھ کی ہر انگلی کو قبض کر کے لفظ ثانی کے ہر حرف کو نزدیک

پھر دونوں ہاتھوں کی انگلیاں بند کیے چلا جائے پھر دونوں کو اسکی سامنے کہو لے

جس سے ڈرتا ہے شرحی نے کہا فاندہ یا من من شرہ ولا یری مکے و عا یاذن اللہ تعالیٰ

یہ عمل بعینہ قول جیل میں مذکور ہے اس لفظ سے و سمعتمہ یقول من خاف ذا سلطان فلیقل

الحشر شفاء العلیل میں کہا ہے لفظ اول سے کبھی اور لفظ ثانی سے جمعوا مراد ہے یعنی جب کاف

کے تودا بنے ہاتھ کی ایک انگلی بند کر کے پھر جب ہاتھ کی دوسری حرف بولی تود دوسری

انگلی بند کر لی اور یامی تختانی کے بعد تیسری انگلی اور دین کو بعد چوتھی اور صا د کے بعد

پانچویں بند کر لے و علی ہذا القیاس لفظ ثانی کے ہر حرف کے ساتھ ایک ایک انگلی بائیں ہاتھ

کی بند کر لے انہی میں کہتا ہوں یعنی اس عمل کا بار بار پڑھ کر کیا صحیح پایا ولد الحمد امام غزالی نے

کتاب خواص القرآن میں فرمایا ہے بعض صالحین نے یہ آیت سننی جمعوا کذا لک یوحی

الیہ و الذین من قبلک اللہ العزیز الذی حکم کہانیئے معلوم کیا کہ اس میں کوئی سرائی ہے

میںے او سکو وقت شدائد کے پڑھ لیا یا مجھ کو یہ ایک رقبہ ہاتھ آیا شرحی کہتی ہیں و ما یقال

عند من خاف شہ اللہ انی ادنک فی شہ و اذنک من شہ اللہ و اذنک من شہ اللہ

وَبَاشَتْ أَلْسِنُكُمْ عَلَيْكَ يُفْلَانِ فَإِنَّكَ لَا تُجْرِكَ وَيُقَالُ فِي وَجْهِ مَنْ يَخَافُ شَرَّهُ لَبِيبٌ
 مِنْ حَاجَةِ اللَّهِ إِلَى أَسْأَلِكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا جِلَّتْ عَلَيْهِ مِنْ قَالٍ عِنْدَ الدُّخُولِ عَلَى
 مَنْ يَخَافُ شَرَّ رَبِّهِ إِذَا دَخَلَ مِنْ دُخُلٍ صَدَقَ وَأَخْرَجَ مِنْ خُرُوجٍ صَدَقَ وَاجْعَلْ لِي
 مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا لَمْ يَصِرْ شَيْءٌ غَاذِنَ اللَّهَ تَعَالَى

برای وقایت از ہر سور

بعض علماء کہہ رہے ہیں جو شخص ہر دن پچیس بار یہ کلمہ کہے گا استغفر اللہ العظیم الذی
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الَّذِي لَا يَمُوتُ أَبَدًا وَتَوَسَّلَ بِهِ وَهُوَ أَقْبَلُ شَرْعًا وَمَالٍ وَوَلَدٍ
 کوئی شے مکروہ نہ دیکھے گا شرحی نے مجرب صحیح کہا ہے کہ جب اکتب جبار کہتے ہیں قرآن میں سات
 آیات ہیں میں جب انکو پڑھتا ہوں تو کچھ پروا نہیں کرتا اگرچہ آسمان زمین پر منطبق ہوگا
 تب بھی سو کے اذن سے ہی میں نجات پاؤں گا ایک قُلْ لَنْ يَضِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ
 مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ دوسری وَإِنْ يَمَسَّكَ اللَّهُ بَضْرًا فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا
 هُوَ وَإِنْ يَمَسَّكَ بَخِيرًا فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِمَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ
 تیسری وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعُهَا كُلٌّ
 فِي كِتَابٍ مُبِينٍ چوتھی اِنِّیْ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّیْ وَرَبُّکُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ اِلَّا هُوَ اخَذَ بِهَا صَبِئَهَا
 اَنْ رَبِّیْ عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ پانچویں وَكَانَ مِنْ دَابَّةٍ اِلَّا تَحِلَّ رِزْقُهَا اِلَّا بِرِزْقِ اللَّهِ یَزْنُ رِزْقُهَا
 اِیَّاکُمْ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ چھٹی مَا یَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا یُمْسِكُ
 فَلَا یُرْسِلُ لَهُ سَبْعًا وَهُوَ الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ ساتویں وَلَیْسَ سَاکِنٌ مِنْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
 لَیَقُوْلَنَّ اَللّٰهُ قُلْ اَفَرَأَیْتُمْ مَا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ اَرَادَ فِی اللّٰهِ ضَرْهًا لِّمَنْ
 کَاشَفَاتِ ضَرْهًا وَاَرَادَ فِیْ رَحْمَةٍ هَلْ مِنْ مَّسْکَاتٍ رَحْمَةٍ قُلْ حَسْبُ اللّٰهِ عَلَیْهِ یَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُوْنَ

ایک روایت میں آیا ہے کہ جو کوئی ان آیات کا قاری یا حامل ہوگا اگر اس پر ہزار عذاب کا برابر کوہ احد کے آہنگا تو بھی اللہ انکی برکت سے اسکو اٹھا دیگا علی مرتضیٰ نے فرمایا ہے جسے آیات ہفتگانہ کو اپنا وظیفہ صبح و شام کا کیا وہ آفات زمان و طوارح حدثنان سی امن میں ہوا اللہ کے طباب خط میں کید اعداء سے گیا اسکی حفاظت کے سلسلہ میں انواع مشروب دایا سے باذن خدا داخل ہوا شرحی کہتے ہیں فعیلک بالحقۃ علیہا واللہ ولی المتقین

برارت من النار

بعض صلحا کو مرض سخت ہوا بیوشی ہو گئی ملک الموت کو اس حالت میں دیکھا کہ میں تیرے لیے برات ناری لکھ دوں کہا ہاں ایک ورق پر لکھا پایا استغفر اللہ استغفر اللہ سارا کاغذ ظاہر ابٹنا اسی سے ملو تا کہا ہڈی بوائے من النار مرض اس مرض کی اچھا ہو گیا اور مدت تک زندہ رہا وہ درت نزدیک اسکے تھا و قد قال تعالیٰ وما کان اللہ معذبہم وهم یستغفرون

جلب زرق

اس لیے کثرت استغفار سے بڑھ کر کوئی چیز نہیں ہے جس طرح ماحی ذنوب ہی اسی طرح جالب زرق ہی قال تعالیٰ فقلت استغفر وار بکمر انہ کان غفار انی رسل السماء علیکم میدار او میدد کمر یا موال و بنین عمر رضی اللہ عنہ نے ایک بار استغفار کیا استغفار سے زیادہ کچھ نہ کہا پوچھا تو فرمایا لقد طلبت الخیر بمجاہد السماء پھر روایت فرمائی استغفر وار بکمر ثم قال بوالیہ یتفکر متاعا حسنا الی احبلی مستور

غفرانِ ذنب و کفایتِ ہم

اس باب میں درود شریف تریاقِ مجرب ہے فضائلِ درود کے رسالہ زیادہ لایا گیا
 میں بہت سے لکھے ہیں ابی بن کعب نے جب یہ کہا اجعل لک صلوة کل ما توفیایا
 اذن یغفر ذنبک وتکفی ھک رواہ الشیخان والترمذی وغیرہم شرحی کہتے ہیں
 جمیع الاذکار لا تقید ولا تقبل الا مع حضور القلب الا تلاوة القرآن و الصلوة
 علی النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فانھا یقبلان مع عدم حضور القلب تھیں
 حدیث صحیح میں آیا ہے کہ ایک بار کے درود پر اللہ دس بار رحمت کرتا ہے سو اس
 بڑے اور کیا فائدہ ہوگا کہ اللہ اپنے بندے پر رحمت کرے تو ان جمل میں کہا ہے و اوصانی
 بمواظبة الصلوة علی النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کل یوم وقال ھما وجدنا ما وجدنا تھیں

وضع کربت

ایک شخص صالح ایک کربت میں گرفتار تھے اونھوں نے اس درود کا وظیفہ کیا اللہ تعالیٰ
 صل علی محمد و آلہ النبی الامی الطھر الذی صلوۃ تھل بها العقد و تفک بها الكرب
 اللہ نے انکو اس کربت سے رہائی بخشی یہ بھی آیا ہے کہ کوئی دعا ہے درود کی قبول
 نہیں ہوتی یہ حکایت ایک شخص کا باپ بعض بلا میں مر گیا اسکا موٹھ و بدن سیاہ
 ہو گیا پیٹ پھول گیا اسنی کہا لا حول ولا قوۃ۔ موت غربت اور اس حالت پر نہایت
 تعب ہوا اتنے میں وہ سو گیا دیکھا ایک شخص خوبصورت خوشبوئے آگرا کے باپ کے
 بدن پر ہاتھ بھیرا وہ سفید ہو گیا کہا تم کون ہو کہا میں تیرا بی محمد رسول خدا ہوں صلی اللہ علیہ
 وآلہ وسلم۔ تیرا باپ مسرت تھا لیکن مجھ پر درود بہت بیجاتا میں اس حالت کے دور
 کرنے کو آیا اسکی آنکھ کھل گئی دیکھا تو باپ کے بدن پر نور تھا اللہ تعالیٰ کی حمد کی

اور ابھی طرح کفن و دفن کیا انتہی ۵

لب گوہر نشان و اہونگی جب عرض شفاعت کو
تاشا گاہ محشر میں تکیے نیک نہ ہوگا
بتیں گرجس گھڑی سامان عشرت بزم جنت میں
کھلیگا حال امت کو تری انعام ہی کا
خدا بن مانگی کیا کیا نعمتیں دیتا ہے بندوں کو
تراوست عاضا من ہی جیت کھل کھل

تخصن من جمیع الآفات

اس مطلب کے لیے کوئی شئی نافع تر ذکر خدا سے نہیں ہے فضائل ذکر کے حصن حصین و وعدہ
و نزل الابرار میں یکجا لکھے گئے ہیں اوتے فائدہ اس ذکر کا یہ ہے کہ ذکر ہمیشہ مذکور
ہوتا ہے اس سے بڑا اور کیا فضیلت عمل ہوگی ذکر شارج صدر منزل و ستوت قلب جالب
درزق و غیرہ منافع ظاہر و باطن ہے ایک عالم بالعدنی ذکر میں ایک کتاب مستقل کہی ہے
اس میں سو فائدے دین و دنیا کے بتائے ہیں گرجات دارین و فوز کونین کا یہی ذکر الابرار
ہے پس بس الفاظ اذکار کے جیسے تسبیح تحمید تکبیر تہلیل و غیرہ کتب و دعیہ و حدیث میں
سرفہر میں حضرت نے فرمایا تھا لا ینزال لسانک دلیما من ذکر اللہ حکایت مالک
بن انس کو خواب میں دیکھا بوجہ اللہ نے تم سے کیا معاملہ کیا کہا مجھ اس کلمی زرخش و حبیبکو
عثمان بن عفان وقت رویت جنازہ کے کہا کرتے تھے سبحان المحم الذی لا یموت ابداً
ابن ابی الدنیانے اپنی سند سے روایت فرماد کر کیا ہے کہ جو شخص ہر روز سو بار لا حول ولا قوۃ الا باللہ
العلی العظیم کہتا ہی سکو کہی فاقہ نہیں پہنچتا ایک جماعت مشائخ نے کہا ہی اللہ نے
جب حمہ عرش کو حکم مل عرش کا دیا او غول کی کہا ای رب ہم کو اتنی طاقت نہیں ہی فرمایا
یکلمہ کو جب کہا تو عرش کو اٹھالیا شرجی کہتے ہیں وقالوا هذه الکلمۃ تاثیر عظیم فی
معاناة الاستخالات الصعبة و تحمل المشاق و فی الدخول علی من یخاف شرہ انتہی ابو موسی اشعری

سفرمایا تھا الا اذ لك على كثر من كنز الجنة قال بلى يا رسول الله قال لا حول ولا قوة الا بالله رواه البخاري وغيره

دفع انواع بلا بدعا

دعا کا حکم قرآن و حدیث میں بشدود تمام آیا ہے کتب دعوہ میں فضائل و منافع و فوائد اسکی مذکور ہیں جو دعا سے محروم ہی وہ ہر خیر سے محروم ہی افضل دعا اور اقرب الی القبا وہ ہی جو ساتھ حضور قلب و صدق التجا کے ہو گویا داعی تجرید میں غریق ہی سوا اللہ کی اور کسی اور سی کچھ تعلق نہیں ہی جس طرح حال ذوالنون علیہ السلام کا تھا لہذا حضرت نے فرمایا دعا عذی الخ ذی النون لا یدعوہا عبد مسلم فی شئ قط الا استجیب لہ رواہ الترمذی وغیرہ جعفر صادق علیہ السلام نے فرمایا ہے جو شخص اپنی دعا میں پانچ بار لفظ ربنا کہتا ہے اسکی دعا قبول ہوتی ہی اسکا آیات آخر سورہ آل عمران سے اخذ کیا ہی کہ انہیں یہ لفظ پانچ بار آیا ہی پھر کہا ہی فاستجاب لہم ربہم شرجی کہتے ہیں احسن الدعاء ما کان فی القرآن انتھی میں کہتا ہوں جملہ ادعوہ قرآن کتاب نزل الابرار میں یکجا جمع ہیں اور حزب اعظم میں بھی موجود ہیں پھر بعد قرآن کے وہ ادعوہ ہیں جو سنت مطہرہ صحیحہ سی ماثورہ میں انسی بہتر کوئی دعا نہیں ہی دین دنیا کا کوئی مطلب ایسا نہیں ہی جو انہیں مذکور نہ ہو پھر وہ ادعوہ صحیحہ جو اولیاء متقین سی سند صحیح ثابت ہیں اوقات دعا و اماکن اجابت دعا و آداب دعا کا ذکر عذہ حصن حصین میں مرقوم ہے دعا ساعت جمعہ میں قبول ہوتی ہی اس ساعت میں اختلاف ہے دو قول قوی ہیں ایک یہ کہ امام کے خطبہ پڑھنے سے تا ختم نماز وقت اجابت کا ہے دوسرے کہ انور و زجہ قبیل مغرب بلکہ ہی قول قوی ہے اور یہ قبول مجرب ہے سینے بھی اسکا تجربہ ہر دو ساعت میں کیا صحیح پایا و اللہ اعلم

روزانہ و آیت

اہل علم نے کہا ہے جسکی کوئی چیز ضائع ہو جائے وہ یا حفظ ایک سو انیس بار بیکار کرے
 کہ یہ آیت پڑھے یا بخواہاں تِلْكَ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي شَجَرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ
 أَوْ فِي الْأَرْضِ بِإِذْنِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَلِيفٌ خَبِيرٌ اسکو بھی ایک سو انیس بار تکرار کرے اور
 تعالیٰ اسکی ضاکہ کو رد کر دے گا اور اس شی کو محفوظ رکھے گا شرعی فی کما صحیحہ محرب حرکات
 رسالہ قشیری میں کہا ہے جعفر خالیدی کی انگوٹھی وجہ میں گر گئی اونکے پاس دعا مجرب
 واسطے ضاکہ کے تھی اونہوں نے وہ دعا پڑھی وہ نگین اونکو درمیان اوراق کتاب کی
 مل گیا وہ دعا یہی اللّٰهُمَّ يَا جَامِعَ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْفَ فِيهِ أَجْمَعُ عَلَى ضَالَّتِي إِنَّكَ لَا تَخْلُقُ الضَّلَالَةَ

عزیمت اخذ سارق

دو آدمی ایک ابرق لیکر مقابل یکدیگر بیٹھیں اور اسکو درمیان سبابتین کی اوٹھائیں
 اور نام شتم کا ابرق تین لکھیں اور سورہ یس تا وجعلنی من المکذبین پڑھیں اگر سارق
 وہی ہے تو ابرق دور کر دے گا اگر نہ پھرے تو اسکا نام شاکر دو سو شتم کا لکھی واحد بعد
 واحد جبکہ نام پچکر کھائے وہی چور ہے شرعی فی کما و خلاق مجرب

برائے سب

اسکو لکھ کر بازو پر پت زدہ کرے باندھ دیا جائے باذن ابدی صحت ہوگی بسم الله الرحمن الرحيم
 بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ إِلَى أَمْرِ مَلَدٍ الَّذِي تَأْكُلُ الْحُمُوتُ تَشْرَبُ بِلَدٍ مَوْحَشَمِ الْعَظَمِ
 مَا بَعْدَ يَا أَمْرَ مَلَدٍ مَا كُنْتُ مُؤْمِنَةً بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَحَقَّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَاسْلَمَ وَأَنْ كُنْتُ يَهُودِيَّةً فَحَقَّ مُوسَى الْكَلِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنْ كُنْتُ نَصْرَانِيَّةً فَحَقَّ عِيسَى
 بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ لَا أَكَلْتُ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ لَحْمًا وَلَا شَرَبْتُ لِدَمًا وَلَا هَمَمْتُ لِي

عَلَّمَ وَتَحَلَّى عَنَّا إِلَى سِرِّ اتَّخَذَ مَعَ اللَّهِ الْفَاخِرَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَلَا فَانْتَ بِرِيقَةِ
 مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ يُرَى عَنْكَ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
 ذِكْرُ الشَّجَرَةِ اسکو قول جہیل میں بھی نقل کیا ہے اور رقیہ محمود ہیرایا ہی ام ملدہ زبان عربی
 میں تپ کی کنیت ہے اور بجای فلاں بن فلاں کے نام مریض کا اور اسکی ماں کا لکھی ہو گیا
 ہے کہ ایک عمل دفع تپ کا یہ بھی ہے کہ ہر روز بعد نماز عصر کی سورۃ مجادلہ تین بار تپ اے پر پڑھا
 انتی مجبور قیہ مذکور کا بار بار تجزیہ ہوا ہے باذن اللہ تعالیٰ ہمیشہ صحیح پایا ویشہ محمد

ایضاً برای تپ

آیات تخفیف کو لکھ کر محمود پر لکھا دے وہی قولہ تعالیٰ ذَلِكْ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكَ وَرَحْمَةٌ مِّن رَّبِّكَ
 اَنْ يَّخَفَّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْاِنْسَانَ ضَعِيفًا اَوَّلَ سَلَمَةٍ اَخْرَجَ مِنْ رُودُ لَكُمُ اَوْ رَا اَيَّ قُلْنَا يَا مَعْزِلُ
 كُنْ نَبِيًّا بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ اَوْ رَا اَيَّ رَبَّنَا اَكْتَفَ عَنَّا الْعَذَابُ اِنَّا مُؤْمِنُونَ اَوْ رَا اَيَّ اِنْ
 تَمَسَّكَ اللَّهُ بِضُرْفَلَاكَ اَتَفَلَّهَ اَلَا هُوَ اِنْ يَرِدْكَ خَيْرٌ فَلَا رَادَ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِمَنْ شَاءَ مِنْ
 عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ بڑھا دے تو اور بھی بہتر ہے

برائے حقے ربع

اسکو ثلث بھی کہتے ہیں۔ محمود غسل کرے اور چوب خاوی یا کسی اور چوب سی اسکی ذراع امین پر
 لا الہ الا اللہ اور ذراع ایسر پر محمد رسول اللہ اور ساق امین پر جبریل اور ساق ایسر پر میکائیل اور شق امین پر
 اسرافیل اور شق ایسر پر عزرائیل لکھ دی وہ بہت جلد صحت پائیگا و ہذا مما جرت صم اسطرح پشت محمود
 پراذان و اقامت لکھی پیرا سربا باذن اللہ تعالیٰ اسکا ذکر بعض علماء کبار نے کیا ہے توڑی لوگ اسکو جاتی ہیں

برائے درود

اس عربیت کو لکھ کر سر پر رکھ دی بسم اللہ الرحمن الرحیم کُتِبَ غُصَّ ذِکْرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدًا ذِکْرًا

سَمِعْتُ كَذَلِكَ يُوحَى إِلَيَّ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 کہ من نعمہ اللہ علی کل عبد شاکر و غیر شاکر و کہ من نعمہ اللہ علی کل قلیب شائع و غیر
 شائع و کہ من نعمہ اللہ علی کل عرق ساکن و غیر ساکن اُسکن اِیہا الوجع بعرق من لہ ملکن
 فی اللیل والنہار و هو السبع العظیم شرحی کتبہ من ہذا ما اشتهرت بکتابہ للصداع

ایضاً برائے درود

آخر جمعہ ماہ رمضان میں لکھ کر کہ جوڑے بسم اللہ الرحمن الرحیم المرتضیٰ سر بک
 کیف مثلاً ظل و لو شاء لجلنا ما کنا ثم جعلنا الشریعہ علیہ دلیلاً ثم قبضنا فی الیاقبضاً
 سید اسکو شرحی نے نافع مجرب کہا ہے

ایضاً برائے درود

عازم اپنا ہاتھ سر پر درود مند کے رکھ کر یہ پڑھے بسم اللہ خیر الاسماء رب الارض والسماء بسم اللہ الذی
 اسمہ بکۃ و شفاء بسم اللہ الذی بیدہ الشفاء بسم اللہ الذی لا یضر مع اسمہ شیء فی الارض ولا فی السماء
 و هو السبع العظیم اسکو من بار یا سات بار تکرار کری باذن خدای شافی جلد صحت ہوگی

برائے تحقیقہ خاصہ

آیہ سورہ رعد قل من رب السموات والارض قل اللہ قل انا اتخذ من دونہا اولیاء لا یمیکون لانفسہم
 نفعاً ولا ضرراً قل هل یتوکلون الا علی والصدیق ام هل تستتر بالظلمات والنور ام جعلوا للہ شریکاً خلق کل
 شئ فتنسبہ الخلق علیہم قل اللہ خالق کل شئ و هو الواحد القہار پڑھ کر دم کری

برائے درود

اس آیت پاک کو ایک طرف خاک جدید میں زعفران و گلاب کی لکھ کر ملا دی و نزعنا منافی
 صد و دم من غل تجری من تحتہ الاغار و قالوا الحمد للہ الذی ہذا فالحمد و ما کثراً

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ إِذْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْزَ الَّذِي أَتَاكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَيَعْلَمَ أَنْ لَا شَيْءَ لَهُمْ وَأَنْ يَحْسِبُوا أَنَّ الرِّجْزَ الَّذِي أَتَاكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ هُوَ عَطَاءٌ أَلْفُ عَشْرٍ

برائے درد دندان

اس آیت کو کل نیا مستقر و سوف تعلون ایک پرچہ صغیر لکھ کر دندان درد ناک پر رکھ کر
انشاء اللہ تعالیٰ درد تیر جائیگا یہ تجرب ہے اسکے بعد شرجی نے ایک عمل فاتح کا واسطی و ص
خس کے لکھا ہی وہ طول طویل ہی پر کہا ہی و ذلک مع حسن الظن من الجميع والعازم
فانما يقع الخلل وعدم النفع من جهتها والافتتاب لله واسماؤه لا شك في نفعها و
برکتها والحمد لله رب العالمين میں کہتا ہوں یہ عزائم و اعمال جو مجرب صلیاء و علما میں
انکا نفع یقینی ہے لکن اکثر خلق کو ذہن میں انکی وقت نہیں ہی اور اعتقاد ضعیف ہے
بسبب ضعف ایمان کی ورنہ ہر عمل بجای خود تریاق مجرب ہی مینے اکثر اعمال کو انہیں ہی استعمال
کیا بحمدہ تعالیٰ مجرب و نافع پایا اور جنکا استعمال نہیں کیا ہی مہملو انکی نسبت ہی عقیدہ تجربہ
کا ایسا ہی ہے و بالسد التوفیق ایک دوا داء خس کی یہ کہ انیس بار بسم اللہ کو بعد و
حروف بسمہ پڑھے انشاء اللہ نفع و حسن پائیگا حکایت امام غزالی جنی کتاب خاص القرآن
میں لکھا ہی کہ بصری میں ایک شخص تھا وہ دانت کا رقیہ کرتا تھا لکن کسی کو بخل سی سکھاتا نہ تھا
جب مرنے لگا کہا اب لکھ لو لوگوں کو نفع ہوگا میں بھی کتمان علم سے خلاص ہو جاؤں گا وہ یہ جوتھے
کَصِيصٌ خَمِصٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَلَمَّا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ

برائے درد

اسکے لیے یہ آیت اذہبوا بقیصی هذا فالقہ علی وجہ الی یات بصیرا فکتفنا غطاء
غطاءك فبصرک الیوم حدیث لکھ کر صاحب رمد پر لکھا دے نفع ہوگا۔ امام شافعی سے
ایک شخص نے شکایت رمد کی او سکویہ لکھ دیا بسم اللہ الرحمن الرحیم فکتفنا غطاء

فَبَصُرْنَا الْيَوْمَ حَدِيدٌ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْوَاهْدِي وَشَفَاءُ أَوْرَكَهْدِي أَسْكُو بَانْدَهُ لَوْ شِئْتُ
 اچھا ہو گیا حکایت لیث بن سعد کہتے ہیں میں نے عقبہ بن نافع کو ضریر دیکھا پھر بصیر ہو چھا
 اللہ نے ہماری آنکھوں کو کس طرح پیر دیا کہا مجھے کسی نے خواب میں کہا کہ تو کہنے یا قریش یا عجیب
 يَا سَمِيعُ الدُّعَاءِ يَا لَيْفَ الْمَايَتَاءِ دَعَا عَلَى بَصْرِي مَيَا س دَعَا كَوْبُ مَا اللّٰهُ دَعَا رُشْنِي اَنَّهُ كِي
 پھر دی **ف** شرعی کہتے ہیں شیخ فرید الدین بن عسکری جو کہ بلاد ہند میں مشہور ہیں روایت ہے
 کہ جو شخص ناخن ہر دو اہام پر آئے فَلَكَ شَفَاءُ عَمَلِ السَّاتِ بار پڑے ہر ہر بار حضرت پروردگار بھیج کر
 اور دونوں اہام پر پھونک کر آنکھوں پر پیر لگا تو واسطے نور بصیرت وال ضرر کے آنکھ کی
 نفع کر بجا انشاء اللہ تعالیٰ میں کہتا ہوں شیخ حسینی میرے والد مرحوم کے مرید تھی وہ ہمیشہ اس آیت
 شریف کو واسطی ابقاء نور چشم کے پڑھا کرتے تھے انکی عمر طویل ہوئی آنکھوں کی روشنی بدستور تھی اللہ علیہ

برائے رعا ف

اگر خون ناک سے ہے اور بند نہ تو یہ آیت لکھ کر سر پر راعف کی رکھ دی یا سر پر ہاتھ رکھ کر
 پڑھ دی ہر کہ کَفَّ لِيْهَا الرِّعَافُ بِحَقِّ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى اِنَّ اِلَهَكُمْ
 السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَنْ تَزُولَ اُولٰٓئِكَ نَالَتَا اَنْ يُّسَكِّمَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ عِبْدِهِ اِنَّهٗ كَانَ جَلِيْلًا عَفُوًّا
 يَا اَرْضُ اَلْبَعْرِ مَاءِكَ وَيَا سَمَاءُ اَقْلَعِيْ وَغِيْضِ الْمَاءِ

نماز استخارہ

یہ نماز صحیح بخاری میں جابر رضی اللہ عنہ سے رفعتا ثابت ہے حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ
 سلمہ کو اسکی تعلیم کی طرف مزید توجہ تھی جس طرح کوئی سورت قرآن پاک کی سکھاتے تھے
 اسی طرح اس دعا کو تعلیم فرماتے اور کہتے اِذَا هُمْ اَحَدُكُمْ يَامُرُ فَلْيُرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَضْلِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ - اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخِيْرُكَ بِعِلْمِكَ وَاسْتِقْدَارِكَ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ

الْعَظِيمُ فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ
 تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي أَنَا عَازِمٌ عَلَيْهِ وَبِسْمِ حَاجَتِهِ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَمَعَاشِي وَمَعَاوَاةٍ
 عَاقِبَةٍ أَمْرِي وَعَاجِلَةٍ فَقْدَرَهُ لِي وَبَسْرَهُ لِي ثَمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا
 الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَعَاقِبَةٍ أَمْرِي وَمَعَاشِي وَعَاجِلَةٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي
 وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثَمَّ رَضْنِي بِهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ سَمِعْتُ إِمَامَ أَحْمَدَ مِنْ رِوَايِهِ
 أَيُّهَا مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ صَلَوَاتُكَ الْإِسْتِخَارَةَ وَرِضَاهُ بِمَا قَضَاهُ اللَّهُ مِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ
 تَرْكُهُ اسْتِخَارَةَ اللَّهِ تَعَالَى وَرِوَاةُ الْحَاكِمِ فِي الْمُسْتَدْرَكِ وَقَالَ صَحِيحُ الْأَسْنَادِ وَالْبُخَارِيُّ
 وَالتِّرْمِذِيُّ وَنَحْوُهُ وَالْبَزَارِيُّ وَابْنُ حِبَّانَ أَوْ رِوَاةُ بَعْضِ الْخَبَرِ مِنْ أَيْسَرِ رِوَايَاتِهِ وَارِدُهَا مِنْ مِثْلِهِ
 اسْتِخَارَةُ وَلَا خَابَ مِنْ اسْتِخَارَةِ رِوَاةُ الطَّبْرَانِيِّ جَابِ بِابٍ مِنْ فَرَايَايَ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ
 يَاسَاتٍ وَنَدْوَرُ كَعْتِ أَوَاكِرِي أَوْ رِوَاةُ سَلَامٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ
 شَاهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ رَحِمَهُ فَرَمَايَا بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ
 شَبَّاهُ بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ
 رَاسِ صَدِّقِ بَارِ خَوَانِدَةِ الْمُنْشَرِّحِ مَهْدِي بَارِ بِاسْمِ اللَّهِ بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ
 بَارِي كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ
 صَدِّقِ بَارِ بِاسْمِ اللَّهِ بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ
 اسْتِخَارَةِ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ
 وَرَانَ كَارِ بِاشَدِ بَعْلِ آرَنَدِ وَآرَنَدِ عَزْمِ فَوْرُكَ وَرِوَاةُ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ
 أَنْتَهَى مِنْ كِتَابِ حَدِيثِ اسْتِخَارَةِ كَوَائِلِ سُنَنِ نَحْوِي رِوَايَةِ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ
 نَحْوِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ يَاسَاتٍ كَيْهَلِي بِرِوَايَةِ تَمِيمِ بْنِ

اور فرمایا ہے کہ اسکی اسناد میں عبدالرحمن بن ابی موال منکری۔ ابن ابی عدی فی کہا انسانکر
 علیہ حدیث الاستخارة و قد رواہ غیر واحد من الصحابة انھیں مگر حمزہ اہل علم نے عبدالرحمن
 کی توثیق کی ہے کا قال العراقی میں کتابوں میں ابن جہان فی حدیث استخارہ کو ابو ہریرہ سے اور
 طبرانی نے ابن مسعودی اور ابو یعلیٰ نے ابو سعید خدری سے اور نیز طبرانی نے ابن عباس و ابن عمر
 سے روایت کیا ہے یہ دلیل ہے ثبوت و جواز استخارہ پر و بعد الحمد لکن اس حدیث بخاری سے
 مکرر استخارے کی معلوم نہیں ہوتی ظاہر ہے کہ ایک بار کا استخارہ کافی ہوگا مگر خزانۃ الاسرار
 میں کہا ہے و ینبغی ان یتکرر سبعا و یتحب تکرار الاستخارة فی الاموال واحد اذا لم ینظروا
 وَجْهَ الصَّوَابِ فِي الْفَعْلِ او التَّزَكُّ مَا لَمْ يَشْرَحْ لَهُ صَدْرُهُ لِمَا يَفْعَلُ كَمَا وَرَدَ فِي حَدِيثٍ تَكَرَّرَ
 الاستخارة سبعا اخرجہ ابن السنی عن انس قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم یا
 انس اذا هممت بامر فاستخر ربک سبع مرات ثم انظر الى الذي يسبق الى قلبك فان
 الخیر فیہ نووی نے کہا سخت ہے کہ دو رکعت استخارہ میں اول رکعت میں قل یا ایہا الکافرون
 اور دوسری رکعت میں قل ہو اللہ احد پڑھے و کذا ذکرہ الغزالی فی الاحیاء و العینی فی شرح
 البخاری معمولات منظرہ میں لکھا ہے کہ معمول یہ تھا کہ بدون استخارے کے کوئی کام نہ کرتے تھے
 سفر و حضر دونوں میں بلکہ سفر میں واسطے ہر منزل کے استخارہ کرتے اور فرماتے مرید کو چاہیے کہ
 کسی کام کو شروع نہ کری۔ پہلی استخارہ کر لی پھر اقدام کری اگر فرصت ادا کرنی دو رکعت کی نہ پائے
 تو صرف دعا پراکتفا کرے کہ سب خیر ہی خیر ہوگی کوئی خواب درو یا استخارہ مسنونہ میں درکار
 نہیں ہے ہاں مشائخ نے واسطے توجہ خاطر و اطمینان کے یہ کہا ہے کہ بعد استخارے کے اگر دل
 اس کام پر متوجہ ہو تو کرے ورنہ ترک کر دی طریق مسنون ہی ہے کہ دو رکعت نماز نہایت استخارہ
 پڑھے اول رکعت میں قل یا ایہا الکافرون اور دوسری رکعت میں قل ہو اللہ احد اور بعد

سلام کے یہ دعا اللھم انی استخیرک الخ صاحب سفر السعادة نے کہا ہے انچ بعضی اور محققان
شیخ کبار گفت اند کہ شخصے با یہ کہ ہر روز درمقیاتے مسین بیا یہ کہ دو رکعت نماز استخاره
بگذار دو گوید اللھم الی قولہ علاہ الغیوب اللھم ان کنت تعلم ان جمیع ما اخرجت فیہ
فی حقّی وفی حقّ غیبی وجمیع ما یتحرک فیہ غیر فی حقّی وفی حقّ اہلی وولدی وما
ملکت یمنی من ساعتی ہذہ الی مثلہا من العذخیر الخ ہر چند اس کیفیت استخارہ در
حدیث نہ یافتہ ام اما عل برین موافق حدیث استخارہ و مناسب اتباع سنت است انتی
شوکانی رحمہ نے فرمایا ہے وصلوۃ الاستخارۃ مشروعۃ بلا خلاف — انتی

ایضا طریق استخارہ

قول جمیل میں لکھا ہے اگر تو چاہے کہ خواب میں اپنا کھنڈنق سی دریافت کری تو وضو کر کے
پاک کپڑا پہن کر وہ قبلہ ہو کر کہیں پر سورۃ اور سورۃ وائش و سورۃ الیل و سورۃ اخلاص
سات بار پڑھ اور دوسری روایت میں پڑھنا سورۃ تین کا عوض اخلاص کی سات بار آیا
پھر یوں کہ الایضہ دار فی منای کذا و کذا واجعل لی من امری فرجا و فرجاً وارزقنی
منای ما استدل بہ علی اجابۃ دعوتی اگر وہ چیز دیکھی جو خوشی لائی تو فہا ورنہ دوسری را
بھی اسی طرح کر اگر کچھ دیکھی بہتر ورنہ تیسری رات سی ساتویں رات تک اس طرح کرشب ہفتہ سی نشاء
تعالی تجاوز نہوگا مولف نے فرمایا جرحہا جماعۃ من اصحابنا انتھی خزینۃ الاسرار میں کہا ہے واما
الاستخارۃ المنامیۃ فتستحب کذلک الخ الطبرانی والضیاء عن عبادۃ بن الصامت انہ قال
قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ والہ وسلم رؤیا المؤمن کلام نیکمر بہ العبد ربہ فی المنام

ایضا استخارۃ مجربہ صحیحہ

اسکی برابر کوئی استخارہ کم ہوگا جو شخص یہ چاہے کہ انجام اپنے امر کا معلوم کرے کہ خیر ہی یا شر

وہ بعد عشا کے وضو تازہ کر کے بستر پاک پر بیٹھ کر حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم پر تین بار درود بھیجے اور دس بار فاتحہ پڑھے اور گیارہ بار سورہ اخلاص پڑھیں بار درود بھیج کر شوقِ امن پر متوجہ طرفِ قبلے کے ہو کر سورہ انشاء اللہ تعالیٰ خواب دکھیگا وہ خواب اسکی مقتضایٰ حال پر خبردار کر دیگی فلا بد لہ من تعبیر الروایان لم یعرف تعبیرھا ذکرہ فی خزینۃ الاسرار

برای بقا نعمت و عدم زوال دولت

اللہ تعالیٰ فرمایا ہے وَلَوْ لَا اِذْ دَخَلْتَ جَنَّتْ قُلْتَ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَمَامُكُمْ
نے اس آیت مبارک کو اپنے گھر کے دروازے پر لکھ رکھا تھا کسی نے پوچھا کہ یہ کیا ہے
فرمایا اللہ تعالیٰ نے کہا ہے وَلَوْ لَا اِذْ دَخَلْتَ جَنَّتْ اور میرا گھر میری جنت ہی اہل علم کہتے ہیں
جو شخص یہ چاہے کہ اپنے مال و اہل میں خوشی دیکھی وہ ان کلمات کو لکھا کری فانہ لا یری
سوءاً ابداً فانہ روی النبی بن مالک عنہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم انہ قال ما انعم اللہ علی عبد
نعمۃ فی اہلہ و مالہ فقال ما شاء اللہ لا قوۃ الا باللہ لا یری افة دون الموت ذکرہ الشرحی
ہكذا بلا تخریج میں نے اس کلمے کا تجربہ کیا صحیح پایا واللہ الحمد

دفع ابتلاء بہ بلا

حدیث ابو ہریرہ میں فرمایا ہے جو شخص کسی مبتلا کو دیکھ کر یہ کہیگا الحمد للہ الذی عافانی عما
ابتلاک بہ تو وہ بلا اسکو نہ لگی رواہ الترمذی یعنی اسکا تجربہ کیا بالکل صحیح پایا واللہ الحمد
اہل علم نے کہا ہے اگر بلا دین میں ہو جیسے سکر و شراب تو اسکو نہ لگی تاکہ منزجر ہو اور
اگر جسم میں ہو جیسے جذام وغیرہ تو چپکے سے کہے تاکہ وہ شکستہ خاطر نہ ہو

دفع قال بد

حدیث عقبہ بن عامر میں فرمایا ہے کہ طیرہ یعنی برفالی کسی مسلمان کو نہ پھیری تم حب کوئی

شی مخلوق و مکتوب تو یوں کہو اللہ لا یاتر بالחסنات الا انت ولا یدھب بالسینات الا انت
 ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلیٰ العظیم انتھی اس کنسی سی اثر اسکا جاتا رہیگا ایک روایت
 یہ بھی ہے کہ یوں کہو اللہ لا خیر الا خیرک ولا طیر الا طیرک ولا غیرک الا غیرک ابن القیم نے کہا ہے کہ
 قال بد کا ضرر اسی شخص ضعیف الایمان کو پہنچتا ہے جو اسکا مستعد ہوتا ہے اور جو کوئی
 بد فالی کو بے حقیقت چیز جانتا ہی اسکو کچھ نقصان ایسے فالہا ہی بدی نہیں ہوتا انتھی
 بے شہدہ بد فالی لینا ایک طرح کی بے توکل ہے اللہ پر جسکی باتھ میں سارا نفع و ضرر ہے نہ
 کسی دوسرے کے جاہل لوگ طیور وغیرہ ہی فال لیتی ہیں یہ یوقوت آنا نہیں سمجھتی کہ سوائے اللہ
 کے سارے حیوانات طیور ہوں یا اور دو اب سب بے شعور ہیں انکے حرکات و سکنات
 اخذ کرنا کیا سب سے زیادہ شعور و کرامت میں نوع بشر ہے شارع نے بشری کے کلمہ فالی
 بولنے پر زجر کیا ہے اور طیر کو مشرک فرمایا تو پھر حیوان غیر ناطق کی آواز اور پرواز کا کیا اعتبار
 اور وہ اس مشرک کے حال و قال سی کیا خبر دار لا حول ولا قوۃ الا باللہ

ہر اسے حفظ جامہ نو

بعض اہل علم نے کہا ہے سورہ انا انزلنا وکانا فزون و اخلاص کو گیارہ بار پڑھ کر آب پاک پر
 دم کر کے ثوب جدید پر چھڑک دی ہمیشہ عیش رغید میں رہیگا جب تک کہ ایک بار بھی اس کا
 باقی ہی دوسری روایت میں ہے کہ نقطہ انا انزلنا الخ کو ۳۶ بار پانی پر پڑھ کر جائے نو پر چھڑک
 دے ہمیشہ اللہ کی طرف سے رزق میں رہیگا جب تک کہ وہ باقی ہے انتھی احادیث
 میں دعای لبس ثوب جدید آئی ہے اسکا پڑھنا برکت لاتا ہی میں اکثر اسکو پڑھ لیا کرتا ہوں

دعا سے عطش

بعض صالحین نے کہا ہے بعض مفاد میں مجھکو عطش شدید ہوا یہاں تک کہ میں تلف سی ڈرا

اور مرنے کے لیے مستعد ہو بیٹا اتنے میں آنکھ لگ گئی ایک کہنے والے نے کہا کہ تین بار
یا لطیف یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر
تھو دابہ ہی جب تھو کچھ تنگی پیش آئے یا کوئی نازلہ نازل ہو تو اسکو اسکا کر یہ کہنا کافی شافی
ہو گا مینے پوچھا تم کون ہو کہا میں خضر ہوں

برائے ہر نازلہ

بعض صالحین یہ دعا کرتے تھے یا لطیف یا عظیم یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر یا خیر
اور اسکو کر کے شری کہتے ہیں فدعوت بہ فوجدت لہ تاثیر لحسنہ والحمد لله کثیرا
اور بعض علمائی اس دعا کا فضل کثیر ذکر کیا ہے یا لطیف فوق کل لطیف یا لطیف فی
جیع امور کلھا کما تحب واحب رضی فی دنیا و آخرت حرکات الامم شافی
کہتے ہیں بعض ایام میں ایک امر نے مجھکو سخت الم میں ڈالا بیمار سا ہو گیا اور سوا اللہ کی کوئی
سپر مطلع نہ تھارت کو بھی خواب میں ایک شخص نے کہا تو کہہ اللہ عزوجل لا املک لنفسی ضرا ولا
لنفسی ولا موتا ولا حیاة ولا شورا ولا استطیع اخذ شیء الا ما اعطینتی ولا اتقی الا ما
وقینتی لله وفقی لما شئت وترضی من القول والعمل فی عافیة ینصیح کو اٹھ کر اس دعا کو کر پڑھا
جب ن کوچ کر گیا اللہ نے مجھکو اس بلا سے نجات دی اور مجھکو میرا مطلب عطا کیا فعلمک ہذا الدعاء

برای راحہ کردن دابہ

اگر کوئی دابہ سرکش ہو تو اسکی کان میں یہ آیت پڑھ دی آغیر دین الله یغون وله السلام من فی
السموات والارض طوعا و کرہا والیہ یرجعوا سکا نفور دین و بزم باریگا بعض علما نے کہا فعلنا ذلک لہ و ان کان الذلک

برای عدم فزع از دشمن وقت ارادہ سفر

بعض صلحاء نے کہا ہی جو شخص ارادہ سفر کا کری اور کسی دشمن یا دشمنی خائف ہو تو سورہ لایلاف پڑھ کر

مکمل کردہ امان ہی ہر سورت سے ایک شخص فی ایسا ہی کیا وہ کتا ہی مہلک کوئی فزع حاضر نہوا و الحمد

برای حفظ از راہ زمان و سفر

راہ میں جب خوف قطع الطرق کا ہو تو سات کنکری پاک لیکر ہر ایک پر یہ کلمات سات بار پڑھے اور ہر بار پھونکی اور ایک کنکری جانب یمن اور دوسری جانب شمال اور ایک سات اور ایک پیچھے پھینک دی اور تین عدد کپڑے یا عمامے میں رکھ لی لافا جا محنت تحاففت نفح محنت یصبر محنت ایک عالم نے کہا وقد جرب ذلك وصح والله ما لها قيمتها حق میں کتا ہوں معافی ان الفاظ کے معلوم نہ ہوئے ظاہر یہی کہ اسماء الہی کسی زبان عبرانی یا سریانی کے ہونگی و اللہ اعلم شرحی کہتی ہیں اگر ان کلمات کو درود بر واسکی پڑھے جسکے شرعی خلف ہے اور اللہ تعالیٰ سی نجات چاہے تب بھی کوئی کمزورہ انشاء اللہ تعالیٰ نہ دیکھے گا۔

برای حفظ از اہل بغی

جب کو اہل بغی سے ڈر ہو اور اللہ سے نجات چاہے وہ یہ آیت پڑھے اُولَئِكَ الَّذِينَ طَعَنَ غَلَّ قُلُوبُهُمْ وَسَمِعِمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ وَقَوْلُ مَنْ ذَكَرَ آيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَاعِلُنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ كِتَابَةً أَنْ يَفْقَهُوا وَإِذَا هُمْ يَقْرَأُونَ وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذْ أَبَدَا وَهِيَ شَرٌّ مَحْفُوظٌ رَهْجَا

طعام دار

جب کھانا کھائے اور یہ ڈر ہو کہ اس میں کچھ دار ہے تو یوں کہ بسم اللہ ثقۃ بالہ نوکلا علیہ اوس کو وہ طعام کچھ ضرر نہ کرے گا ثبت ذلك عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ والہ وسلم

برای حمل

ایک پاک برتن میں فاتحہ و درود لکھ کر ابجد تا صنف لکھے اور ایک برتن میں یہ آیت لکھی

اسی طرح جو شخص خون چمکا دے کو تلوون سی لکیگا عجب سچ کا نغوظ دیکھیکا یا اخیل و اخیل
 اخیل کو پتہ ہزنر سے طلا کر لیکھا تو بھی عجائب دیکھیکا اسی طرح اگر شہد و روغن زرد کو طلا کر
 پکائیگا میان تک کہ گاڑا ہو جای اور اسکی ایک گولی سو در وقت کھائیگا تو بھی نفع عجیب پائیگا

برای عدم انزال وقت جماع

ایک برہ انکور پر ابجد تا ضطغ اور قبل یا ارض المعبی ماءك و یا سماء قلعی و غرض الماء و
 قضی الامر کلما او قد و انار الحرب اطفأها الله امسك ايها الماء النازل من صلب فلان
 بن فلانة بلا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم للکرمین ان پرانہ مولد ذکرہ الشرح میں کتابوں
 یہ عزیمت گو مجرب ہی لیکن ایسے کام کے لیے آیت شریف کا نہ لکھنا بہتر ہے لکھنے سے واسطہ علم

برای فتور و استرخاء عضو

جکایہ حال ہو وہ تین روزے رکھی اور نصف شب کو اٹھ کر کف راست میں بقلیم نحاس
 زعفران و گلاب سے یہ آیت لکھی انما نستجیب الذین یسعون فی الموتی یبعثہم اللہ ثم الیہ
 یدعون اور اسکو چاٹ لی تین باریوں ہی کری انشاء اللہ خدا اسکی شکایت نازل ہو جائیگی

برائے رہائی از قید

بذیل سورہ فاتحہ گذر چکا ہے کہ پڑھنا سورہ موصوفہ کا ایک سو گیارہ بار تبرکات سابق مجرب ہے
 اسکی سوا پڑھنا سورہ یوسف کا نیت صادقہ و حضور قلب باذن الہی موجب خلاص کا قید سی ہی
 شرعی نہ کہما و ذلک مجرب سبط اگر سجون یا اسور ایک مجلس میں ہزار بار یہ پڑھی ماشاء اللہ کان
 ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم تو بہت جلد اسدا سکو رہائی دیگا جرب ذلک وصحہ والحمد للہ

برای خوف از قتل و عذاب و نحوہ

امام ابوہی کہتے ہیں یہ ایک ستر بیع ہی جب انسان کو اپنی جان پر خوف قتل یا عذاب یا نحوہ

حکایت ابن عجل مصرع پر یہ آیت پڑھتے قل اللہ اذن لکم امر اللہ تغفرون
شیطان کل جاتا پھرتا آتا

ایضا برای مصرع یعنی آسیب بند

اسماء اصحاب کھف اگر دیواروں پر گہر کی لگنے حسین مصرع ہی تو وہ افادہ میں آجائے گا
اسکو واحدی نے اپنی تفسیر میں یوں لکھا ہے مکسینا یملئنا مرئوس سرئوش مسا ذینوس
دونوا لبس کفیسططینوس کتے کا نام تعمیر تھا ذکرہ الشرحی قول مبیل میں اسماء اصحاب کھف
کو امان غرق و حرق و نهب و سرق سے بتایا ہے اس طرح پر الہی بحرۃ یملئنا مکسینا کفیسطط
اذر فطیونس کثا فطیونس تبیونس یوانس بوس و کلہم تعمیر و علی اللہ قصدا لبیل و غنا جاہ
انختی ان اسماء میں اسماء صدری قدری اتناوت ہر نیا بوری نے بہت سی منافع ان ہون
کے بحوالہ ابن عباس رضی اللہ عنہ نقل کیے ہیں جیسے طلب و ہرب و اطفار حریق بکا فضل
حمی مثلث صداع غنا جاہ و غیر یہ کہامی و اسماء و ہم ہکدا یملئنا مکسینا مثلینا فہولاء اصحاب
مئینۃ الملک و قیانوس الجبار مرئوش درئوش شازئوش فہولاء اصحاب المیسر و کلان
الملک یثا ورفی معماۃ ہولاء اللہ و السابع الراعی الذی معہم و اسم الراعی کفیسطط
و لون الکلب اصفر و اسم ضرب الحمر و اسم الکلب قطیر و اسم المدینۃ افسوس
فی الجاہلیۃ و فی الاسلام طرطوس قریۃ الی المدینۃ المعروفۃ بقونیۃ مرطوف الشر
کذا فی تفسیر الکشاف و التفسیر البکیر و القرطبی و تفسیر البیضاوی و سعید محمد مفتی نے کہا ہے
رایت فی المنام اصحاب الکھف فقلت لہم نحن نکتب اسماءکم الشریفۃ تمینا و تدبر کافی
بعض الامور و لم نجد ثابۃ ہا فافخر و زیان اکتبوا اسماءنا علی شکل الدائرۃ و القطر
فی وسطہا انھی شیخ محمد حق نازل فی اس بارہ میں ایک حدیث بھی نقل کی ہے علما و حکماء

اسماء اجماع الکھف الحدیث لکن بالکل موضوعی و لا حول ولا قوۃ الا باللہ من کنتا
 یومون ان اسرار سے کام لینا بہتر ہے بہ نسبت کام لینے کی اسلی کی کہ ابراہیم علیہ السلام نے جبل
 علیہ السلام سے بھی استدوا نہیں لی تھی اور فرمایا تھا حبیبی عن سوا لی علمہ بحالی اور وقت القاء
 کے نار میں فقط یہ کہتا تھا حَسْبُنَا اللہ وَ نِعْمَ الْوکیل موصد کامل جب مدد لی تو اللہ ہی سے لے لے اور
 گو کیا ہی بزرگ کیوں نہ ہو حدیث صحیح میں آیا ہے کہ ابن عباس سے فرمایا تھا اِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللہ
 وَ اِذَا سَأَلْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللہ جن کو اللہ پاک فی قوت توحید و ذالقیہ تفرید پختا ہی وہ اسی امور شقیہ
 سے علمی و رہتی ہیں واسطے حفظ کے رائے شرک خفی سے دَعِ مَا یُرِیْکَ مِنَ الْمَالِ لَیْسَ بِکَ - واللہ اعلم

ایضاً برائے مصروع

دائیں کان میں اذان اور بائیں میں اقامت کہی انشاء اللہ تعالیٰ افاقہ ہو جائیگا بعض
 علانی کہا ہی کہ اگر نکالنا جن کا انسان سے مراد ہو تو اسکی گوش راست میں سات بار اذان کہی
 اور سورہ فاتحہ و سورتین و آیۃ الکرسی و السّماء و الطّارق اور آخر سورہ حشر و سورہ صافات تمام
 و کمال پڑھے وہ آگ میں جل جائیگا۔

برای جراح و عرق النساء وغیرہ

شرجی نے عوام دفع جراح و عرق النساء و امثل و سلعہ و ورم عانہ و ورم زیر گوش
 و عرق مدینی و وجع وغیرہ کے آیات وغیرہ لکھے ہیں جو کہ یہ آفات قلیل ہیں اسلی وقت
 ضرورت کی مراجعت طرف اصل کتاب کے کرنا چاہیے بعض صلحا انی کہا ہے موضع وجع پرا تھ کہہ کر
 سورہ فاتحہ پڑھی اور سات بار کہی اللہم اذهب عنی سوء یا اجد شفاً ہوگی و قد جرب و صحیح محمد اللہ تعالیٰ

برای شفا مریض

آیات شفا اس باب میں مجرب ہیں الباقی اسم قشیری کا لڑکا بیمار تھا حضرت صلی علیہ وسلم

نے اونی خراب میں فرمایا: اَنْتَ مِنْ اَیَّاتِ الشِّفَاءِ اَوْ نَهْوٍ لِّیْ جَاکَ لَمْ یَتَّبِعْ قُرْآنَ بَاکَ
 کیا چھ آیتیں پائیں وہی قولہ تعالیٰ وَیُثَبِّتُ لَکُمُ الدِّیْنَ وَیُخْرِجُ لَکُمُ الْفَرْقَ بَیْنَ
 مَوْعِظَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَشِفَاءً لِّمَا فِی الصُّدُورِ وَهُدًی وَرَحْمَةً لِّلْمُتَّقِیْنَ تَجْرُجُ مِنْ بُلُوْغِهَا شَرَابٌ
 مُّخْتَلَفٌ الْوَانَهُ فِیْهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ وَنُزُلٌ مِّنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُتَّقِیْنَ الَّذِی
 خَلَقَ قُلُوْبَکُمْ فَهُوَ عَلِیْمٌ ذِیْ الْحِکْمِ وَیُطْعِمُ الْغَلِیْقِیْنَ وَاِذَا مَرَضْتَ فَهُوَ شَیْفِیْ قُلْ هُوَ الَّذِی
 اَمَّنَا وَهُدًی وَشِفَاءٌ لِّبَعْضِ عِلْمَانِیْ کَمَا ہُوَ شِفَاءٌ لِّکُلِّ دَاءٍ تَکْتَبُ وَتُحَرِّثُ شَرِبَ اَنْتَی قَوْلٌ لِّی
 مِّنْ کَمَا ہُوَ سِتِّ اَیَّاتٍ مِّنَ الْقُرْآنِ تَمِیْ بِاَیَّاتِ الشِّفَاءِ یَکْتُبُهَا لِّلرَّیْضِیْنَ اِنَاءٌ فِیْہِیْ هَا بِاَلْمَاءِ وَشَرِبَ
 بِہِیْ جَاہِیْ یَا اَیُّهَا النَّاسُ اَلْحَمْدُ لَیْسَ لَکُمُیْ وَاِذَا مَرَضْتَ فَهُوَ شَیْفِیْ اَوْ تَجِیْ بِہِیْ اَیَّتِیْ لَکُمُیْ
 وَشِفَاءٌ لِّمَا فِی الصُّدُورِ مِیْنِ اسْتِمَالِ اَیَّاتِ کَا اَمْرَاضٍ مِّنْ کَیَا مَجْرِبٍ وَصَحِیْحٍ بِاَیَّادِیْہِیْ
 عَلٰی مَرَضِیْہِیْ کَحَتِّہِیْ مِّنْ حَوْشِیْہِیْ بِہِیْ جَاہِیْ کَا وَہِیْ جَاہِیْ کَا وَہِیْ جَاہِیْ کَا
 اَیَّتِیْ کَا لَکُمُیْ وَاَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلٰی جِبْلِیْ نَا اَخْرَجَتْ اَوْرَاسِیْہِیْ کَا وَہِیْ جَاہِیْ کَا
 پھر انکو باز دھری اسد تعالیٰ او سکوپر در دی عافیت دیگا

برائے حافظہ اطفال

روز یک شنبہ ایک رقعے میں بخط رقعہ یہ آیت لکھ کر ہار مونہ کل جائی اللہ لا الہ الا هو المحی القیوم
 دوسرے یک شنبہ کو یہ آیت اللہ اعلم حیث یجعل رسالتہ تیسرے یک شنبہ کو یہ آیت اللہ لطیف
 بعبادہ چوتھے یک شنبہ کو یہ آیت المص کفیض باخچون یک شنبہ کو یہی حقیق جھے یک شنبہ کو
 طسم طسم امر ساتوین یک شنبہ کو ص ق ن انا امر عاذا اراد شیئا ان یقول کہ کن فیکون
 سات یک شنبہ تک لگاتار جیکہ قرنازل سعیدہ میں ہو اسی طرح لکھ کر رین پر چاٹ جایا کری
 حفظ و فہم بے حد ظاہر ہوگا اسکو مجرب کہا ہے۔

برائے قضا و حل

ایک موضع خالی و طاہرین طہارت پر رو بہ قبلہ ہو کر دو رکعت نماز پڑھے فاتحہ و آخر سورہ
آل عمران و آیۃ الکرسی و سورہ اخلاص و انا انزلناہ پر کہے یا قَدِیم یا دَائِم یا حَی یا قَیُّوْم
یا قُذِّیا اَحَدِیا صَدُّ اسکو دس بار کہے پھر جو دعا چاہے وہ مانگی اللہ کے اذن سے وہ حاجت
پوری ہوگی کوئی سی بھی حاجت کیون نہ ہو۔

شرحی کنز دین ہو عا جریہ بعض العلماء الصالحین و موسیٰ الفقیہ احمد بن موسیٰ بن عجلیل نفع اللہ

برای سب ضرر و اذی

بعض علمائے کما ہی جس کسی کو کچھ ضرر و اذی لگے وہ یہ کہی بسم اللہ الرحمن الرحیم من العبد
الذلیل العاصی المعترف بذنوبہ فلان بن فلان الی الملک البکیر الجبار القهار الغفار
الذی لا الہ الا هو رب المسمی الضرو انت ارحم الراحمین اللہم اذفع عنی کل ہم و غم
کما تشاء و اکفی شرف فلان بن فلان بحولہ الا انت حولی اللہ علی سیدنا محمد و علیہ السلام
شکر بزم پاک لیکر اوپر اس مکتوب کو لپیٹ کر خوا کسی نہر جاری یا جاہ طاہرین پھینک دے تین بار
اسی طرح کری او سکی مراد حاصل ہو جائیگی انشاء اللہ تعالیٰ یہ جب ہے کہ موزی و مضر ایک شخص
ہو اور اگر ایک جماعت ہو تو اون سب کا نام لکھ

برای حفظ روح و مال از جن و انس و حشرات

پانچ آیتین ہیں کہ صحف جل گیانہا اور وہ نہ جلیں انکو لکھ کر اگر اموال میں رکھی تو وہ محفوظ رہیں
اور اگر طعام میں رکھی تو او میں گھن نہ لگے اور اگر سفر میں ہمراہ ہوں تو برو بکر میں سلامت رہے
یہ اذکار صباح و مسامین سے ہیں بلکہ اگر وفات حاضر ہو تو اسکو تاعود بسوی وطن یا خیر
کردی اللہ لا الہ الا هو الحی القیوم محمد اللہ انشاء اللہ الاھل و اللہ لکتم و اولی العلم قانما یا

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - ذِكْرُ اللَّهِ رَبِّكَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَإِنْ تَوَفَّكُنْ مَوْتًا
 أَنْ قَرَأْتَ مَا مِيرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهَا الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَةً مَوْتًا بِلِ اللَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا مَا ظَنَّمَا
 يَأْتِي الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا
 صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ أَنْ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ إِنَّمَا هُمْ
 إِذَا ارَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَبِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مِنْ رَبِّي مِنْ كِتَابٍ كُلِّ شَيْءٍ وَالْيَهُودُ يَرْجِعُونَ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
 بَصِيرٌ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ يَرْجِعُ الْأَمْوَالَ - أَنْ اللَّهُ قَرِيبٌ غَنِيٌّ - مَنْ يَتَوَكَّلْ
 عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا - وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَحَقَّ كُلُّ
 شَيْءٍ عِنْدَ رَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا - لَا يَكْفُرُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ
 الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا - ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَى رَبِّهِ مَا يَبَاهُ مِنْ شَيْءٍ خَلَقَهُ مِنْ نَفْسِهِ
 خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ثُمَّ أَسْبَلَ سَيْرَهُ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ - ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ
 مَكِينٍ مَطَاعٌ ثَمَّ آمِينَ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَحْفُوفٍ وَلَقَدْ أَمَرْنَا بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
 بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ شَرْحِي فِي وَاسْطُ طَرِيقِ
 جَرَادٍ وَبُحُورٍ وَطُيُورٍ وَبَرَاغِثٍ وَقُلْ وَارْضَهُ وَسَائِرُ هَوَامٍ كَيْ عَزَائِمُ آيَاتٍ سِي لَكُمُ هِيَ جَوَاكِزُ يَوْمٍ
 قَلِيلٍ الْوُقُوعُ هَوْتُمْ هِيَ سَلْبِي وَتَحَابَّتْ كِي مَرَا جَبَتْ طَرَفَ هَلْ كِتَابُ كَيْ مَكْنُ هِيَ مَخْلُوعُ أَمَلِي الْكَيْ
 عَزِيمَتِ كُو مَجْرِبٍ وَمُبَارَكٍ وَاسْطُ صَرَفٍ جَمِيعٍ دَوَابٍ وَبُزَيَاتٍ كِي جَيْسِي ثُدِي وَقُلْ وَدَيْكٍ وَسَائِرُ
 هَوَامٍ كَمَا هِيَ أَوْ رَا سَكُو مِنْجَلُهُ اسْرَرْ مَخْرُوعُهُ كَيْ هَيْرَا يَابِ هِيَ وَهِيَ كِي كَانِ آيَاتٍ كُوَا كِي كَاغْذِبْ لَكُمُ كَزَمِينَ
 مِينَ وَفَرَنْ كَرُوعٍ يَالِكَا دِي بِيَمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 أَنْ لَا تَقْلُوا عَلَى وَاسْطُ مَسْلِينِ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ ادْخُلُوا مَا أَنْزَلَ لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَطْلُبُوا مِنْكُمْ سُلَيْمَانَ خُذُوا

وهم لا يشعرون - فلما نبههم بجفجف لا قبل لهم بها وخرجهم منها اذلة وهم صاغرون
 يرسل عليكما شواط من نار ونحاس فلا تنصران - فليكن فيكم من الله هودا لسميع العليم
 ومثل كل خبيثة كثيرة خبيث اخشيت من فوق الارض ما لها من قرار - كانهم يوم يرون
 ما يوعدون لم يلبثوا الا ساعة من نهار بل بلغ فعل يومك الا القوم القاسيون - واذا نزل
 صاع في الارض لينسف فيها او يهلك الحوت والنمل والله لا يجمل الفساد فلما قضينا عليه الموت
 ما دلهم على موعده الا اداة الارض تاكل منسأته فلما خربت تبينت الجن ان لو كانوا يعلمون
 الغيب لآلئوا في العذاب المهين - حنة ولدت مريم امه الله مريم ولدت عيسى عبد الله
 يا معشر الهوام من كان منكم من البر فليخرج الى البر ومن كان منكم من البحر فليخرج الى البحر
 اعزم عليكم اعيان الارواح الطاهرة باذن الله تعالى بغر عظمتها باسماء الحسن كاهها اشراها
 براهما ادوناى اصيلوت ال شدي ليعم الله الرحمن الرحيم الاما سمعتم والطقم تقيمتم
 من هذا المكان ومن لم يثقل منكم فقد باء بغضب من الله ورسوله قالوا يا موسى ادع
 لنار بك بما عهد عندك لن كشتت عنا الرجز لنومرناك ولترسلن معك بنينا مثل

براي معقود عن النساء

ان آيات كوكبكم باندهم والى ولم ير الذين كفروا ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما
 جعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون - باطل باطل باطل ما كانوا يعلمون فغلبوهنا
 صاغرين - قال موسى ما جئتكم به الا حرات الله سيظهر ان الله لا يضل عمل المضدين وقل
 جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا - هو قاه پر موزين ككه پر پيسكه اللهم اني
 فلكت جبر فلان بن فلان بكه يعصر ويطه ويطير ونجم سيعا و آيات الله
 اتامات التي لا يحاد من برولا فاعر

ایضا برای معقود از زبان

سورہ لم یکن ایک پاک برتن میں اس طرح لکھے کہ کوئی حرف نہ مٹی اور تین دن تک پانی سے محو کر کے پیسے جلد باذن خدا حل و فک ہو جائیگا

برای مسح

اس آیت کو ایک طرف طاہرین لکھ کر دغن زرد سے محو کر کے مسح اپنی زبان سے چائے سات دن تک اسی طرح کرے اور طاہر ہو سحر زائل ہو جائیگا اور کچھ اثر مرنے دم تک انشاء اللہ تعالیٰ نہ ہوگا و من شیء من اینتہ ما جئنا الی اللہ و رسولہ ثم یدرکہ الموت فقد وقع اجرہ علی اللہ **ف** شرعی کہنتی میں جو شخص افتال پر وقت طلوع فجر کے مداومت کریگا اس پر سحر و چشم زخم کا جن انس سی ہوگا صحت جسم و نور وجہ بائیکا اسکی دعاستجاب ہوگی اس پر کسی کی دعا قبول نہ ہوگی انتہی میں کہتا ہوں قول جمیل میں کہا ہی ۳۳ آیتیں ہیں جو سحر کو نفع کرتی ہیں اور شیطان سی اور چوروں اور درندے جانوروں کی پناہ دیتی ہیں اور ہمارے والد ان پر چاروں قل زیادہ کرتے تھے انتہی۔ ان آیات کو شفاء العلیل میں ایک ورق تک لکھا ہے مراجعت طرف اس کے آسان ہی شرعی ہے نصہ ان آیات کا ابن سیرین رحمہ سے ذکر کیا ہے کہ وہ چوروں کے ہاتھ سے بچ گئی اسی طرح درندہ ہی ضرر نہیں پہنچا سکتا ہی لیکن بحوالہ حدیث ابن عمر مروغا جوا انکو بھونچتی تھی لفظ حدیث کا یہ ہی من قرء ثلاثا وثلثین آیت من کتاب اللہ لم یضرہ ثلاث اللیلۃ سبع ضار و لا لص طار و عوفی فی نفسہ و اہلہ و مالہ حتی یصیر انتمی لیکن سند اس حدیث کی مجھے نہیں ملی علاوہ اسکی اس حدیث میں فقط ذکر قرأت ۳۳ آیات کا مطلق آیا ہی اور شرعی اور شاہ عبدالرحیم دہلوی نے انکو مستغین کیا ہے یہ ان حضرات کا تجربہ ہے واللہ اعلم تعیب بن حارث فی اس حدیث کو

سُكْرًا كَمَا كُنَّا نُسَمِّيهَا آيَاتِ الْحَزَنِ وَيُقَالُ إِنَّ فِيهَا شِفَاءً مِنْ مَاقَةٍ دَاءٍ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ فَقَرَأْتُهَا
عَلَى شَيْخٍ لَنَا قَدْ أَفْلَحَ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ ذَلِكَ مِنْ كُتَابِ هَوْنٍ حَدِيثٌ فِي آيَا هِيَ كَبُورُ وَهْ
تَحَالُفُ لَهَا كَيْفَ حَضَرَتْ بِرُكْيَا تَهْتَا تَوَا كَيْفَ أَنْزَلَ رَايَا تَاكَ تَحَالُفُ جَيْسٍ كَيْفَ رَهْ كَرِهِي تَحْتِي وَأَرْسَى سَوَا كِي
سَبَبٌ سَعِ حَضَرَتْ بِرُزُولٍ مَوْزُونٍ كَا هَوَا تَهْتَا بِدُونِ كَيْفَ رَهْ آتِي تَحْتِي هِيَ جَرَاتِ سَعِ
هِيَ رَايَا عَقْدَةٍ كَوَحْلٍ كَرَدَا أُنْكَ تَاثِيرُ دَفْعِ سَحْرِ مِي كَوَا مَضُوعِ سُنْتِ صَحِيحَةٍ هِيَ دَلْعَةُ الْحَمْدِ

برائے عطف و وجاہت

اس آیت شریف کی یہ خاصیت ہے کہ دل معرضین کے اس شخص پر مہربان ہو جاتے ہیں اور
کبیر کا دین سے نفع ہوتا ہے شب جمعہ کو نصف لیل میں اسکو لکے اور تیس بار پڑھے ہر بار کے
بعد اللَّهُمَّ اعْطِفْ قَلْبَ فُلَانٍ بِنِ فُلَانَةٍ عَلَى فُلَانَةٍ بِنْتِ فُلَانَةٍ کہی اور معمول کہ کی عَصْدِ امین پر
بازمہ دی انشاء اللہ تعالیٰ مقصود حاصل ہو گا فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اس جگہ شرجی نے ایک عربیت بدوح لکھی ہے اور وہ اکثر اعمال میں
مروج ہے لیکن مجھ کو اس نام میں تردد ہے کوئی اسکو اللہ تعالیٰ کا نام بتاتا ہے اور کوئی شیطان
کا چنانچہ سید محمد بن اسماعیل السیرکانی نے اس وفق سے منع کیا ہے اور یہ نام اللہ پاک کے
اسما جنتی میں نہیں آیا اور نہ حدیث شریف میں ثابت ہے اسلئے ترک عربیت ساتھ اسکی اولی
سے اَلْمُؤْمِنُونَ وَ قَاوُنِ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ

ایضاً برائے اصطلاح باہم

اس آیت کو تعلیم فارغ از مداخلہ سے پر لکھے اور جماعت متباغضین کو کہلائے اللہ کے
حکم سے سب باہم صلح کر لینگے وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرٍّ مُتَقَابِلِينَ
لَا يَكُفُّ عَنْهَا نَسَبٌ وَ مَا مِنْ مِّنْهَا مُجْرِمِينَ اس کے سوا ایک ترکیب کتابت سورۃ نازکی

لکھی ہے جسکا اثر یہ ہے کہ درمیان زوجین غیر شہین کی رافت پیدا ہو جائے اور اسکو مریض کر دے

برائے جلب

سورہ ہل انی مشک وزعفران و گلاب سی تا قوال بصیر لکھ معمول روز آ پونچھ کا یہ جلب نہایت مبارک ہے

برای نسلہ یعنی تسہیل ولادت

اسکو مبارک مجرب نافع کہا ہے فاتحہ تمام لکھ کر پیر لکھ کا نھم یوم ویرون مایو عد من لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ۔ کانھم یوم ویرونھا لم یلبثوا الا عشیة اوضحھا بسم الله الرحمن الرحیم اذا السماء انشقت واذنت لربھا وحقت واد الارض مدت والقت ما فیھا وتخلت۔ لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب ما کان حدیثا یفتی ولیکن تصدیق الذی بین یدیه وتفصیل کل شیء وھدی ورحمة لقوم یؤمنون۔ اللهم یا خالق النفس من النفس یا غفار النفس من النفس خلصھا بلطفک وفضلک یا ارحم الراحمین اسکو عورت پر باندھ دی وہ نجاست میں نہوا زن اند خلاص ہو جائیگی اور اگر محو کر کے پلا دیکھا تو بھی جلد خلاص ہوگی انتہی قول حمل میں کہا ہے جس عورت کو درد زہ ہو تو پرچہ کاغذ میں یہ آیت لکھی والقت ما فیھا وتخلت واذنت لربھا وحقت ایضا شراہیا اور اس پرچہ کو پاک کپڑے میں پیٹے اور اسکی بائیں ران میں باندھ تو وہ جلد جنے گی سیوطی رحم نے درمنثور میں بروایت اعمش کہا ہے کہ یہ کلمہ ایضا شراہیا موسیٰ علیہ السلام کی دعا ہے اسکے معنی یہ ہیں ای دندہ قبل ہر چیز کے اور ای زندہ بعد ہر چیز کے شفاء العلیل میں کہا ہے ایضا کبسنہ و اشراہیا بفتح ہمزہ و شین معجہ لفظ یونانی ہے یعنی وہا زلی کہ کہی اسکو زوال نہیں اور فطر ہیا بدین ہمزہ کے خطاب ہے بزعم علماء یہ و کذا فی العاموس شاہ عبدالعزیز دہلوی فی فرایا اگر

اول سورت کو شیرینی پر حقت تک پڑھے اور حاملہ کو کھلا دے تو یہی جلد جنے آتے ہیں
 کتنا ہون میں بارگاہ پر اس آیت کو پڑھ کر زمان اہل سلام و کفر کو دیا ہے فی الفور اثر و کار
 ظاہر ہو کہ یہی تحلف سرعت و لاوت میں نہ پایا و بعد الحمد اسکے سوا ایک یہ تدبیر بھی ہے کہ کتاب معطی
 امام مالک رضی اللہ عنہ کو شکم حاملہ سے لگا دی اس کے اذن سے جلد خلاصی ہو جاتی ہے میں اس کا
 تجربہ بھی کیا ہے

ایضا برائے عسر ولادت

ایک پاک برتن میں اس آیت کو لکھ کر شکم و فرج زن پر چھڑک دی کا غم یوم مریون مایو عدون
 لَم یَلِیْثُوا اَلسَّاعَةَ مِنْ هَآءِ بِلَآغِ فَعَلْ هَٰذَا اَلَا اَلْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ کَا هَم یَوْمَ یَرْوُهَا لَم یَلِیْثُوا
 الْاَعْشَیَّةَ اَوْضَحَهَا لَقَدْ کَانَ فِیْ قِصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِاُولِی الْاَلْبَابِ پھر دھو کر کچھ پانی میں عورت
 کو بھی پلا دی اس کو دہلی نے ابن عباس سے رفقاً ذکر کیا ہے واللہ اعلم بسندہ شیخ محمد نازکی رحمہ
 اللہ میں نے ایک کاس پر آیہ الکرسی و سورہ فاتحہ و اخلاص اور یہ دعا لکھ کر پانی میں فی الفور
 بچہ پیدا ہو گیا اگر رکابی پر نہ لکھ سکے تو ورقہ پر لکھ کر دھو کر پلا دی بیان تک کہ ایک عورت کو
 مریں میں اتفاق ہوا کہ نصف بچہ باہر آگیا تھا اور نصف دودن تک باقی تھا اور کوئی دوا
 کارگر نہ تھی روضہ مطہرہ میں آ کر وقت ضعیف مجھے کہا میں نے عمل لکھ دیا اور کاشوہر لکھ دیا فی الفور
 بچہ پیدا ہو گیا سلسلہ سلسلہ تک اس کو مجھہ تعالیٰ میں مجرب پایا و عایہ ہی کو انزلنا هذا القل
 علی جبل لرایتہ خاشعاً متصدّ عامین خشیتا للہ و تِلْكَ اَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّہُمْ
 یَتَفَكَّرُونَ۔ لا اِلٰهَ اِلَّا اللہ محمد رسول اللہ صل و سلم علی سیدنا محمد و علی آل سیدنا محمد
 فی کل لمحۃ و نضر بعد و کل معلوم لك انتھی

برائے حشف یعنی مار گزیدہ

ہو اس اسلیط لیکر لے کر آئے اور ان کی بات کو بہت آیت الکرسی میں بار اور قول تہ
 اور الہی سے علم شریعت وہی خاویہ طلوع و شہا قال الخیر ہذا اللہ بعد ہونہا فاما
 مائتہ عام ثم بعثہ قال کہ لبثت قال لبثت بن ما اور بعض یومہ قال بل لبثت مائتہ عام فانظر
 الی العالمک و شرابک لم یبتئہ وانظر الی حمارک و نجمالک آیت للناس وانظر الی العظام
 کیف نضرتہا تم نکسوها الحما فلما تبین لہ قال اعلم ان اللہ علی کل شیء قدیر تین بار و قولہ
 ولوان قرانا سیرت بہ الجبال او قطعت بہ الارض و کلم بہ الموتی بل لیس الامور جمیعاً تین
 و یسا لولیک عن الجبال فقل ینفہا رب ینفہا فیدرہا قاعاً صغیراً لا تری فیہا عرجاً
 ولا امتاً تین بار و جعلنا من بین یدینہم سداً من خلفہم سداً تین بار انہ من سلیمان
 انہ لیس اللہ الرحمن الرحیم تین بار سورہ والفہمی و الم نشرح تین بار قل ہو اللہ احد تین بار
 معوذتین تین بار یہ تہذیب نصف تک تین ہونچگی کہ دانت اسکی سیاہ و سپید و سرخ باہر کل نیکی
 لکن شرط یہ ہے کہ ال حاضر ہو معہذا اگر صحت ہو تو ابی نفس کو ملاست کری کہو یہ غریب مجرب و صحیح ہے

ہر اسے نقصان زمین

اگر خوف سی ڈالوں کے یہ چاہے کہ زمین وقت پیاہن کے کہ کھل تو چار پرچہ کا غنہ چار تین
 جدا جدا لکھ کر اس زمین کے چاروں کونوں میں گاڑ دی ایک آفلا کیون انا نافر الارض
 تنقصہا من احراقہا و سرورہ و بطور السماء کھی السجل للکتب نیسری الم تر الی ربک کیف
 مد الیل و لو شاء لجعلہ ساکناً چوتھی و ما قدر و اللہ حق قدرہ اذا قالوا ما انزل اللہ علی
 بشر من شیء قبل من انزل الکتب الذی جاء بہ موسیٰ فودعہ و ہدی للناس فجعلوہ قرطیس
 یقینوہا و تحفوت کثیرا و علمتم ما لم تعلموا انتم ولا ابائکم قل اللہ ثم ذکرہم فی خوضہم
 یاجعون لکن یہ چاہیے کہ اس بیت کو ایک بارہ جا میں لپیٹ کر دفن کرے ہر حسب جائز

پوری ہو جائے تو اس کو نکال لیسیانہ لکھا بے اللہ تعالیٰ عن الارض

ایضاً

اگر ظالوں سے یہ خوف ہو کہ وہ تیری زمین میں جو کر سینگے تو پانچ پتھر لیکر ہر ایک پتھر پر سات بار فاتحہ اور تین بار قل ہو اللہ احد اور ایک ایک بار معوذتین اور تمام سورہ یس اور سورہ تبارک تا آخر اور آیت الکرسی اور درود شریف دس بار پڑھ کر ہر ایک پتھر کو ایک رکن میں یا مکان زمین سے گاڑ دی اور ایک پتھر کو وسط زمین میں دفن کر دے اللہ تعالیٰ انہی شرعی کفایت کرے گا

وَمَوْلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
برای تحوین و عمارت بساتین

ایک مرد بنی ہاشم نے سورہ فاتحہ لکھی اور مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ کو سات بار لکھا پھر اس کو پانی سے دھو کر اشجار پر چھڑک دیا ایک سال سے وہ درخت پھل نہ لائے تھے مقطوع تھی برگ سبز اور سی و لم کر فے الفور پھل لے آئے كَذَلِكَ يُخَيِّلُ اللَّهُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

برائے کشف غمہ

ابو الفضل بکری کہتے ہیں میں ایک ایسی سختی میں گرفتار ہوا جس کے دفع کرنے سے ارباب جاہ عاجز آئے میں نے یہ دو بیتیں لکھ کر سامنے قبلے کے لٹکا دیں اللہ نے مجھ سے اس سختی کو دور کر دیا
يَا رَبِّ مَا زَالَ لُطْفُ مِنْكَ يَسْتَلْنِي
وَقَدْ تَجِدُّ دُرِي مَا أَنتَ تَخْلِبُهُ
فَاصْرِفْهُ عَنِّي كَمَا عَوَّجْتَنِي كَرَمًا
شیخ عوالدین بن جماعہ کو افلاج عظیم ہو گیا تھا وہ کہتے ہیں میں نے ان ابیات کی تکرار رات دن کرنا شروع کی ایک اثر عظیم پایا اور بالکل اچھا ہو گیا و شہد الحمد

ایضاً

بعض علما نے کہا یہ ابیات فضل عظیم رکھتے ہیں بعض لوگ ایک اثر عظیم میں پڑ گئے تھے

اور جان سے تنگ آ گئے تھے اور کوئی حیلہ خلاص کا نہ تھا ایک شخص نے جسکو پہچان نہ تھی یہ آیات سکھائے اور کہا انکو مکرر پڑھ اللہ کی طرف سے کشف غمہ ہو گا چنانچہ ایسا ہی ہوا

وَكَمْ لِلَّهِ مِنْ لَظْفٍ حَقِّقٍ يَدْرِى خَفَاةً عَنْ فَهْمِ الذِّكْرِ
وَكَمْ اَمْرًا يُسَاءَلُ بِهِ صَبَاحًا وَمَا تَكُنُ الْمُسْتَوْفَى الْعَشِيرُ
تَشْفَعُ بِالنَّبِيِّ فَعَلَّ عِبْدٌ يَفَاتُ اِذَا تَشَفَّعَ بِالنَّبِيِّ

و کمر باریقی من بعد سیر و فرج کریم القلب
اذا ضاقت بک الاحوال فتر بالوحد العبد

شرحی زبان آیات کا ایک حصہ لکھا ہے
جہ میں ذکر فرج کرب و کشف غمہ یہ آیات شمل میں استغاثہ باللہ اور تشفع بالنبی صلی اللہ علیہ
وآلہ وسلم پر انکی تاثیر میں کون شک کہ کر سکتا ہے تشفع برسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ہی ہے
کہ اول و آخر ان آیات کے درود شریف پڑھنے کا امام بوہی نے نو لطیفے لکھے ہیں انہیں
طریقہ استعمال سہار حسنی کا واسطے مطالب متفرقہ کے ذکر کیا ہے از انجملہ واسطے دفع و سواس
امر مولم کے یہ لکھا ہے کہ وقت سحر کے یہ آٹھ نام پڑھے الْمَلِکُ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ الْمُغْنِیُّ لِلتَّحَالُفِ
الْمُوْبِیْنِ الْکَبِیْرِ پھر کہا ہے لَعَانَتْ عَظِیْمٌ وَهِيَ مِنْ اَسْمَاءِ الْعَظِیْمِ الْمُخْرَجِ مِنْ اَنْکَرِ رُبِّهِ سِی عِلَاوِ
نفع مذکور غلط و مہیت بھی حاصل ہوتی ہے پھر لکھا ہے کل لطیفہ منہا سیر لعة التائید منجھ للطلب
قریبۃ الاجابة یا ذل اللہ تعالی بقیہ لطائف کتاب الفوائد من مذکورین

حدیث قلنوه

یہ ایک ٹوپی تھی پاس نجاشی کے جس بیمار کے سر پر رکھی جاتی وہ اچھا ہو جاتا اسکی باری
مین امام غزالی نے ایک حدیث ابوہریرہ طول طویل کتاب خوہا القرآن میں نقل کی ہے
اسمیں بسمہ وغیرہ الفاظ قرآن لکھے تھے لیکن اسلیے کہ حال اسکی شد کا معلوم نہیں ہے اس جگہ
حدیث مذکور نقل نہیں کی گئی ہاں عمر بن خطاب نے پوری بسمہ لکھ کر ایک کلاہ میں سی کر
تیسروں کو بھیجی تھی اسکو مرض درد سر کا رہتا تھا وہ جب اس ٹوپی کو اپنے سر پر رکھتا تو

جا تا رہا پھر اونی حقیقت اس پر مطلع ہو کر یہ کہا ما اکر مہذا الدین واعزہ حیث شفاؤ اللہ
بانتہ منہ پر وہ مسلمان ہو گیا اور اچھا مسلمان ہوا اسکا ذکر بذیل فضل سب لکھ کر رکھا ہے

کلمات العزۃ

انکو دفع جميع آفات من اثر تمام ہے الحمد للہ الذی لم یخذُلْ وَلَدًا وَلَمْ یُکِلْ لَشَرِّهِ لَقَدْ عَلِمَ
وَلَمْ یُکِلْ لَهٗ وَلَیٌّ مِّنْ لَّدُنْیَ وَکَبِیرٌ تَکْبِیْرًا اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ
وَاللّٰهُ اَلْحَمْدُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ کَبِیْرًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ کَثِیْرًا وَسُبْحَانَ اَللّٰهِ بَکْرَةً وَاصِیْلًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا
بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ شَرَحِی کتے ہیں مَن دَاوَمَ عَلٰی ذٰلِکَ یَرٰی عَجَبًا مِّنَ الْعِزَّةِ وَالْقُوَّةِ -

برای وسوسہ نماز و وضو و خواب پریشان کرو

کابج یا مرم کے برتن میں اس آیت کو لکھ کر تین دن لگا تا رہا کرے انشاء اللہ تعالیٰ حیل
زائل ہو جائیگا وَاذْكُرْ نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ وَمِیثَاقَہُ الذِّی وَاثَقَکُمْ بِہِ اِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا
وَاَتَقُوا اللّٰہَ اِنَّ اللّٰہَ عَلِیْمٌ بِذٰلِکَ الصُّدُوْرِ واصلی رفع خواب پریشان کی شاہ عبدالعزیز دہلوی
نے فرمایا ہے وقت نوم سوئو تین و آیت الکرسی ایک بار خواندہ بر سینہ و روی خود دم بایکرو
و اگر ازین ہم دفع نہ شود آسم باشد بد را س بار خواندہ برا حلائی بدن خود دم بایکرو بعد از ان
وقت خواب این دعا باید خواند بِاسْمِکَ اَللّٰہُمَّ وَصَعْتَ جَنِّی و بَلَّغْ رَفْعًا اِنْ شَاءَ اللّٰہُ تَعَالٰی وَحَفِظْ
مِنْ نُّوْمِیْ جَنِّی بِمَا تَحَفِظُ بِعِبَادِکَ الصّٰلِحِیْنَ وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْ مَّزَامِ الشَّیْطَانِ طَیْرٍ وَاِنْ یَّحْضُرُوْنَ اَتَمَّ
میں کہتا ہوں دعا ماثر جو اس کام کے لیے صحت میں آئی ہے اسکو پڑھنا اور زیادہ بہتر ہے

برائے وعید قتل

ابن ابی کبیر کہتے ہیں ایک شخص نے ایک شخص سے کہا میں تجھ کو قتل کروں گا وہ ڈر گیا اسنی یہ ذکر
ایک عالم نے کیا عالم نے کہا تو گھر میں ہی باہر نکلنے کے بدلے سو رہے ہیں پڑ لیا کہ وہ ایسا ہی کرنا خصم

جب او سکولتا تو نہ دیکھتا اسی طرح کریمہ الدین قال نعم الناس ان الناس قد جمعوا لک فاحتمل
 فزادهم ایمانا وقالوا احبنا الله ونعم الوکیل ایک خرقہ میں لکھ کر درگاہ میں رکھا کہ ہمارے
 پرہن کر جس نوی سلطان کے سامنے جائیگا جو کہ او سکولڈرانا ہے تو اللہ او سکولڈرانی
 محفوظ رکھیگا اور سوائے خیر کے اور کچھ اس سے باذن خدا نہ دیکھیگا واللہ اعلم

برائے مسلمان شدن

ایک مشرک نے ایک مسلمان سے کہا ہمارا کتاب میں کوئی ایسی چیز ہی ہے جو میرے جی
 کی بات کو بدل دے شاید میں مسلمان ہو جاؤں کہا ہاں سورہ الم نشرح لکھ کر اس کو
 پلائی اس کے دل کا شرک دور ہو گیا وہ اسلام لے آیا

برائے عسر بول

ایک شخص کو اصفہان میں پشیا ب نہ ہوتا تھا اس نے یہ آیت لکھ کر پانی میں پی لیا اللہ نے
 بول کو اوپر آسان کر دیا اور پتھری نکل گئی بسم اللہ الرحمن الرحیم و سب الجبال بشافات
 صباء منبثا وحملت الارض والجبال فدکن اذکة ولحدۃ اسی طرح آیت و اذا نسفتموہم
 فقلنا اضرب بعصاک الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عینا فد علم کل اناس مشرک کلو و اکلوا
 من رزق اللہ ولا تعثوا فی الارض فندین لکھ کر پانی میں پیاداف عسر بول و فاطمہ
 اسی طرح سورہ کوڑا کے لیے نفع کرتی ہے

برائے سلس البول

اس آیت کو لکھ کر باندھے قیل یا ارض ابلعی ماء لک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضي الامر
 واستوت علی الحجی و قیل بعد للقوم الظالمین قل ارايتم ان اصبح ماء و کمر غوا فم
 یا یتیم ما معین یہ مرض زائل ہو جائیگا انشاء اللہ

ختم قرآن کریم برای قضا حوائج و طریق تلاوت

بعض علماء کہتے ہیں کہ قرآن شریف کا ختم کرنا واسطے کار براری کے مجرب ہی نہیں بلکہ
 شک منین ہے لیکن اگر اس ترتیب سے پڑھے تو بہتر ہے اجابت میں اسع التاثر ہوگا یعنی ان
 جے کے اول بقعہ سے تا آخر ماخذہ پڑھے نیچے کو انعام سے آخر تو یہ تک پڑھے اتوار کو بونس سے
 آخر مریم تک پیر کو طہ سے آخر قصص تک منگل کو عنکبوت سی سورہ صحت تک بدھ کو زمر سے آخر ہود
 رحمن تک جمعرات کو واقعہ آخر قرآن تک پہر وقت ختم کے سجدہ کرے اور اللہ ہی اپنی حاجت
 مانگے وہ پوری ہوگی شاہ اہل اللہ قدس سرہ نے بھی چار باب میں اسی ترتیب کو اختیار کیا ہے
 اور کہا ہے تمام خواندن قرآن در صفت روز برین ترتیب اسع در اجابت ست آہنی وقت
 میں کہتا ہوں یہ جتنے اعمال اہل علم و ولایت نے واسطے دفع آلام و آفات و امراض و غیرہ کی
 آیات کتابہ سدھی نکالی ہیں انکی مجرب ہونے میں کچھ تفاوت نہیں ہے اسلیکی کہ اللہ فی قرآن
 پاک کو شفا و رحمت فرمایا ہے سو ہر جملہ اسکا واسطے بیماری دل و تن و ہر لمای ظاہر و باطن
 کے شافی کافی صافی وافی ہی قال تعالیٰ وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ
 لیکن اہل علم و ولایت نے یہ کیا ہے کہ مناسب ہر حال سان کی ایک آیت یا چند آیات کا
 تتبع کر کے طریقہ انکے استعمال کا کتابہ یا شربا یا تلاوۃ بتعین اوقات لیل و نهار بتایا ہی نہیں
 کوئی حرج و جرح نہیں ہے کیونکہ مناسبت حال کو ساتھ قول کے ایک علاقہ قوی ہوتا ہے پہر
 شخص کو یا اعمال اثر نہ کریں تو وہ یقین کرے کہ اسکا ایمان ضعیف ہی اور کیا ضعیف اگر وہ
 مع حد قوی الاسلام ہوتا تو اثر نہ ہوتا یعنی جب پہر جو شخص کہ سارے قرآن کو پڑھتا رہتا ہی یا اسکا
 ختم و اسطی کسی حاجت اہم کے کرتا ہے تو اسکی فضلہ حاجت میں کیا شک ہی بلکہ تالی قرآن علی الدوام
 اگر بہت جملہ مقاصد و مطالب دادرین تلاوت قرآن کی کری اور یہ اعمال متفرقہ بجا نہ لائے تو

ایسی کہ وہ کبھی کسی آفت و بلا میں مبتلا نہ ہوگا اللہ اس کے سائلین حاجات و دہن مراد
تے بڑھ کر بے مانگے دیگا جس طرح کہ یہ مضمون حدیث شریف میں آجکا ہی ابوسعید خدری
مرفوعاً کہتے ہیں یقول الرب تبارک و تعالیٰ من شغلہ القرآن عن ذکرہ و مسالئہ اعطیتہ
افضل ما اعطى السائلین الحدیث رواہ الترمذی وقال هذا حدیث حسن غریب شکا فیہ
فی کتابہ فی الحدیث دلیل علی ان المشتغل بالقرآن تلاوة و تفکرا حجازیہ اللہ سبحانہ
ما فضل جزاء و یشیبہا عظمائہ انہی شاطیئہ کہتے ہیں ۵

ومن شغل القرآن عنه لسانہ یصل اجر كل الذاکرین مکمل
و حدیث ابن مسعود میں رفعاً ہر حرف پر دس گنا اجر فرمایا ہے رواہ الترمذی وقال
حسن صحیح غریب و هذا اجر عظیم و ثواب کبیر و حدیث عائشہ میں رفعاً آیات المأمر
بالقرآن مع السفرة الکرام البررة و الذی یقرء یتعجب بہ و هو علیہ شاقلة الجران
رواہ البخاری و سلم شکا فیہ کہتے ہیں التمتع هو التردد فی قراءتہ لضعف خطما و
ثقل لسانہ فی التلاوة و اما المأمر فاجرة عظیم صار بہ مع الملائكة المقرین و خلک
اجر لا یشہہ اجر و رتبہ لا یمالوا رتبہ انہی و اسرار عجیبہ و فوائد کثیرہ قرآن کریم
بے حد و حساب ہیں اور فضائل عظیمہ اسکی غیر متناسی خود اللہ تعالیٰ نے فرمایا ہی قل لو کان
البحر مداداً الکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثلہ مدداً
اور فرمایا و لو ان فی الارض من شجرة اقلام و البحر مداد من بعد سبعۃ اجراما نفدت
کلمات اللہ اور پھر اسکی صفت میں یہ ارشاد کیا ہے قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی
ان یا قوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثلہ و لو کان بعضهم لبعض خیرا ہجر یہ کہاجے
افلا یتدبرون القرآن و لو کان من عند غیر اللہ لوجدوا فیہ اختلافاً کثیراً شیخ محمد بن

علی آفندی نے خزینۃ الاسرار میں ذکر کیا ہے کہ جمیع سور قرآن ایک سو چودہ سورتیں ہیں باجماع
 علماء عہدین اور اگر انفال و براءت کو ایک سورت کہیں تو ہر ایک سورتیں ہوتی
 ہیں ان سب میں افضل و اعظم سورہ فاتحہ و سورہ اخلاص ہی باقی رہی آیات قرآن عظیم
 سورہ سب چہ ہزار چہ سو چیا سٹھ آیتیں ہیں قول مشہور پر انہیں سب زیادہ اعظم و افضل
 و اشرف و اکرم آیۃ الکرسی ہے۔ پہرہ کہا ہی کہ انی رأیت کثیرا من الاخوان فی حجاز العرب
 و الروم قد ترکوا قراءۃ القرآن و اکبوا علی قراءۃ ترتیبات المشائخ فمثلاً کمثل الذین
 اختاروا العقیق عن البواقیت و باللہ العظیم ان القرآن لغریب فی هذا الزمان و ما وقع علی
 تلك الترتیبات حدیث ظاہر فی بیان فضائل کما عن النبی صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم و ما وقع علیہا
 الإجماع و النام لیس بحجة و دلیل علیہ و علی غیرہ و هو لا یشاہد علی قراءۃ تلك الترتیبات
 الذی یعرف معانیہا کما قالہ الحافظ ابن حجر اما الثواب علی قراءۃ القرآن فهو حاصل من
 قمر و لمن لم یفهم بالکلیۃ للعبد بلفظہ بخلاف غیرہ من الاذکار و الادعیۃ فانہ
 لا یشاہد علیہ الا من فہمہ و لو بوجہ ما و علیہ اکثر العلماء و قیل فیہ نظر فعلینا ان نتخذ وردا
 من الافضل و الاعظم و الاشر فکقراءۃ القرآن انتہی امام دیوری کشف الكنوز میں فرماتے ہیں
 انظر و ایہا الکیاس و تفکر و ایہا الناس الی اکثر الاوراد و الاذکار الی تستغلون بہا فی
 هذا الزمان من ترتیبات المشائخ اذا حرصتہ بقراءۃ القرآن یتعلل بان و قتی لا یفصل
 عن و ردی ما شرعھا و نتیجہا فی الفضائل علی فضائل القرآن و لو كانت تلك الترتیبات
 موجودۃ فی زمن النبی او فی عصر الخلافۃ لاحرقوها او غرقوها لانہا زینت فی قلوب
 الذین لم یعرفوا فضائل القرآن و خواصہ و حبستہم و منعہم عن قراءۃ القرآن انتہی
 میں کہتا ہوں یہ آیت شریف اسی مدعا کی طرف بلا لا انصر اشارہ کرتی ہے اور ہم یکفہم اننا انزلنا

علیہ السلام کتابت علیہم ان فی ذلک ارحمة و ذکر فی لغزوم یؤمنون کسی نے نبلی رضی اللہ عنہ
 سے کہا تھا مجھے کچھ وصیت کرو فرمایا علیک بکلام اللہ و دع ما سواہ و کن معہ ثم ذرہ
 فی خوضہم یلعبون بعض اہل باطن نے فرمایا لایکون المرید مریداً حتی یجد فی القرآن کل ما
 یرید و یعرف منہما نقصان من المرید و یرتقی بکلام المولی عن کلام العبد بعض
 مشائخ نے کہا یہی لا تجعل و رد ذلک غیر ما ورد فی الکتاب و السنة تکن من العلماء الاحیاء
 حیث یتجمع بین الذکر و التلاوة فیحصل لک حاجز التالی و الذکر فماتک الکتاب و السنة
 مرتبة یطلبہا الانسان من خیر الدنیا و الاخرة الا و قد ذکر ہا فضع من الفقراء
 ورداً من غیر الوارد فی السنة فقد ساء الادب مع اللہ و رسولہ بعض اولیاء نے فرمایا
 من اساء الادب علی البساط رڈا الی الباب و من اساء الادب علی الباب رڈا الی صطبل
 الدواب الغرض بڑی شرم بلکہ ضعف ایمان و غربت اسلام و فقدان احسان کی بات ہے کہ
 دنیا میں روی زمین پر قرآن کریم اندر مصاحف و صدور کے موجود و محفوظ ہو اور اذکار
 سنت مطہرہ کتب سنن میں ماثور و مرقوم ہوں اور پھر باوجود دعوی اسلام و ایمان یا احسان
 کے انسان ان اذکار کو اختیار نہ کرے اور تلاوت قرآن پر ایم نہ ہو اور فقراء و علماء و مشائخ
 و اولیاء کے دعوات و اذکار ساختہ و پرداختہ پر جھک پڑی اور انہیں معتقد خیر دارین کا ہو
 اس سے بڑھ کر اور کیا شقاوت ہوگی ہاں جو اعمال صالحات و عزائم مکرات آیات عظیمات و
 سنن مطہرات سے اہل علم و صلاح نے و اہل تقویٰ حاجات و کشف کربات و استجاب دعوات
 کے بتائے ہیں انکا استعمال کرنا عین اتباع کتاب سنت ہی ملا علی قاری حنفی نے دیباچہ
 کتاب الحزب الاعظم میں لکھا ہے لما رأیت بعض الساکین یتعلقون باوراد المشائخ المعتمدین
 و باحراب العلماء المکرمین حتی رأیت بعضهم تعلقوا بالدعاء السیفی و الاربعین الاسمی و

بعض احوال میں یقیناً بقاء دعا نحو القدر فخطر بہا لی ان اجمع الدعوات الماثورة
 فی الاحادیث المنقولة وسمیته الحزب الاعظم لاستنادہ الی الرسول الاکرم صلی اللہ علیہ
 و سلم فعلمت بحفظ مہانیہ والتأمل فی معانیہ والعمل بمضمون ما فیہ فانه شامل للنہج
 حافل بالمہلکات فہذا کمال طریق المتابعة النبویة وزبدۃ المقامات العلیۃ المنسوبۃ
 الی السادۃ الصوفیۃ الصفیۃ فان قدرت علی قراءتہا کل یوم فیہا ونعمت والا ففی کل
 جمعة والا ففی کل شہر والا ففی کل سنة والا ففی العمر مرة ایضا غنیمۃ نہی حاصلہ من کتاب
 ہول کہ یہ کتاب حزب اعظم جمیع اذکار وادعیہ میں بخذ اسانید و تخاریج کتاب بے مثل و
 بے مثال ہی سینے اسکو بہت بار پڑھا ہے اور اکثر ماہ رمضان میں پڑھا کرتا ہوں واللہ الحمد اس
 باب میں جتنی کتابیں ہیں اس سے سختی اگر کوئی شخص باخلاص نیت وصدق طویہ
 و حضور دل و جمیع خاطر تلاوت قرآن مجید و قراءت حزب اعظم پر تمام عمر کتفا کری تو اللہ ہی امید
 کہ سارے نجات کے ساتھ متحلی اور تمام مہلکات سے متخلی ہو کر لائق مغفرت و عفو ہو جائے
 و ما ذلک علی اللہ عزیز ربی و ظائف و اوراد و علماء و صوفیہ انکی کچھ حاجت نہیں ہی الصباح لغنی
 عن الصبح شاہ محمد عاشق خلیفہ شاہ ولی اللہ محدث دہلوی اور استاد شاہ عبدالغنی نوہوی
 و سید سبیل الرشاد میں دعا یعنی واربعین اسی کو ذکر کیا ہے۔ کچھ حاجت انکی ذکر کی نہ تھی دل
 اس بات کی قلع میں ہی حبسنا کتاب اللہ و سنتہ رسولہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم یعنی غالباً اس
 رسالے میں انہیں اعمال کو ذکر کیا ہی جو اخذ ہیں آیات قرآنی یا حدیث رسالت صلی اللہ
 علیہ و آلہ و سلم الا ما اشار اللہ تعالیٰ حدیث میں آیا ہے خذ من القرآن ما شئت لما شئت شرحی لکنت
 ہیں اسیں شک نہیں کہ تلاوت قرآن افضل ہے بہت سی عبادات سی ابن عباس کی کہا ہی
 لا قرؤ القرآن فان اللہ لا یغیب قلبا و القرآن اور صحابہ پڑھنا قرآن کا مصحف میں دیکھ کر

سب رکعت تھے اور کتے تھے کہ اس میں عبادت نظر زیادہ ہی عثمان رضی اللہ عنہ کہی نظر کرنا
 معصوم میں ترک نہ کرتے اور کتے تھے ہذا کتاب فی ولابد للبعد اذا ان کتاب سید ان بنظر
 فیہ کل یوم و یعمل بما امرہ فیہ و یجتنب ما نہی عنہ امام ابو الضیف کتاب بلغة السقرین
 فرماتے ہیں یکفی من العبادات تلاوة القرآن و قول حبس الله سبع مرات فی الصبح و المساء
 لان العبادات غیر ہذین یشرط فیہا حضور القلب و تلاوة القرآن قد جاء انھا اعظم القرب
 بغيرهم و یغیر فہم و قائل حبس الله الحق قد جاء ان الله یکفیہ ما یمہ صادقاً کان بہ او
 کا ذبا۔ انھی شاہ عبدالعزیز دہلوی نے فرمایا ہی کہ آداب تلاوت قرآن تہذیب و استقبال قبلہ
 حتی الامکان و حروف را بخوبی ادا کردن و مروءتہ فروز نگذاشتن و در مقام وقف وقف کردن
 این ست آداب ظاہری و اما آداب باطنی پس مبتدی را تصور کردن گویا کہ بحضور رب العزت
 تلاوت می کنم و او تعالی در مقام او تادشستہ می شنود و منتهی را تصور کردن کہ این کلام را
 بلا واسطہ از زبان حضرت رب العزت می شنوم و فرق در میان مقامین این ست کہ در صورت
 اول زبان از خودش و گوش از حضرت رب العزت و در صورت دوم زبان از حضرت رب العزت
 و گوش از خود باین چنین مقام اشارہ فرمودہ ست حضرت امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ چنانچہ
 شیخ الشیوخ در عوارف از ایشان نقل کردہ اند انی لا قوۃ الا یہ حتی نسبحہا من قالھا بعدد
 عوارف فرمودہ کہ امام صادق درین وقت بمنزل شجرہ موسی میشد انی انا الله رب العالمین می گفت
 نہتی و جای دیگر شاہ صاحب فرمودہ اند کہ برویت جناب مرتضی مشرف شدہ بعیت نمودہ بود
 فرمودند کہ در زمان مایعنی صحابہ کرام برای وصول الی اللہ سہ طریق مسلوک بودند دو طریق از ان
 موقوف شدہ یعنی صلاۃ و تلاوت قرآن سوم کہ ذکر ست باقی و دوران طریق نیز تفاوت بسیار
 راہ یافتہ بعد از ان طریق صلوۃ و تلاوت قرآن فرمودند طریق صلوۃ آنکہ بطور شغل ادا کردہ شود

طورتلاوت برای مبتدی این است که خود را قاری حق راستع تصور نماید که حضرت رب العالمین
 قرآن بخوانم چنانچه شاگرد تصور او استاد سخاوند و برای مبتدی این است که حق را قاری و خود را استمع
 قرار دهد و زبان خود را نائب تصور کند و گوش راستع گویند حضرت حق بزبان من کلام میکند و من
 میستم و همین است که درین تصور سبب غلبه محبت حالیکه عاشق صادق را در وقت استماع کلام محبوب
 بالشفاف روی وید حاصل خواهد گردید و اگره کشای بدعا خواهد شد و الله المعنی انتهى

برای عز و حجاب

امام ابن ابی الصیف کہتے ہیں یہ وہ عز و حجاب ہی جو آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے دن
 احواب کے پڑا تھا اللہ نے انکو شرف کفایت کی اور وہ اپنے غیظ میں پھر کر چلے گئے اور
 امام شافعی نے وقت دخول کے بارون رشید پر پڑا تھا اللہ نے انکو مشربارون سی بجایا اسکو
 مالک نے نافع سی نافع نے ابن عمر رضی اللہ عنہ سی روایت کیا ہی کہ حضرت نے دن احزاب کے
 کہا سُبْحَانَ اللَّهِ انْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ اللَّهَ
 عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامِ پھر کہا وَاَنَا سَاجِدٌ لِلَّهِ بِمَا سَخَدَ اللَّهُ بِهِ وَاسْتَوْدَعَ اللَّهُ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَهُوَ وَدِيعَةٌ
 عِنْدَ الْيَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ سَعْدٍ وَعَظِيمِ رُكْنِكَ وَعَظْمَةِ طَهَارَتِكَ مِنْ عِلَلِ
 أَفْئَةٍ وَعَاطَةِ مِنْ كُلِّ طَوَاقٍ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ الْأَطَارِ قَائِلُكَ خَيْرُ مَا اللَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ
 مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا مَنْ دَلَّتْ لَهُ رِقَابُ الْجِبَابِ
 وَخَضَعَتْ لَهُ أَعْنَاقُ الْفَرَاعَةِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ كَفْصَةِ يَدِكَ وَنَسْيَانِ ذِكْرِكَ وَأَلْفِ أَنْصَارٍ عَنْ
 شَرِّكَ أَنَا فِي حَرْزِكَ لَيْلِي وَنَهْجِي وَنَوْمِي وَقَدَارِي وَظَنِّي وَاسْفَارِي وَحَيَاتِي وَمَمَاتِي ذِكْرُكَ
 شَعَارِي وَتَنَادُكَ دَنَارِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ تَسْمِيَةُ الْعِظَمَاءِ وَتَكْرِيَةُ النُّهَاتِ
 رَحْمَتُكَ أَجْرِي مِنْ خَزَائِكَ وَأَضْرَبُ بِرَأْسِكَ خَطْمَكَ مَا عَطَى مِنْ عَطَايِكَ وَجَدُّكَ خَيْرُ مَا يَرَى الْإِنْسَانُ

اسماء اللہ الحسنیٰ

شرحی مکتوبین قاضی مجد الدین شیرازی فی اپنی سند سے ایک حدیث متصل تانبی صلی اللہ علیہ
 آلہ وسلم روایت کی ہے ان لله تسعة وتسعين اسما من احصاها دخل الجنة اسکی سند میں
 عمار بن زید بن اور پھر نکاح قصہ بابت تلاش اسما و مذکورہ اور ہم پہنچا انکا بذریعہ ایک
 شخص آل رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کے سور قرآن کی متفرق طور پر مع اسماء موصوفہ کمال
 ہر ایک سورت کے ذکر کیا ہے اسکے بعد کہا ہے قال عمارة قد عرفت عبدة الاسماء غير مرة
 فرأيتها قريبة الاجابة وكتبها عن جماعة وكلمها خبروني ان اجابتهما سريعة قال ابو محمد
 والله الذي لا اله الا هو لقد دعوت بامرار كثيرة على مهمات خفت على نفسي منها الملكة
 فخلصني الله منها والحمد لله انتهى كلام الشرح من کتاب ہر حدیث مذکور اس لفظ سے ان لله
 تسعة وتسعين اسما مائة الا واحد من احصاها دخل الجنة ابو ہریرہ رضی اللہ عنہ سے
 مرفوعاً بخاری و مسلم میں آئی ہے اور اسکو ابن خزیمہ و ابو عوانہ و ابن جریر و ابن ابی حاتم
 و طبرانی و ابن سندہ و ابن مردویہ و ابو نعیم و ہبشی نے بھی روایت کیا ہے ایک طریق ابن ابی
 و ابو نعیم میں یوں فرمایا ہے من دعا بها استجاب الله دعاه اور بخاری کا لفظ ہے ولا يحفظها
 احد الا دخل الجنة یہ لفظ مفسر لفظ احصا ہے یعنی احصا سے مراد حفظ ہے یہ کہنا قال
 الاكثر من بعض نے کہا مراد احصا سے بڑھنا ایک ایک کلمہ کا علم و علمی دہی گویا انکو شمار
 کرنا ہے یا مراد علم و تدبر ہے انکے معانی میں اور اطلاع حاصل کرنا ہے انکی حقائق پر یا
 قیام بحق اسماء و عمل بموجب اقتضای معانی لکن شوکانی فرماتے ہیں کہ تفسیر اول راجع ہے
 اور مطابق معنی لغوی ہے خود دوسری روایت نے تفسیر اسکی ساتھ حفظ کے گردی و
 هذا الحديث قد ورد من طريق جماعة من الصحابة خارج الصحيحين والحجة بما فيها على

انفرادہ قائمہ انتھیجہ اسرار وایت ترمذی میں ابوہریرہ سے آئے ہیں اور ابن حبان نے
 بھی انکو روایت کیا ہے سو اس ایک روایت کے جس میں جو زجانی ہیں کسی اور روایت
 میں یہ نام نہیں آئے ترمذی نے اسکو حدیث غریب کہا ہے اور نووی نے اذکار میں حسن
 بیہر یابی اور حاکم و ابن حبان نے صحیح بتایا ہے ابن کثیر اپنی تفسیر میں فرماتے ہیں والذی عول
 علیہ جماعة من الحفاظ ان شرح الاسماء مدرج فی هذا الحدیث - الی قوله - انه بلغه عن
 غیر واحد من اهل العلم انهم جمعوا من القرآن نخی شوکانی کہتے ہیں ولا یحفظ ان
 هذا العدد قد صحی امامان و حسن اماما فالقول بان بعض اهل العلم جمعوا من القرآن
 غیر سدید و مجرد بلوغ واحد انه وقع ذلك لا ینتھض لمعارضۃ الروایۃ ولا یندفع
 الاحادیث بشلہ انتھی الفرض یہ اسما حسنی حصن حصین وعدہ واذکار و نزل الابرار و حزب عظم
 و سلاح المؤمن و فرزند و غیر د کتب جمع جم میں مذکور ہیں اور انکی معانی تحفۃ الذاکرین میں شمع کائن
 نے اور مینے کتاب نزل الابرار میں اور کتاب الجوائز و الصلوات میں اور بہیقی نے کتاب الاسماء
 و الصفات میں لکھی ہیں اور اہل علم نے کتب مستقلہ بیان میں انکی معانی کے تالیف کی ہیں و مدح و حمد
 بہر حال انکا نوک زبان پر یاد رکھنا اور انکی ساتھ سوال حاجت و دعا اللہ تعالیٰ سے کرنا تریاق مجرب ہے

برائے کفایت احوال دنیا و آخرت

شرعی کہتے ہیں جو کوئی اس دعا کی قرات پر بعد ہر فرض کے ہمیشگی کریگا اسدا و سکون
 دنیا و آخرت سے کافی ہوگا اعدت لکل عمل القاء فی الدنیا و الاخرۃ لا الہ الا اللہ و لکل هم
 و غم ما شاء اللہ و لکل نعمۃ الحمد للہ و لکل رخاء و شادۃ الشکر للہ و لکل عجزۃ سبحان اللہ
 و لکل ذنب استغفر اللہ و لکل ضیق حبیب اللہ و لکل مصیبتہ انا للہ و انا الیہ راجعون و
 لکل قضاء و قدر تو کلت علی اللہ و لکل طلعة لاحل و لا قرة الا باللہ علی العظیم

برائے ہر حاجت و مطلب

تفسیر فتح العزیزین کہتا ہے کہ ہر کرا حاجت باشد باید کہ فاتحہ الکتاب بخواند و بعد از ختم حاجت بخواند کہ انشاء اللہ تعالیٰ آن حاجت بر آید

برائے در و گروہ

شخصی نزد شعبی آمد و شکایت در و گروہ کرد شعبی گفت ترا لازم است کہ اساس القرآن بخوانی و بر جاسے در و دم کنی او گفت کہ اساس القرآن چیست گفت فاتحہ الکتاب در فتح العزیزین گفت کہ سورہ فاتحہ اسم اعظم است برای ہر مطلب می توان خواند و این را دو طریق است اول آنکہ ما بین سنت فجر و نماز فرض با اتصال میم بسم اللہ بالام الحمد لله چهل و یک مرتبہ پهل روز بخواند ہر مطلب کہ باشد حاصل گردد اگر شفای مریض یا کثادہ شدن مسخر منظور باشد بر آب دم کردہ آن مریض و مسخر بنوشاند دوم آنکہ روز یک شنبہ اول ماہ در میان سنت و فرض فجر بے قید اتصال میم بالام ہفتاد مرتبہ بخواند بعد از آن ہر روز ہمان وقت ذہابہ بار کم کند تا روز شنبہ ختم شود و اگر در ماہ اول مطلب حاصل شود ہفتاد و الی در ماہ دوم و سوم نیز ہچنین کند و نوشتن این سورہ بر کاسہ چینی بجلاب و مشک و زعفران و شست خوردن آن برای شفا مریض مزمن تا چهل روز مجرب است و بر درد دندان و بر درد سر و درد شکم و دیگر در دہا موقت یا خواندہ دم کردن خیر است

برائے صموت اعدا

جو شخص اس آیت کو لکھ کر اپنے بازو پر باندھ لیا اسکی دشمن صامت ہو جائینگے کوئی شخص ذکر اسکا ساتھ برائی کے نہ کرے گا باذن اللہ تعالیٰ یومئذ یستبعون الداعی لا یرجی لہ و خضعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا یومئذ لا تنفع الشفاعۃ الا من اذن للرحمن و ضی لہ فلا یعلم ما بین الیدین و ما خلفہ ولا یحیطون بہ علما و عن الوجہ للی القیوم و قد خاب من حل علی من

تعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا تحاء ظلماء ولا هضمًا

برائے تمیزستان

اس آیت کو لکھ کر کسی ساعت جمعہ میں محو کر کے اندر چاہ کے جس سی درختوں کو پانی دیا جائے
سے والدی اسد او نہیں برکت دیگا اور نظر حین و انس سی پچائیگا وہ والدی انزل من السماء
ماء فاخرجنا به نبات کل شیء فاخرجنا منه خضرًا مخرج منه حیاتا مکابا ومن النخل من
ظلمها قنوان دابنة وجنت من اعناب والزيتون والرمان مشتبها وغير متشابهة انظروا
لی شجرة اذا امثروا یبعث الله ان فی ذلک لآیات لقوم یؤمنون

ایضاً برائے سرسبز باغ و کشت

اس آیت کو آب باران پر اکیس بار پڑھ کر جب میں نخل و شجر و زرع کے چھڑک دی برکت کثیرہ
بمراہ ازالہ مکروہ باذن الہی دیکھیگا کہ ترکیف ضرب اللہ مثلاً کلمۃ طیبۃ کثیرۃ طیبۃ اصلها
ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها کل حین باذن ربھا و یضرب اللہ الامثال للناس لعلہم یتذکر

برای عمارت خانہ و دکان و زمین و بستان

اس آیت کو ہرن کی جہلی پر ساعت پچھروں زکینہ کو لکھ اور ایک پارچے پاک میں لپیٹ کر گھر
کے دروازے کے اوپر یا حانوت یا زمین یا باغ کے در کے اوپر دفن کر دے عجب طرح کی
عمارت و کثرت رزق کو ملا حظہ کریگا اسی طرح اگر اس آیت کو طرف پاک میں لکھ کر آب باران
سے محو کر کے درمیان اشجار و نخل یا درواری چھڑک دیگا برکت کامل و زیادت ظاہر دیکھے گا
او کالذی مد علی قریۃ الی قولان اللہ علی کل شیء قدير

ایضاً برائے امور مذکورہ

التر اول سورہ رعد کو تا قولہ یتفکرون چار پرچہ کاغذ پر لکھ کر ہر چار گوشہ مکان یا باغ میں

خراب یا جانوت میں دفن کر دی رکت و خیرات نمایاں انشاء اللہ دیکھا اسی طرح اگر اول
سورہ کہف کو تا قول کثر بانظر طاهر میں لکھ کر ہر چار دیواریں خانہ پر اس طرح چھڑک دیا
کہ زمین پر پانی نہ گری تو عمارت منزل و کثرت خیر سب دلخواہ دیکھا شریعی و فی اس قسم کے
آیات واسطی ان امور کے اور بہت لکھی ہیں اس جگہ تراکیب مفصلہ کا فقط ذکر کیا گیا ہے۔

برائے خطبہ نزل و طلب لایت از سلطان یا امیر یا جلب رزق

جو شخص ان امور کا ارادہ کری وہ اس آیت کو لکھ کر باندھ لیا سکی بات قبول ہوں اور
وظیفہ اسکا جاری رہے گا قل ان الفضل بیدلہ یتیم من یتیم و اللہ واسع حلیم و شخص

برحمتہ من یتیم و اللہ ذو الفضل العظیم

برائے رکوب دریا

دریا حیب جوش و خروش کری ملاحظہ امواج ہو تو اس آیت کو لکھ کر اس میں ڈال دی وہ بقدر
خدا ساکن ہو جائیگا قل من ینجیکم اللہ اسی طرح اگر فلق الاصباح کو تا آخر آیت با وضو ہو کر دن
جمعے کے ایک لکڑی پر لکھ کر مقدم سفینہ پر لگا دیا تو وہ ناؤ ڈوبنے سے بچ جائیگی اس طرح
و قال اذ کوا فیہا بسم اللہ محراہا و موسا انا حیم کی یہ خاصیت ہے کہ خشب ساج پر لکھ کر اگر مقدم
پر لگا دیا تو بحیرین حرز و وقایہ ساری آفات سے ہوگا انشاء اللہ تعالیٰ

برای سکون موج دریا

جب دریا کو ہیجان ہو اور تلاطم امواج دیکھے تو سات پرچے کاغذ پر اس آیت کو لکھ کر ایک
ایک پرچے کے بعد دیکری طرف مشرق کے دریا میں پھینک دی موج باذن خدا ساکن
ہو جائیگی ان تران الفلک تجری فی البحر الی قولہ کل ختار کفوا اسی طرح اگر کوئی شخص دریا میں
قزاق پر اس آیت کی مدافعت کرے گا تو دریا ہی سلامت رہے گا اور قلب آفات لیل و نهار

سالم ہوگا اور مال و ولد میں برکت و سعادت پائے گا اللہ الذی خلق السموات والارض الی قولہ لظلمکم

برای دفع خیالات فاسدہ

ان آیات کو شخص تخیل پر تلاوت کرے یا خرقہ صوف یارق میں لکھ کر باندھ دی تخیلات
فاسدہ اوس سے دور ہو جائیگی واذ اقراء القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون
بالآخرۃ حجابا مستورا وقرآن تو لیا فقل حبیب اللہ لا الہ الا هو علیہ توکل وھو رب
العرش العظیم و قولہ فیکفیکھما اللہ وھو السميع العليم

برای خفقان و حریف قلب

سورہ الم نشرح پاک برتن میں لکھ کر آب زمزم یا آب باران سے محو کر کے اس پانی کو پی لے
اللہ کے اذن سے غلبہ دور ہو جائیگی

برای استخراج مدفون و معینی

اس آیت کو ایک طرف جدید طاہر میں لکھ کر آب باران سے محو کر کے جس جگہ میں توہم
و غبن ہو وہاں پھیر کر دی انشاء اللہ تعالیٰ وہ اسی جگہ واقع ہوگا اور ہاتھ آئیگا اسی طرح
اگر کوئی شے دفن کر کے بھول گیا ہے یا ضائع ہو گئی ہے اور معلوم نہیں کہ ہر گئی تو جس جگہ پر
گماں ہو وہاں لیان سلگا دی اور یہ آیت کاغذ میں لکھ کر پانی سے محو کر کے ہر چار دیواری یا خانہ
پر چڑک کر گھر کو ایک رات دن بند رکھے پھر صبح کو کھول کر اندر جائے انشاء اللہ تعالیٰ وہ چیز
مل جائیگی یا خواب میں اس کو دکھائی جائے

برای استخراج سحر مدفون

گھر میں اگر کسی نے سحر دفن کیا ہو اور اسکی جگہ معلوم نہیں ہے تو سورہ تکویر پڑھے اللہ اس
کا اہام کرے گا سحر کو گھر سے نکالے کوئی شے اسکو ضرر نہ کرے گی

برائے حفظ دین

اگر دین نہ کرے تو سورہ ولعصر پڑھے وہ ہر آفت سے باذن خدا محفوظ رہے گا۔

برای اخبار عمل

اس آیت کو ایک خرقدہ دختر نابالغ پر شب و دن شبہ کو بعد پنج ساعت شب کی لکھ کر سنید
 زن پر رکھ دی او سے جو کچھ کیا ہوگا سب کی خبر دے گی یا بنی اسرائیل ذکر و انعتی الی نعمت طبعکم
 وانی فضلتم علی العالمین اگر کہیے فکیف اذا جئنا من کل امۃ بشہید و جئنا بک حلیم
 شہیداً یومئذ یود الذین کفروا و عصوا الرسول و تنوی ہوا الارض و لا یموتون اللہ حدیثاً
 ایک لوح زر پر خون ہر دس کف راست میں لکھ کر صدر زن نامہ پر رکھ دیا تو جو کچھ اوس
 ہوا ہے وہ سب کہہ ڈالے گی اگر مدلس کا شناخت کرنا چاہے تو اس آیت کو نام پر پڑھی معنی
 ظاہر ہو جائیگا اسی طرح اگر سورہ اذا زلزلت کو ایک پارہ جامہ انسان پر لکھی اور اوس میں نام
 اوسکا اور اوسکی مان کا زعفران محلول سی لکھ کر اوسکو پوست ہر دس سے سی دی اور انسان پر
 رکھ دے تو وہ اپنی صنیع کی خبر دے گا۔

برای خریدنی جیت

کوئی چاہے کہ بطبع خرید کری اور ہاتھ جید پر پڑے تو اس آیت کو تا عقبہ بیچ پڑ کر یون کے
 یامن بیدہ الخیر والخیرۃ منہ یا دلیل الخیر یا مرشد یا ہادی تو اوسکا ہاتھ مقصود پر پڑ جائیگا اس طرح
 سائر اشیاء فاکہ و لمبوس وغیرہ کے لیے جہین کچھ شبہ ہو اسی طرح کرے آیت یہ ہے ان یقر
 تشاہد علینا وانا ان شاء اللہ لمحمدین

برای تمیز آب چاہ و نہر

چاہ یا نہر میں جب پانی کم ہو جائے تو ایک سفال پر اس آیت کو لکھ کر اندر رکھ کے ڈال دی

انشاء اللہ تعالیٰ پانی اور سکا بڑھ جائیگا ثم قست قلوبکم من بعد ذلك الیہ اسی طرح اگر
 کھائی یا کھری کا دورہ کم ہو جائے یا بالکل شیر نہ دی تو ایک تانبے کی تختی پر اس آیت کو
 لکھ کر آب پاک سی دیں کہ او سکویلا دے دودھ بڑھ جائیگا باذن اللہ تعالیٰ

ازوال ہم و غم و عشق

جسکو کوئی مصیبت پہنچے اور عظیم الحزن ہو یا عشق ضرر دے وہ اس آیت کو قبل و بعد
 فجر دن یکشنبہ کو طرف پاک میں لکھ کر آب نیچ و بردی محو کر کے لگا تا ریس دن تک اس
 شخص پر پھرنے کے انشاء اللہ تعالیٰ جو حزن پاتا ہی وہ دور ہو جائیگا و کاین من نبی قاتل معہ ربیون کثیر

برائے ہوام

اس آیت کو ایک طشت میں لکھ کر عصارہ زیتون سی محو کر کے گہر میں چھڑک دی کوئی سب
 اثر دہا بر غوث باقی نہ رہیگا سب مر جائیگے اَلَمْ تَرَ اِنَّ الَّذِیْنَ خَرَجُوْا مِنْ دِیَارِهِمْ اَوْ رَاکِیْ اَسْکُوْا
 و رِق زیتون پر لکھ کر چار ارکان بیت میں گاڑ دیا تو بھی کوئی پشہ باقی نہ رہیگا اسی طرح
 اگر آئینہ سجدہ و آخرت کو تانبے کی تختی پر لکھ کر عصارہ زیتون سی محو کر کے گہر میں چھڑک دیا
 تو کوئی موزی و شیطان و ہوام باقی نہ رہیگا اگر گھر سے کل جائیگا

برای تفرقہ اہل معاصی و ظلم

دن تنبہ کے اس آیت کو ایک طرف پاک میں لکھ کر آب برگ حزل سی محو کر کے جس جگہ
 اجتماع اہل مصیان و ظلم کا ہوتا ہو وہاں چھڑک دی و انشاء اللہ تعالیٰ بہر کسی دہان جمع نہ ہوگی
 متفرق ہو جائیگی و قالت الیھود ید اللہ مقلوبۃ غلت یدیم و علو بما قالوا بل یدہ مسبوظان
 ینفق کیف یشاء و لیزیدن کثیرا منہم ما انزل الیک من ربک طغیاناً و کفراً القینا سیئم
 الاملا و البغضاء الیوم القیمہ کما او قدوار یوم یاطفأما سید یوسف الاخر فاما و اما لیل الفیل

برای دروغ

ایک سیپی میں قبل طلوع آفتاب اس آیت کو لکھ کر اور ایسی شہد سیپکو آگ نے نہ چھو اہو محکمہ کی
تین دن تک اس شخص کو چٹائے جو بہت جھوٹ بولتا ہی باذن خدا یہ بلا اس سے رائل ہو جائیگی
لَا يَأْخُذُكُمْ بِاللَّغْوِ أَيْ مَا تُلْكُمُ وَلَكِنْ يَأْخُذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

برای حفظ حاملہ و طفل بسیار گریہ

اس آیت کو گلاب و زعفران و مشک سے ہرن کی مہلی پر لکھ کر کمرن پر باندھ دی سار
آفات عین و بطن سے وہ حفظ میں رہیگی اور اگر اسکو لکھ کر گلے میں طفل کی ڈال دیا جائیگا تو
ایک حرز عظیم فرع و بکاسی ہوگا انشاء اللہ تعالیٰ اذ قالت امرأة عمران رب اننذت لك
ما في بطني محررا فتقبل مني انك انت السميع العليم

برای ازالہ عقم

اس آیت کو مشک و زعفران و گلاب سے ایک طرف لمبور یا زجاج پر کاتب با وضو ہو کر تلخ
بھر پانی میں گھو کر مرد عاقر یا زن عاقر کو تین دن تک پلائے اور عضم مرد و زن پر لکھ کر شیم
کے تاگے سے باندھ دی اور وقت دخول فراش کے علیحدہ کر کے صحبت کری بہر نہا کر تہہ
وہ شب اول یا دوم یا سوم میں باذن اللہ تعالیٰ حامل ہو جائیگی هَذَاكَ دَعَا ذَكَرَ يَارَبِّهٖ قَالَتْ
رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اسی طرح اگر اول سورہ نسا و اول
رقیبا کو ایک قطعہ حلو اے نصف شب کو شب جمعہ سے ایسی جگہ لکھ کر کہ کوئی نہ دیکھی کھا لیگا بہر نبی بی
سے جماع کرے گا تو تین بار کے اندر باذن خدا وہ حاملہ ہو جائیگی يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّ الَّذِي
خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَكُمْ وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنَسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ
الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا

برای حفظ و فصاحت طفل

آپ صاف پران آیات کو پڑھیں کہنا بچا کر اطفال و ملائکہ کو کھلائے تین و تیک
ایسا ہی کرے حفظ و فصاحت عجیب ملاحظہ کریگا اگر از اول سورہ البرہیم ما الحکم

برائے قرا عدا

ایک بارہ لفظ لیکر اور اوہ من کچھ خاک متا برڈا کر اول یہ آیت او کصیب من السماء فیہ ظلمات
ورعد و برق یجعلون اصابعہم فی اذانہم من الصواعق حذر الموت واللہ محیط بالکافرین
لکھی بہ نام دشمن کا لکھی اور او سکونچے ڈبرہ آہنگر یا مکدہ گاذر کے رکھدی معمول کہ کاسر
بچت جائیگا اور اسکو کچھ نہ سوچے گا فلیتق اللہ فاعلمہ اسی طرح اگر ایک لوح اہن پر یہ آیت
اور نام معمول کہ اور اسکی مان کا لکھ کر نیچے آگ کے رکھ کر جبے ہلاک کر نیکیا ارادہ ہی سکونچا
تو وہ مرض لا یتاق میں گرفتار ہو جائیگا واذ قال موسیٰ لقوہ یا قوم انکم ظلمتم انفسکم باخوانکم
العیل فتوبوا الی بارئکم فامتلوا انفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم قتال علیکم انہ ہوا التواب الرحیم
اسی طرح جسکا ہلاک کرنا منظور ہی اسکی تصویر بنائے مگر غیر کامل اور اس تصویر کے سینے پر
یہ آیت لکھی وامل علیہم تبا انی اذ مباحی اذ قتیبا قریبا فانتقل من احدهما ولم یتقبل من الاخر
قال لا قتلک قال انما یتقبل اللہ من المتقین اور پشت پر نام اس شخص کا لکھی اور ہاتھ میں ایک
خنجر لیکر اسکی نام کی جگہ پر مار اور کہی فاذا القیم الذین کفروا فضرِب الرقاب اور اس عمل کو روز
شنبہ آخر ماہ میں کرے اور کہے یا ملائکہ اللہ تعالیٰ لیفعل کذا بفلان یہ ضرب اس کے
بن پر جا لگی اور وہ ہلاک ہو جائیگا شرعی کہتے ہیں فلیتق اللہ فاعلمہ ذلک حکم

برای بطلان ظلم ظالم

ایک پرچہ کاغذ پر اس آیت کو لکھا اپنے پاس رکھنا اور ظالم یا جبار پر داخل ہو اور مکرر

اور سکوڑی انشائے ظلم ظالم باطل ہو جائیگا ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها
واذا حکمت بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله یعظمتکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً
اسی طرح اگر اس آیت کو زعفران و گلاب سے لکھ کر اور آب باران سے محو کر کے جابی حاکم میں
کوئی سا حاکم بھی کیوں نہ ہو چنکر دیا جائیگا تو وہ حکم انصاف سے کرے گا اور حق بات کہے گا۔

برائے ہلاک ظلمہ

سینچر کے دن آخر ماہ میں اس آیت کو لکھ کر ایک شبی میں رکھی اور اس پر درخت کی پتوں کا
عصارہ ڈال کر گھر میں معمول لے کر دفن کر دی غفریب وہ ماخوذ ہو کر ذکر اس کا خامدا و ایم اس کے
منقض ہو جائیگا الم ترکیف فعل ربک یعاد الی قوله بالمصداق و تورفیو مثلاً یغنی عن ابی حنبلہ لا یوثق و ناقدا

برای بطلان بیع و شرا

اگر اس آیت کو ایک صحیفہ میں لکھ کر کسی دکان میں ڈال دیا جائیگا تو بیع و شرا اسکی باطل
ہو کر اس کی قدرت سی حال اسکا ناقص ہو جائیگا و یل یطففین الذین اذا اکالوا علی الناس
یسئفون و اذا کالوهم اوزنوهم یخسرین الا یظن اولئک فاعلم معوثون لیوم عظیم یوم یقوم
الناس لرب العالمین۔ اسی طرح والعصر تا آخر سورہ ایک صحیفہ رصاص سیاہ پر ساعت نطل
میں دن شنبہ کے لکھ کر موضع براد میں ڈال دینی سے تعطیل بیع و شرا ہو جاتی ہے۔

برائے جسم خانہ

الم ترکیف فعل ربک باصحاب الفیل الم یجعل کیدهم فی تضلیل وارسل علیهم طیرا ابابیل ترجم
بجارة من یجیل فجعلهم کعصف ما کول ایک شقہ قدیمہ میں لکھ کر کسی گھر وغیرہ میں دفن کر دی
سے اس جگہ پر پتہ آنے لگتی ہیں جہاں کہ وہ شقہ اس جگہ میں باقی رہتا ہیوت اسکی بعد
شرعی نے چند فوائد ۸۲ لکھ کر تا آخر یک صد فائدہ بیان میں اسما حسنی اور انکی تاثیرات کی

بطریق تکسیر و اوافق لکھی ہیں ہر کچھ منافع سور قرآن کریم کے اور کچھ منافع حروف مقطعة قرآن
 عظیم کے بیان کیے ہیں یہ منافع غالباً اسی جنس کی ہیں جو حاجات اس رسالہ میں لکھی گئی ہیں
 اسلیٰ تمغیص انکی اس جگہ مکرر اور غیر ضروری سمجھی گئی اگر کوئی شخص پرہیزگار اسی قدر اعمال و
 عزائم پر بعد حصول اجازت بصدق نیت و صلاح طوئیت عامل و قانع ہو تو وہی علمیت ہی اور
 مقدار واسطے صلاح ظاہر و باطن و حفظ صورت و معنی کے کافی وافی شافی صافی ہو سکتا ہے
 مجملہ اجازت ان عزائم و معمولات کی بالخصوص اجازت مثل قول عیسیٰ کی نہیں ہے لیکن اجمالاً
 تالیف شرحی کی اجازت ہے ایب بڑا عائق عدم ظہور نہیں یہ ہوتا ہے کہ عازم مطابق شرط عزائم
 کے نہیں ہوتا دوسرے معمول کہ کا عقیدہ کامل یا یا نہیں جاتا اثر تو اس وقت ظاہر ہوتا ہے
 کہ دونوں مسلمان جن العقیدہ قوی الایمان ہوں اور عامل صاحب اخلاص و تقویٰ ہو
 ایک بزرگ نے ایک آسیب زدہ پر ایک آیت قرآن پاک پڑھ کر بھڑکائی تھی فی الفور آسیب
 دور ہو گیا بعد چند روز کے پہر ایک شخص کو آسیب ہوا عامل مذکور وفات کر چکے تھے ایک مرد نے
 وہ آیت انکی زبان سے شکر یاد کر لی تھی جا کر اس شخص پر دم کی کچھ فائدہ نہوا جب بار بار اسکو
 پڑھا تو جنی سلطانے کہا تو جا کچھ نہ ہو گا اسنی کہا آخر یہ آیت تو وہی ہے کہا ہاں الایہ الا لایہ و لکن ارجل
 غیر لاجل بلکہ طہارت و تقاوت کا ہیاتک اثر ہوتا ہے کہ شیخ الاسلام ابن تیمیہ کے وقت میں جب
 کسی شخص پر مرد ہوتا یا عورت کوئی جن یا شیطان آتا اور لوگ انکو لیجانی تو یہ فقط اس سے جا کر
 یہ بات کہہ دیتی کہ تو اسکو چوڑ کر چلا جا ورنہ تجھے حکم شرع جاری کیا جائیگا وہ اسی دم بھاگ جاتا
 پھر یہ نوبت پہنچی کہ جس آسیب زدہ کے سامنے انکا نام لیا جاتا وہ فی الفور افاقہ میں آ جاتا اور
 اسکا جن و شیطان چل دیتا و خلافت فضل اللہ یوتیہ من شاء اس رسالہ کے ساری اعمال و عزائم
 ماخذ کتاب و سنت صحیحہ سے ہیں اور اکثر مجرب ہیں لیکن اگر کسی شخص پر اثر انکا ظاہر نہ ہو تو یہ مقصود

عازم یا معمول کہ کلمہ ہے نہ ان آیات و اذکار کا اور سکو چاہے کہ وہ اپنے ہی نفس کو ملامت کریں
اس لیے کہ اس کلام پاک نے مکمل قابل نہ پایا موضع صانع باعہد اس کے نہ آیا حدیث میں
اسی جگہ سے فرمایا ہے رب تال للقرآن والقرآن یبلغہ سیدنا ذاب اللہ

باب پنجم بیان میں اعمال قول جمیل و غنیہ کے

فصل ہشتم کتاب نہ کو رکی بیان میں بعض فوائد والد ماجد مولف کے ہے یعنی حضرت شاہ
ولی اللہ محدث دہلوی کے خانہ دانی اعمال مجربہ کا اسمیں ذکر ہے

برای غنای قلبی و متابہی

ہر دن یا صغنے گیارہ سو بار اور سورہ فزل چالیس بار پڑھے اگر نہ ہو سکی تو گیارہ بار پڑھ دو دنوں عمل
و اسطی غنای دلی او ظاہری کی مجرب ہیں انتہی اور بعض مشائخ سے پڑھنا سورہ فزل کا اکتالیس بار
بھی آیا ہے۔ شاہ فخر الدینؒ سے منقول ہے کہ بعد سنت فجر کے ایک بار اور بعد ہر نماز پنجگانہ کی دو دو
بار پڑھی اس حساب سے رات دن میں گیارہ بار ہو جائیگی مولوی قطب الدین دہلوی مرحوم کہتی ہیں
وقد جربت هذا العمل فوجدته كذلك

برای وزودندان و درد سر و ریاح

ایک تختہ یا پٹریا پاک لی اور اوپر پاک ریت بچائے اور ایک کیل سی اوپر براجد ہوز حلی لکھی
اور کیل کو الف پرنزوری دابے اور سورہ فاتحہ ایک بار پڑھے اور درد منہ اپنی انگلی کو درد
کی جگہ پر زور سے رکے رہے پہر اس سی پوچھی کہ تمہکو آرام ہوا اگر درد جانا رہا بہتر ورنہ کیل کو
دوسرے حرف بے کی طرف نقل کری اور دوبار سورہ فاتحہ پڑھے اور پہلی بار کی طرح پوچھی کہ
درگیا اگر گیا تو بہتر ورنہ کیل کو جیم کی طرف نقل کری اور تین بار الحمد للہ پڑھی اسی طرح ہر حرف پر
کیل سی دابتا جای اور سورہ فاتحہ کو ہر بار پڑھتا جای تو آخر حرف تک نہ پوچھو کہ شہا ہو جائیگی

ان شاء اللہ تعالیٰ انتہی میں کتابوں اس عمل کو شیخ احمد دیرلی شافعی نے کتاب فتح الملک
الحجید الولف لنفع العبدین میں بھی ذکر کیا ہے لیکن حروف ابجد ہر حتمی کو مقطع لکھنا بتایا ہی نہیں
اسیج والہ پھر کہا ہے ان من قدام علی الضرس لوجع بری من ساعته وما تبلیغ راخرھا
الا وقد شفی باذن اللہ لکن مع حسن الظن من الوجع والمعزم نھی اور شرحی نے بھی اسکو
ذکر کیا ہے اور مجرب کہا ہے میں اسکو دروسر پر امتحان کیا ہے انفور لفع ہو اولہ الحمد

برای رفع حاجت و رد غائب و شفاے مریض

جب کوئی حاجت پیش آئے یا کوئی شخص غائب ہو اور اسکا سالم غائم پیر آنا چاہی یا شفا
بیمار چاہے تو سورہ فاتحہ اکتالیس بار درمیان سنت و فرض فجر کے پڑھے امام جعفر صادق
علیہ السلام نے کہا ہے کہ فاتحہ چالیس بار پانی کے پیالے پر پڑھ کر تپ والے کی منہ پر چھینٹا
مارنے سے صحت ہو جاتی ہے اسکو شاہ عبدالعزیز دہلوی رحمہ اللہ نے ذکر کیا ہے

برای گزیدن سگ دیوانہ

جسکو بلا لاکتا کاٹے اور اسکی دیوانہ ہو جائے گا وہر ہو تو اس آپت کو روٹی کی چالیس گزوں پر
لکھی اٹھ نیکیدون کیدا واکیدا کیدا فاعھل الکافرین یا مھنھدروبہ اور اس سگ گزیدہ
کو دی کہ ہر دن ایک ٹکڑا کھایا کری مولانا سجنی نے کہا ہے کہ ایک ٹکڑا بانات کا گزہ من لپیٹ کر
کھالی اثر نہ ہر سگ کا جانارہیگا ان شاء اللہ تعالیٰ

برای دفع فاقہ

ہر بات سورہ واقعہ ایک بار پڑھ لیا کری یہ عمل موافق حدیث کی ہے اور اس رسالے میں
کے رچکا ہے شاد ولی اسد محدث دہلوی نے شرح حزب البحر میں یہ بھی لکھا ہے کہ کوئی ہر دن
لا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم پڑھیگا اسکو فاقہ نہ پہنچے گی۔

برای مسان

جس لڑکے کو یہ بیماری ہو اور سپر فاسحہ اکتالیس بار بوسل میم بجلہ ساتھ الحمد کے چالیس روز تک دم کرے اگر نہ ہو سکے تو تین بار کا پڑھنا ہی کفایت کرتا ہے اسکو مولوی قطب الدین مرحوم نے ذکر کیا

برای بیدار شدن از شب

سوتے وقت آخر سورہ کہن کو ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سی تا آخر سورہ پڑھ کر اللہ سے دعا کری کہ فلاں وقت اسکو جگا دے تو اس وقت پر جاں نہیگا یہ عمل موافق حدیث کے ہے جسکو دارمی نے روایت کیا ہے

برای حفظ اطفال

اس عوذہ کو لکھ کر بچے کے گلے میں باندھ دی اسکو محفوظ رکھیں گا بسم اللہ الرحمن الرحیم
اعوذ بکلمات اللہ التامۃ من شر کل شیطان و ہامۃ و عین لایۃ تحصنت بحسن
الفالف لآ حول و لا قوۃ الا بالعلی العظیم انھی حدیث میں آیا ہے کہ حضرت واسطی حسنین کے
یہی عوذہ کرتے تھے اور فرماتے تھے کہ تمہاری باپا برہم واسطی اسمعیل و اسحق کی یہی تعویذ کرتی
تھے رواہ مسلم مولانا عبد الغزیز و محمد احاق کا معمول فقط اسی دعا کا لکھنا تھا انتہی لیکن
ظاہر حدیث یہی کہ حضرت اعید کا بکلمات اللہ الحمد لکھ کر دم کرتے تھے بعد ثبوت صل کے
لیکن اور باندھ دینی میں کچھ جرح نہیں ہے و اسد اعلم

برای امان از ہر آفت

اس دعا کو صبح و شام پڑھنے والا انت علیک توکلت و انت رب العرش العظیم و لا
حول و لا قوۃ الا باللہ العلی العظیم ما شاء اللہ کان و ما لم یشاء لکن الحمد ان اللہ علی
کل شیء قدير و ان اللہ قد احاط بكل شیء علما و احصى کل شیء عددا و اللہ اعلم و لا یحضرہ احد

من شرفی ومن شر کل ذابت انت اخذنا صیبتها ان ربی علی صراط مستقیم وانت
 علی کل شئ حفیظ ان ولی الله الذی نزل الکتاب و هو یتولی الصالحین فان تولوا فقل
 حسب الله لا الا هو علیہ توکلت و هو رب العرش العظیم انتھی اس دعا کی الفاظ سنیں
 ماثورہ صحیحہ یا خود بین اور ہر ایک کی لیے انہیں سی علم و فضیلت آئی ہے

برائے حفظ حیچک

جب حیچک کی بیماری ظاہر تو نیلا تا گالے اوپر سورہ رحمن پڑھے اور جتنی بار فبائی الاء
 ربکا نکد بان پر پونچے ایک گرہ لگائے اور اس پر پونچکی پیراس تا گے کوڑکے کے گلی میں
 باندھ دے اسدا سکو اس بیماری سے بچالیکا

برای حاجت روائی

جب کوئی حاجت پیش آئے تو یا بدیع العجائب بالجبر یا بدیع بارہ سو بار بارہ دن تک
 پڑھی اسدا اس حاجت کو پورا کر لیکا۔ شاہ ولی اسدا صاحب فرماتے ہیں و هذه عزائم اجازتی
 سیدی الوالد بھا فحیلة ما اجازتی انتی۔ اسی طرح کی اجازت مجھکو سہلی ن عزائم کی ہمراہ
 اجازات دیگر مولوی یعقوب مہاجر کی رحمت سے حاصل ہے و اسدا الحمد

برای حاجات مشکہ

چار رکعت نماز نفل پڑھے پہلی رکعت میں سورہ فاتحہ کے بعد لا الہ الا انت سبحانک انی
 کنت من الظالمین فاستجبنا لہ و نجیناہ من النعم و کذلک تنجی المؤمنین سو بار پڑھی اور دوسری
 رکعت میں بعد فاتحہ کی ربنا فی منی الضرو انت ارحم الراحمین سو بار پڑھے تیسری رکعت میں
 بعد فاتحہ کے اؤضی مری الی اللہ ان اللہ بصیر بالعباد سو بار پڑھی چوتھی رکعت میں بعد فاتحہ
 کے حسبنا اللہ و نعم الوکیل سو بار پڑھی پھر سلام پھر سو بار رب انی مغلوب فاقصر

کہی مولانا نے کہا کہ امام جعفر صادق نے فرمایا ہے کہ یہ چاروں آیتیں اسم اعظم میں جنکی ویلے سے جو مانگے پائے اور جو دعا کرے قبول ہو اور جبکہ اس شخص سے تعجب نہ ہو کہ انکی ذرا بھی سوا مکی اور نہ ملے

برائے آسیب زدہ

جسکو شیطان خطی کر دے یعنی اسپر آسیب کا نخل ہو تو اوسکے بائیں کان میں یہ آیت سات بار پڑھے ولقد فتنا سلیمان والیقینا علی کریم محمدنا ثمانا

ایضاً

اسکی کان میں سات بار اذان کہی اور سورہ فاتحہ و معوذتین و آیہ الکرسی اور سورہ والسماء والطارق اور سورہ حشر کے آیات ہو اللہ الذی لا الہ الا هو عالم الغیب والشہادۃ هو الرحمن الرحیم هو اللہ الذی لا الہ الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المہمین العزیز الجبار المتکبر سبحان اللہ عما یشرکون ہو اللہ الخالق البارئ المصور لہ الاسماء الحسنی بسم اللہ ما فی السموات والارض یہ هو العزیز الحکیم اور ساری سورہ والصفات پڑھی آسیب حل جائیگا

ایضاً

اسکی کان میں سورہ مؤمنین کی یہ آیتیں پڑھے اٰخِیْتُمْ اِنَّمَا خَلَقْنَا کُمْ عِبَادًا وَ اَنْکُمُ الْبَیِّنَاتُ الرَّحِیْمُ فَقَالَ اللّٰهُ لِلْمَلٰٓئِکَةِ الْحَمْدُ لَہُ الْاَھْوَدُ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَرِیْمُ مِنْ یَدِیْہِ مَعَ اللّٰہِ اٰخِرًا یُرْہٰنُ لَہُ فَاِنَّمَا جَآءَ عِنْدَ رَبِّہٖ اِنَّہٗ لَا یُفِیْضُ اِلَّا الْکَافِرِیْنَ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاَنْتَ خَبِیْرُ الرَّحِیْمِ

ایضاً

پانی پر سورہ فاتحہ و آیہ الکرسی اور پانچ آیتیں اول سورہ جن کی پڑھے اور اوس پانی کا پھینٹا اسکے موئے پر ماری کہ ہوش میں آجائیگا اور جب کسی مکان میں جن معلوم ہو تو اسی پانی سے اس مکان کے اطراف میں پھینٹے ماری تو پھر وہاں آئیگا

برای دفع جن از خانہ و سنگ باری

اگر شیطان کسی گھر سے قریب ہو اور پتھر پھینکے تو یہ آیت چار لوہے کی سیلوں پر پڑھی
 نَعَمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَيَكِيدُ اللَّهُ لَافْضِلُ الْكَافِرِينَ مَلْعُونٌ رَوْدًا هَرَكِيلَ بِرِجْلَيْهِ يَحْمِلُ
 پھر انکو گھر کے چاروں کونوں میں گاڑ دی یا اسماء اصحاب کہف گھر کی دیواروں میں
 لکھ دے اتنے۔ لیکن اس میں کلام ہے جو اوپر گزر چکا

برائے عقیقہ

باج عورت کے لیے ہرن کی جلی پر زعفران و گلاب سے یہ آیت لکھی و لو ان قرانا
 سَدْرَتْ بِهِ الْجِبَالُ اَوْ قَطَعَتْ بِهِ الْاَرْضُ اَوْ كَلَّمَ بِهِ الْمَوْتِ بِلِ اللَّهِ اَلَمْ جَمِيعًا بِهَرَا سَكُو اسکی
 گردن میں باندھے اور یہ بھی عمل ہے کہ چالیس لوگوں پر سات سات بار اس آیت کو پڑھی
 اَوْ كَلَّمَاتٍ فِي مَجْزِئِ يَنْشَأُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِ مَوْجٍ مِّنْ فَوْقِ سَحَابٍ ظِلْمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ
 بَعْضٍ اَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُوْرًا فَاَفْاَلَهُ مِنْ نُّوْرِ اور ایک
 لونگ کو ہر دن کھائے اور حصّے کے فصل سے شروع کری اور ان دنوں میں اسکا شوہر
 اس سے ہم بستر ہوتا رہے مولانا نے فرمایا ایک شرط اس لونگ کی یہی ہے کہ لونگ ات کو
 کھائے اور اس پر پانی نہ پیے

برائے اسقاط جنین

جو عورت بچہ اسقاط کر دیتی ہو تو ایک تا گا کاسم کا رنگ لگا ہوا اسکے قد کی برابر لے اور سپر
 نوکر میں لگائے اور ہر گز پر یہ آیت پڑھے وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِ
 وَلَا تَكُ فَوْقَ حَقِّكَ وَلَا تَكُ مِنَ الْكَافِرِينَ اِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ اور قل یا
 اَیُّهَا الْكَافِرُونَ پڑھے اور پھر اسے

برائے دروزہ

جس عورت کو دروزہ ہوا سکے لیے ایک پرچہ کاغذ پر یہ آیت لکھی والقت ما فیہا تعلات
واذنت لربہا وحقت اہیاءا شراہیاءا اور اس پرچہ کو پاک کپڑے میں لپیٹے اور اس
عورت کی بائیں ران میں باندھے تو وہ جلد جنے گی

برائے فرزند زنیہ

جو عورت سوار لڑکی کے لڑکا نہ جنیتی ہو تو محل پر تین مہینے گزرنے سے پہلے ہرن کی محلی پر
زعفران و گلاب سے اس آیت کو لکھے اللہ یعلم ما یخجل کل انشی و ما یغض الا رحمہ و
ما تزداد و کل شیء عندہ بمقدار عالم الغیب والشہادۃ البکیر المتعال پہ اس آیت کو لکھے
یا ذکریا انا نبشیرک بغلام اسمہ یحییٰ لہ نجعل لہ من قبل سیمیا پر لکھی عترت عیسٰی لہ صلی
طویل العمر عتی مجھ والہ پھر وہ تعویذ حاملہ باندھ لے یہ تو سل بانیا کیفیت کذا کی کچھ مخالفت شرعی نہیں ہے

برائے زنیہ کہ فرزند شش نہ زید

شاہ ولی اللہ صاحب مرحوم فرماتے ہیں مجھ کو خبر دی اس شخص نے جس پر مجھ کو اعتماد ہے کہ
جس عورت کا لڑکا زندہ نہ رہتا ہو تو اجوائن و کالی مرج لی اور ان دونوں چیز پر دو شنبہ
کے دن دوپہر کو چالیس بار سورہ والشمس پڑھے ہر بار درود پڑھ کر شروع کری اور اسی پر ختم
کرے اسکو ہر روز عورت کھا با کری حل کی دن سی لڑکے کے دودھ چھوڑانے تک

ایضا برائے فرزند زنیہ

یہ بھی اس شخص مستند نے مجھ کو خبر دی کہ جو عورت سوائے لڑکی کے لڑکا نہ جنیتی ہو تو اسکی
پیٹ پر گول لکیر کھینچے انگلی کے پیرنے کے ساتھ شربار یا ستین کے انشاء اللہ تعالیٰ
لڑکا پیدا ہوگا

برای زن ساحرہ یعنی ڈائن

جس عورت کو نظر لگانے والی عورت کی نظر لگے ایک گول کبیر چھری سے کہیںچے آیۃ الکرسی
اور ان آیات کو پڑھے وقل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا وحق الله الحق
بکلماتہ ولو کره المجرمون ویرید الله ان یحق الحق بکلماتہ ویقطع دابر الکفار من الحق الحق
ویبطل الباطل ولو کره المجرمون ویرید الله الباطل وحق الحق بکلماتہ انہ علیہم بذات الصمد
پہر کوا عوذ بکلمات الله التامات من شر کل شیطان وهامة وعین لامة یا حنیفیاز قہب
یا وکیل فیکفیکومرا لله وهو السميع العليم پہر چھری کو کنڈل کے اندر گاڑی اور کہی رکھنا
فر قلب العائنة پھر اس کو ڈکھو دس رکابی کے نیچے یا طباق کے نیچے۔

ایضاً برای چشم زخم

جو نظر والی یا جادوگر کو کہی اسے فلاں اور اسکا نام لیکر چارے نظر لگاتے وقت یا وقت
جب خود اسکا ذکر کری تو اسکا اثر باطل ہو جائیگا میں کہتا ہوں اسکو شرعی نبی ہی ذکر کیا ہی خیاں گدھا

ایضاً برائے چشم زخم

جب نظر لگانا اور نظر کا لگانے والا ثابت ہو جائی تو اسکے مونہ اور دونوں ہاتھ اور
دونوں پانوں اور اسکی شرمگاہ کے غسل کو ایک برتن میں لیکر اس پانی کو میوں پر چھری
تو اسی دم اچھا ہو جائیگا اسکو شیخ حجت نے ذکر کیا ہے اور اوپر گدھا چکا اسکا نام بالک فی منوطا
میں حضرت ضلی اسد علیہ وآلہ وسلم سے اسی طرح کے مانند روایت کیا ہی مولانا فرماتے ہیں
صحیح مسلم میں مدفعہ آیت ہے کہ نظر کا لگنا تنیک ہی اگر کوئی چیز تقدیر پر غالب ہوتی تو نظر غالب
ہوتی اور جب کوئی تم میں سے ڈیلائے تو وہ ہود کہ شاید تہاری ہی نظر لگی ہو اسکا بُرا ماننا
میش ہے و عثمان رضی اللہ عنہ نے ایک خوبصورت لڑکا دیکھا اسکی ٹھوڑی میں

کالا ٹیکا لگا دو کہ اسکو نظر نہ لگے مولوی خرم علی صاحب مرحوم نے کہا ہے کہ یہ جو اردے کو
 کالا ٹیکا لگادیتی ہیں معلوم ہوا کہ بے اصل بات نہیں ہے ماسد علم انتی میں کتابوں لگانا
 سیاہ نیلے کا اردوں کو اثر نہ کورسی ترمذی میں ثابت ہے مولوی صاحب مرحوم کو مینے ہی
 دیکھا تھا میرے والد مرحوم کے معاصر و محب تھے بڑے موجد فقیہ متقی تھے اکی بہت کتابیں
 ہیں نصیحة المسلمین ترجمہ قول جلیل ترجمہ سرالشاہدین ترجمہ مشارق ترجمہ در مختار رسالہ

جہاد یہ وغیرہ غفر اللہ لنا ولہم
 ایضاً براہ چشم زخم

یہ وہی عمل تا گانا پ کر دعا پڑھنے کا ہے جو شرعی سے نقل ہو چکا ہی فقط آتنا تفاوت ہے
 کہ ہمیں یہ الفاظ ہیں بحق اشرایا براہیا ادونیا اصبأت ال شدای اور وہاں یوں ہیں
 ادونیا اصبأت ال شدای اور بجای لفظ انتھت وہاں انتھت ہی اور النجا النجا والوحا
 والوحا زیادہ ہی باقی عبارت برابر ہے میرے عمل میں یہی الفاظ قول جلیل میں کیفیت اسکی
 یہ ہے کہ ایک تا گانا پال تین ہاتھ تاپ لی اور اسکی بائیں کوئی جو نظر دہ کو رکھتا ہے پہرہ عزیمت پر
 جیسے نظر لگی ہے پہر اس تا گے کو دوسری بازو تپے اگر تین ہاتھ سے بڑھ جائے یا کم ہو جائے تو
 معلوم کر لے کہ اسکو نظر لگی ہے پہر اس عمل کو تین بار کر پڑے اثر نظر بد کا دور ہو جائیگا
 طریقہ عزیمت کا یہ ہے کہ بسم اللہ ولا قوۃ الا باللہ تین بار کہی پہر سورہ فاتحہ تین بار پڑھے پہر
 عزمت علیک ایہا العین الی فی فلان بن فلانۃ او فلانۃ بنت فلانۃ بغیر عن اللہ وبنو
 عظمۃ وجہ اللہ بما جری بہ القلم من عند اللہ الی خیر خلق اللہ محمد بن عبد اللہ صلی اللہ علیہ
 والہ وسلم عزمت علیک ایہا العین الی فی فلان بن فلانۃ بحق اشرایا براہیا ادونیا اصبأت
 ال شدای عزمت علیک ایہا العین الی فی فلان بن فلانۃ بحق انتھت انتھت یا

قسطاع النجا بالذی لا تقوی علیہ ارض ولا سماء اخرجی یا نفس السوء من فلان بن فلانة
 کما اخرج یوسف من المضیق وجعل لموسی فی البحر طریق والافانت بریئة من الله تعالی
 والله تعالی ابریء منک اخرجی یا نفس السوء من فلان بن فلانة باللف الف قل هو الله
 احدا الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفو احد اخرجی یا نفس السوء باللف الف
 لاحول ولا قوۃ الا بالله العلی العظیم ونزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
 لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرايته خاشعاً متصدعاً من خشية الله فالله خیر حافظا و
 هو ارحم الراحمین حسبن الله ونعم الوکیل ولا حول ولا قوۃ الا بالله العلی العظیم صلوات
 علی سیدنا محمد وآله واصحابہ وسلم اور بجای فلاں بن فلاں کے نام اسکا اور اسکی مان کمالی

برای سحر و مریض یا یوس العلاج

جسبر جادو کا اثر ہو یا جس بیمار کی بیماری نے اطباء کو عاجز کر دیا ہو اور اسکے لی چینی کی سفید
 برتن میں یہ اسم لکھے یا حی حین لاحی فی دیومۃ ملک و بقاء یا حی پرا و سکو پانی سے دھو کر
 چالیس دن پہ سینے حضرت والد کو دیکھا کہ وہ اس اسم پر سورہ فاتحہ بھی زیادہ کرتے تھے

برای گم شدہ

جسکی کوئی چیز گم ہو جائے وہ ایک سو انیس بار بلا کم و بیش بلیغیہ کے پھر یہ آیت پڑھے
 یا بنی انھان تک مثقال حبة من خردل فتکن فی صحرة او فی السموات او فی الارض یا تھیا
 اسکو بھی ایک سو انیس بار پڑھے اسداوس گم شدہ چیز کو اس کے پاس پیر لایگا نقیر
 فتح الغزیز میں لکھا ہی و از خواص مجربہ این سورہ الفتن کہ برای گم شدہ ہفت بار این سورہ را
 خواندہ کرد اگر در سفر غفلت شهادت برگردانند و بعد از تمام ہفت بار اصحبت فی امان الله و اسیت
 فی حواء الله اسیت فی امان الله اصحبت فی جلالہ خاندہ اسک زندگان گم شدہ یافتہ شود و اسلم

برای شناختن دزد

چور کے پہچاننے کے لیے دو شخص آٹے سانسے نہیں اور بدھنی کو اپنی درمیان میں رکھیں اور اسکو کھانے کی دونوں انگلیوں سے اٹھائے رہیں اور چپہر چوری کی قسمت ہوا سکا نام بدھنی میں لکھیں اور سورہ نوح کو مکرمین تک پڑھیں سو اگر وہی شخص چور ہوگا تو بدھنی گھوم جائیگی پہر اگر نہ گھومے تو اسکا نام سنا کر دوسری شخص کا نام لکھیں اور وہی تک پڑھیں اسطرح ہر شخص میثم کا نام لکھتا جائے یہاں تک کہ گھومے شاہ صاحب فرماتی ہیں جو شخص یہ عمل یا ایسا اور کوئی عمل کرے چور پر مطلع ہو تو اس پر وجہ ہی کہ اسکی چڑانے پر یقین نہ کری اور اسکو بدنام نہ کری بلکہ قرآن کی پیروی کرے کہ یہ عمل ہی اتباع قرآن کا ایک طریقہ ہی اللہ تعالیٰ فرماتا ہے

بنی اسرائیل میں فرمایا ہے وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

برائے بردہ گرختہ

اگر غلام بھاگ گیا ہو تو ایک کافذ میں لکھ کر اور اسکو کسی خیر میں لپیٹ کر اندھیری کوئی میں دو پتھروں کے بیچ میں رکھ دی یعنی سورہ فاتحہ وآیہ الکرسی پھر اللھم افرسناک بان لك السموات والارض ومن فھن فاجعل اللھم السماء والارض وما فیھما علی عبدك فلان بن فلانہ اضیق من خلقہ حتی یرجع الی مولاه برحمتك یا ارحم الراحمین پھر یہ آیت لکھو او کطلبات فی محرابی بیتا ہرج من فوقہ موج من فوقہ محاب ظلمات بعضہا فوق بعض اذا اخرج یدہ لم یجد یراھا ومن لم یحبل اللہ لہ نوراً فالہ من نور من یداعم برنج الی یوم یربعون ومن رب لنا مثلاً ونسئ خلقہ واللہ من ولائم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ پھر یہ رما پڑھے اللھم افرسناک بحر هذه الايات من فضل علیک سیدنا محمد

وَاللهُ وَصَّيْهِ وَسَلَّمَانِ تَرَدُّدِ الْعَبْدِ الْمَوْلَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ مَوْلَانَا اسحاق دام ظلہ گمشدہ
چیز کے یا کسی کی لڑکی وغیرہ گم ہو گئی ہو یہ درود شریف لکھ دیتے تھے کہ کسی اونچی جگہ پر چل دینا
یا کھوئی کے لشکار بچاے بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ لِفُلَانٍ مِّنْ ذَوِّ الْقُرْبَىٰ

برای برآمد کار

سورہ فاتحہ کے میم کو الحمد للہ کے لام سی ملا کر یکا شبہ کے دن سی فجر کی سنت و فرض لے
درمیان میں شروع کریں ستر بار اور دوسرے دن سی وقت ساٹھ بار اور تیسرے دن چالیس
بار اسی طرح ہر روز دس دس بار کم کرتا جائے یہاں تک کہ ہفتے کے دن س بار پڑھ لیا نہتی میں کتا
ہوں کتب مشائخ میں میم بسم اللہ کو لام الحمد سی ملا کر اعمال میں پڑھنا مذکور ہے شیخ محی الدین ابن
عربی صاحب فتوحات مکیہ نے اس باری میں ایک حدیث اپنی سند متصل سی تا آنحضرت صلی اللہ
علیہ وآلہ وسلم تار ب العالمین مسلسل بحلف نقل کی ہے اس حدیث کا اتنا پتا کسی کتاب
معتبر حدیث میں نہیں ملا۔ لیکن یہ طریقہ مجرب علماء عاظمین ہے واللہ اعلم

دیگر طریق استخارہ

جب یہ چاہے کہ خواب میں وہ حال دیکھی جس میں سکی نکاسی ہو اس تنگی سی جبین وہ مبتلا
تو وضو کر کے پاک کپڑے پہن کر رو قبلہ ہو کر وہی کروٹ پر لیٹے اور سورہ الشمس کو سات بار
اور سورہ واللیل کو سات بار اور قل ہو اللہ کو سات بار پڑھے اور دوسری روایت میں قل ہو اللہ
کے عوض سورہ اہتین کا سات بار پڑھنا آیا ہے بیرون کو اللہ عمارنی فی منامی کذا وکذا
واجب لی من امی فرجا وخرجا وانی فی منامی ما استدلی علی حاجۃ دعوتی تو اگر
اسی رات وہ چیز خواب میں دیکھی جو چاہتا ہی تو بہتر ہوا۔ نہیں تو اسی طرح دوسری رات کریں
پھر تیسری رات اسی طرح سات رات تک انشاء اللہ تعالیٰ ساتویں کی آگنی بڑھ گیا کہ حال بدل جائے

ہماری صحبت والوں کی تجربہ کیا ہی انتہی میں کہتا ہوں یہ طریق استخاری کا تجربہ شائع ہی
اور جو طریق اسکا حدیث صحیح میں آیا ہے وہ اس رسالی میں مذکور ہو چکا و نسبت اس طریق
کے سہل و آسان ہی جہتہند کو اختیار ہی کہ وہ بھی کری اور یہی کری ہینک کہ تسبیح خاطر حاصل ہو

استخارہ حرکات و سکناات از کتاب فتوحات

شیخ ولی کامل عبدالوہاب شمرانی نے کتاب لطائف المنن والاخلاق فی بیان وجوب التہجد
بنعمۃ اللہ علی الاطلاق میں لکھا ہے کہ ایک العام اللہ کا پیر یہی کہ میں ہر روز صبح طہارح قوم پر
استخارہ کیا کرتا ہوں اس قصد سے کہ اللہ تعالیٰ میرے ساری حرکات و سکناات اس دن یا اس
رات یا اس جمعہ یا اس مہینے یا اس سال کی صالح نمود کرے اسی طریق پر شیخ محی الدین ابن عربی
اور شیخ ابو العباس مرسی اور ایک جماعت تھی اور صورت اس استخارے کی حسب طرح کہ شیخ محی الدین
ابن عربی نے اپنے وصایا آخر کتاب فتوحات مکہ میں لکھی ہے یہی کہ جب آفتاب برابر ایک
نیزے کے اونچا ہو یا بعد نماز مغرب کی یا ہر روز جمعہ یا ماہ یا سال کو دو رکعت نماز پڑھی پہلی
رکعت میں فاتحۃ الكتاب اور یہ آیت پڑھے و ربك یخلق ما یشاء ویختار ما کان لہم الخیر فی
سبحان اللہ و تعالیٰ عاشر کون اور سورہ قل یا ایہا الکافرون اور دوسری رکعت میں فاتحۃ
اور یہ آیت و ما کان لمؤمن ولا مؤمنۃ ان یقضی اللہ ورسولہ امران یكون لہما الخیر من
امرہم من یصل اللہ ورسولہ فقد ضل ضلالا مبینا اور سورہ قل ہو اللہ احد ہر جب سلام
پہیری توجہ دعا استخارہ آئی ہے وہ مانگے اور جس جگہ بندے کی لیے یہ حکم ہی کہ اپنی حاجت کا
نام لی اوس جگہ یون کہی اللہم ان کنت تعلم ان جمیع ما استخر لہا واسکن فیہ فی حق وحق اہل و
ولدی و اخوانی و جمیع من شاء اللہ فی ساعتی ہذہ الی مثلہا من الیوم الاخر الی الیوم الاخر
نعم لہ فی دینی و معاشی و عاقبتہ امری و عاجلہ و اجلہ فاقد رہ لی و سیرہ لی وان کنت تعلم

ان جميع ما اترك فيه واسكن في حق وحق غیری من اهل ولد و سائر من شاء الله
 ساعی هذا الى مثلها من اليوم والاخر واللیلة الاخری شرلی فی دینی و معاشی و عاقبت امری
 و عاجله و اجله فاصرفه عنی و اصرفنی عنه و اقدر لی الخیر حیث كان ثم عنی به اشیاء طریق
 نے کہا ہے کہ جو شخص اس استخارے کو ہر دن یا ہر رات کیا کرے گا تو وہ کبھی کوئی حرکت کسی حرکت
 و سکون میں نہ کرے گا یا کوئی اور اسکے حق میں کوئی حرکت کرے گا مگر یہ کہ وہ حرکت اسکے لیے
 خیر ہوگی بلا شک قالوا وقد جربنا ذلک و رأینا علیہ کل خیر لما فیہ من الادب مع اللہ تعالیٰ
 و التوفیق الیہ ہر جب اس دعا استخارہ سے فارغ ہو تو اس کام کو جسے یہی اللہ سے یہ استخارہ کیا ہے
 یا تشریح صدر شریعہ کری فعل ہو یا ترک اگر اس کام میں خیر ہوگی تو ضروری کہ اللہ تعالیٰ اسے
 اس کام کے اس شخص پر آسان کرے و گنجائش دے کہ وہ کام انجام ہو جائیگا اور اس کام
 کی عاقبت محمود ہوگی اور اگر اس کام میں ایسے کوئی شر ہوگا تو ضرور ہے کہ دل اور کھانگے ہوگا
 اور اسباب اس کام کی تکمیل کے اس پر شکل و متعذر ہو جائیگے اس وقت یہ جانو کہ اللہ نے اس کام
 کا نہ کرنا اسکے لیے اختیار کیا ہے اب اسکے بعد کسی درد مند نہ ہو بلکہ اپنے رب کی اسکے ترک
 کرنے پر حمد کرے کیونکہ اللہ تعالیٰ اپنے بندے کی مصلحتوں کو بندے سے زیادہ ترجیح دیتا ہے
 فاعمل یا اخوی بذلک و لو فی کل اسبوع او شہرا و سنة او سنتین او اکثر و تقول فی الدعاء اللهم
 ان کنت تعلم ان جميع ما اترك فيه واسكن من یومی هذا الى مثلہ من الاسبوع والاخر و
 من الشہر والاخر و من السنة الاخری و هكذا واللہ تعالیٰ یتولی ہذا و یتولی الصالحین

برائے سچ

جس کو سچ آئی ہو اس کا عمل یہ ہے کہ ایک کافذ میں یہ دعا لکھے اور اس کی بازو پر باندھ دی
 جلد اسی پر جائیگا اس میں نام سچ کا ام لکھ دیا ہے یہ دعا اس کتاب میں گزری چکی

اسمین الفاظ قول جمیل و شرحی کے یکساں ہیں بلا تفاوت و اللہ اعلم

برای خنازیر یعنی کشتہ کالا

جبکی گردن بین کشتہ کالا ہو تو پیرے کے نئے پر جو مرض کے قد کے برابر ہوا کتا لیس گرہ
دی اور ہر گرہ پر یہ دعا پھونکی بسم اللہ الرحمن الرحیم عوذ بعزۃ اللہ و بقدرة اللہ و عظمة اللہ و
برهان اللہ و سلطان اللہ و کفۃ اللہ و حور اللہ و امان اللہ و صنع اللہ و کبرياء اللہ و
نظر اللہ و بھاء اللہ و جلال اللہ و کمال اللہ لا الہ الا اللہ محمد رسول اللہ من شر ما اجد

برای سرخ بادہ

جسکے بدن پر سرخ بادہ ہو وہ اس دعا کو سات بار پڑھے اور پڑھنے کی وقت پھری ہو اشارہ
کرنا چاہی وہ دعا یہ بسم اللہ الرحمن الرحیم اللھم صل علی محمد و علی آل محمد و بارک و سلم
بسم اللہ العظیم الحکیم الکریم الرحمن الرحیم رب العرش العظیم بعزۃ اللہ و قدرۃ اللہ و سلطانہ
ایتھا الحمد جاءک جنود من السماء وقال سلیمان ایتھا الريح اجیبی داعی اللہ و من لرجب
داعی اللہ فمالہ من ملأ و مالہ من ظہیر بسم اللہ و بالتناء الطب علی اللہ یکفیک و اللہ شفیک
من کل داء یؤذیک و من کل افة تعتریک لا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم صل اللہ علی خیر
خلقہ محمد و آلہ و اصحابہ اجمعین و سلم تسلما کثیرا کثیرا برحمتک یا ارحم الراحمین

برای ضعف بصر

جبکی آنکھ سی کم سو جھٹا ہو وہ بعد ہر نماز کی ہر آیت پڑھا کر و فکشفنا عنک غطاء کف بصوک الیوم و بعد

برائے صرع یعنی مرگی

جسکو مرگی آتی ہو وہ ایک تختی تانبے کی لیکر یا شنبہ کی دن پہلی ساعت میں اس تختی کو ایک
طرف یہ کھدوائے یا فقہار التادی لایطو و انتقامہ یا فقہار اور دوسری طرف یہ کھدوائے

یا مذل کل جبار عنید بقرآن سلطانی یا مذل انتی شاه صاحب فرمایا ہی کہ محمول
سب اعمال کی اعزازت میرے والد یعنی شیخ عبدالرحیم نے دی ہی واللہ الموفق والمعين میں
کتاہوں کہ ان اعمال میں سے اکثر عمل میرے تجربے میں آچکے ہیں سو اسی چند عمل کو جو پیش
نہیں آئے میرے اعتقاد میں یہ سب اعمال بحریب میں کیسا نافع ہیں اب میں بقیہ مشائخ
مستوفین کا بعض اعمال متفرقہ جمع کر کے لکھتا ہوں فائدہ مرزا منظر جانجاں قدس سرہ معاصر
مؤلف کتاب قول جلیل ہے۔ مولوی نعیم اللہ مرحوم خلیفہ مرزا صاحب نے بعض اعمال انکی کتاب
سموات منکریہ میں لکھی ہیں انکو اس جگہ نقل کیا جاتا ہی یہ اعمال ہی مجرب اور لائق اعتماد ہیں

طریق ختم خواجگان رضی اللہ عنہم

یہ ختم جس نیت و مقصد کی پڑا جاتا ہے وہی مقصد حاصل ہوتا ہے طریقہ اسکا یہ ہی کہ پہلی بار تھ
اوشاکر ایک بار سورہ فاتحہ پڑھے پھر سورہ فاتحہ کو مع بسم اللہ سات بار پڑھی پھر درود سو بار پھر
الم نشرع مع بسم اللہ ہفتاد و نہ بار پھر سورہ اخلاص یا بسم اللہ ہزار و یک بار پھر سورہ فاتحہ یا بسم اللہ
سات بار پھر درود سو بار پھر فاتحہ پڑھ کر ثواب اس ختم کا ارواح حضرات کو بخشی طرف ختم سو
بے پیش کریں بزرگوں کی تعین نام میں اختلاف ہی پھر اللہ ہی حصول مدعا بوسیلا ان بزرگوں
کے چاہے اور جنک کام نہ ہو ماموستہ کی اللہ ہر شکل کا آسان کرے لا ہی اس ختم کو خوا
ایک شخص تنہا پڑھے یا زیادہ لوگ پڑھیں بطور تقسیم لکن رعایت عدد و ترکی اولی ہی کیونکہ اس
درجہ و ترکہ دوست رکشا ہی خانقاہ شریف مظہری کا دستور یہ تھا کہ بعد فاتحہ آخر کے دعا
آواز بلند ہی پڑھتے ہی اور کہتے تھے کہ ہنسی ثواب ان کلمات کا جو اس حلقہ میں پڑھی گئی ہیں ارواح
طبیات حضرات علیہ تعین اللہ یہ رضی اللہ عنہم کو پیش کیا اور اللہ تعالیٰ ہی ہم امداد و اعانت
جو اسطرح حضرت کے چاہتے ہیں۔ مجدد الف ثانی کے ختم میں بھی معمول دعا کا اسی طور پر تھا

میں کہتا ہوں کہ شیخ محمد بن علی نے خزینۃ الاسرار میں لکھا ہے کہ امام جعفر صادق و ابوہریرہ
 بطامی و ابو الحسن خرقانی اور جو بعد انکے ہوئے تاشاہ نقشبند سب کا اس بات
 پر اتفاق ہے کہ قضا و حاجات و حصول مرادات و دفع بلا و قمر اعداء و ساد و دفع درجہ
 و وصول قربات و ظہور تجلیات میں استعمال اس فائدہ جلیلہ و اسرار غریبہ کا تریاق محبوب
 ہے طریقہ اس ختم کا یہ ہے کہ سو بار استغفار پڑھے اور سات بار فاتحہ اور سو بار درود اور
 ۹۹ بار الم نشرح اور ہزار اور ایک بار سورہ اخلاص پھر سات بار فاتحہ پھر وقت تمام ہونے
 اس ختم کے سو بار درود پھر حاجت کا سوال کری اور مقصود کا طالب ہو باذن اللہ وہ حاجت
 پوری ہوگی اور چار دن سی زیادہ تجاویز نہ کرگی اور سات دن پھر دعا مست کری قال جبریل
 کثیر ولكن اوصو لمن وصل الى مراده ان يفقره راح من الضمائم لئلا يستعملوا فيما
 حرم ثم كان ذلك للترتيب عادة ليعمدا وموفا ويعلموا بحال كل يوم مرة او مرتين
 صباحا ومساء او دبر كل المكتوبات الخمس فعاتات السادات سادات الاعادات و
 من خالط السادات ينال السيادة والسعادة وهو اعظم الركن وافضل الورد المخصوص
 في الطريقة النقشبندية بعد اسم الذات ونفي الاثبات كذا ذكره ابو احمد - نقی - محمد رطور
 اگرچہ کسی شیخ کا مرید نہیں ہی لیکن آبار و مشائخ میری سب نقشبندیہ گزری ہیں اگرچہ ان کو
 اجازت جملہ سلاسل سلوک کی ہی حاصل تھی پہلی سینے اس ختم کا اس جگہ ذکر کرنا مناسب جاتا
 برکات اس ختم کے لا تقف عند حد میں خزینۃ الاسرار میں تفصیل اس جمال کی لکھی ہے اور
 طریقہ مجددیہ کو بھی بابت اس ترتیب کے ذکر کیا ہے والد مرحوم میری نقشبندی تھی اور قاضی محمد بن
 علی شوکانی بھی نقشبندی تھے اور اہل خاندان شاہ ولی اللہ محدث اور مرزا مظہر جان جانی
 بھی اسی طریقہ علیہ پر تھے و اللہ الحمد شاہ عبدالعزیز محدث دہلوی نے فرمایا ہے کہ اعمال مشائخ

خبر کے مجرب ہے واللہ اعلم

ختم برائے میست

جبکہ پاس ختم قرآن یا تہلیل ہو اس سے کہی کہ دس بار قل هو اللہ مع بسم اللہ پڑھ پھر دس بار
 درود پڑھ پھر سبحان اللہ والحمد للہ ولا الہ الا اللہ واللہ اکبر ولا حول ولا قوۃ الا باللہ پھر
 دس بار اللھم اغفر وارحمہ پھر باتھا ٹھاکر سورہ فاتحہ پڑھا کر آواز بلند سے کہے کہ ثواب ان کلمات
 طیبات کا جو اس حلقہ میں پڑھے گئی ہیں اور ثواب ختم قرآن و ختم تہلیل کا فلاں کی روح کو
 پیش کیا لوگ حلقے کے یوں کہیں ربنا تقبل منا اننا انت السميع العليم

التقوید برائے ہر مرض و درد

اس تقوید کو مریض و درد مند بازو یا گلے میں باندھ لی بسم اللہ الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات اللہ
 التامات کلھا من شر ما خالق بسم اللہ الذی لا یضر مع اسمہ شیء فی الارض ولا فی السماء
 وھو السميع العليم ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم

تقوید برائے رفع تپ و لرزہ

بسم اللہ الرحمن الرحیم یا نار کوئی بردار سلاما علی ابراہیم وادواہ کیدا محمدا وعلیہ
 السلامین ہا الحق انزلنا و بالحق نزل صلی اللہ علی خیر خلق محمد و آلہ واصحابہ اجمعین
 انتی میں اس آیت کو فقط تا اخرین مع بسم اللہ تہلیل کے بتوں پر لگ کر دیتا ہوں باری سے پہلے
 تین بار تین تینون پتے ایک ایک بار کر کے مریض زبان سے چاٹ لی اللہ شفا دیتا ہی اسکا تجربہ
 ہمیشہ صحیح پایا یہ عمل واسطے تپ و غب کے نہایت نافع و مجرب ہے واللہ اعلم

برائے سرخ بادہ

اسکا عمل وہی ہے بعینہ حوادیر گزر چکا

برائے درویش

بعد ہر نماز فرض کی آیہ کشفنا عنک عطاءک فبصرک الیوم حدید دس بار پڑھا کریں اسکا ذکر
ہی ہو چکا ہے مگر عدد کافرت ہے

برائے چھپک

اسکا عمل وہی پر پڑھنا سورہ رحمن کا اور گرہ لگانا تاکہ پر نزدیک آیہ قیامی آلاؤرتیجائی ہے
ذکر اسکا ہو چکا اول تو چھپک انشاء اللہ تعالیٰ نکلے ہی گئی نہیں اور اگر ظاہر ہوگی تو مصرت
نہ کر کی شاہ عبدالعزیز دہلوی نے تفسیر فتح العزیز میں تحریر فرمایا ہے و از خواص مجربہ این سورہ
یعنی سورہ بقرہ آنست کہ در ہنگام برآمدن آبلہ اطفال کہ آنرا چھپک خوانند وقت صبح ناشتا
ناشگستہ این سورہ بہ تجوید و ترتیل بحضور طفلی کہ خواہند خواندہ دم کند و طفل ہمہ ناشتا نہ گستہ
باشد بفضل الہی آن طفل را در ان سال چھپک نہ برآید و اگر برآمد سہل و آسان گردد و آسیبی ناہ
نرسد لکن شرط آنست کہ وقت مشروع قراوت آن دو نیم پاؤ برنج باشد و جفرا ت بعد رحلت
مستحق را در ان مجلس بخورون دهند و آن مرد بحضور قاری و طفل بخورد آہستی۔ مینی اکثر یہ عمل
اطفال خرد و سال پر کیا ہمیشہ بحمد و تعالیٰ مجرب پایا

برای شفاء مریض

یہ وہی عمل آیات شفا کا ہے جس کا ذکر ہو چکا

ایضا برائے شفاء مریض

اسم مبارک یا سلام ایک لاکھ پچیس ہزار بار پڑھنا مجرب ہے قاضی شناؤ اللہ پانی پٹی
رحمہ اللہ قاضی نے یہ حتم واسطے مرزا مظہر جان جان قدس سرہ کے پڑھا تھا اللہ تعالیٰ
نے شفا بخشی

برائے حفظ زراعت

اس دعا کو کاغذ پر لکھ کر ایک سفال یا پنا رسیدہ میں بند کر کے درمیان تختہ اس گشت کر دین
کر دی بسم الله الرحمن الرحيم يا رزاق العباد يا خلاق الخلائق يا قاهر السموات والارض يا منبت البزغ
في الارض والنبات ويا مجيب الدعوات ادفع عن هذا الزرع شر الحوام والوحوش وشر الفأق
والخنازير المقتدة وارزقنا رزقاً حسناً وصلی اللہ علی خیر خلقہ محمد وآلہ واصحابہ اجمعین

برائے دفع خواب پریشان

اسکو لکھ کر گلے میں باندھ لی بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بكلمات الله التامات من غضبه
وعقابه وشر عباده ومن همزات الشياطين وما يحضرن صلوات اللہ علی خیر خلقہ محمد وآلہ واصحابہ اجمعین

برائے دفع آکاس گلہ

دن پیر یا جمعے کے لکھ کر گلے میں باندھ لی بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله هو یو کف فی اللوح

برائے دفع بواسیر

دن پیر یا جمعے کے اسکو لکھ کر گلے میں باندھ لی بسم الله الرحمن الرحيم یا رحیم کل صریخ و
مکروب یا رحیم وصلی اللہ علی خیر خلقہ محمد وآلہ واصحابہ اجمعین

دعا ریونس علیہ السلام برای حصول ہر مطلب

ستارہ اہل اسد قدس سرہ نے چار باب میں لکھا ہے کہ واسطی حصول مطلب کے خواہ جلالی ہو
یا جمالی یہ دعا حکم کبریت احمر میں ہے اور اسکو اسم اعظم شمار کیا ہے لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین یہ دعا ذوالنون علیہ السلام کی ہے اور نون کی اسکو شکرم بھی میں پڑھا تھا جو مسلمان
اس دعا کو کسی کام کے لیے پڑھتا ہے وہ دعا اسکی قبول ہو جاتی ہے۔ الحق تبارک و تعالیٰ ست بنیاد
موجب التأثير و نہایت سیرج الاثر است در ہر باب و در ہر امر کہ خواہد بدین آیت کریمہ دعا کند و شایع

بر سرعت تاثیر و عدم تحلف آن اجماع و اتفاق دارند و طریق آن با انواع متعدد ذکر کرده اند
 آسان ترین انواع آنست که نادر و ازده روز بہیت حصول مقصود و ازده ہزار بار بخوانند و اگر
 شتواند یک ہزار و دوصد بار بخواند اول و آخر چند بار در روز لازم گیر یعنی ایک طریق تو یہ ہے کہ
 بارہ دن تک ہر روز ایک ایک ہزار بار پڑھے اگر نہ ہو سکی تو ایک ہی دن بارہ سو بار پڑھے اول و
 آخر درود پڑھے و دوسرا طریق یہ ہے کہ سوالا کہ بار پڑھے بہر حال قوت و تاثیر میں اس دعا کی کچھ
 شک و شبہ نہیں ہے کہ کوئی عمل جبکہ ثبوت قرآن ہی اور حدیث ہی اور اقوال مشائخ سی ہو سو اس
 دعا کے سنیں لہذا اسکی شان میں اللہ تعالیٰ فرمایا ہے فاستجبنا له و نجینا ہ من الغم و کذلک
 نجی المؤمنین انتہی۔ جو شخص اس آیت کو ہر دن تین ہزار ایک سو پچیس بار پڑھے گا تو چالیس دن
 میں سوالا کہ بار ہو جائیگا شاہ عبدالعزیزؒ نے تفسیر سورہ ن میں لکھا ہے کہ پڑھنا اس آیت کا مشائخ
 معتبرین ہی واسطی دفع ہر غم و اندوہ کے ترہیق مجرب ہے اور اسکے دو طریق ہیں ایک تو یہ کہ
 سوالا کہ بار بیست اجتماع ایک مجلس میں پڑھے دوسرے یہ کہ ایک شخص تنہا اس آیت کو تین
 بار بعد نماز عشا کے تاریک مکان میں بیٹھ کر ساتھ شرائط طہارت و استقبال قبلہ کے پڑھے اور پالہ
 پانی کا بھر کر رکھ لیوی اور لمحہ بہ لمحہ اس پانی میں ہاتھ اپنا ڈالکر موخہ او بدن پر پیر تار ہی تین روز
 یا سات روز یا چالیس روز تک اسی ترتیب سے پڑھے انتہی میں کتا ہوں حدیث سعد بن ابی
 وقاص میں فرمایا ہے دعوة ذی النون وهو فی ظن انحوت لا الہ الا انہ لم یدع ہما رجل مسلم
 فی شرف الا استجاب لہ رواہ الترمذی والحاکم ابن السنی کا لفظ یہ ہے انی لاعلم کلمۃ لا یقولہا مکروب
 الا فرج عنہ کلمۃ اخی یوسف فنادی فی الظلمات ان لا الہ الا انہ امام احمد و ترمذی و نسائی و حاکم
 بیہقی کا لفظ رفعہ سعد سے یہ ہے فانہ من یدعو ہما سلم فشتہ قتلا استجاب اللہ لہ
 ختم اللہ علیہ من کہا ہے کہ بعض مشائخ نے مجھ کو اس آیت و ذالنون اخذہب مغاضیا فظن

لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين کما ہے
 اور کہا من اضطر في شئ وعجز عن تحصيله او دفعه او عزل عن منصبه وهو يريد ان يناله فليقر
 هذه الآية المذكورة تمامها احدى واربعين مرة بلا زيادة ولا نقصان ولا يضل كلامه
 الدنيا في اثناء القراءة يقرأها بعد صلاة الصبح ويذاور عليها اربعين يوما بلا سكتة من
 الايام واخاتم الاربعون يوما فليست الامر كيف يكون هكذا اجازل وقال دھمی من العجزات
 وبالاذن عن الحقیقین یطلبها بالخط والقلم فليداوم عليها باعتماد تام اور بعض اہل خواص
 نے کہا ہے کہ جو شخص اس دعا کو ہمیشہ ہر دن ہزار بار پڑھا کرے گا وہ جو مرتبہ مانگیگا پائیگا رزق
 کی وسعت ہوگی غم و غم دور ہوگا کشف ضرر نفع باب خیرات ہو کر شر شیطین و ظلم سلاطین سے
 محفوظ رہے گا اور محب کے نزدیک محبوب اور دشمن کے نزدیک صیب اور ہمیشہ مسوٹر رہے گا و
 بالعد التوفیق چار باب میں باب سیوم کو اس ترجمہ سے مستفاد کیا ہے۔ در فضائل بعض اہمال کہ ثبوت
 آن یقینی ست۔ پہر اسکی ذیل میں فضیلت ایمان و نماز و روزہ و زکوٰۃ و حج و ذکر خدا بہ زبان
 دل مع تزکیہ عاہر و باطن و تخلیہ قلب لکھ کر کچھ حال فضیلت تسبیح و تحمید و تمیل و تکبیر و حوقل
 کا لکھا ہے پہر ذکر اسماء حسنی کا اجمالاً پہر نفع بعض اسماء خاصہ الہی کا واسطی بطریق و عناد غیر ملکی
 پہر کیفیت تلاوت قرآن کریم کی بتائی ہے پہر بعض سورت کی فضائل لکھی ہیں پہر فضیلت استغفار کی
 عموماً اور سید الاستغفار کی خصوصاً ذکر کی ہے پہر قاعدہ کلیہ و اسطی طاعات و عبادات کی لکھا ہے کتاب
 چار باب اپنے باب میں خطیبہ الموحیہ لائق اسکے ہے کہ اطفال خرد سال کو ابتدائی حروف نشانی
 زبان فارسی میں پڑھائی جاوی اور منہتی لوگ اسکو اپنا دستور العمل مقرر کریں و بالعد التوفیق

دعای حزب البحر

یہ دعا طرف شیخ ابوالحسن علی بن عبدالستور متوفی ۷۵۶ھ عجمی کے منسوب ہے یہ دعا انکو حزب

میں الہام ہوتی تھی اسکا ذکر شرانی نے من کبریٰ میں بھی کیا ہے۔ علماء مشائخ طریق کا اسکی
 مجرب ہونے پر دفع آفات و قضاء حاجات میں اتفاق ہے شاہ ولی اللہ محدث دہلوی اور
 قاضی ثناء اللہ بانی پٹی نے اسکی شرح لکھی ہے اور فوائد و منافع ذکر کیے ہیں ستر فائدے
 سے زیادہ ہیں ثابت ہوئے یہ دعا شمل ہے اسماء و صفات و افعال الہی پر کوئی لفظ اس دعا
 کا ایسا نہیں ہے جس میں کوئی رائیہ استعانت و استمداد بغیر اللہ کا ہو طریق دعوت کا واسطی اس
 دعا کے بیان کیا ہے وہ خالی شرائط دشواری نہیں ہے لیکن کلمات طیبات اسکی جنکی بنیاد محض
 توحید خالص پر ہے ایسی مبارک الفاظ ہیں کہ اگر کوئی مخلص حاجت مند با وضو ہو کر صدق نیت حسن
 طوبی و حضور قلب و طہارت باطن کے ساتھ بے دعوت بھی پڑھیگا تو بھی اثر اسکا ضرور
 ظاہر ہوگا یہ دعا مع ملخص شرح ہندوستان میں طبع ہو کر شائع ہو چکی ہے حاجت نقل عبارت و
 اسط کلام کی اسپر نہیں یہ دعا جالب ہر نعمت و دافع ہر نفرت ہے جب یہ دعا بشرائط پڑھی جاتی
 ہے تو واسطی کاشائش بہات و رزق و حب زوجین و زبان بندی اعدا و شفاء و مرض و تخییر سلیمان
 و امراء و محافظت لاشتی و ادائی قرض و سلامتی یمان و نفقہ غیب حرز سارقان و دفع ہجوم و جلا
 و دفع فقر و افلاس و عمارت باغ و خانہ و دفع سخن و ہر بہت اعدا و بہت و دل رعایا و خلاصان
 فسق و لہو و دفع خطرات و وساوس و اشرف بر خواطر و ازالہ آفت و نصرت بر اعدا و دفع جہنم اسے
 غیر ذلک کے حکم اکبر عظم و ترایق مجرب کار کھتی ہے و باندہ التوفیق۔ معمولات منظر میں کہا ہے کہ بدست
 دعای حزب البحر کہ از برای قاری ہم بجای شمشیرست و ہم سپر نیز از معمولات خانقاہ شمشیرست
 فائدہ اس جگہ یہ بات ہر دم لائق یاد رکھنے کے ہے کہ جو دعوات مشائخ و اہل علم ہی منقول ہیں اور
 انکی فوائد مجرب نہایت مبالغہ کے ساتھ بیان کیے گئے انہیں پراقتصار کرنا اور قرآن شریف
 کی تلاوت اور اسکی آیات سے استغاثہ ترک کر دینا اور دعوات مافورہ و صلوات ثابتہ سے قطع نظر کر

ترقیات مشائخ و صیغہای ساخته و پرداختہ در دیر قانع و مختصر ہو چنانکہ کوئی عمدہ کام
لائق نفع تام و مدح عام نہیں ہے البتہ پر تہذیب کا ایک فریب یہ بھی ہے کہ اوستی اس صلیہ و متن
امت اسلام کو اسد و رسول کے کلام سے روک کر کلام امت پر شغوف کر دیا اور ہر کلمات بھی و بیعت
سے محروم رکھ کر ایک جہان کو پیر پرست گور پرست بنا دیا اگر یہ لوگ ہمراہ ماومت تلامذت قرآن
اور مواظبت اذکار و ادعیہ سنت صحیحہ کے گاہ گاہ ان ترقیات مشائخ کو بھی حتمین کوئی رائے نہ ملے
یا ضعیف کا نہیں ہے احتمال میں لاتی تو اس سے بڑا بے ہمتا کہ بالکل ترقیات پر محک پڑی ہیں اور
کتاب سنت سے علیحدہ جا کر ملا علی قاری وغنی نے دیباچہ حزب الاعظم میں اربعین آہی و دعا
قدح وغیرہ سے منع کیا ہے اور محمد بن علی افندی نے کتاب خزینۃ الاسرار ہی غرض سے لکھی ہے کہ لوگ جو
طرف تلاوت قرآن و اوراد حدیث کو ہوں اور ترقیات مشائخ میں نہ چسپیں بلکہ ہر مدعی بنی و دنیا
اور قضاء و حاجت صوری و معنوی کے اور قرآن و حدیث ہی کا استعمال کریں و باسد النوفق۔

ختم صحیح بخاری برائے دفع جملہ نوازل

اس کتاب مبارک کا ختم کرنا واسطے شفا و بہار و حفظ آفات و حوادث زمان کے بطور رقیہ
جائز ہے اس میں کسی شخص کا خلاف منجملہ اہل علم کے معلوم نہیں ہے بلکہ منہج اسکی قراءت و ختم کی
واسطے رفع آفات و حصول سلامت کی موجب ہے و لہذا جب یہ کتاب تالیف ہوئی ہے ہر قرن میں
اہل علم فرما سادہ و سکر توسل کیا ہے اور کس طرح نہ کرتے کہ بعد کتاب اللہ کی یہ کتاب اصح کتب اسلام ہے روئے
زمین پر اسکا فادی و توسل و معتقد و عامل ہر خیر و برکت کے لائق ہے اور جو شخص اس نعمت سے حرمان
ہے وہ غیر کثیر سے محروم ہے شیخ عبداللہ بن ابی جبرہ نے کہا ہے ایک جماعت اہل عرفان جنسی معنی ملاقات
لی اوں سب نے مجھے یہ بات کہی کہ ان صحیح البخاری ماقری نے شہداء فرست دیا کہ یہ قوم
الانجا قالو کان عجاہ بالدعوق قد د عاھاریہ اور حافظ ابن کثیر نے کہا کہ کتاب

الصیغہ یستقی بقراءۃ الغامر واجمع علی قبولہ وصحۃ ما فیہ اهل الاسرار ذکرہ الفسطلا فی
 شرح البخاری اور شیخ عبد الحق دہلوی فی اشقۃ اللغات میں لکھا ہی کہ بسیاری از شائخ و علما و نقاش
 صحیح بخاری را از برای حصول مرادات و کفایت ہمت و قضای حاجات و دفع بلیات و کشف
 کربات و صحت امراض و شفاء مرضی و نزو مضائق و شدائد خواندہ فائدہ مراد ایشان حاصل شدہ
 و بمقصور و خود رسیدہ اند و وجہ کالتیاق مجربا و قد بلغ هذا المعنی عند علماء الحديث مرتبہ
 والاستفاضة انتہی بمعناہ اور سید جمال الدین محدث فی اپنے استاد سید اہل الدین سی حکایت
 کی ہے کہ انہوں نے کہا ہی قرأت صحیح البخاری نحو عشرين ومائة مرة فی الوقائع والمهمات لنفسی
 وللناس الاخرین فباي نية قرأتہ حصل المقصود وكفى المطلوب انتہی بالجملہ نفع اس کتاب
 کی قراءت کا تجزیہ علماء محدثین و اہل معرفت و فقہ میں درجہ شہرت و توارث کو پہنچ چکا ہی اس
 حد تک کہ جبکہ انکار نہیں ہو سکتا یہ وہ کتاب مبارک ہی جسکو رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ
 سلم نے منام ابو زید مروزی میں در بیان رکن و مقام کے اپنی کتاب فرمایا حکما الفسطلا فی
 بسند صحیح انتہی ملخصا من کتاب ہدایۃ السائل الی دلۃ السائل آخرت سلم بحری میں بمقام صبر
 ایک شخص نے حلف کا ذب ساتھ صحیح بخاری کے مجملہ قضا میں کیا تھا اسی دن وہ مر گیا یہ خبر صاحب
 جواب نے بتیہ ماہ و سال پہنچ جواب کی تھی صیغہ قرآن شریف کے قیس باری ہیں اسطرح اہل علم
 نے صحیح بخاری کو بھی تیس پارے پر تقسیم کیا ہے تو جس قاعدے کی ختم قرآن شریف کا سات دن
 میں کیا جاتا ہے یائین دن میں یائین دن میں اسطرح بقضای حال و وقت اس کتاب کا ختم ہی
 کرنا چاہیے مینے کسی کتاب میں صراحت ترکیب ختم کی نہیں پائی نقطہ یہ پایا کہ اس کا ختم کد او کد انفع
 ہی ہر حال با وضو ہو کر ہر طرف قبلے کے کر کے ساتھ خشوع و خضوع و حضور دل کی خود پڑی یا کسی اور
 کو حکم دے خواہ ایک شخص ختم کرے یا ایک جماعت پڑھے نسا سکا متیقن ہے ولینا

برائے درود

شرانیؒ کی طہقات کبریٰ میں بذیل ترجمہ احمد بن ابی الحواری رضی اللہ عنہ نقل کیا ہے
وكان يقول علمني الحضر عليه السلام رقية للرجع فقال خا صابك وجمع فضع يدك
على الموضع وقل بالحق ما نزلناه وبالحق نزل فلم ازل اقولها على الرجع فيذهب ليحتقن

برای رد گم شدہ

شرانیؒ نے کتاب طہقات میں بذیل ترجمہ محمد بن ابراہیم زجاجیؒ لکھا ہے وکان يقول ما
جربناه لرد الضالة اللهم يا جامع الناس ليوم لا ريب فيه اجمع بيني وبين ضالتي وھيہ قبلہ
سورۃ النحل ثلاثا قال وقد وقع مني فصر في دجلة فدعوت به فوجدت الفص في مطاوعة
كنت اتصفحها انتھی یہ دونوں اعمال در سرور و ضالہ میری کتاب خیر الخیرہ میں بھی مذکور ہیں

برای دیدن رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در خواب

جو شخص سورہ کوثر کو شب جمعہ میں ہزار بار پڑھ کر حضرت پروردگارؐ بھیگا وہ حضرت کو خواب
میں دیکھیکا خزینۃ الاسرار میں کہا ہے وانا لجرینہا بهذه الصیغۃ وھی اللھم صل علی سیدنا محمد و
علی آل سیدنا محمد بعد دکل معلوم لک وکثیر من الاخوان جربوا سورۃ الکوثر بهذه الصلوۃ
فأوہ فی المنام اور بعض مشائخؒ نے کہا ہے جو شخص نصف شب جمعہ کو سورہ قریش ہزار بار پڑھ کر با وضو
سو یگا وہ حضرت کو خواب میں دیکھیکا اور اسکا ہر مقصود حاصل ہوگا اسکو مجرب عظیم کہا ہے صاحب
خزینۃ الاسرار نے اپنا و کہنا حضرت کو اسلئے نقل کیا ہے اور کہا ہے بعض لوگ جو حضرت کو ساتھ نقصان شایانہ
کو دیکھتی ہیں یہ مراجعہ طرف حال رائی کی کہ واستقامت میں تغیر الحال ہوتا ہے کیونکہ حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم شرف آریہ

صلوۃ تبخینا

شیخ اکبرؒ نے اس صفحہ درود کو ایک کثر کنوز عرش سے بتایا ہے اور کہا ہے کہ جو شخص اسکو جو قلیل میں پڑھ

پڑھنا اسکی حاجت دنیاوی و دینی بہت جلد درجہ اجابت کو پہنچا دیتی ہے برق خاٹت ہے
 درود تریاق حبیب و الہام عظیم ہر امام بونی و محمد بن سلیمان جزولی صاحب دلائل الخیرات فی اسکے
 اسرار و منافع بہت بیان کی ہیں مولوی قطب الدین دہلوی کو اجازت اس صیفہ کی یوں ہتی کہ
 ہر روز ستر بار و اعلیٰ قضا و حاج کے پڑھے انھوں نے اجازت اسکی عام دی ہے صیفہ اس صلوٰۃ کا ہے
 اللہ صل علی سیدنا محمد صلوٰۃ تجنیبنا ہا من جمیع الاہوال و الافات و تقضی لنا ہا جمیع الحاجات
 و قتلہا نا ہا من جمیع السیئات و ترضانا ہا علی الدرجات و تبلغنا ہا اقصى الغایات من جمیع
 الخیرات فی الحیاء و بعد المائۃ اتھی بعض شائع نے کہا ہے جو کوئی اس درود شریف کو شب جمعہ
 میں ہزار بار پڑھگا وہ حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کو خواب میں دیکھگا اور اسکی ساری حاجت پوری ہوگی
 بعض کا لفظ یہ ہے من قرأ هذه الصلوة الف مرة فرح الله به و بلیتہ بیدرکہ انجیل علی اللہ علیہ السلام
 و سلم لفظ نبینا تخفیف و تشدید دونوں طرح پر مروی ہے قرآن پاک میں بھی یہ مادہ مذکور دعا یونس
 علیہ السلام دونوں باب سے آیا ہے و نبینا من الغم و کذا انجی المؤمنین واللہ اعلم

صلوٰۃ تفریحیہ قرطبیہ

اسکو بخار بصلوٰۃ ناریہ کہتی ہیں اسلیے کہ جب یہ درود ایک مجلس میں تحصیل مطلوب یا دفع مریض
 کے بعد ۴۴۴۴ پڑی جاتی ہے تو وہ مقصد سرعت میں شانہ کے حاصل ہوتا ہے و لہذا اسکو
 اہل سرار مفتاح الکفر الحیط النیل مراد العید کہتی ہیں حافظ ابن حجر عسقلانی نے خواص اس عدد
 کے ذکر کیے ہیں اور کہا ہے اکبیر فی سبب التائید مراد اس عدد کی چار ہزار چار سو چوبیس بار پڑھنا
 صیفہ اس درود کا ہے اللہ صل صلوٰۃ کاملہ و سلم سلاما ناما علی سیدنا محمد خلی العقد
 و تنفج بہ الكرب و تقضی بنا الحوائج و تنال بہ الرغائب و حسن الخواتم و یتقی الغمام
 و یجیب الدعاء علی الہ و صحبہ فی کل لمحۃ و قمر مدد کل معلوم ملک قرطبی نے کہا ہے بخیر

اس درود کو ہر روز اکتالیس بار یا سو بار یا زیادہ بار پڑھا کر گا اس کی ہر قسم و غم کی تفریح اور
 ہر کرب و ضرر کا کشف کر دے گا اور اس کا کام آسان اور اس کا حال چھا اور اس کا رزق وسیع
 ہو جائیگا ابواب حسنات و خیرات کے اس پر مفتوح ہو جائیگے حوادث و ہر دشمنیات جمع و فتر
 سے ان میں رہیگا اس کی محبت کو گوئیے دل میں ہوگی وہ جو چیز اس کی مانگیگا وہ ملے گی انتہی شیخ
 محمد تونسلی کہتے ہیں جو شخص اس درود کو ہر روز گیارہ بار پڑھے گا گویا آسمان سے اس پر رزق اترا
 ہے زمین سے رزق اگتا ہی امام و پیوری نے کہا ہر روز گیارہ بار پڑھنے سے مراد اب علیہ و دولت
 غنیہ حاصل ہوگی اور اگر تین سو تیرہ بار واسطے کشف اسرار کے پڑھے گا تو مراد سے زیادہ دیکھے گا اور
 اگر ہر روز سو بار پڑھا کرے گا تو غرض کو فوق المراد پائیگا فائدہ صیغہ درود دہی ماثورہ کے قریب
 تیس کے ہیں جنکو مع سند کتاب نزل لا برائیں لکھا گیا ہے اہل تفسیر و حدیث نے کہا ہی کہ صلوٰۃ
 و سلام آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم پر افضل عبارات و حسن حالات و اعظم قربات و اشرف
 مقامات ہی ادب درود شریف کا یہی کہ اسمیں نام پاک اللہ اور اسم مبارک محمد اور لفظ آل
 و اصحاب ہو ایک درود و سلام کا مکرر پڑھنا ذکر صلوات مستعدہ سے افضل ہی بعض خواص نے
 کہا ہر خذ حواقل الفا و ثمان صلوٰۃ میں لفظ صلوٰۃ و سلام معاذ کرری اور واسطی تفسیر ثواب کے
 اسم عدد وہی ذکر کرری بطرح حدیث میں دربارہ تسبیح و غیرہ آیا ہے سبحان اللہ عدد کذا و ثمان کذا یہ سب
 آداب صلوٰۃ ناریہ میں محمد تعالیٰ موجود ہیں غرض کہ بعد تلاوت قرآن و ذکر خدا کی کوئی وظیفہ و دعا بہتر درود شریف
 سے نہیں ہے اس مسئلے کا بیان جیسا کتاب نزل لا برائیں ہی وہاں کسی دوسری کتاب میں نہیں ہے

برای کشف وقایع آئندہ

قول جبیل میں لکھا ہی بعض مشائخ نے کہا جبکہ اپنے تجربہ کیا ہی وقایع آئندہ کو کشف ہونی پر شبیک
 شبیک وہ یہ کہ طالب غلوٰت میں اھٹکات کرے اور نہا کر اپنا اچھا لباس پہننا اور خوشبو لگنا

بیٹھے اور ایک کھلا صحف اپنے داہنی طرف اور ایسا ہی ایک بائیں طرف اور اس طرح ایک اپنے
 سامنے اور ایک اپنے پیچھے رکھو پھر اس کی کوشش تمام یہ دعا کری کہ فلاں واقعہ کو اس پر ظاہر فرما
 پھر اسم ذات کا ذکر شروع کری بے آنکھ بند کیے۔ تو ایک بار دہرائے مصحف پر ضرب لگائی اور ایک بار
 بائیں پر اور ایک بار پیچھے اور ایک بار سامنے یہاں تک کہ اپنی دل میں کشائش و نور کو پائی سیاست دن
 یا مانند اسکے اس عمل پر مداومت کری خلوت کے ساتھ تو البتہ اس پر کشف حال ہو گا شاہ ولی اللہ
 بعد اس کی فرمائی ہیں قلت هذا ما قيل وفي قلبي منه شيء لما فيه من اساءة الادب بالمصحف انتهى۔ ہو کو
 قلب الدین دہلوی مرحوم نے کہا ہے کہ حضرت مولف نے سچ فرمایا اس کی کیا حاجت ہی اصل مقصود تو
 استخارہ مسنونہ سے بھی حاصل ہوتا ہے انتہی میں کہتا ہوں یہ امر و اصل رسوم مشائخ ہی اس کی لے جہد
 کرنا کچھ نافع نہیں بلکہ مضری و لہذا حضرت شاہ صاحب نے وصیت نامہ میں فرمایا ہے کہ نسبت صورت
 غنیمت کبریٰ ست و رسوم ایشان بھیجی ارزدانہی پھر اسکے بعد کہا ہے کہ ہماری والدہ نے اسطی
 کشف و قائل کے یہ بات اختیار کی ہے کہ اس کا ذکر ان تین نام سے کرے یا علیم یا نبین یا خیر نام
 شروط مذکورہ باتشناہی وضع مصاحف انتہی اگرچہ یہ طریقہ طریق اول سے بہتری لکن البصباح بخیر البصباح
 ہلو کچھ ضرور نہیں ہے کہ ہم سنت صحیحہ مامور ہوا کہ دوبارہ استخارہ مافورہ ترک کر کے دوسرے طریقہ اختیار کریں

برای کشف ارواح

مشائخ قادر یہ نے کہا ہے جو طریقہ واسطے کشف ارواح کی ہمارا مجرب ہے وہ یہ ہے کہ ہمراہ خلوت و
 لباس پاک و غسل و خوشبو کے مصلے پر بیٹھو داہنی طرف سجود کی ضرب لگائے اور بائیں طرف
 قدوس کی اور آسمان میں رب الملائکہ کی اور دل میں والروح کی انتہی

برای حصول امر شکل

اسرہ منہ نخلہ کے حاصل کرنے کے واسطے شروط مذکورہ کے ساتھ یہ طریقہ ہے کہ تعبد کی نماز پڑھے

جب قدر اسکی واسطے معذرت ہو پھر وہی طرف یا حتیٰ کی ضرب لگائی اور بائیں طرف یا و باپ کی اس طرح تیار کر دی

برای الشرح خاطر و دفع بلا

بلاؤں کو دور کرنے کا یہ طریقہ ہے کہ اسد کی ضرب دل میں لگائی اور لا الہ الا ہوں کی اس طرح ضرب لگائی اس طرح نفی و اثبات میں بیان کیا گیا ہے اور اطمینان کی ضرب و آہنی طرف و البتہ کی ضرب بائیں طرف لگائی

برای شفا ی مرض و غیرہ

جب اسد سے دعا کرنے کا ارادہ کرے بیمار کی شفا کا یا دفع کر شکی کا یا کشائش مدد ق کا یا منطوبی دشمن کا تو اسم الہی موافق اپنی حاجت کی اسما حسنیٰ میں سے لیکر اس نام کو دو ضرب یا تین ضرب یا چار ضرب کی ساتھ ذکر کری مثلاً یوں کہی یا شافی او یا صمد او یا رزق او یا مدد الی غیرہ

ربط قلب بشیخ

شیخ چشتیہ نے فرمایا ہے کہ رکن اعظم دل کا نام اور گانٹھنا ہی مرشد کے ساتھ محبت و تعظیم کی صفت پر اور اسکی صورت کا ملاحظہ کرنا شاہ ولی اسد صاحب اکبری بن قلن فیہ تعالیٰ مظاہر کثیرۃ فہا من عابد غیا کان او ذکیا الا وقد ظہر بخداۃ صار معبود الہ فی مرتبہ و لهذا السرنزل المشرع باستقبال القبلة والاستواء علی العرش قال صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم اذا صلی احدکم فلا یصنع قبل وجہہ فان اللہ تعالیٰ بینہ و بین قبلتہ و سأل جاریۃ سوحاء فقال بن اللہ فاشارت الی السماء فساألہا من انا فاشارت باجمعہا تعنی اللہ ارسلک فقال ہی مومنۃ فلا علیک ان لا تتوجہ الا الی اللہ ولا تربط قلبک الا بہ و لو بالتوجہ الی العرش و تصور النور الذی وضعہ علیہ و ہوا زہرا لون کمثل لون القمر و بالتوجہ الی القبلة کما اشار الیہ النبی صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فیکون کامل مراقبۃ لهذا الحدیث اتفق علی عبارات مبارک و دلیل واضح ہے اس بات پر کہ تصور شیخ وقت عبادت اور ربط قلب بشیخ ایک طرح کا شرک خفی ہے اور اس عبارت

میں یہ ارشاد کیا ہی کہ عبارت میں کوئی شی ہی سوا اللہ واحد کی قبلہ توجہ نہ خواہ نور عرش ہوا
اور کچھ میں کہتا ہوں آیہ فضل کان یرجو لقاء ربہ فلیعل عیلا صالحا ولا یشراک یعبادا ربہ جدا
بشارتہ افضل نافی وناہی ہے تصویر شیخی و لیکن اکثر لوگ یہ بات نہیں جانتے ہیں۔

برائے کشف قبور و استفادہ بدان

مشائخ چشتیہ نے فرمایا ہے کہ جب قبرستان میں جای سورہ انا فقنا دور رکعت میں پڑھی پھر سانس
میت کے ہو کر قبلہ کو پشت دیکر بیٹھے پھر سورہ ملک پڑھے اور اللہ اکبر و لا الہ الا اللہ کہی اور گیارہ
بار سورہ فاتحہ پڑھے پھر میت سی ڈب ہو جا پھر کہے یا رب یا رب اکسین یا رب کہے یا روح اور اسکو
آسمان میں ضرب کری اور یا روح الروح کی ضرب ل میں لگائی ہی تاکہ کہ کٹائش و نور پائے پھر
منظر رہے اوسکا جبکہ فیضان صاحب قبری ہوا اسکے دل پر اتنی سیہ طریقہ قول جمیل میں ذکر کیا
ہے لکن اس پر کچھ تکلم نہیں کیا ظاہر عبارت اس امر کو مفید ہے کہ یہ کشف قبور اہل نہیں ہے کہ حال نعیم و
غذاب میت کا معلوم کرنا منظوری بلکہ واسطے فیض لینے کے میت صالح سی ہی سو ہر خد ایک عمت
کثیر شایخ کا اس پر اتفاق ہے اور وہ اپنا تجربہ بتاتے ہیں لکن اولہ شرع سی اسکا رائج تک نہیں ملتا
بلکہ سنت صحیحہ سی خلاف اسکی ثابت ہوتا ہی حدیث ابو ہریرہ میں فرمایا ہے اذا مات الانسان
انقطع عنه عمل الا من ثلثة الامن صدقہ جاریۃ او علم ینتفع بہ او ولد صالح یدعولہ رفاہ علم
ہیں جبکہ نص قطعی سے ثابت ہو چکا کہ بعد موت کی عمل منقطع ہو جاتا ہی تو افادہ و افادہ بھی یقین
نہیں ہو سکتا اہلی کہ یہ عمدہ عمل ہی اور تین چیزیں جنکا استثناء کیا ہی وہ عمل خارجی میت کا ہی نہ
عمل قلب اور اس بات سی کہ تعلق روح کا اپنی مدفن سی رہتا ہی گو روح اپنی مقر میں ہو یہ بات لازم
نہیں آتی ہے کہ وہ اتنے تعلق کی وجہ سی عامل و مفید ہو بلکہ وہ تو اپنے کسی حال کی اطلاع تک ہی
ایسا کہ نہیں کر سکتی پھر فیض سانی کا کیا ذکر ہے۔ حدیث ابن عباس میں آیا ہی کہ حضرت زنی انبی صحا

سے فرمایا ہے تمہارے بھائی جب دن احد کی شہید ہوئے تو اس قدر اعلیٰ رو میں جوف میں سبز
 پرندوں کے رکھیں وہ پرندے انہما جنت پر آکر جنت کی سیوی کہاؤں میں سونے کی قدیوں میں
 جو عرش کے نیچے لنگتی ہیں زیر سایہ عرش جگہ پڑتی ہیں انھوں نے جب مزد کہا نے پیئے کا پایا
 اور خواجگاہ پاکیزہ پائی تو کہا من یبلغ اخواننا عنا انا احياء فی الجنة لئلا یزهدوا فی الجنة ولا
 ینکلو عند المحرب اللہ تعالیٰ تو فرمایا انا ابلفہم عنکم فانزل اللہ تعالیٰ ولا تحبن الذین قتلوا
 فی سبیل اللہ امواتا بل احياء عند ربہم یرزقون سالا یہ سدا واہ ابو داؤد یہ حدیث نص صریح
 ہے اس بات پر کہ وہ باوجود اس ترقی درجہ و علو منصب کے اخبار سے اپنے حال کی عاجز رہی سلی
 کہ بعد موت کے عمل انتخاب بالکل منقطع ہو گیا تھا حالانکہ مرتبہ شہادت کا فوق مرتبہ ولایت ہی صبر
 ولی سی بعد موت کے فیض و فائدہ لینا اور انکا فیاض ہونا کس طرح ہو سکتا ہی اور اگر یہ بات
 ممکن ہی تو سب سے زیادہ حق ساتھ استفادہ و استفادہ کے ہمارے حضرت اور صحابہ میں کد انکی
 ارواح سی فیضیاب ہونا چاہیے اور اگر یہ استفادہ سبب کم باگمی و کم رنگی مستفید کی نہیں ہو سکتا
 ہے تو یہ بات خلاف واقع ہی حضرت و صحابہ کی حیات میں اہل کفر و منق حاضر ہو کر استفادہ کرتے
 تھے حالانکہ انکو مناسبت باطنی بالکل نہ تھی غرض کہ یہ دعویٰ مشائخ کا طریق شرع پر ثابت
 ہونا یا فعل قرون مشہور ہوا بالخیر اسکا پایا جانا یا سلف صلی اسکا نظیر صحیح مناسبت شکل ہے
 ہماری نزدیک ایسے مسائل و مکاشفات میں توقف کرنا سلوک سبیل سلامت ہی اور پگندرجحاکہ
 شاہ ولی اللہ محدث دہلوی رح نے ربط قلب بالشیخ اور تصور شیخ دونوں کد ناپسند کیا ہی اور
 خلاف ظاہر شریعت سمجھا ہی اور یہ تو اس سے بھی بڑی کربات ہے حالانکہ ساری مشائخ و قدما
 صوفیہ کا اس بات پر اتفاق ہے کہ طریقہ باطن مشید بہ کتاب و سنت ہی اور جو طریقت کہ خلاف
 شریعت کے ہو وہ مقبول نہیں واللہ اعلم

صلوة معکوس

قول عیل میں کہا ہے والیچشتیہ صلوة تسمی صلوة المعکوس لم یجد من السنن ولا اقوال الفقہاء
ما تشدہا بہ فلذلک حد فناها والعلہ عند اللہ تعالیٰ

صلوة کن فیکون

یہ نماز بھی نزدیک چشتیہ کے ہے اسکا یہ نام اسلیے رکھا ہے کہ مطلب برآری میں اسکی تاثیر
نہایت جلد اور قوی ہوتی ہے جسکو سخت حاجت پیش آئے وہ بڑھ جمعات جمعہ کی راتوں میں
دو رکعت ادا کرے پہلی رکعت میں فاتحہ یک بار اور قل ہو اللہ احد سو بار پڑھے اور دوسری رکعت
میں فاتحہ سو بار اور قل ہو اللہ ایک بار اور سو بار یوں کہی ای آسان کنندہ دشوار ہیا وای روشن
کنندہ تاریکیا پر سو بار استغفار اور سو بار درود پڑھے اور حضور دل سی دعا مانگی جب تیسری رات
ہوت بھی اسی طرح کرے پہر گپڑی یا ٹوپی کو سر سے اتاری اور اپنی آستین کو اپنی گردن میں
ڈالے اور روئے اور اللہ سے پچاس بار دعا مانگے انشاء اللہ تعالیٰ ضرور اسکی دعا قبول ہوگی
انتہی ثانی القول لجیل۔ آستین کا گردن میں ڈالنا مثل تحویل روار کے نماز استقامت میں سمجھا گیا
ہے مطلب انظار تضرع اور انشاء گردش حال ہی پس بس لکن سنت صحیحہ اس نماز سے ساکت ہی اور
بظاہر اس نماز میں کوئی فعل نا مشروع پایا نہیں جاتا بلکہ ایک مجموعہ ہے اعمال متفرقہ ذکر و
دعا کا جنکی اصل سنت میں موجود ہے واللہ اعلم

برای سلب مرض

بیماری کا دور کر دینا یوں ہوتا ہے کہ مرد صاحب نسبت اپنی ذات کو بیمار خیال کری اور جانے کہ
یہ بیماری مجھ میں ہی اور اس پرست کو جمع کرے اس طرح پر کہ اسکے دل میں کوئی خطرہ نہ آئے
سو اس تصور کے تو مریض کی بیماری اس شخص کی طرف آجائگی اور وہ اچھا ہو جائیگا قول جلیل

میں کہا ہے وہذا من عجائب صنع الله فخلقته انتی مولانا عبد العزیز دہلوی نے کہا کہ سلب
مرض کے دو طریقے ہیں ایک یہ ہے کہ جب کوئی شخص بیمار ہو یا کوئی گناہ میں مبتلا ہو صاحب
و مشورہ اور دو رکعت نماز پڑھے اور خدا کی طرف بے خشوع دل متوجہ ہو اور زبان سے یہ کہے
یا من یحب المصطر اذا دعاہ و یكشف السوء اور اس مناجات و تضرع کی در بیان میں کہو
کہ شخص مذکور کی بیماری یا ابتلائی معصیت زائل ہو جائے اور دوسرے طریقہ وہی جو حضرت
نے ارشاد کیا ہے انتی مرزا ظہر جان نے فرمایا ہے قاعدہ سلب است کہ تصور نماید کہ با
نفس کہ اندرون سیر و عوارض جسمانی شخص از قالب اومی برآید و کشیدہ می شود و ہنسی کہ
بیرون می آید تصور نماید کہ آن عوارض محمودہ جسمانی بروی زمیں می افتد و از اندرون سلب
گفتہ بیرون می آید صاحب سلب تاثر و متاثری نہ گردد و در پیش رو تائید بقدر
یا قصد نفس سلب مرض باید کرد انتی یہ ترکیب واری ہر دو ترکیب مذکور ہے

برای اشرف بر خواطر

دل کی باتوں کے دریافت کرنے کا یہ طریقہ ہے کہ اپنی ذات کو ہر بات اور ہر خطرے سے خالی
کر کے اپنے نفس کو اس شخص کے نفس تک پہنچائے پھر اگر اس کے دل میں کچھ کھٹکے اور کوئی
بات معلوم ہو بطریق انعکاس تو یہ وہی بات اس کی دل کی ہی کھڈائی القول الجلیل اس کی بعد قول جلیل
میں طریقہ کشف و قانع آئندہ کا طریقہ مشائخ پر لکھا ہے کہ بذریعہ ہاتف یا واقعہ فی البقظہ یا
روای فی المنام کے ہوتا ہے ہر طریقہ دفع بلائی نازل کا بیان کیا ہے صاحب ضرورت طرق کتاب
مذکور کی رجوع کری تنبیہ میناس رسالے میں انہیں اعمال کو ضبط کیا ہے جو نہایت صحت قبول
و شہرت کے ساتھ ماثر میں اور اکثر اعمال کی بنیاد آیات کتاب یا احادیث رسول اعلیٰ
علیہ وآلہ وسلم پر ہے اور وہ اعمال جو مشائخ طریقت سے منقول و مہمول بہا میں انہیں سے خود اعمال

صحیح و مجرب کو اخذ کر کے لکھا ہے اور جن اعمال کو ترک کر دیا ہے اس وجہ سے کہ انہیں طول عمل تھا
یا مجرب ہونا انکا معلوم نہیں ہے یا صورت شرعی سے بعد پایا جاتا تھا وہ بے گنتی ہیں
اگر جملہ راسخین انشا کند مگر دفترے دیگر املاکت

ان اعمال کے بجالانے میں وجود اثر کا اسی وقت متحقق ہو سکتا ہے کہ عامل متقی اور معمول
مستعد ہو جن اشخاص اہل علم و مشائخ طریقت سے یہ اعمال ماثور ہیں وہ سب اہل تقویٰ اور حساب
نسبت ہی ہی وجہ ہے کہ ان کا عمل تخلف نہ کرتا تھا اب جو اہل فسق ان اعمال کو ساتھ قلب غافل
اور غالب عاقل کے کرتے ہیں تو اثر کامل نہیں پاتی اور کبھی بالکل اثر نہیں پاتی اسلیں خیال
کرتے ہیں کہ یہ اعمال مؤثر نہیں ہیں حالانکہ یہ مقصور اعمال کا نہیں ہے بلکہ اعمال کا ہی عمل کو محل
قابل تاثیر نہیں آتا اثر ظاہر ہو تو کس طرح ہو قرآن پاک کی حق میں جو فرمایا ہے یصل بہ کثیرا
اسکی وجہ ہی یہی ہے کہ محل ناقابل میں نفع ظاہر نہیں ہوتا ورنہ قرآن شفاء بعض ہی بلکہ اس
آیت سے یہ بھی ثابت ہوتا ہے کہ اہل ضلالت کثرت سے ہیں اسی طرح حال ہر دعائی نافع کا ہے
کہ کثرت فسق کی وجہ سے اسکی تاثیر ظاہر نہیں ہوتی واللہ اعلم

فصل بیان میں اعمال حیاتہ الحیوان کے

طبرانی نے معجم اوسط میں باسناد صحیح ابی مزنیہ داری سے روایت کیا ہے کہ دو مرد صحابہ نبی
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم سے جب ملاقات کرتے تو جہانہ ہوتی یہاں تک کہ ایک دوسری پر والعصر ان انسان ہوتے

برای انجام حاجت

شیخ شہاب الدین احمد بونی نے کتاب سلاسل میں ابن عمر سے نقل کیا ہے کہ جس کسی کو کوئی حاجت
ہو وہ چار شنبہ بخشینے و جمعہ کو روزہ رکھی پر جمعے کے دن طہارت کر کے مسجد جامع میں جائے اور
کہے اللھم انی اسألك باسمک بسم اللھ الرحمن الرحیم الذی لا الھ الا هو عالم الغیب والشھادۃ

هو الرحمن الرحيم واسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم الذي لا اله الا هو الحي القيوم
 لا تأخذه سنة ولا نوم الذي ملأت عطشه السموات والارض واسألك باسمك بسم الله
 الرحمن الرحيم الذي لا اله الا هو غنيتك الوجوه وخنثت له الابصار ووجلت القلوب
 خشيتك ان تصلي على محمد وعلى آل محمد وان تعطيني مسئلتی وتقض حاجتی برحمتك يا
 ارحم الراحمين اور بعد لفظ حاجتی کے نام حاجت کالی وهو سر لطیف محمد بن یحییٰ بن کثیر ہوں کہ
 یہ ذکر شغل ہے اکثر الفاظ اسم اعظم پر

برای حصول قوت بر طاعت و روت نبوی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

جو شخص بعد نماز جمعہ کے مہارت کامل پر محمد رسول اللہ احمد رسول اللہ ۳۵ بار لکھ کر اپنی ہر
 رکعت لکھا اللہ اسکو طاعت پر قوت اور برکت پر مہوت دے گا اور نہرات شیطین سے کفایت
 کرے گا اور اگر وہ ہر دن وقت طلوع آفتاب کے بحالت درود خوانی اس بطاقت میں مدام نظر
 کیا کرے گا تو حضرت کو کثرت سے خواب میں دیکھے گا و مؤثر لطیف تجربہ

برای نجات روز قیامت دحیات قلب

امام احمد نے رب العزت کو ۹۹ بار خواب میں دیکھا کہا اگر بار صد مہر دیکھو گا تو کچھ سوال
 کروں گا۔ دیکھا تو پوچھا کہ ای رب لوگ دن قیامت کو سب کس چیز کے نجات پائیں گے فرمایا شخص
 ہر یکہ و عشی کو تین بار یہ ذکر کرے گا وہ ناجی ہو گا سبحان الابدی سبحان الواحد الاحد
 سبحان الفرد الصمد سبحان من رفع السماء بغیر عمد سبحان من سجد الارض علی ملء جہ سبحانہ
 لم یجد صاحبۃ ولا ولد سبحانہ لم یلد ولم یولد ولم یکن لہ کفو احد پھر امام احمد نے کہا کہ جو شخص
 ہر دن در بیان نماز فجر و صبح کے چالیس بار یا حی یا قیوم یا بدیع السموات والارض یا خالق الجلال
 والاکرام یا الہ الا انت اسألك ان تعفی قلبی بنور معرفتک یا ارحم الراحمين کہے گا اللہ اسکو دل کو

زندہ کر گنا جسدن کہ دل میرنگی انتی میں کتابوں یہ الفاظ بھی مثل ہیں سامی عظام پر وند اللہ

برای حفظ ایمان تا قیامت

ابن عمر سے رفعاً مروی ہے کہ جو کوئی یہ چاہے کہ اسکا ایمان محفوظ رہے تا قیامت وہ ہر دن بعد سنت مغرب کے قبل تکلم دو رکعت پڑھے ہر رکعت میں بعد فاتحہ کی اخلاص چھ بار اور معوذتین ایک ایک بار پڑھے پھر سلام پیری اللہ تعالیٰ اس پر ایمان کو محفوظ رکھیں گے یہاں تک کہ وہ دن قیامت کے ایمان کے ساتھ اپنے رب کے پاس آئیگا راوی نے کہا وہندہ فائدۃ عظیمۃ غنیۃ کذا فی البستان و ذکرہ النفی بسند طویل لکن اتنا زیادہ کیا ہی کہ انا از لاناہ فی لیلۃ القدر قبل اخلاص کے پڑھے اور بعد سلام کے ۲۵ بار تسبیح کرے یعنی سبحان اللہ کی پیر یہ دعا مانگی اللہ انت العالم بارت بھاتین الرکتین اللہم اجعلہا لی ذخرا یوم لقائک اللہم احفظہما دینی فی حیاتی و عند مماتی و بعد وفاتی اللہم اسکو سلب ایمان سی من میں رکھیں گے وہندہ فائدۃ عظیمۃ من اعظم المحصنات

اسم اعظم

ایک مرد نے صلی اللہ علیہ وسلم میں سے جو صاحب ابراہیم ادہم تھا انسی کہا کہ مجھی اسم اعظم سکھا دو کہ جب میں ساتھ اسکی دعا کروں قبول ہو جو کچھ مانگوں وہ مجھی ملے فرمایا ان کلمات کو صبح و شام کہا کر انکے کہنے سے خائف ہن میں ہوتا ہے سائل کو اسکا مسئلہ ملتا ہی یا من لا وجہ لا یبطل و نور لا یطفئ و اسم لا ینفد و باب لا یغل و ستر لا یهتک و ملک لا یفنی اسمک و اتوسل الیک بجاہ محمد صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم ان تقضی حاجتی و تعطینی مسئلتی بعض علمائی کہا ہی اسم اعظم دعائی یونس علیہ السلام اور یہ کلمات میں اللہم انی اسألك بانی اشهد انک انت اللہ الاحد اللہم انی اسألك بانک الحمد لا الہ الا انت الخنان الذان ید بع السموات و الارض یا ذا الجلال و الاکرام سامی یا قیوم انتی میں کتابوں یہ کلمات حدیث بریدہ میں رفعاً آئی ہیں اسکو اہل سنن

اربع کی روایت کیا ہے مگر احادیث کا کثرت اور اس الجنتہ میں مہنی بیان اسکا
 بسط سی لکھا ہے یقیناً اسم اعظم میں ۴۰ قول ہیں راجح تر از روی سند کے یہی حدیث ہے
 قال الحافظ ابن حجر امام نووی کی پوجا تھا کہ اسم اعظم کیا ہے اور کس سورت میں ہے کہا اس
 بارے میں احادیث کثیرہ آئے ہیں ابن ماجہ وغیرہ میں ابوامامہ سی رقمہ روایت ہے کہ اسم اعظم
 تین سو میں ہے سورہ بقرہ و آل عمران و طہ بعض ائمہ متقدمین کہتے ہیں کہ لفظ اَللّٰہِ الْعَلِیُّ الْعَلِیُّمُ
 یہ بقرہ میں اندر آتے الکرسی کے آئی ہے اور اول آل عمران میں وارد ہے اور طہ کی سورت میں ہے
 وَعَمَّتِ الْوُجُوہُ لِلّٰہِ الْعَلِیُّمُ دسیری نے کہا و هذا استنباط حسن و اللہ اعلم انھیں میں کتابوں
 حافظ ابن العیثم نے بھی کتاب ہے ہی نبوی میں اسی کو اسم اعظم نہیں پایا ہے

برائے قضا و حاجت

ہمارے شیخ یا منی کہتے ہیں کہ یہ فائدہ مجرب و عظیم البرکت ہے واسطے تفریح ہم و غم کی اور ایک
 سر مخزون کمون ہے بعد نماز عشا کے طہارت کاملہ پر ایک ہی حلبہ میں اللہ کا نام لطیف
 چھ ہزار اور چھ سو ۴۶ بار پڑھے اور زیادت و نقص سی نہایت درجہ حذر کری کہ اس میں ابطال سر
 ہوتا ہے حلیہ اسکی شناخت کا یہ ہے کہ ایک تسبیح کی جسکا شمار ۱۲۹ ہی ہے اس پر اس نام کو ۱۲۹ بار پڑھے
 مقصود حاصل ہو جائیگا یہ طریق اقرب طرق ستقیمہ ہے واسطے معرفت عدد مذکور کے اسلی کہ شمار
 اسکی حروف کا چار حرف ہیں ل ط ی ف یہ سب ۱۲۹ ہوی جب انکو اسکی مثل میں ضرب دیا
 تو یہ پورے ہزار چھ سو ۴۶ بار ہو گئے اور اپنی حاجت کا نام لی و دانشاء اللہ تعالیٰ پوری ہو جائیگی لا الحاف
 اور ہر ایک سوانیس بار پڑیوں کو لا ند ذکہ الا بصار و هو یدرک الا بصار و هو اللطیف الخیر
 یہ ظالم پر بد دعا بھی ہے اور جالب خیر و رزق و برکت بھی ہے اسکو ہر نماز کے بعد سو بار کہی ہر کے
 اللہم لطیف بعبادہ یرزق من یشاء و هو القوی العزیز اور واسطی دفع کید ظلم کے یہں کہے

لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير اوجب قرات اسم مبارک تمام
 کر چکے تو یہ دعائے اللہ وسع علی رزق اللہ اعطف علی خلقک اللہم كما صنت دعوی
 عن السجود لغيرک فضنه عن ذل السؤال لغيرک برحمتک یا ارحم الراحمین شیخ ابو الحسن شاذلی
 نے فرمایا کہ مہتمکاً بهذه الصفات الحميدة تفرب سعادة الدارين لا تتخذ من الکافرين ولياً
 ولا من المؤمنين عدواً وارتحل بزدک من القوم في الدنيا وعد نفسك من الموتى وشهد
 لله بالوحدانية ورسوله بالرسالة وحسبك عمل صالح وان قل وقل امنت بالله وملكته
 وكتبه ورسله وقالوا سمعنا واطعنا غفر لک ربنا والیک المصير فمن کل مہتمکاً بهذه
 الصفات الحميدة ضمن الله له عز وجل اربعة في الدنيا الصدق في القول والاخلاص في العمل
 والرزق كالطير والوقاية من الشر واربعة في الآخرة المغفرة العظمى والقرية الزلفى و
 دخول جنة المأوى واللحوق بالدرجة العليا

برای صدق و رزق و سلامت و غیرہ

جو شخص چاہے کہ بھی صدق فی القول کی عادت پڑی وہ قرات انا انزلناه فی لیلۃ القدر پر
 مداومت کری اور اگر چاہے کہ رزق مثل باران کی برسی تو قرات قل اعوذ برب الفلق پر مداومت
 رکھی اور اگر شر مردم سے سلامت رہنا چاہے تو قل اعوذ برب الناس ہمیشہ پڑھا کری اور اگر حلب خیر
 و رزق و برکت کا خواہاں ہو تو اسپر مداومت کری بسم الله الرحمن الرحيم الملك الحق المبين
 هو نعم المولى ونعم النصير اور سورہ واقعہ و سورہ یس پڑھا کری رزق مثل باران کے آئیگا اور
 اگر یہ چاہے کہ اسد ہریم سے کشادگی اور حشر حق سے مخرج اور رزق بی گمان دی تو استغفار کو لازم
 پکڑی اور اگر یہ چاہے کہ خوف و فرع سے امن میں رہے تو یوں کہی اعوذ بکلمات اللہ التامات
 من غضبه وعقابه ومن شر عباده ومن هزات الشياطين وان يحضون اسکی بعد دسری

اللفظان اردت کذا فاعل کذا بہت سی اور اذکر کہیں جنکی اصل حدیث سی ثابت ہوا ان کا
 ذکر کرنا اس جگہ چند ان ضروری نہ تھا اگرچہ وہ سب واسطے فوائد دارین کے مفید ہیں

برای دخول بر سلطان جائز

جو شخص پاس بادشاہ کے جائے اور اس سے ڈرتا ہو تو یہ پڑھے الذین امنوا وعلیہم یوکل
 الذین قال یحیی الناس ان الناس قد جمعو لکم فاخوهم فزادہم ایمانا و قالوا حسنا
 و نعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من اللہ و فضل لم یسمہم سوء و اتبعوا رضوان اللہ و اللہ
 ذو فضل عظیم یہ پڑھنا واسطی اس کام کے مجرب ہی و شہ احمد

برای عدم جوع و عطش

و ام قراءت سورہ لایلاف واسطی اس کام کے مجرب ہی دوسری کہنی میں و قد جوب خلات مراد

برای تجارت

سورہ شمر کو لکھ کر موضع تجارت میں لٹکا دے بیع و شراکت ہونے لگے گی

برائے خوف تلف

سورہ قصص کو لکھ کر اس شخص پر لٹکا دینا جس پر خوف تلف کا ہے موجب ایمان ہی دوسری دیکھا و ہر

برائے درد

امام شافعی کہتے ہیں کہ میں بعض بنی امیہ کی ایک ڈبہ چاندی کا متقل بزر ملا اسکی اوپر لکھا تھا
 شفاء من علواء کے اندر یہ کلمات تھیں بسم اللہ الرحمن الرحیم و باللہ و لا حول و لا قوۃ الا باللہ
 لا علی العظیم اسکن ایھا الوج سکنتک بالذی میلک السماء ان تقع علی الارض الا باذنہ
 ان اللہ بالناس لو فندجیم بسم اللہ الرحمن الرحیم و باللہ و لا حول و لا قوۃ الا باللہ لا علی العظیم
 اسکن ایھا الوج سکنتک بالذی میلک الارض ان ترزق الارض الا بالتار اسکھا

من احد من بعد ان كان حليما غفورا شافعي كثر من فاحتجت معه الى طبيب قطباذن الله
تعالى فانه هو الشافي به دليل في اسررته امام صاحب في اسررته عمل فقط وجادت پر کیا انتظار اجازت کا ذریعہ

ایضا برائے صداع

ایک ورقہ سفید پر لکھ کر اس کو محل صداع پر چپکا دی باذن اسد در دوسر دور ہو جائیگا دوسری کتری

ہین ہو صحیح مجرب دمرہ جملہ

ایضا برائے صداع

ان حروف کو ایک چوب یا مکان پاک میں لکھ کر ایک سہارسی حرف اول کو سبک دے اور
یہ آیت پڑھی المر تر الى ربك كيف مده الظل ولو شاء لجعله ساكنا وله ما سكر في الليل والنهار
و هو السميع العليم اگر صداع نہ پھری تو پھر سہار کو خوب زور سی دے اس پر ہی نہ جای تو ایک حرف
سے طرف دوسری حرف کے نقل کری یہاں تک کہ صداع ساکن ہو ضرور ہی کہ کسی نہ کسی حرف
پر او کو سکون ہو جائیگا وہ حروف یہ ہیں ا ح ک ح ع ح ام ح او ح ہ سہار کی سیاسی
دوسری کہتے ہیں جرب ذلک مرارا و یجمعها قولک ۵

انی حملت الی کل کرمیۃ	حوراء عن حظ المتیم ما حنت
فاوائل الکلمات خما مقصدی	لصداع راس یا فنی قد جربت

فصل برائے رغبت در اوامر و نفرت از منہیات

شاہ عبدالغفریہ محدث دہلوی نے فرمایا یہی سبب گفتن لاحول ولا قوۃ الا باللہ و نفی اثبات کلمہ
توحید و ضرب آن بزل قلب شد و مد و خواندن سورہای معوذتین صبح و شام مفید این معنی است و اکثرا
این کلمہ مع معوذتین بعد از نماز صبح و مغرب یا زود یا زودہ بار برائے حفظ از مکارہ نفس و
المیس نافع ست

برای غفور جبرائیل و حسن عاقبت

آثار استغفار و ذکر کلمه طیبه و تلاوت آیه الکرسی بعد از نماز بسیار مناسب است.

برای سهل شدن سکرات موت

مداومت آیه الکرسی و سوره اخلاص و برای دفع عذاب قبر سوره تبارک بعد از نماز عشاء قبل از خفتن در حدیث آمده و همچنین خواندن سوره دخان مروی است

برای حفظ آبرو و حرمت

اسم یا عزیز چهل و یک بار خوانده بر روی خود دیدن وقت صبح و هر وقتی که اراده رفتن در حاکم باشد مجرب است

برای حفظ از حبس و آفات و مکر و هات دنیا

سی و سه آیت بعد از نماز شام باید خواند و اگر فرصت نباشد آیه الکرسی ده بار بوقت صبح و یا تحفیظ دو هزار بار بخواند حزب البحر درین باب مجرب است

برای دفع شر اعدای دنیوی

وقت بے وقت و بے قید طهارت و عدد و شرائط دیگر مداومت این دعا مجرب است و وقت خواندن این دعا صورت اعدا در خیال آورده سنگ بر سینه آنها بزنند بسیار مجرب است اللهم انا نجعلک فی نحورهم و نعوذ بک من شرهم و خواندن سوره تبت و سوره فیل برای دفع اعدای مجرب است

دعای اکرب

برای مشکلات و صعوبات دنیوی دعای اکرب بے طهارت و وضو و بے قید عدد و درین باب مجرب است و دعا این است لا اله الا الله الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب العرش العظیم اللهم انی اسألك موجبات رحمتک و عزائم مغفرتک والغنیمه من کل بر و السلامة من کل اثم لا تدع لی ذنباً الا غفرتہ و لا هملاً الا فرجتہ و لا حاجتاً

و من حوائج الدنیا و الآخرة الا قضیتہا یا ارحم الراحمین ہنوی من کتاب ہون یہ ذکر و دعا من حسین
 میں موجود ہے لکن قدرے تفادیت سے

درود برای وظیفہ دوام

درود باین صفت اگر ہر شب باشد والا شب جمعہ صدارت باد کرد اللہم علی سیدنا محمد
 النبی الامی و آلہ و بلوک وسلم و بہترین استغفار سید الاستغفار است در وقت خفتن اید خط معافی یا بد خدا

برای حفظ از آفات دارین

کتاب قوت القلوب میں سبعت عشر کو اس کام کے لیے لکھا ہے قبل طلوع و قبل غروب آفتاب
 کے اسکو پڑھنا چاہیے ہر ذکر کو سات بار پڑھے (۱) فاتحہ (۲) سورۃ ناس (۳) فلق (۴) اخلاص
 (۵) کافرون (۶) آیۃ الکرسی (۷) کلمۃ تجید (۸) یہ درود اللہم صل علی محمد عبدک و حبیبک
 نبیک و رسولک النبی الامی و علی آل محمد و بارک وسلم (۹) یا اللہم اغفر لجمع المومنین
 و المومنات و المسلمین و المسلمات لا حواء منهم و لا موت انک محیب الدعوات و رافع
 الدرجات یا قاضی الحاجات برحمتک یا ارحم الراحمین (۱۰) اللہم یا رب افعل لی و لعمی عاجلا
 و آجلا فی الدین و الدنیا و الآخرة افعل بنا ما انت اہلہ و لا تفعل بنا ما نحن لہ اہل انک
 غفور رحیم کریم ملک درود رحیم

نوع دیگر

سید جمال الدین بخاری فرماتے ہیں اگر فرصت نہ تو بجای سبعت عشر کی اس دعا کو سات
 بار ہر دن ایک بار مع سہلہ پڑھ کیا کری اللہم انت ربی و لا الہ الا انت رب العرش الکریم علیک
 و کلت و انت رب العرش العظیم و لا حول و لا قوۃ الا باللہ اعلیٰ العظیم ما شاء اللہ کان و ما
 لم یکن اشدن لا الہ الا اللہ اعلم ان اللہ علی کل شیء قدیر و ان اللہ قد احاط بكل

شیء معلوم و حصول کل شیء بعد داد اللہم انی اعوذ بک من شر نفسی ومن شر کل دابة انت اخذت
بناصیتہا ان ربی علی صراط مستقیم انتہی میں کتابوں کے یہ دعا حزب اعظم میں قسمی نفاذ کی ہو

فصل افعال کتاب نسخ الملک المجید للشیخ احمد الدیربی رحمۃ اللہ تعالیٰ

برای جلب ہر خیر و دفع ہر شر و ترویج بضاعت

بسم اللہ کا بعد و محروفت چل کبیر یعنی ۸۶ بار لگا تا چند روز تک پڑھا و اسطیٰ سورہ کورہ کی نافع و محصل

برای محبت و مودت

سبلہ کو ۸۶ بار پڑھ کر ایک آب پر دم کر کے چادی شارب کو محبت شدید ہو جائیگی

برای تحصیل زرع و حصول برکت

ایک ورقہ پر سو بار اور ایک بار بسم اللہ لکھ کر زرع میں افین کر دیں ہر ایک فالت سے محفوظ رہیں

برای زندگی اولاد

سب عورت کا بچہ زندہ نہ رہتا ہو وہ ایک سو ساٹھ بار بسم اللہ لکھ کر اپنے پاس رکھی انشاء اللہ
اسکی اولاد زندہ رہیگی و ربی کہتے ہیں وقد جرت لك و صرح واللہ علی کل شیء قدیر

برای ہلاک دشمن

اس جدول سبلہ کو ایک قطعہ برصاص پر لکھی اور بجای فلان کے نام دشمن کا رکھی چلتی
و تو ماحمست و دعوتی دیکھ کر قریب آگ کی دھن کر دی جو ہمیشہ طبعی رہتی ہو لکن آگ برصاص کو نہ
لگنے پائے ورنہ معمول لہ ہلاک ہو جائیگا اور عامل سامنے اللہ کی مٹا کر ہو گا سہرا اس کا

اوس دفن پر چڑھے اللہم انی اسألك باسمك الاعظم و هو بسم اللہ الرحمن الرحیم
عنتم لما الوجه خشت اللہ لاصوات و دبط من خشية القلوب ان تصل بصلی علی سیدنا

محمد و علی و صحبہ ان تقضی حاجتی فی فلان اللہ ان کنت تعلم انہ یرجع عما ہو فیہ فاعلہ
ووفقہ وان کنت تعلم انہ لا یرجع فانزل علیہ بلاءک و سخطک و غضبک و اہک کذا یا قاض
یا قہار یا قادر یا مقتدر یا اللہ اس عاکوسات بارز پر کوسات سو بار دعا کری ظالم ظلم سی باز آ
یا سر لیا ہلاک ہو جائیگا فاتق اللہ فی ذلک کذا ذکرہ البونی فی شمر المعارف الکبریٰ صورت وفق رسمہ

بسم	اللہ	الرحمن	الرحیم	فلان
اللہ	الرحمن	الرحیم	فلان	بسم
الرحمن	الرحیم	فلان	بسم	اللہ
الرحیم	فلان	بسم	اللہ	الرحمن
فلان	بسم	اللہ	الرحمن	الرحیم

دوسری ترکیب اسکی بونی نے کتاب الرقیم
میں یوں لکھی ہے کہ اسکو لوح رصاص پر
لکھ کر اور نام مطلوب وسط جدول میں رکھ کر
دن جمعہ کی جس ساعت میں چاہے نرم
آگ سی حلیت و لبان کا بخور کری آگ سے

علیہ رکھی ورنہ معمول لہلاک ہو جائیگا فاتق اللہ ایما الفاعل و اعلم ان العفو عظیم و سائل
زروق رحم نے بھی ترکیب اول کا ذکر شرح اسرار حسنی میں کیا ہے مگر الفاظ دعا کی قدری تفسیر
ہیں اور یہ کہا ہے کہ اس نقش کو گمین پر کندہ کر کے حلیت و زینخ سرخ سی دہونی دی و اللہ اعلم
اورد یہ لکھا ہے و یا اعلن الحق النار الخاتم فیه ملک فتعاسب بین یدی اللہ تعالیٰ

برای سوختن جن

آسیب زدہ کے کان میں سات بار اذان دی پھر فاتحہ الکتاب و معوذتین و آیۃ الکرسی و
سورہ صافات و آخر سورہ حشر و سورہ طہ و طہ پڑھے وہ آگ میں باذن خدا جل جلالہ و یرل
نے کہا مجرب صحیح معمول بہ مراد اللہ علی کل شیء و تدیرہ

برای حسن حال

غیر محرم کو فاتحہ تین سو بار پڑھے دعا کری اللہ یا محول الاحوال حول حال الی

احسن الاحوال بحوالہ وقتک یا عزیز امتعال و صلوات اللہ علیہ و علیٰ آلہ و صحبہ وسلم
وہ شخص اس سال ہرگز وہی محفوظ رہے گا جو بت وصحت و اللہ احمد ذکرہ ابوالیہ القطار عن الشیخ محمد

برای جای خوفناک

اگر کسی خوف کی جگہ میں ہو تو مع اپنے ہمراہیوں کے زمین پر بیٹھ بعض کی پشت پر
بعض کے پیچھے اور ہر ایک دائرہ سات بار آیت الکرسی پڑھتے ہوئے کہتے ہو یوں کہ
ولا یؤدہ حفظہما و هو العلیٰ العظیم و حفظا من کل شیطان مارد و حفظا لک
تقدیر العزیز العالیٰ و حفظا ہا من کل شیطان رجیم انا نحن نزلنا الذکر و انا الہ الحافظ
لہ معقبات من بین یدیه و من خلفہ یحفظونہ من امر اللہ اللہ حفیظ علیہم و ما انت علیہم
بوکیل ان کل نفس لما علیہا حافظ بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ فان تولوا فقل حسبی
لا الہ الا هو علیہ توکلت و هو رب العرش العظیم بہرین باریا حفیظ کہیہ یا حافظ اخطنا
اللہم احرسنا بعینک الی لا تنام و اکفنا بکفک الذی لا یموت بہرین باریا اللہ یا رب العالمین
کہکر خاموش ہو جائے اور سب ہمراہی خاموش رہیں اگر ایک امت ثقلین یا ربیعہ و مضر
داخل ہوگی تو بھی ان کو نہ دیکھیں اور نہ ضرورگی اور نہ ایذا پہنچائیں گی بلکہ اسراؤ کو اس سے
مخفی رکھیں گے و قد جرب ذلك مرارا و اللہ علی کل شیء قدير

برائے ہلاک عدو

اگر تیس کنکری لیکر ہر ایک کنکری پر ایک ایک بار سورہ تیس پڑھ کر ایک ایک کنکری کو ایک
مٹاک لطیف میں رکھ کر بہ نیت و نام معمول نماز جنازہ پڑھ کر منی سے توپ کی وہ جگہ ہلاک ہو جائے گا
ذکرہ الشیخ ابوالفضل بن یعقوب و قد جربہ القائل و صم عندہ
وہو ثقہ

برای محوم یعنی سپردہ

ایک ناگاکنان کا لیکر اوپر سے الم نشرح پڑھے ہر کات پر گرہ لگائے یہ نوگرہ ہوں بائیں ہاتھ پر محوم کے فوق کوع باندھ دے اس کے اذن سے جلد صحت یاب ہو جائیگا اور قد مجرب وضع

برای امن مکان

سورہ فیل کو ایک طرف خام گل قدیم سن لکھ کر اندر گھر وغیرہ کے دفن کر دی وہ موضع مابول پر لگایا جب تک کہ یہ طرف اس میں باقی ہے۔ وذلک مشہور و مجرب۔

برائے دفع دشمن

تاج مجرب الم نشرح رکعت اولیٰ میں اور سورہ فیل رکعت ثانیہ میں پڑھنے سے دشمن کا ہونہ اسکی طرف سے پر جائیگا اور کوئی رستہ اسکو اسکی طرف نہ ملیگا سنوسی نے کہا من لا رعد ذلك لا يصل اليه يد عدو نکتہ غزالی ہم نے اسکو ایک جماعت صلیا و اصحاب علوسی باوجود سہولت و دوام کے نقل کر کے کہا ہے و هذا صحیح مجرب لا شک فیہ

ختم سورۃ النعام

برکت اس سورت جلیل کی ظاہر ہے فضیلت اسکی نصر علی الاعداء و ہلاک اعدائے مشہور ہے کثرت سے اس سورت کو پڑھے اور درمیان ہر دو آہم جلالہ کے دعائے مانگے پھر بعد فراغ کی دعا کرے دیر بی نے دونوں موضع کی دعا میں لکھی ہے اور بعض لوگ اسکو واسطی شفاء مرضی کے ۴۴ بار ترکیب خاص کو ساتھ پڑھتے ہیں سنوسی نے کہا یہ کہ واسطی وجع مفصل سائر امراض کے اس سورت کو لکھ کر پی لے اور بدن پر ملی تخفیف ہو جائیگی انتہ

برای ویرانی باغ و خانہ دشمن

سورہ نخل کو لکھ کر دیوار یا باغ میں لٹکادی سارا باغ بے برگ و ثمر ہو جائیگا اور جس گھر میں

لنگائی جانیگی ایک سال کے اندر اسی احوال حادث ہوگی کہ ساری اعداء و جبرجائین گئے
فلینق الله فاعلمها ولا يعلمها الا لطائفہ ہی خاصیت سورہ نمل کی ای ترکیب کے ساتھ ہی کہ
رستم کی خانہ ویرانی اور باغ کی خشکی اسکی لکھکر لنگائی و جبرجائی و فاتحہ اللہ ولا تعلم الا مستحقہ

برای کفایت ہم

ہر دن سات بار یہ آیت پڑھے حسبی اللہ لا الہ الاہو علیہ توکل و ہود ب العرش العظیم
اللہ تعالیٰ اوسکے مہمات دنیا و آخرت کو کفایت کرے گا صادق ہو یا کاذب اسکا ذکر بحوالہ
حدیث پہلی ہو چکا ہے دیر بی کہتے ہیں فق علی هذا واعتبر فان کثیرا من الاذکار متوقفة
علی الصدق والحضور وقد عمت الرحمة فی هذا الذکر دون سائر الاذکار و حصلت بہ
الکفایۃ من الصوم الدنیوی والاخریۃ لمن وفق لہ وان لم یکن لہ قدم فی التوکل فہذا
نعمۃ لا یقدر قدرہا ولا یقام بواجب شکرہا فلیتذکر الحمد والشکر کذا ذکرہ السنوی فی
مجر باتہ میں کہتا ہوں اسکا پڑھنا بعد نماز صبح و نماز مغرب کے سات سات بار حدیث میں
آیا ہے اور میں ہمیشہ اسکو پڑھتا ہوں بے شہدہ مجرب ہی مجھ کو بخوبی اسکا تجربہ حاصل ہو چکا ہے
و بالبد التوفیق اگرچہ اسکی سند حدیث میں قدری تکمیل لیکن تجربہ اسکو صحیح بتاتی ہے۔

برای اذباب خوف و قزع و ہم و غم و حزن

بعد سجدہ کے درود لکھکر آیت اولی سورہ آل عمران کی لکھی یعنی خدا ترن علیکم من بعد انعم امنہ
نفا ساد بنشی طائفۃ منکم الی قولہ الصدور و دوسری آیت سورہ فتح کی محمد رسول اللہ تامل سورہ
پہرا نکوا اپنے پاس رکھی جمیع احوال میں برکت ہوگی اور اعداء پر نصرت ملیگی ہر غم و ہم دور ہوگا
جملہ امراض باطنہ اور ہر الم حادث فی البدن کو نافع ہے ہر دو آیت میں ساری حروف بمعجم
جمع ہیں انکو لکھ کر پاک برتن میں لکھکر دین و در ذیت طیب یا شیرج سی جو کر کے دمال د

وطلوع وحرارہ وٹائیل وقرح پر طلا کردی جلد باذن خدا زائل ہو جائیگی کما جوب مراماً
سنوسی نے کہا مجرب صحیح

برای حرز از خوف و فرغ از راتر زمان

محمد بن سیرین رحمہ نے اسکا ایک قصہ بیان کیا ہے یہ ۳۳ آیتیں ہیں جو کوئی انکورات میں
پڑھ لگیا وہ ہر درندہ و وزری اپنی جان و مال و اولاد میں محفوظ رہے گا دیر بی کہتے ہیں انکا نام
آیات الحرمس والحرز ہے و یقال ان فیہا شفاء من مائة حاء مثل الحزام والبرص و مدغمہا
لا تعد ولا تحصى انھی من کتا ہوا ان آیات کا ذکر قول جمیل میں ہی واسطی زوال اثر سحر
وغیرہ کے آیا ہے اور شفاء العلیل میں انکو گنکر لکھ دیا ہے اور شرعی فی حکایت مذکور بطور اس
نقل کی ہے اور اس رسالی میں طرف او کے اشارہ لکھ چکا ہے ولعل الحمد محمد بن علی رضی اللہ عنہ
نے کہا ہے کہ میں نے انکو ایک شیخ مفلوج پڑھا ہوا تھا اسد تقالے نے انکی برکت سے اسکا فالج
دور کر دیا وہی حجاب عظیم و حرز جیم ومن قراھا عند جبار آمن من شره بعض عارفین نے
کہا ہے انکے ہمراہ یہ آیت بھی اضافہ کرے والھکمالہ واحسد الایہ واول سورہ صدقہ تاقولہ
بذلک الصدوق اور آخر سورہ توبہ لعد جاء کمر رسول من انفسکم عن زعلیہ ما عنتم حریص علیکم
بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا فقل حبسہ لا الہ الا هو علیہ توکلت و هو رب العرش العظیم

برای رفع مصیبت و ازالہ کرب و ہمتر

جون شب میں وضو کر کے دو رکعت نماز پڑھ کر و بقیہ ہو کر اس درود کو ہزار بار پڑھتے
اللھم صل وسلم علی سیدنا و مولانا محمد صلوة تلج بها عقدتی و تفرج بها کربتی و تنقذنی
بها من وجلتی و تقبل بها عثرتی و تقضی بها حاجتی اسد تعالیٰ اوس مصیبت نازلہ کو بہت
جلد دور کر دے گا فتہ مدیک علی ہذا الذخیر فمنا فیہا کثیرۃ قال السنوسی فی مجرباۃ انھی

وینفع للعامل البسیب ان یکثر من الصلوة والسلام علی النبی الحزین فان ذلک جلب لكل
نفع و دفع لكل ضرر دنیا و اخری و بالله التوفیق

دوا زہم و غم

شعرائی رحم فی من کبریٰ میں فرمایا ہی شیخ محدث امام امین الدین قدس سرہ فی مجکویہ حدیث
سنائی اور مجکویہ اسکا تجربہ ہی ہوا قال روینا بالسند المتصل الی علی بن ابی طالب رضی اللہ عنہ
قال رانی رسول اللہ صلی اللہ علیہ والہ وسلم حزیناً فقال یا ابن ابی طالب مالی اراک حزیناً
فقلت هو ذاک یا رسول اللہ قال فمربعض اهلك یوذن فی ذلک فانه دواء لكل
آثم قال علی ففعلت ذلک فقال عنی انتھی من ذلک روایت کو کتاب الزہم والیف شیخ ابوسن
فرحون یا مکی میں ہی دیکھا ہے کہ انہوں نے اسکو بند متصل روایت کیا ہی اور کہا ہی جبریتہ
فوجدتہ صحیحاً کما جریہ جمیع رجال سندہ فوجدتہ کذلک ولو قد ران احد اطعن
فی سندہ کان العمل علی التجربة انتھی و اللہ الحمد

برای عزل ظالم

اپنے گھر میں شب جمعہ کو بعد نماز عشا کے ہمارت پر دخل ہو کہ ہزار بار یہ درود پڑھی اللھم
صل علی سیدنا محمد النبی الامی و علی آلہ و صحبہ وسلم ہر سو بار درود کی اول یوں کہی اللہ تعالیٰ
بلک من فلان بن فلانة فخذ لی حق منہ وہ شخص مغزول ہو جائیگا اگر والی ملک ہی اور اس پر
ویل نازل ہو گا یہ صحیح و مجرب ہے

برائے ہلاک عدو

تین دن روزہ رکھو ذی روح کو اور جو اس سے نکلتا ہے نہ کھائے تیسرے دن ایک ہزار
ذی نمک کی لیکر ہر ذلی پر سورہ تبت یہ ایغیر سبلہ ایک بار پڑھی یا تک کہ سو بار تمام کری اور پھر

کے اول ایک بار دعا مانگی اسی طرح تمام الف تک کری ہر ایک سفید چندی میں لپیٹ کر یا
 یا نہر ایک سی اور گجین بھینک سی وہ فی الفور ہلاک ہو جائیگا مجرب صحیح لاشک فیہ فاتق الله تعالیٰ
 فیما لاہ من الاعمال الخبیثۃ المہلکہ فی الوقت والساعة ویربی لکما جرب وصر واعلم انہ کما استجاب
 لک استجاب علیک ہلاک اور کما موقوف ہی ازابت ملح پر اور جو عزیمت اول میں سو بار کہ
 پر سی جانی ہے دو یہی اللہ صلاک عدوی فلان بن فلانہ کما اہلکت انداء الانبیاء
 والمسلمین وافہر فلان بن فلانہ فی هذه الساعۃ اللہم یا قاہر یا ذا الجبر الشدید فاعلا
 یا یرید اللہ صلاک عدوی فلان بن فلانہ بخیر سورۃ تبت یداً و بحروف تبت یداً
 و بحکماء تبت ید اللہ صلاک نبیائک و بصر حبیبک محمد علیہ افضل الصلوٰۃ والسلام
 و بصر قہر جلالک و بصر اسماک انک قلت و قولک الحق ادعونی استجب لکم انک لا
 تحلف بالمیعاد یا قاضی الحاجات یا عجیب الدعوات یا قادیار یا قاہر انک علی کل شیء قدیر

ختم قرآن شریف

بعض علمائی کہاتے ہیں ختم القرآن لقضاء الحاجة مجرب لاشک فیہ وان قراہ علی هذا الترتیب
 کان اسرع للاجابة دن جمعے کے اول بقروہ و آخر ماڈہ تک سنیچر کو اول انعام سی آخر تو تک
 اتوار کو اول سورہ یونس و آخر سورہ میر تک پیر کو طہ سے آخر قصص تک منگل کو عنکبوت سی آخر
 حق تک بدعہ کو زمر سی آخر حن تک جمعرات کو واقعہ سے آخر قرآن تک جب ختم کری سجدی میں جا کر
 اللہ تعالیٰ سی اپنی حاجت مانگو وہ باذن اللہ پوری ہوگی ایک طریقہ ختم کا یہ ہے کہ ہر سال میں مفصلہ گزرجھا

سبع منجیات

سورہ محمد سورہ فیس سورہ دخان سورہ واقعہ سورہ ملک سورہ ہل لئ سورہ یوسف بعض اہل علم نے
 اندر میں مادم علی قراءتھن لمباحا و مساء خجی من جمیع الافان و ناہیک تسمیئھن المنجیات

برای نجات از نار

صوفیہ نے کہا ہے جو کوئی کلمہ طیبہ لا الہ الا اللہ کو ستر ہزار بار پڑھے گا وہ آگ دوزخ سے آزاد ہو جائیگا اور جسے اپنی جان کو گویا نار سے خرید کر لیا ذکرہ الیا فعی و ابن عربی و اوصی بالحق علیہا لکن کسی نے حافظ ابن حجر سے پوچھا تھا کہ یہ حدیث کیسی ہے من قال لا الہ الا اللہ سبعین الفا فقد اشتری نفسه من اللہ صحیح ہی یا حسن یا ضعیف اس کا جواب میں کہا انا الحدیث المذکور فلیس بصحیح ولا حسن ولا ضعیف بل هو باطل موضوع لا تحمل روایتہ الا مقرونا ببيان حاله انتهى هكذا قال النجم الغیظی وعقبہ بقوله لکن ینبغي للشخص ان یفعلها اقتداء بالسادة وامتناعا لقلوب من اوصی بها وتبرکابا فاعلم انہی میں کتاب ہوں حدیث صحیح میں آیا ہے کہ لا الہ الا اللہ افضل ذکر ہے پھر اور حدیثوں میں حث فرمایا ہی کثرت ذکر پر اس بنیاد پر کثرت اس ذکر کی بے شبہ افضل از کار ہو سکتی ہی گو تعین صہ وثابت نہ ہو جو کوئی عالم اس کلمے کا ہو کر مرتب جاتا ہے یا یہ کلمہ آخر کلام اس کا ہوتا ہے تو وہ بموجب حدیث صحیح مسلم داخل جنت ہوگا واللہ الفضل والمنة

برای امن از سور خاتمہ

بعد سنت مغرب کے دو رکعت بڑے ہر رکعت میں فاتحہ و آیت الکرسی و اخلاص و معوذتین پڑھے سلام پیر کر دس بار درود پڑھے کہ تین بار یوں کہی اللھم انی استودعک دینی فاحفظہ علی حیاتی وعندہماتی وبعد وفاتی ذکرہ الدمیری فی حیاة الحيوان الکبری میں کتابا ہوں اسکو سنوسی نے بھی اپنے مجربات میں ذکر کیا ہے لکن اس ترکیب کی کہ ہر رکعت میں بعد فاتحہ کے انا انزلنا دوبر اور سورہ اخلاص سات بار پڑھے پھر سجدے میں دعای مذکور مانگے لکن لفظ دعا کا نزدیک انکی یوں ہی اللھم انی استودعک دینی ولھم انی فاحفظھما علی فی

حیاتی و عند وفاتی و بعد ماتی پھر کہا ہی کہ مر شفاء للصد و النقیمة قال بعض العارفين
 یا الله من یحکم بالمواهب الربانیة و العلوم اللدنیة ان من داوم علی هاتین الرکتین امن
 من سوء الخاتمة بفضل الله تعالی انتھی اسی کے مثل وہ روایت ہی جو حکیم ترمذی سے
 منقول ہی کہ او بخون فی رب العزت کو ہزار بار خواب میں دیکھا ہر بار سوال حسن خاتمة کا کیا
 فرمایا چالیس بار اور ایک روایت میں ۴۱ بار بعد نماز فجر قبل صبح یوں کہ اگر یا حی یا قیوم
 یا بدیع السموات و الارض یا ذا الجلال و الاکرام نور قلبی بنور معرفتک یا الله یا الله یا
 انتھو میں کہتا ہوں فضائل ان ہر سہ کلمات کے احادیث صحیحہ میں آئی ہیں اگرچہ یہ ترکیب
 بعینہ وارد نہیں ہے ولسلام

برای التماس

امام یا فی کہتے ہیں اگر کوئی امر طلبیں ہو اور انجام اس کا معلوم نہ ہو اور چاہے کہ معرفت
 اسکی حاصل ہو تو نماز عشاء پڑھ کر پہلوی راست پر رو بہ قبلہ لیٹ کر سورہ و الیل و الضحیٰ و
 الم نشرح سات سات بار پڑھ کر یوں کہو اللھم اجعل لی من امری فرحاً و مخرجاتاً
 پہلی رات بادوسری یا تیسری کوئی شخص اگر اسکو کہد کالہ مخرج کذا و کذا ہے۔

برای سکون دریا

وقت ہیجان بحر و تلاطم امواج کی ان حروف کو لکھا دریا میں ڈال دے وہ ساکن ہو جائیگا
 کہ بعض فی الرحمن انتھی ذکرنا الغالی بعض نے کہا ہی کہ یہ حرف نورانیہ چودہ حرف ہیں
 الھم فی الرحمن حم ق ن د ج ہ ی ا بعد ہم بقولہ طس سمعک النبی محمد عبد الرحمن بن
 عوف ان حروف کو لکھا اموال و تناع میں رکھ دیتے تھے اور بعض علماء وقت رکوب بحر کے
 انکو یہ لفظ بھی پڑھاتا کہ ما ملیت فی موضع من بحر و لا تحفظ تا لیہا فی نفسہ مالہ و ان من السلف و الغر

حزب البحر

یہ دعا ابو الحسن شاذلی رضی اللہ عنہ سے ماخوذ ہے زین العابدین مناوی شرح حزب نکو
میں کہتی ہیں بعض مشائخ زائنین نے کہا ہوں تاثیر موقوف علی الاجازۃ والاستیذان
ومن لم یستاذن فغوا کالقاصد لجواز البحر من غیر سفینۃ بہر کہا ہے کہ اس حزب کی لمی ایک
اعظام و اختتام ہے انتہی۔ دعا مذکور مع اعظام وغیرہ سرون و شہوہی۔ شرانی رحمہ
کتاب من کبریٰ میں نقل کیا ہے و سمعت سیدی علی الخواصہ یقول یا ایاک انبتدع
ورحافان الحق تبارک و تعالیٰ لا یجالس عبدہ الا فیما شرع بنبیہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
ولما اعتوض بعض الفقراء علی حزب سیدی ابی الحسن الشاذلی المسمی بحزب البحر قال
لشیخہ واللہ لقد اخذتہ من رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم حرفا بحرف و انتھی فان کنت
یا اخي من اهل هذا المقام فابتدع لك حزبا والافما ورد في الشریعة غنیۃ من ذلك

برای عین و نظرہ

یہ وہی عزیمت ہے جو کہ رکھی عزمت علیک ایھا العین الی آخرہ اگر اسکا شروع یوں ہے
بسم اللہ ولا بلاغ الا باللہ ۳ بار پھر فاتحہ پڑھے دعا اس میں تاگانا پڑھتے ہیں اگر کم یا زیادہ ہوا
تو نظر ہے والا فلا میں اسکا تجربہ بارہا کیا ہمیشہ صحیح و مجرب پایا واللہ الحمد

تعویذ

اسکو لکھ کر بازو پر محموں کے بازو دی باذن خدا جلد صحت ہو جائیگی یہ وہی دعا ہے جس میں ام طہ
آیا ہے اور قول جمیل سی نقل ہو چکی ہے اور محرم سطور کے تجربہ میں بارہا آئی ہے واللہ الحمد

ایضا برائے حتی

آیات تحفیف کو لکھا بازو دی جلد صحت ہو جائیگا ذلك تخفیف من ربکم ورحمۃ ربکم اللہ

يُخَفِّفْ عَنْكُمْ وخلق الانسان ضعيفا الان خفف الله عنكم وعلم ان فيكم ضعفا انسى هلي ايس
اور آخريں درود لکھی اور اگر اس آیت کو زیادہ کر دی تو اور بھی حسن تر ہی فلنایا نار کو فربحا
وسلاما علی ابراہیم اور اس آیت کو بھی اضافہ کر دی بنا اکشف عنا العذاب انامو منون
وقوله تعالى وان يمسك الله بضرب فلان كما شغل له الا هو وان يمسك بخير فهو على كل
شئ قدير اور ذکر اسکا مجمل پہلے ہی ہو چکا ہے

حجاب القرآن والتوابع

یا ایک حجاب عظیم کی مثال کی ذخائر میں نہیں ملتا بارہا اسکو کیا صحیح پایا و سدا الحمد ماہ سوم یا پنجم
یا ہفتم میں لکھی اور طس حروف سی بچے اور کاتب طہارت کامل پر ہوا اور اسکو وتر عتیق میں
مثال حجاب کے لکھا دی پہلے بسم اللہ لکھی ۵ بار پہر صلی اللہ علی محمد ۴۰ بار پہر لا الہ الا اللہ حالیہ میں
پہر محمد رسول اللہ ۴ بار پہر آمنت باللہ ۵۰ بار پہر وعظمت باللہ ۵۳ بار پہر جسی اللہ ۷ بار
پہر توکل علی الہی الذی لا یوت ۴۳ بار پہر لا حول ولا قوۃ الا باللہ ۴۴ بار پہر آیت الکرسی یا خالق
پہر تبارک فی السموات و ما فی الارض تا آخر سورہ تمام و کمال

برای عاف یعنی خون بینی

اس آیت کو مان اللہ یسک السموات والارض ان تنزلنا ان مسکما من احد ربنا انزلنا ان کلما
عقودا - وقیل یا ارض ابلعی ملاءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء لکملہ سرچشخص مرعوف کی رکھ کر
ان آیات کو پڑھ کر یوں کہی کہ یا ارض العاف بحق الواحد القهار العزیز الجبار اسکو دیر بی نہ مجرب کہنا

برای قوت جماع

سبزی پودینے کی لیکر شکر سفید کے ساتھ کوٹ کر خید بار لگاتا رہتہ مال کرے مقوی
مجبرب صحیح ہے۔

برای شے ضائع شدہ

یا حفیظ الیک و اومیں بار بیز زیادت و نقصان پر بکریون کی امانت تک متعلق ہے
من خردل فتکن فی صحرة او فی السموات او فی الارض یا رب العالمین اللطیف الخبیر اسکو
بھی ایک سواومیں بار پڑ ہے اللہ تعالیٰ اس ضائع کو پھر لایگا اور ضائع ہونے سے محفوظ رکھگا
صحیح مجرب ہے ایک جماعت سلف وقت تلف ہونے کی شے کے سورہ و الضحیٰ پڑھتی تھے
وہی انکو بحالی تھی و قد تقدم البیان فی هذه الرسالة

برای شناخت دزد

دو آدمی آئے سانسے بیٹھ کر ایک ابرق کو تباہین پر اٹھائیں اور نامہ تہم کا ابرق لیں
اور سورہ یسٰ ز جملنی من المکر من تک برہمن اگر وہی شخص دزد ہے تو ابرق کو گردش ہوگی
ورنہ اسکا نام نہا کر دوسرے شخص متہم کا نام لکھیں و احدا بعد واحد جیسے نام پر ابرق پکڑ
کھائے وہی سارق ہی و ذلك مجرب صحیح و قد جرب و صح

برای طرد بوق و برغوث و نمل و موش

چار پرچہ کا نذر لکھا اور اس جگہ چپکادے جہاں یہ چیزیں ہوں یسٰ و القرآن ص و القرآن
و القرآن لو انزلنا هذا القرآن لئن لم تنتهوا لذنبنکم و لم یستکم منا عذاب الیم اذهب
ایما البوق و البرغوث و النمل باذن الملک الحق و بالف لاحول و لا قوۃ الا باللہ العلیٰ العظیم
پہر ان اوراق کو لبان ذکر کے حصے سے بخور کرے

فصل اعمال مجربات امام شیخ محمد بن یوسف سنوی حنفی رحمہ اللہ تعالیٰ

برای درازی عمر و حفظ از مرگ

جو شخص اس آیت شریف سورہ توبہ کو لفظ جاء کہ رسول من انضکر عن رب علیہ ما عنتم

حریص علیکم بالوشین رؤف رحیم فان تولوا فقل حبس لا اله الا هو علیہ توکلت
 وهو رب العرش العظيم دن یارات میں پڑھ گیا اوس دن نہ مر گیا نہ مقتول ہو گا نہ کوئی
 زخم آہن اوسکو لگے گا قریبی نے اسکو کنز الارمین روایت کیا ہے یہ روایت جب بعض صالحین
 کو پوچھی اپنی باری میں اوسکو پڑھنا شروع کیا گمان ہوتا ہے کہ وہ شخص بقدر سالہ تھاؤ
 ہمیشہ اسکو پڑھتا ایک سو تیس برس تک زندہ رہا جب اسکا مرنا چاہا حضرت کو خواب
 میں دیکھا فرمایا ایک تک تو ہم سی بھاگتا رہ گیا اوسنے آیت کا پڑھنا چھوڑ دیا وہ مر گیا سچا
 من یحی ما یشاء ویثبت وعندہ ام الكتاب

برای جمع میان احب

جس شخص کا دل کسی مکان خاص سے متعلق ہو یا کسی شے گم شدہ سے اور چاہے کہ اجتماع
 حاصل ہو تو صدق نیت سے یون کہی الحمد یا جامع الناس لیوم لا یدب فیہ ان الله لا یخلف
 المیعاد اجمع بنویں گنا وکنا السد فادریے ہر شے پر در میان اس کے اور اوس شخص کے
 اجتماع بخشید گا و عجیب جدا و ذیہ سر لطیف لا رب الا جمع بعد الفراق لمن یرید الجمع
 بین فنون العلم و التکون فی جمیع المقامات و الاحوال الشریفہ و بالله التوفیق

برای قوت بر طاعت

ایک پارچہ ریشم سفید پر نام خدا و ذکر لکھے اور محمد رسول اللہ ۳۵ بار اور الحمد ۳۵ بار
 بعد نماز جمع کے لکھے السدا و سلو قوت طاعت و بر بخشید گا اور نہرات شیطین سے کفایت
 کرے گا اور جو شخص اس کتاب کو اپنے پاس رکھے گا اوس کی ہدایت لوگوں کے دلوں میں
 ہوگی اور جو شخص ہر دن وقت طلوع آفتاب کے ہمیشہ اوس میں نظر کرے گا اور حضرت پر
 درود بھیگادہ حضرت کو کثرت سے خواب میں دیکھے گا

برای رویت نبوی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در خواب

دورگت نماز پڑھی ہر رکعت میں فاتحہ ایک بار اور سورہ اخلاص سو بار پڑھائیں یا یوں کہ
یا محسن یا مجمل یا نعم یا تفضل ارنی وجہ نبیک محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم اور اسکو حضرت کی رویت ہوگی
برای حفظ از سلطان ظالم و دزد و در زبہ و گزندہ

آیت الکرسی اور سآیت سورہ اعراف ان رکعت اللہ یا محسنین و صافات تلاوت سورہ الرحمن
تا ستر فرج لکم ایہا الشعلان الی قولہ فلا تنظران پڑھے ان سب آفات سی محفوظ رہیگا یا اس
ابن مالک رضی اللہ عنہ کی مروی ہے خواہ دن میں پڑھے یا رات میں ہو بھر بچیم عجیباً

برای اقبال خلق

یا ایہا الذین آمنوا لا تکنوا کالذین اذ و اموسیٰ و حججنا و آتیت علیک محبة منی
یحیی و یضم کحب اللہ و الذین آمنوا شد حبنا للہ و الکما ظمین الغیظ و العافین عن الناس
واللہ یحب المحسنین آؤمن کان میتافا حینلہم کذلک زبر فلما رآینہ اکبرنہ تا
ملک کریم و قل الحمد للہ الذی لم یخذ ولد و لم یکن لہ شریک و الملک و لم یکن لہ ولی
من الذل و کبرہ تکبیر ان آیات کو کثرت سی پڑھنی من سارا جہان اسکی طرف متوجہ ہو جائیگا
اور اسکو دوست رکھیگا و ہوسر عجیب جگہ

برای دفع نقیض

جب ابی شخص پانس ا بیٹھے جو گران گذری تو چپکے سے اس آیت کو پڑھی وہ جلد اٹھ جائیگا
تذروہ الیاب و کان اللہ علی کل شیء مقتدر ربنا اکشف عنا العذاب انما مؤمنون یومئذ
یصد الناس اشتاناً انفر و لظافاً وقت الا

برائے حل معقود

سورہ بقرہ کو ایک برتن میں لکھ کر اور پانی میں دھو کر بعد غسل بدن کے اذان سے نہاں
بجائے خدا صل ہو جائیگا وہ عجیب

برای ولادت مولود ذکر

نات پر عورت کی بجائیکہ وہ سوتی ہو ہاتھ سے مس کرے اول حمل میں اگرچہ شروع ماہ سوم
مین کیون نہ پھر تین بار یوں کہی اللہ صرمان کنت خلقت خلقتی بطن هذه المرأة تكون ذکرا
واسمہ محمد بن محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم رزقاً و انت خیر الوارثین هذا من الفوائد المحمّدية

برای عرق النساء

ایک الیہ گو سفند اعرابہ لیکر آبجوش طیار کرے اور اسکے تین حصے بنائے ہر دن نہار منہ پاب
حصہ بیانی سنوسی کہتی ہیں وہ عجیب صحیح من غیر تراخ وقد استعمل لا کثر من اربعین جبلا
فیر و ابیوکتہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم یہ علاج ایک حدیث مرفوعہ میں ہی آیا ہے۔

برائے توسیع رزق حلال

ہر جمعہ کو وقت شروع اذان کے ستر بار یوں کہی اللہ صرمان یا غنی یا کریم اغنی عجل اللہ
حراملک و بفضلک عن سواک اس عدد کو درمیان اذان اول کے پورا کرے ختم ہونے کی
پہلے عبد الرحمن ثعلبی استعمال اس عدد کا بعد نماز ہر جمعہ کی وہ قبلہ ہو کر کرتے تھے جب تک
پڑھ نہ لیتی کسی سی بات نہ کرتی وہ کہتی ہیں وجہ تیرکتہ سنوسی کی کما قدام علی هذا نجد برکتہ
فالقلیل من التجرۃ وہ عجیب جبکہ رزقنا اللہ رزقاً حلالاً لا اثم فیہ ولا متاعۃ بمنہ و ذکر

برائے قضاء حاجت

ابو عبد اللہ مغربی نے کہا ہے میں نے حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کو خواب میں دیکھا عرض کیا میری
ایک حاجت ہے میں کس خبر سے توسل کروں فرمایا جبکو کچھ حاجت ہو وہ سجدی میں ہا شاہ

باب چالیس بار دعا یونس علیہ السلام کہی سکی دعا قبول ہوگی رواہ العاقفی عن ابی اعلیٰ
ابراہیم بن شیبان اور حدیث میں آیا ہے من دعا بدعوة یونس علیہ السلام استجیلہ طریقہ
اسکے ختم و دعا کا پچھلے اس رسالے میں گذر چکا ہے

برای تفریح مکررت

جبکو کوئی فکر یا سنگی معاش یا بلا پر پہنچے وہ ان کلمات کو لکھ کر آب رواں میں ڈال دے اس دعا سے
ہم کو دور کر دے اللہ الرحمن الرحیم من العبد المذنب الفقیر المولوی الجلیل رب الف
منی الضرو انت ارحم الراحمین اللھم بحجۃ محمد صلی اللہ علیہ والہ وسلم اکتف ضرر و
ہمی و فرج عنی غمی یہ عمل سچلے تو انا مجرب کہے ہیں ایک روایت میں یوں آیا ہے کہ ان کلمات کو
کہی اللھم انی اسالك خوف العالمین لک و علم الخافین منك و یقین المتوکلین علیک اگر
کہنے سے فرج ہم قرت عین طول فرج ہوگا سنو سی ان کا کل ذلک مجرب سمجھو اتھی

برای حفظ از احتلام

سوئی وقت و السماء و الطارق و ما ادرک ما الطارق النجم الثاقب ان کل نفس لما علیہا حافظ
تک پڑھی ہر کہی صدق اللہ وعدہ و نصر عبدہ و کذب الشیطان و حدیث اور سکوا احتلام ہوگا اس طرح
اگر دہنی ران پر آدم اور بائیں ران پر حوا لکھیگا تو یہی احتلام سے بچا رہیگا

آیات شفاء

ان آیات کو لکھ کر استعمال میں لائے سنو کہ میں قد استعظمتہا رجل بل هذا المضر فکتبت
لہ الایات و شرہا لیا ما فبرئ و تدہن بها لیا ما فبرئ و لم یوق بہ اثر و یبغی کاتہا ان یقین
الشفاء ببرکۃ کلام اللہ و کلام رسولہ لان اللہ یجلی الاجر علی مقدار مہ صالحہا و ہر و شیفاء
صد و رقوم مومنین قل هو اللہ انموادی و شفاء و شفاء لما فی الصد و رومنز من

القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين يخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فيه شفاء
للناس واذا مرضت فهو يشفين۔ وقد مرض ولد لبعض الصالحين بالحج فاجابوا اطباء
داؤہ فرأى ابوه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في النوم فشكاه لمرض ولده فقال له
صلى الله عليه وآله وسلم ان امت من آيات الشفاء فكتبها له ابوه في اثناء وسقاها الولد فبرئ
في الحين ناله سبحانه وتعالى الشفاء لنا ولكم من هول الدارين بجاء رسول الله صلى الله
عليه وآله وسلم عدد خلقه ورضا نفسه وزنة عرشه ومداد كلماته انهي من کتاب ہون کرے
حکایت مرض ولد کی قشری سے مافر ہے اور ذکر ان آیات کا بیشتر ہو چکا مجھ کو ہی تجربہ
انکا شفاے مرض من حاصل ہو چکا ہے وسد الحمد

برای استحصال خیرات داریں

اسماز الی مفصلہ ذیل کو کہ میں نام مبارک ہیں اپنا ورد روزانہ مقرر کری یا اللہ یا سمیع یا عظیم
یا سریع یا واسع یا عدل یا علی یا عظیم یا متعال یا عزیز یا غفور یا باعث یا فعال یا رافع
یا معید یا معبود یا مانع یا نافع یا جامع یا بدیع سنوسی کہتے ہیں ومن الذخائر النقیۃ ان
من ذکر هذه الاسماء کل یوم عند طلوع الفجر سبعاً وسبعین مرة وکانت من حلة ورده بر
بیر کہتا من الخیرات فودینه ودنیاه ونفسه شفاء عجیبه حتی لا تکاد همته تنقلب
یا حد من الخلق و منخر الله له الخلق بحقه حله وهو غشرون اسما وهو عجیب الخی۔

برای رویت حبیب زندہ یا مردہ

پاک لباس سفید و فراش پاک پر علمدہ اہل خانہ سے سوئے پہلے دو رکعت نماز پڑھے
رکعت اولیٰ میں بعد فاتحہ سورہ و اشش وضحاہ سات بار دوسری رکعت میں بعد فاتحہ
والہل اذ انشی سات بار پر سلام پیر کر بقدر طاقت درود پڑھی اور یہ خاتم لکھ کر نیچے سر کے

رکھ کے سو جائے حکم خدا میں مرنے کی نیت ہوگی وہ ظاہر ہوگا خاتم یہ ہے۔۔۔
 اور اگر یہ مطلب ہو کہ خواب میں غائب کو دیکھی اور معلوم کری کہ وہ مرد ہو یا زندہ
 یا اس سے کچھ سوال کرنا چاہے تو وقت خواب کے وضو کر کے جائید پاؤں پر کر
 قرآن طہار پر دو بقلہ جانب میں پر آرام کری اور سات بار وائشمن وائشما اور سات
 بار واللیل افغیشی اور سات بار والتین اور سات بار قل ہو اللہ ربی ہے پھر کئی اللہ عزوجل سے
 منامی کذا وکذا او اجعل لی من امری فرجا وخرجا وارفع منی ما استدل بہ علی حاجتہ
 دعوتی اگر پہلی رات کچھ دیکھی تو فہا ورنہ دوسری تیسری ساتویں رات تک ضروری کچھ
 معلوم ہوگا اگر کچھ ہی نظر نہ آیا تو جان لینا چاہیے کہ عمل میں کچھ فرق یا سنوئی کتنی ہیں لہذا مجھ بھیج
 برای زیادت عمر و وقایت از سوء خاتمہ و نصرت بر دشمن و وسعت رزق
 صبح و شام من تین بار یہ کلمات کہاری سبحان اللہ مل المیزان و يبلغ العلم و تنموا الصلوات و تنموا

حقیقہ

جو شخص اسکو سات بار سفر میں لکھ کر ہاتھ سے ہر چار طرف اشارہ کرے گا وہ ہر برائی سے محفوظ رہے گا اگر سات
 و صندوق میں اسکو لکھ کر رکھ دے گا تو چوری سے امن میں رہے گا اللہ حنیف لطیف قدیم از رحمتی قیوم کلام

برای تسلی از زن غیر طہر

جس شخص کا دل کسی عورت سے متعلق ہو اور اس سے نکاح کرنے پر قدرت نہ ہو سکی اور یہ چاہے کہ
 اس سے متعلق ہو اور اسکو بھول جائے تو ان حروف کو متبیلی پر لکھ کر ہاتھ سے چاروں طرف یا زمین میں
 لکھ کر لی زمین سے اسی طرح کری اسکو بھول جائے گا اب ق ال دول در ک مہ پر آیت پڑھی ہو
 نسا کہ یاسیت لقاہ و مکہ هذا فی ما قدمت یداء و لقد عذنا الی آدم من قبل فنی و لم یجد
 عزما کذا لک نیسی فلان بن فلانہ کذا و کذا انشاء اللہ تعالیٰ ہر خطرہ اسکا دل میں نہ آئے گا کلام

برای زوالِ حُب

جب شخص پر غلبہ شوائب جسمانیہ کا ہو وہ ایک طرف تطیف میں ہر وہ نام اللہ تعالیٰ کا جس
حرف یا ارتقا نیہ منجملہ اسماء حسنہ کے آ یا ہی صبیہ حلیم قدیر علیہم رحیم عزیز کریم لکھنہار مودعہ
سات دن تک پی لالی سکول میں جوشِ محبت باذنِ خدا سر دیا جائیگا۔

برای انجامِ حاجت

جب واسطی کسی کام کے کسی کے پاس جائے تو راہ میں یہ آیت پڑھتا جاوے اللہ تعالیٰ اس حاجت
کو آسان کر دیگا ولما دخلوا من حیث امرهم اہم ما کان یعنی عنہم من اللہ من شیء الا حاجتہ
فی نفس یعقوب قضاہا اسکوات بار پڑے

برای حفظ و ولایت و متاع

جب چوراہہ ہر موزی سے بچانا اپنی سامان کا منظور ہو تو بسم اللہ لکھ کر یہ دعا اس میں رکھ کر
باذنِ خدا وہ ودائع و امتحان سارق و لص و ہر موزی سے محفوظ رہے یا حفظ لایسے و یا من نعمہ
لا تحسن و یا من لد العزۃ الوثقی و یا من لد العزۃ و الثناء یا من لد الاسماء الحسنی حفظ کذا و کذا بیا
حفظت بہ الارض و السماء الحیات ظہری فی حفظ ذلک الی الخ القیوم فانک قلت و قولک
الحق فی کتابک المنزل ناخذ بنزلنا الذکر و انالہ الحافظون و اللہ علی سیدنا محمد و علی آلہ و صحبہ وسلم

برای صلح بین الزوجین

اس آیت کو لکھ کر وان ختم شقاق بینہما فالعشوا حکما من اہلہ و حکما من اہلہا ان
یریدوا اصلاحا یوفق اللہ بینہما و قوله یصلی لکم اعمالکم و قوله وان امرأۃ خافت من بعلها
فتزنا او اعراضا فلا جناح علیہما ان یصلحا بینہما صلحا و الصلح خیر و قوله عسی اللہ ان
یجعل بینکم و بین الذین عادیتہم منہم مودۃ

برای تسهیل ولادت

ایک پاک برتن میں یہ آیات لکھو کاغذ پر میر و نعالہ لپیٹو الاغشیۃ وضحہا وقرہا لقد کان
 قصہم عبرۃ لا لولہ الا لیاب ما کان حدیثا یفتی و لیکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل
 شی و ہدی و رحمۃ لقوم یؤمنون کاغذ پر یرون مایو عددون لپیٹو الاساقۃ من غار
 بلاغ اذا السماء انشقت واذنت لربھا وحتت واذ الارض مدت فالقت ما فیھا و تخلت بہر کو
 پانی سے محو کر کے پلاسے اور کچھ پانی شکم زمان پر چھڑ کر ہی باذن خدا جلد بچہ پیدا ہو جائیگا
 اسی طرح لٹکانا شب پانی کا بائین ران پر سرعت ولادت کی لیے حکم خدا نافع ہے

ایضا برای تسهیل ولادت

ان کلمات کو ایک پرچہ کاغذ پر لکھ کر عورت کے بائندہ دے اسکو بعض اہل علم
 نے مجرب صحیح کہا ہے مجھ کو اس میں فقط اتنا مائل ہو کر تا ہی کہ ان حروف میں کوئی
 امر خلاف شرع نہ ہو اسلیو کہ نہ معنی انکے معلوم ہیں اور نہ الفاظ مفہوم لکن اس بنیاد پر کہ یہ عمل ان
 علماء عالمین کا ہی جو شرک و بدعت سے ظاہر اہل مراحل دور تھی امید ہوتی ہے کہ موافق حق ہوں و قد
 جوب و صحہ باذن اللہ تعالیٰ واللہ اعلم و لہذا اس رسالی میں حروف و اعداد و اوراق کا ذکر
 کرنا یک قلم موقوف رکھا ہے اور حتی الامکان اعمال آیات یا کلمات متضمنہ توحید لصلیٰ الفاط مشائخ سی اختیار کیا گیا

برای تسہیل

بسم اللہ الرحمن الرحیم براءۃ من اللہ العزیز الحکیم لفلان بن فلانۃ من کل ما یعرض لہ باذن اللہ قلنا
 یا ناکو فی برحہ و سلاما علی ابراہیم فاراد و ابہ کیدا فجعلنا ہم الاخرین او کالذی مر علی قریۃ وھی
 خاویۃ علی عروشہا الی توہ قدیر اسکو لکھ کر گلے میں محوم کر لٹکا دی انشاء اللہ تعالیٰ صحت ہو جائیگی

برائے دفع جن

الحمد وهو على كل شيء قدير ابارک و سوبری برضیانا بالله ربنا و بالاسلام دینا و بحمد
رسولنا ابارک یا حی یا قیوم برحمتک استغیث ان لم یکن فی کل لا تکل فی النفس طرفة عين اللهم انت
ربی لا اله الا انت خلقتنی وانا عبدک وانا علی عهدک ووعدک ما استطعت اعوذ بک من شر ما
صنعت ابوء لك بنعمتك علي وابوء بذنبي فاغفر لي فانه لا يغفر الذنوب الا انت خبيث الله لا اله الا
هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم ابارک سبحان الله و بحمد سبحان الله العظيم و ابارک سبحان الله
الحمد لله لا اله الا الله الله اكبر سو بار و بعد هر نماز كه ۳۳ بار هر كس او ۳۴ بار الله اكبر لا اله الا الله
والله اكبر لا اله الا الله وحده لا اله الا الله ولا شريك له لا اله الا الله لا اله الا الله ولا حول ولا
قوة الا بالله هر سه قل سواي كافرون رات كوتين بار بر كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم كرم
پيروي اور آية الكرى مع شبيخ فاطمه پريست استغفر الله الذي لا اله الا هو المحي القيوم و اتوب اليه بار
سوتى وقت فاتحه و سوره اخلاص و كافرون بر كرم سوتى حب جالب كس الحمد لله الذي احبنا بعد ايماننا
واليه الشور بتر كرم و ث تو كرم لا اله الا الله الواحد القهار رب السموت و الارض و ما بينهما العزيز
الغفار و ما ان كلمات كس ساعه مانگه لا اله الا الله ما قد يروا اله الا الله و لا حول و لا قوة الا بالله يا
اخر الجلال و الاكرام يا ارحم الراحمين لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين اسم اعظم الله لا اله الا
اله هو الاحد الصمد الذي لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد لا اله الا هو عز و جلاله عاقبتنا في الامور و هاهنا
اجزنا من حذى السنه و عذاب الاخرة

اوعيه بلا قيد و شام

برای هم و غم و حزن لا اله الا الله العظيم الحليم لا اله الا الله رب العرش العظيم لا اله الا الله رب السموت
و رب العرش الكريم توكلت على المحي الذي لا يموت و الحمد لله الذي لم يمتد و لا اول و لم يكن له شريك
في الملك و لم يكن له ولي من الدل و كبر تكليد يا حي يا قیوم برحمتک استغیث اللهم الجبر و العجز و العجز

واسر لقیل والابرہیم واسمیل واسحق عاقب ولا تلطن احد من خلقک علی شیء الا ما قتل بہ
 اللہم کنی جلالتک عن حرامک واعنی بفضلک عن سوالک سبحان اللہ وسبحہ عدد خلقہ و
 رضائضہ وزینۃ عرشہ ومذاذ کلمات اللہم غفر للمؤمنین والمؤمنات اللہم انما نعوذ بک من
 حمد البلاء ودرک التقاء وسوء القضاء وشاتمہ الاعلام اللہم انک المکرم المعافاة والعتبہ
 فی الدنیا والاخرۃ اللہم اتنا فی الدنیا حسنة وفی الاخرۃ حسنة وقنا مذابح النار

ختم حصن حصین

شیخ شمس الدین محمد بن محمد بن محمد جوہری شافعی ستونی سنہ ۳۲۰ کو تیمور لنگ نے بلایا تھا وہ بہاگ کر کے
 کتاب کے ساتھ حصن ہو گئی حضرت کو خواب میں بجانب راست بیٹھا دیکھا فرمایا تو کیا چاہتا ہے
 عرض کیا میری اور مسلمانوں کی لیے دعا کیجیے حضرت نے یا دعا نہا کر دعا کر کے ہاتھ موٹہ پر پیرائے
 کو یہ واقعہ ہوا شب بکشتہ کو دشمن بہاگ گیا اس دن اس کتاب کی برکت سی تفریح کر بسلیم فرمائی
 میں اس تالیف سے وہ فارغ ہوئے تھی دمشق ہر طرف سے حصار سخت میں تھا دروازی شہر کی پھروں سے
 چن دیے گئے تھے رسد آب و دانہ کی بندہ تھی ہر شخص کو اپنی جان و مال پر خوف تھا ہاتھ و اہل و عیال
 طرف آسمان کے مرفوع تھی اور ظاہر شہر کو آگ لگا کر جلادیا تھا اور خلق کو لوٹ چکے تھے اس کتاب کی برکت
 سے وہ بلا دور ہوئی کسی نے خوب کہا ہے **ان نالک الامر المہول + اذکر اللہ العالمینا**
واذا بخیل علیک + قد ونا الحصار المحینا + یہ کتاب تالیف کو دن سی اس دست تک شرفا و
 غرا و طیفہ اہل علم میں اس کی تاثیرات سب پر روشن ہیں طریق اسکی دعوت کا بعض علماء درخمن
 اس طرح پر مروی ہے کہ شب بکشتہ کو بعد نماز فرض یا سنت یا نفل کی شروع کری شروع ہو پھر حضرت
 بہمد و بھیجے شب بکشتہ کو تمام کری یا بکشتہ کو شروع کر کے روز یکشنبہ کو ختم کری یہ چار دن ہوی پہلے
 دن اس کتاب کی کیفیت صلوٰۃ تک شری و دسری دن دہان و ثلاثی و اربعی و خمسہ و شنبہ و شنبہ و شنبہ دن

فصل الادعیۃ القوی غیر مخصوصہ تک جو مثنوی دن تا آخر کتاب پھر اول کتاب سی شروع کری اور
 ہر چار دن میں پورا کری حصص مذکورہ پر خواہ ختم ایک بار کری یا سات بار یا چالیس بار اور ہر تم
 سے اجابت میں لکھ ساتھ حضور دل و یقین اجابت کی اور حروف علامات کو انہیں حرکات سے
 جو اسمی اصلہ میں واقع ہوئے ہیں پڑھی حال اس کتاب کے شروع کا اتحاف النبی میں لکھا ہی اس
 کتاب کا ایک ٹھنڈی جو خود جزری رحم نے کیا ہی اور اسکا نام صدۃ الحصین رکھا ہی اس میں
 التزام روایات صحیحہ قویہ کا کیا ہی فی الحال یہ ٹھنڈی حسب فائش میری طبع ہوئی والی ہی طبع بقرآن شریف اگر
 کسی سے ختم اصل کتاب کا نہ ہو سکی تو پھر اسی ٹھنڈی پر کتب فکر کی انشاء اللہ تعالیٰ منافع بیشمار اور رزق کثر
 و بلا یا میں اثر عظیم پائیگا میرا جہاز سفر حج میں ڈوبنے اور ٹوٹنے کو تھا حصین حصین کو ایک بار
 ختم کیا وہ بھی بلا رحمت اس دعوت کے اللہ نے مجھ کو صحیح سالم مکہ معظمہ پہنچا دیا واللہ الحمد والمنة

دلائل الخیرات

یہ کتاب ابو محمد عبد اللہ بن محمد بن سلیمان جزولی شریف حسنی کے صیغہ صلوۃ میں تالیف ہے اور
 اہل علم میں متداول اگرچہ بعض محققین نے اس کے بعض الفاظ پر انتقاد کیا ہے لیکن اثر لوگ اسکی شیوخ
 سے لیتی ہیں اور ایک مہنت میں اسکا وظیفہ ختم کرتی ہیں مولف نے چودہ برس خلوت میں جہاد
 کی ایک خلق کثیر نے انکے ہاتھ پر توبہ کی تھی انکی کرامات مشہور ہیں شایع دلائل محمدی رکاب
 وکان واقعا عند حد ودانہ عامل ابکتا بلسنہ وسنة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قدوسا
 فی صلوۃ البصر اما فی السجدة الثانیة من الركعة الاولى او فی السجدة الاولى من الركعة الثانیة اما فی
 ربیع الاول عام سبعین وثمانائے ثم بعد سبع و سبعین سنة من موته نقل من جوہر الی مطاکر
 قد فوه بریاض العروس منها ولما اخرجوا من قبر نبی و جدہ کعبۃ يوم دفنہ بعدہ علیہ السلام
 ولم یضطرط الزمان من حوالہ شیئا و اثر الخلق من شجرہ لاسدہ و لطفہ ظاہر کمالہ يوم موتہ و تاحق

قرب عہد بالخلق وقبرہ بر اکثر علیہ جلالہ عظیمہ و محابہ کبیرہ و سطوتہ ظاہرہ و الناس بزرگوار علیہ
 ویکثرون من قراءۃ دلائل الخیرات عندا وثبت ان رائحة المسک یوجد من قبرہ من کثرة صلوات
 علیہ لیس علیہ و اللہ و لم و طریقتہ شاذلیہ و لکلام کثیر فی الطریقۃ انتہی ملخصاً من شرحہ المسمی
 منطامع المسرات هكذا وجدت بخط سیدی ابوالدرداء رحمہ بن علی الحیضہ البخاری القنوجی
 رحمہم اللہ تعالیٰ و اللہ مغفور کواجازات اس کتاب کی شیخ عبدالحق بن فضل اللہ سی حال تہی اس
 قسم کی کتابیں اور ہی بہت ہیں جیسے جواہر مضیئہ اور شفاء الاستقام وغیرہ لکن شہرت و قبول میں
 یہ کتاب مشارالہ ہی اس میں شک نہیں ہے کہ صیغہ ماثورہ کی قراءت افضل و اکمل ہے صیغہ غیر ماثورہ ہی اگرچہ
 انشاء صیغہ صحیحہ المعانی مضیئہ المبانی کو اہل علم نے جائز رکھا ہے تمام بحث اس مقام کی ہماری کتاب
 نزل الا بار میں ہے مینے ایک مدت دراز تک دلائل الخیرات کو قراءت کیا تھا بعض الفاظ اس کتاب
 کے ہر حینہ مآول ہوں لائق اسقاط کے میں جیسے کہ قذیل عرش اللہ و نحوہ باقاری کو چاہیے کہ
 عوض انکے الفاظ ماثورہ اختیار کری تاکہ ضیق خلاف سی عافیت میں رہی و باللہ التوفیق۔

برای دفع سحر و حرز از شیطان و دزدان و درندہا

الَّذِينَ خَلَقَ الْكِتَابَ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَوْمِنُونَ بِالْغَيْبِ يقيمُونَ الصَّلَاةَ وَهُمْ يُؤْتُونَ
 يَتَّقُونَ وَالَّذِينَ يَوْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ أُولَئِكَ عَلَى
 هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
 وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ
 مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا كِرَاهَ فِي
 الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى
 لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمُ مِنَ الضَّلَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

أولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور والظلمات أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون لله ما
 في السموات وما في الأرض وإن تبدوا ما في أنفسكم أو تخفوه نجاسه يبد الله فيعلم ما
 من يشاء والله على كل شيء قديره آمن الرسول ما أنزل إليه من ربه ولم يمتنع كل آمن بالله وملائكته
 وكتبه ورسله لا نفرت بين أحد من رسله وقالوا سمعنا وأطعنا غفرنا لك ربنا وإليك المصير
 لا يكلف الله نفسا ألويسها ما كسبت وعليها ما اكتسبت ربنا لا تؤاخذنا إن نسينا أو أخطأنا
 ربنا ولا تحمل علينا إصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به اعف عنا واعف لنا
 وارحمنا أنت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين أنت ربكم الله الذي خلق السموات والأرض في ستة
 أيام ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار يطويه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بأمره لا اله الا هو
 والامر تبارك الله رب العالمين ادعوا ربكم تضرعا وخفية لا يحب المعتدين ولا تقصدوا في الأرض
 أصلا لها وادعوه خوفا وطمعا إن رحمة الله قريب من المحسنين قل ادعوا الله وادعوا الرحمن أيا ما
 تدعوا فله الأسماء الحسنى ولا تتجهزوا بصلواتك ولا تخافن بها واتبع من هذا بصيلا وقل الحمد لله الذي
 لم يخلق لنا أولاد ولم يكن لنا شركاء في الملك ولم يكن له ولي من الدن وسبق تكبيراً والصافات صفات
 نوحوا فلما ليات ذكرنا ان الحكم واحد رب السموات والأرض ما بينهما ورب المشارق إنا زينا السماء الدنيا
 بزينة الكواكب وحفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون إلى الملائكة إلا على ريق زور من كل جانب
 دحورا ولهم عذاب أصاب الأمل من خطف الخطفة فأتبعه شهاب ثاقب فاستنقذهم هم أشد خلقا من
 من خلقنا إنا خلقناهم من طين لازب يامعشر الجن والإنس إن استطعتم أن تنفذوا من أقطار
 السموات والأرض فانفذوا لا تنفذون إلا بسلطان قباي الأعراب كما كذبنا أن يرسل عليكم أسواقا
 من نار ونحاس فلا تنفذوا وإن لنا هذا القرآن على جبل لإيتيه خاشعا متصدعا من خشية الله
 وتلك الأمثال نضرب للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم

هو الله ولا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یجملہ ما فی السموات والارض وهو العزيز الحكيم قل ادعوا الى ما استمع نفوس الحزن فقالوا لانا سمعنا قرأنا عجبا لهدى الى الرشدا فاما بولس
فشرک برینا احد وانہ تعالیٰ حدیثا ما اتخذ صاحبہ ولا ولدا ولکن کان یقول سنبھا علی الله نسطھ

اس رسالے میں باب اول سے تا آخر باب پنجم جو آیات و ادعیہ و اعمال لکھے گئی ہیں صورت انکی اجازت
کی در سال نویں کو اس طرح پر ہی کہ آیات کتاب عزیز و احادیث سنن مطہرہ کی لیے اعمال و احتمال
میں ضرورت اجازت کی نہیں ہے اسلی کہ اسد و رسول کا کلام حسن مقصد و کام کی عمل میں آیا گیا ہوا
رعایت آداب و حسن عقار کی اثر کامل عاجلا و آجلا بخشی گا معذرت اجازت شک بالقرآن کی خود
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم ہی نص حدیث ترکت فیکم امرین لن تفضلوا ما متکم بها کتاب
و سنن و سولہ رواہ مالک فی الموطا مرسلات ثابت ہے اور یہی حدیث اجازت احتمال و احتمال
سنن پر بھی دلیل ہے بلکہ جتنے احادیث صحیحہ در بارہ اعتراف بالکتاب والسنۃ آئی ہیں اور کتب حدیث
میں لکھی ہوئی ہیں وہ سب دلیل ہیں اسی اجازت پر حدیث جابر میں مرفوعا آیا ہے خیل الحدیث
کتاب اللہ و خیر الہدیٰ ہدیٰ محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم الخ رواہ مسلم اور حدیث عرباض بن
ساریہ میں فرمایا ہے فعلمکم بسنتی و سنتہ الخلفاء الراشدین المہدیین تمسکوا بها و عضوا علیہا بالنوا
الحدیث رواہ احمد و اهل السنن لا النسائی یہ نص ہے شک بالنسۃ پر اور اجازت عامہ ہے عمل
بالحدیث پر اور حدیث ابراہیم غدری میں ارشاد کیا ہے عمل هذا العلم من کل خلف عدولہ ینفون
عنہم خیر فی الخالین و انفعال البطلین و تاویل الجاحلین رواہ البیہقی فی کتاب المدخل مرسل
اس حدیث میں حاملان علم قرآن و حدیث کو عدول و غیر ایہی اور نشان انکی عدل کا یہ فرمایا کہ وہ

ثانی ترفیع و اتحال و تاویل میں پس میں عالم میں یہ وصفت موجود ہو گا وہ زبان نبوت پر عدل ہو گا
 ہے اور جب وہ عادل بنے تو اس کا عمل سزا پائے نصف ہو گا و اللہ الحمد الحاصل قرآن و حدیث
 پر عمل کرنے میں کچھ احتیاج کسی کی اجازت کی نہیں یہ حدیث کا معنی ہونا کافی ہے اور جس عمل کی فضیلت
 یا تاخیر جس عمل کی حدیث میں آئی ہے اس کے پختہ اور پختہ ہونے اور دم کرنے یا کھنسنے سے ہر دو
 موجود ہوتا ہے اور ہر حکم ہے کہ جوابات ہر حضرت سے پہنچی ہم اس کو دوسری ملک سے طرح بلا کم و بیش
 پونہ چار دس چنانچہ حدیث ابن مسعود میں فرمایا ہے نصر اللہ علیہ السلام مقالہ فحفظہا و عطاوا حاکما
 فرب حامل فقه غیر فقیہ صاحب فقه فی حقہ من موافقۃ منہ الخ رواہ الشافعی و یحییٰ فی المدخل و
 رواہ احمد و الترمذی و ابن ماجہ و الداریمی عن زید بن ثابت و سرفظانکار قاضی و فضائلی
 امرہ سمع منا شیخنا فبلغہ کما سمعہ و رب مبلغ اوعی لعدو سامع رواہ الترمذی و ابن ماجہ و رواہ اللہ
 عن ابی الدرداء ان احادیث میں حکم تبلیغ کا فرمایا ہے یا امر شامل ہے ہر امر و نہی و موافقت و ذکر و طہر
 عمل کو و لہذا حدیث ابن عمر میں آیا ہے یبلغوا عنی و لایۃ رواہ البخاری و یحییٰ عن کسی کو کسی طرح کا نسخہ
 نہ بنائے اس کو خیر الناس کہا ہے اسی جو فوائد و منافع و ارفاق و در آخرت کے آیات و احادیث پر
 صحیح و ثابت ہوئی ہیں ان کو اس مکتبہ لکھا گیا اور بجا آوری تبلیغ کی عمل میں آئی ہے و لایۃ ترازی گنج مقصود
 گر اندر رسیدیم تو باری برسی و علاوہ اس کی علمای محدثین میں اہتمام سند و اجازت کتب سنن و طریقہ و بیجا
 و حدیث و مرجع و ما ثوری و ہر مکتبہ اجازت کتب صحاح و سنن و غیرہ کی مشائخ حدیث سے حاصل ہے تفصیل اس
 اجمال کی کتاب سلسلۃ السجود میں لکھی گئی ہے بانی وہ اعمال جو مشائخ طریقہ سے اس مکتبہ نقل کی گئی ہیں منجملہ
 انکی ایک کتاب الفوائد شیخ ابوالعباس احمد بن عبداللطیف شرمی حنفی رضی اللہ عنہ صاحب تحریر صحیح بخاری
 ہے انہوں نے یہ تحریر پیشہ پوری میں لکھی ہے شرمی اسانید علوم حدیث من میری شیخ الشیوخ بن سنن کتاب
 سنن ابی داؤد و جامع ترمذی و سنن ابی داؤد و شفاء قاضی عیاض و سلاح المؤمن و مشکوٰۃ المصابیح و بیجا

و غیر ذلک میں نام انکھن سند میں آتا ہی اسلی ایہ اعمال جو انکی کتاب لکھی ہیں داخل دائرۃ اجازت ہیں اور جو
اعمال کہ قول جمیل سے منقول ہیں انکی اجازت مستقل مولوی محمد یعقوب مہاجر کی سی حاصل ہے اور وہ اعمال جو
مرزا مظہر جان جانی سے نقل کی گئی ہیں وہ غالباً موافق قول جمیل یا موافق بعض احادیث ہیں الا ماشاء اللہ اور جو
روایک اعمال کتاب خزینۃ الاسرار سے حکایت کی ہیں انکی اجازت مجھ کو نہیں ہے لیکن وہ بھی دائرۃ اذن سے اعتبار
اخذ کی مشائخ صوفیہ سے خارج نہیں ہو سکتی ہیں اور جس صورت میں کہ تعامل اعمال کتاب سنت کا بلا اجازت حاصل
جائز ہے تو اعمال و عوام مشائخ کا بھی استعمال کرنا ممکن ہے گو اجازت ہوں یا اتنی بات درکار ہے کہ شیخ کا مرتبہ معلوم
ہو اور طریقہ مقررہ پر وہ عزیمت عمل میں لائی جائے ورنہ جب احتیاط و رعایت آداب کی طرف سے عازم و
معمول نہ کی نہیں ہوتی ہے تو بجز عمل کتاب سنت کا بھی اثر ظاہر نہیں ہوتا یہ قصود اپنی طرف کا ہی نہ دوسری
طرف کا اس سالی میں جبکہ اعمال لکھی گئی ہیں غالباً وہ مجربات ہیں قدما و علماء و مشائخ نے انکا تجربہ کیا ہے اور بعض کا
تجربہ مجھ کو بھی حاصل ہوا ہے اور ایسے اعمال جبکہ تجربے کا حال معلوم نہیں ہو وہ ایک فترت سے بھی نہیں آسکتی
ہیں ایسے انکا ذکر ترک کر دیا ہے اور طبع و تعاون و تعالیق و اذواق و عزائم جنکی صورت شرعی موافق
ظاہر سنت کی نہیں تھی گو نفس الامر میں جائز العمل و دافع الخلل ہوں انکو بھی چھوڑ دیا ہے اصح الصیح و
انفس نفیس و روح الروح کو اس جگہ ضبط کیا ہے میں ان اذعیہ و اعمال کی اجازت خاصہ نبی اولاد
و احفاد کو ذکر ائمانا و ائمانا دیتا ہوں کہ وہ اوقات حاجات میں ان اعمال کو اپنی اپنی اور اپنی اولاد کے لیے
ضرور عمل میں لایا کریں جس کسی مسلمان کو طرف انکی حاجت ہو اسکی یہ عمل کر دیا کریں کہ خیر الہا
من شیخ الناس اور ان اعمال کی قدر و قیمت سمجھیں انشاء اللہ تعالیٰ برکات و منافع عجائب انکو ظاہر ہوگی
و بالله التوفیق و هو المستعان و خیر فوق و خیر عوانا ان الحمد للہ رب العالمین و الصلاۃ والسلام علی
خیر خلقہ محمد و آلہ و صحابہ اجمعین روز یک شنبہ وقت نیم روز ایک ہفتہ کو اندر یہ سالہ ۱۹ صفر ۱۲۵۵ ہجری
کو ختم ہوا آمین اللہ لنا بالحق ان ختم اللہ بغيرنا فکل ما لیتہ عمل و تمت